



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة
والتسلیم

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



بررسی روابط دختر و پسر در ایران و راهکارهای اصلاحی آن

عبدالله جوان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی روابط دختر و پسر در ایران و راهکارهای اصلاحی آن

نویسنده:

عبدالله جوان

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	بررسی روابط دختر و پسر در ایران و راه‌کارهای اصلاحی آن
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	دیباچه
۱۲	پیش‌گفتار
۱۳	بخش اول: مقدمه
۱۳	فصل اول: کلیات
۱۳	۱. ضرورت و اهمیت بحث
۱۵	۲. اهداف پژوهش
۱۵	۳. پرسش‌های پژوهش
۱۵	اشاره
۱۵	پرسش‌های فرعی
۱۵	پرسش‌های فرعی
۱۶	پرسش‌های فرعی
۱۶	پرسش‌های فرعی
۱۶	۴. روش پژوهش
۱۶	۵. پیشینه پژوهش
۱۷	۶. کاربرد رسانه‌ای پژوهش
۱۷	فصل دوم: مقدمات محتوایی
۱۸	اشاره
۱۸	۱. گونه‌های رابطه با جنس مخالف
۱۸	اشاره
۱۸	الف) روابط معمول اجتماعی میان دو جنس

- ب) روابط مبتنی بر پیوندخواهی جنسی ۱۹
۲. ویژگی‌های غریزه جنسی ۱۹
- اشاره ۱۹
- الف) قدرت غریزه ۱۹
- ب) رابطه غریزه جنسی با تشکیل خانواده و تولیدمثل و تأثیر آن در تنظیم اجتماع ۲۰
- ج) تحریک‌پذیری زیاد ۲۰
- د) پیوند غریزه با عاطفه ۲۱
- ه) امکان تبدیل شدن به بیماری و برهم زدن تعادل زندگی ۲۱
- و) تفاوت نیاز جنسی در مرد و زن ۲۲
۳. ملاحظه‌هایی در تنظیم روابط ۲۳
- بخش دوم: روابط از دیدگاه اسلام ۲۴
- اشاره ۲۴
- فصل اول: آسیب‌شناسی انواع رابطه ۲۴
- اشاره ۲۴
۱. رابطه مبتنی بر پیوندخواهی جنسی (روابط جنسی) ۲۴
۲. روابط معمول اجتماعی ۲۵
- فصل دوم: دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌های کلی ۲۶
- اشاره ۲۶
۱. توجه به سعادت دنیا و آخرت ۲۶
۲. توجه به کرامت انسانی و نفی تلقی حیوانی از انسان ۲۷
۳. تأکید بر حرمت شخصیت زن و پرهیز از نگاه ابزاری به او ۲۸
۴. توجه به واقعیت‌های وجودی زن و مرد (نیازها، گرایش‌ها و اقتضائات) ۳۰
۵. جهت‌دهی صحیح و سالم‌سازی روابط اجتماعی ۳۲
- فصل سوم: سالم‌سازی روابط اجتماعی و کاهش محرک‌های جنسی خارج از محدوده روابط زوجین ۳۳

- ۳۳ اشاره
- ۳۳ ۱. مراقبت‌های لازم در روابط خانوادگی
- ۳۵ ۲. روحیه حیا، عفت و بزرگواری و احترام متقابل
- ۳۸ ۳. حجاب و نهی از هرگونه خودآرایی و رفتار تحریک‌آمیز
- ۴۰ ۴. نگاه به نامحرم، خلوت با نامحرم و اختلاط‌های غیرضروری
- ۴۲ ۵. غیرت‌ورزی مردان
- ۴۴ ۶. امر به معروف و نهی از منکر و مجازات فحشا
- ۴۴ فصل چهارم: نظریه‌های مربوط به حضور دختران و زنان در اجتماع
- ۴۵ اشاره
- ۴۵ ۱. نظریه اضطراب
- ۴۵ ۲. نظریه اختلاط
- ۴۵ اشاره
- ۴۵ نقد و بررسی
- ۴۷ ۳. نظریه معروف
- ۴۹ فصل پنجم: دیدگاه اسلام درباره رابطه‌های دوستانه میان دختر و پسر
- ۵۱ فصل ششم: راه‌کارهای مشروع برقراری روابط جنسی در اسلام
- ۵۱ اشاره
- ۵۲ ۱. ازدواج دایم و اهمیت آن
- ۵۳ ۲. سن مناسب برای ازدواج
- ۵۴ بخش سوم: تنظیم روابط در غرب
- ۵۴ اشاره
- ۵۴ ۱. رویکردهای رایج در قرون وسطا و دوره رنسانس
- ۵۶ ۲. رویکردهای رایج در عصر حاضر
- ۵۸ ۳. زمینه‌های اثرگذار بر شکل‌گیری نظام رفتار جنسی در غرب

- ۵۸ اشاره
- ۵۸ الف) تضعیف باورهای دینی و نسبی شدن دین و اخلاق
- ۵۸ ب) فردگرایی، دنیامحوری و اصالت سود و لذت
- ۵۹ ج) فمینیسم و رواج اندیشه تساوی زن و مرد
- ۵۹ د) باورها و سنت‌های غلط در قرون وسطا
- ۶۰ ه) نبود قوانین مذهبی و رسمی و هنجارهای اخلاقی ضابطه‌مند
- ۶۱ و) صنعتی شدن جوامع
- ۶۱ ز) گسترش سرمایه‌داری و مصرف‌گرایی
- ۶۱ اشاره
- ۶۱ نقد و بررسی
- ۶۳ ۴. تفاوت‌های اصلی نظام رفتار جنسی در اسلام و غرب
- ۶۳ بخش چهارم: روابط در جامعه ایران و راه‌کارهای اصلاحی آن
- ۶۳ اشاره
- ۶۳ فصل اول: روابط در جامعه ایران
- ۶۳ اشاره
- ۶۴ ۱. روابط در دوره‌های گذشته
- ۶۴ اشاره
- ۶۴ الف) ایران پیش از اسلام
- ۶۴ ب) از صدر اسلام تا اواسط دوره قاجار
- ۶۵ ج) از اواخر دوره قاجار تا پیروزی انقلاب اسلامی
- ۶۶ د) پس از پیروزی انقلاب اسلامی
- ۶۸ ۲. روابط در جامعه امروز ایران
- ۶۸ اشاره
- ۶۸ الف) هنجارهای اسلامی در برخوردهای اجتماعی

- ۶۸ اشاره
- ۶۸ یک - وضعیت پوشش و آرایش
- ۷۰ دو - وضعیت اختلاط میان زن و مرد در جامعه
- ۷۱ سه - فرهنگ حاکم بر روابط اجتماعی میان دو جنس
- ۷۵ (ب) بررسی وضعیت روابط جنسی
- ۷۶ (ج) مشکلات فراروی ازدواج جوانان
- ۷۶ اشاره
- ۷۷ یک - طولانی شدن دوره تحصیل، افزایش سن استقلال اقتصادی و مشکل گذران زندگی
- ۷۷ دو - افزایش سطح توقع جامعه و رواج هزینه‌های اضافی
- ۷۸ سه - پی‌آمدهای گسترش شهرنشینی
- ۷۸ چهار - رواج فرهنگ غرب
- ۷۹ پنج - بر هم خوردن توازن جمعیتی میان دختران و پسران آماده ازدواج
- ۷۹ (د) بررسی وضعیت دختران و پسران در فاصله بلوغ تا ازدواج
- ۸۰ (ه) رفتارهای نوجوانان و جوانان در فاصله بلوغ تا ازدواج
- ۸۰ اشاره
- ۸۱ یک - خود نگرانی و پرهیز از رابطه با جنس مخالف
- ۸۱ دو - دوستی‌ها و رابطه‌های پنهانی
- ۸۳ سه - دوستی‌ها و رابطه‌های آزاد
- ۸۴ چهار - رفتارهای غیرطبیعی و ارضاهای بدلی
- ۸۵ (و) تحریک‌های موجود در جامعه
- ۸۶ ۳. آسیب‌شناسی نظام رفتار جنسی در جامعه ایران
- ۸۶ اشاره
- ۸۷ الف) مشکلات روحی و روانی
- ۸۷ (ب) دین‌گریزی و اثرپذیری از دشمنان نظام اسلامی

- ج) دور شدن از خانواده‌ها و ناسازگاری با والدین ۸۸
- د) افتادن در دام کام‌جویی‌های بدلی ۸۸
- ه) رواج بدحجابی، مزاحمت‌های خیابانی و دیگر ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی ۸۸
- و) اعتیاد، مشروبات الکلی و بزه‌کاری‌های مختلف بر اثر ناکامی‌ها و مشکلات روحی ۸۸
- ز) مهاجرت به خارج از کشور ۸۹
- ح) فرار دختران و پسران ۸۹
- ط) آلوده شدن به رابطه‌های نامشروع و فسادهای اجتماعی گوناگون ۸۹
- فصل دوم: راه‌کارهای اصلاحی ۹۰
- اشاره ۹۰
۱. اساسی‌ترین راه‌کارهای اصلاحی ۹۰
- اشاره ۹۰
- الف) نهادینه کردن باورها و هنجارهای اسلامی در افراد و گسترش فرهنگ اسلامی در جامعه ۹۰
- ب) آگاهی از فرهنگ غرب و شناخت نقاط قوت و ضعف آن ۹۱
- ج) بسترسازی مناسب برای ازدواج دختر و پسر ۹۱
- د) بستر سازی برای روابط مشروع میان دختر و پسر ۹۲
- اشاره ۹۲
- آسان‌سازی ازدواج در سنین پایین ۹۲
۲. نقش گروه‌ها و نهادهای اثرگذار ۹۴
- اشاره ۹۴
- الف) خانواده ۹۵
- ب) گروه دوستان و همسالان ۹۶
- ج) مدرسه و دانشگاه ۹۶
- د) رسانه‌ها ۹۶
- ه) نهادهای حکومتی ۹۷

- بخش پنجم: همراه با برنامه‌سازان ۹۷
- اشاره ۹۷
۱. بررسی جهت‌گیری‌های کلی رسانه در زمینه روابط دختر و پسر ۹۸
- اشاره ۹۸
- نقد و بررسی ۹۸
۲. محورهای اصلی در سیاست‌گذاری‌های کلان ۱۰۰
۳. ارزیابی برنامه‌های رسانه ۱۰۰
۴. پیشنهادهای برنامه‌ای ۱۰۲
۵. پرسش‌های مردمی ۱۰۴
۶. پرسش‌های کارشناسی ۱۰۵
- کتاب‌نامه ۱۰۶
- اشاره ۱۰۶
- کتاب ۱۰۶
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۰۹

بررسی روابط دختر و پسر در ایران و راهکارهای اصلاحی آن

مشخصات کتاب

سرشناسه: جوان، عبدالله عنوان و نام پدیدآور: بررسی روابط دختر و پسر در ایران و راهکارهای اصلاحی آن / عبدالله جوان؛ تهیه کننده مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما. مشخصات نشر: قم: دفتر عقل ۱۳۸۷. مشخصات ظاهری: ۲۶۲ ص. فروست: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۲۹۰ شابک: ۳۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۱۲-۸: یادداشت: عنوان روی جلد: بررسی روابط دختر و پسر در ایران. یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۵۵] - ۲۶۲؛ همچنین به صورت زیرنویس. عنوان روی جلد: بررسی روابط دختر و پسر در ایران. موضوع: جوانان--ایران--اخلاق موضوع: جوانان و اسلام موضوع: جوانان -- ایران موضوع: جوانان -- مسائل اجتماعی و اخلاقی موضوع: جوانان و اسلام--ایران موضوع: امور جنسی -- جوانان -- اخلاق موضوع: اسلام و مسائل جنسی موضوع: جوانان -- راه و رسم زندگی شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش‌های اسلامی رده بندی کنگره: HQ۷۹۹/ج۹ب۴ ۱۳۸۷ رده بندی دیویی: ۶۴۹/۱۲۵ شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۸۲۰۱۹

دیباچه

درباره روابط زن و مرد و دختر و پسر برداشت‌های گوناگونی از آموزه‌های اسلام وجود دارد. برخی به حضور حداقلی زن در اجتماع و محدود بودن روابط زن و مرد فتوا می‌دهند و عده‌ای، با سفارش زنان و دختران به حضور بیشتر در محیط‌های اجتماعی، آنان را به تحصیل، کار و روابط اجتماعی بیشتر تشویق می‌کنند. گروهی دیگر با عنوان حمایت از حقوق زنان، به ترویج هنجارهای غربی و تبلیغ لزوم اختلاط دختران و پسران می‌پردازند. با توجه به آنچه گفته شد، اهمیت پرداختن به این موضوع و تبیین دیدگاه اسلام درباره روابط زن و مرد پاسخ به پرسش‌هایی در این زمینه ضروری می‌نماید. این پژوهش به موضوع‌هایی مانند ارتباط میان دختر و پسر، نمونه‌های تاریخی، بایسته‌های موضوع، نگاه دینی و غیردینی به این موضوع و تبیین راه کارها در این زمینه می‌پردازد. گروه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما از پژوهشگر ارجمند، جناب آقای عبدالله جوان که این پژوهش را به سامان رسانده است، سپاس‌گزاری می‌کند و امیدوار است ره‌آورد این اثر برای اصحاب رسانه و برنامه‌سازان ارجمند، سودمند باشد. آنه ولی التوفیق گروه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی اداره کل پژوهش مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

انسان‌ها در زندگی اجتماعی خود ناگزیرند با یکدیگر معاشرت کنند. زن و مرد نیز به دلیل گرایش‌های ویژه عاطفی و غریزی موجود در نهاد انسان، نوع خاصی از روابط میان‌نشان حاکم است که برقراری درست آن، تأثیر بسیاری در سلامت فرد و جامعه دارد. از سویی با توجه به تفاوت تمدن‌ها و جوامع درباره اموری چون تشکیل خانواده و تولید مثل، هنجارهای ویژه‌ای در این باره در نظر گرفته می‌شود. اسلام نیز در جایگاه راهنمای بشر در حیات فردی و اجتماعی، آموزه‌ها و ضابطه‌هایی برای شکل‌دهی برتر به روابط زن و مرد دارد که آگاهی از آنها وظیفه شرعی مسلمانان است. در این میان، روابط دختران و پسران حساسیت‌های دارد و جهات خاصی در زمینه این روابط و چگونگی آن باید مورد توجه قرار گیرد. در جامعه ایران پس از دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی، به مسائل مربوط به روابط دختر و پسر، و تنظیم صحیح این روابط بیش از پیش پرداخته شده است و سیاست‌گذاران فرهنگی و

نهادهای فرهنگ‌ساز از جمله صدا و سیما وظیفه دارند شناخت کافی و همه‌جانبه‌ای در این باره به دست آورند. در این پژوهش همت نگارنده بر این بوده است نخست نظر اسلام را درباره روابط دختر و پسر و حدود و ضابطه‌های آن در حوزه ارتباطات اجتماعی و نیز ارتباط شخصی تبیین کند، اما از آن‌جا که بحث روابط دختر و پسر، به عنوان زیرمجموعه روابط زن و مرد ارزیابی می‌شود، به جز در مواردی که اسلام درباره رابطه دختران و پسران جوان رهنمودهای ویژه‌ای دارد، این مسئله با عنوان کلی بررسی روابط میان دو جنس، مطرح شده است. نیز در این اثر، رویکردها و دیدگاه‌های رایج و مطرح در غرب در زمینه تنظیم روابط میان دو جنس بررسی و همچنین وضعیت روابط زن و مرد و دختر و پسر در جامعه ایران و راهکارهای اصلاح آن بیان می‌شود. در نهایت، به نقش و عملکرد رسانه در فرهنگ‌سازی در زمینه اصلاح روابط و تنظیم درست روابط بر اساس جهت‌گیری‌ها و آموزه‌های اسلامی توجه شایانی شده و پیشنهادهایی نیز ارائه شده است. امید است که بتوانیم در راه پیشبرد فرهنگ اسلامی در جامعه تأثیرگذار باشیم.

بخش اول: مقدمه

فصل اول: کلیات

۱. ضرورت و اهمیت بحث

جامعه انسانی از همان آغاز شکل‌گیری، مجموعه‌ای تشکیل یافته از دو جنس زن و مرد بوده است. همه انسان‌ها با هم تعامل دارند و بدون ارتباط با یکدیگر نمی‌توانند بسیاری از نیازهایشان را برطرف سازند. ارتباط زن و مرد - جدای از عواملی که موجب ارتباط همه افراد بدون در نظر داشتن جنسیت آنها است - عوامل و انگیزه‌های ویژه‌ای دارد که از عواطف و غریزه‌های انسانی ریشه می‌گیرد و زمینه‌ساز شکل‌گیری نوع خاصی از روابط میان این دو جنس است. نقش روابط زن و مرد در شکل‌گیری نهاد مهم خانواده و پیوند آن با بقای نسل و دیگر مسائل اساسی زندگی انسان که در بقا و سلامت فرد و اجتماع نقش حیاتی دارند، حساسیت ویژه‌ای را درباره چگونگی تنظیم این روابط پدید می‌آورد. از این رو، در تمدن‌ها و جامعه‌های مختلف، هنجارهای خاصی برای تنظیم این روابط در نظر گرفته شده است. اسلام نیز به عنوان کامل‌ترین راهنمای بشر در زندگی فردی و اجتماعی، آموزه‌های خاصی برای تنظیم روابط زن و مرد دارد که شناخت این آموزه‌ها برای هر فرد مسلمان لازم است. در این میان، روابط دختران و پسران حساسیت‌های ویژه‌ای دارد و درباره این روابط و چگونگی آن باید بررسی‌های دقیق‌تری صورت بگیرد. در زمینه موضوع این پژوهش، یعنی روابط دختر و پسر در جامعه ایران، توجه به برخی نکته‌ها ضرورت اساسی دارد. فرهنگ حاکم در جامعه ایرانی پیش از رژیم پهلوی، فرهنگی با هنجارهای معین و تعریف شده بود، ولی از اواخر حکومت قاجار و به ویژه پس از حاکمیت سلسله پهلوی، تلاش‌های زیادی برای تغییر فرهنگ ملی و جای‌گزین کردن هنجارهای غربی به جای سنت‌ها و هنجارهای مرسوم جامعه ایرانی صورت پذیرفت که اگر چه با مقاومت جامعه اسلامی ایران روبه‌رو شد، ولی در عمل، نوعی التقاط، ناهم‌گونی و بی‌نظمی و تضاد را بر فرهنگ ایرانی تحمیل کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و جهت‌گیری جامعه و مسئولان به سمت حاکم ساختن فرهنگ اسلامی بر شئون مختلف زندگی، بسیاری از هنجارهای وارداتی و تحمیل شده بر فرهنگ کشور اصلاح شد. با این حال، هنوز آثار منفی سال‌ها هنجارشکنی در مبارزه با فرهنگ ملی به ویژه در روابط زن و مرد و دختر و پسر به چشم می‌خورد که باید در اصلاح آنها کوشید. پس از انقلاب اسلامی، هرچند دیگر حکومتی که از درون کشور اجراکننده برنامه‌های استعمار غربی باشد، وجود ندارد، ولی غرب با سلطه بر مراکز فرهنگ‌سازی در دنیا، بهره‌گیری از تمامی ابزارهای تکنولوژیک و برنامه‌ریزی دقیق، در پی تغییر فرهنگ ملی کشورها به سود خود است. در این میان، محسوس‌ترین نقطه تضاد فرهنگ اسلامی با فرهنگ غرب به‌ویژه

فرهنگ آمریکایی که در پی سیطره کامل بر دنیا است، موضوع ارتباط زن و مرد و دختر و پسر است. البته اختلاف درباره چگونگی روابط دختر و پسر در این دو فرهنگ، در مبانی فکری عمیق‌تری ریشه دارد، ولی به هر حال، یکی از آشکارترین نقاط تضاد فرهنگ غرب با فرهنگ اسلامی و کارآمدترین حربه تهاجم فرهنگی غرب به‌ویژه در مورد جوانان مسلمان، همین موضوع است. این تهاجم بیش از همه، بر جوانان ایرانی، یعنی نسل سوم انقلاب که از هدف‌های عالی انقلاب آگاهی کمتری دارند، اثر گذاشته است. امروزه، جوانان ایرانی از سویی با گسترش بی‌سابقه ابزارهای اطلاع‌رسانی و تجربه فضای فرهنگی مبتنی بر تساهل و تسامح، همواره در رویارویی با مظاهر مختلف فرهنگ غربی، فرهنگ جامعه اسلامی را در تضاد با فرهنگ حاکم بر جهان می‌بینند. حتی در این میان، گروهی از این جوانان به فرهنگ حاکم بر جامعه با نگاه فرهنگی تحمیلی و تکلیف‌شده از سوی حکومت می‌نگرند که به محدود شدن آزادی‌های جوانان می‌انجامد. این احساس محرومیت، خواه واقعی باشد یا کاذب، به دور شدن این دسته از جوانان از دین و نظام اسلامی و خانواده کمک می‌کند و از سوی دیگر، جامعه به تعبیری دوران گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن را تجربه می‌کند که زمینه‌ساز دگرگونی در برخی هنجارها و قالب‌های رفتاری است به‌ویژه اگر در مبنا و مدل توسعه که برای جامعه تدوین می‌شود، همان مبانی و مدل‌های توسعه رایج در دنیا - که مبتنی بر نظام سرمایه‌داری است - اجرا شود و در عین حال، بر مظاهر فرهنگ اسلامی نیز تأکید گردد. این امر، خواه ناخواه نوعی ناهماهنگی در ارزش‌ها و هنجارها و ناهم‌گونی فرهنگی را در پی دارد که یکی از جلوه‌های این تضاد، در روابط میان دختران و پسران دیده می‌شود. افزون بر این، پس از انقلاب، برداشت‌های گوناگونی از آموزه‌های اسلام درباره روابط زن و مرد و دختر و پسر و چگونگی آن در جامعه به وجود آمد. برخی با تکیه بر نگرشی که در قرن‌های متمادی در جامعه ایران رواج داشت، به حضور حداقل زن در اجتماع و محدود بودن روابط زن و مرد باور دارند. گروهی دیگر، با سفارش زنان و دختران به حضور بیشتر در محیط‌های اجتماعی، آنان را به تحصیل، کار و اموری که مستلزم ارتباط با مردان است، تشویق می‌کنند و این امر را از امتیازهای زنان و دختران مسلمان برمی‌شمارند. گروه‌هایی نیز با عنوان حمایت از حقوق زنان و با روش بازسازی برخی نظریه‌های علمی روان‌شناسان غربی، در عمل، به ترویج هنجارهای غربی و تبلیغ لزوم اختلاط دختران و پسران می‌پردازند. در کنار همه این مسائل، باید دانست ایران از نظر جمعیتی، دومین کشور جوان در دنیا است و از نظر جمعیت افراد ۱۵ تا ۱۹ سال نسبت به کل جمعیت، رتبه نخست را در دنیا دارد. ۱۰۰٪ بالا رفتن سن ازدواج در ایران نیز موجب شده است انبوهی از دختران و پسران جوان و مجرد در کشور وجود داشته باشند. بسیاری از این جوانان، دختران و پسران دانشجویی هستند که دست کم در محیط دانشگاه، مجبورند ارتباط نسبتاً مستمری با جنس مخالف خود، داشته باشند. پس از پایان تحصیل نیز دختران به کار در محیط‌های بیرون خانه و حضور در اجتماع علاقه دارند که میزان ارتباط آنان با مردان را افزایش می‌دهد. از آنچه گفته شد، به خوبی ضرورت تبیین نظر اسلام درباره چگونگی روابط زن و مرد به‌ویژه روابط دختران و پسران و پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح در این زمینه روشن می‌شود. نتایج یک نظرسنجی با عنوان «مهم‌ترین موضوع مورد علاقه دانشجویان در جلسه‌های پرسش و پاسخ» که در چند دانشگاه کشور صورت گرفت، نشان داد که از میان چهل موضوع که احتمال داده می‌شد مورد علاقه دانشجویان باشد، بالاترین بسامد، مربوط به موضوع ارتباط دختر و پسر بود و با موضوع دوم، فاصله بسیار چشم‌گیری داشت. ۲۰٪ این امر، از وجود ابهام‌ها و پرسش‌های جدی در این مورد خبر می‌دهد. افزون بر حساسیت‌های سنتی موجود در جامعه ایران درباره روابط دختران و پسران، رواج برخی ناهنجاری‌ها و نمودار شدن تضادهای هنجاری در این زمینه به‌ویژه در سال‌های اخیر، زمینه نگرانی خانواده‌ها، مسئولان مدرسه‌ها و دیگر مراکز آموزشی و فرهنگی را پدید آورده است. گفتنی است موضوع رابطه زن و مرد و دختر و پسر، مقوله‌ای فرهنگی است که بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در جامعه تنظیم می‌شود و رسانه‌ها به‌ویژه صدا و سیما نیز در فرهنگ‌سازی برای آن، نقشی انکارناپذیر دارند. از این رو، آشنایی دست‌اندرکاران رسانه ملی با ارزش‌های اسلامی و نیز واقعیت‌های موجود در زمینه روابط دختر و پسر، ضروری است. ۲. نک: مقاله «تحلیلی بر روابط دختران و پسران»، مجموعه مقالات

هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، دفتر تحقیقات و مطالعات زنان، قم، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۶۷۴.

۲. اهداف پژوهش

در این پژوهش برآنیم که نخست، نظر اسلام را درباره حدود، ضوابط و هنجارهای اسلامی در زمینه روابط دختر و پسر تبیین کنیم. از آن‌جا که بحث روابط دختر و پسر، در زیرمجموعه بحث کلی روابط زن و مرد قابل ارزیابی است و در بسیاری موارد، جداکردن این دو از هم معنا ندارد - جز در مواردی که اسلام در زمینه رابطه دختران و پسران جوان رهنمودهای ویژه‌ای دارد - این بحث را به صورت کلی و با عنوان بررسی روابط میان جنس مرد و زن مطرح کرده‌ایم. همچنین کوشیده‌ایم تصویری از نظام رفتاری اسلام درباره رابطه دو جنس در زمینه رفتارهای جنسی به معنای خاص آن و رفتارهای اجتماعی میان زن و مرد ترسیم کنیم. در ادامه، نگاهی اجمالی به رویه‌ها و نظریه‌های مطرح در غرب درباره تنظیم روابط میان دو جنس خواهیم داشت. در این زمینه، نظام رفتاری حاکم بر غرب و مبانی و علل شکل‌گیری آن را بررسی می‌کنیم تا تفاوت‌های آن با نظام رفتاری اسلام روشن‌تر شود. سپس از وضعیت روابط زن و مرد و دختر و پسر در جامعه ایران و راه‌کارهای اصلاح آن سخن می‌گوییم. در این راستا، با اشاره به رویکردهای حاکم بر تنظیم روابط در دوره‌های گذشته، وضعیت موجود روابط در جامعه ایران بررسی می‌شود و نقاط قوت و ضعف و سازگاری یا ناسازگاری آن را با آموزه‌های اسلام تبیین می‌کنیم. آن‌گاه راه‌کارهای اصلاحی را به منظور رسیدن به وضع مطلوب اسلامی با توجه به شرایط موجود، بررسی خواهیم کرد. در پایان نیز نقش رسانه را در زمینه فرهنگ‌سازی برای اصلاح و تنظیم درست روابط دختر و پسر بر اساس جهت‌گیری‌های اسلامی، تبیین و با ارزیابی عملکرد رسانه در این حوزه، پیشنهادها و اصلاحی خود را در این زمینه بیان می‌کنیم.

۳. پرسش‌های پژوهش

اشاره

به تناسب هدف‌های اساسی که برای پژوهش بیان شد، چهار پرسش اصلی در این اثر مطرح می‌شود و پرسش‌های فرعی مختلفی نیز درباره آن چهار پرسش اصلی، قابل طرح است که به ترتیب بیان می‌کنیم: ۱. دیدگاه‌ها و آموزه‌های دین مبین اسلام درباره روابط زن و مرد و دختر و پسر چیست؟

پرسش‌های فرعی

- دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌های کلی اسلام در زمینه این روابط چیست؟ - انواع روابط از نظر اسلام کدام است؟ - اسلام چه نوع روابطی را توصیه می‌کند؟ - راه‌کارهای اسلام برای تنظیم روابط جنسی به معنای خاص آن چیست؟ - احکام اسلامی برای تنظیم روابط معمول اجتماعی میان دو جنس چیست؟ ۲. الگوهای رفتاری مطرح در زمینه تنظیم روابط در دنیای غرب کدام است؟

پرسش‌های فرعی

- ویژگی فرهنگ غرب در این زمینه در دوران‌های مختلف به ویژه در دوران معاصر چیست و زمینه‌های شکل‌گیری این فرهنگ کدام است؟ - نظریه‌های مطرح درباره تنظیم این روابط چیست و نقاط قوت و ضعف و پی‌آمدهای آنها کدام است؟ ۳. رویکردهای

مختلف جامعه ایرانی در این زمینه چه بوده است و هنجارها و ناهنجاری‌های موجود در زمینه روابط مرد و زن و میزان فاصله آن با نظام رفتاری اسلام چیست و راه کارهای اصلاحی آن کدامند؟

پرسش‌های فرعی

- رویکردهای رایج در زمینه این روابط در دوره‌های گذشته تاریخ ایران چگونه بوده است؟ - در جامعه کنونی ایران، به چه ضوابطی در روابط اجتماعی معمول میان دو جنس بیشتر توجه می‌شود؟ - چه هنجارهایی در زمینه روابط جنسی به معنای خاص مورد توجه است؟ - وضعیت ازدواج در ایران چگونه است؟ - دختران و پسران در فاصله میان بلوغ و ازدواج چه نوع رفتارهایی را در رابطه با یکدیگر دارند و چه گرفتاری‌هایی در این زمینه وجود دارد؟ - وضعیت موجود در جامعه، با نظام رفتاری اسلام، از چه نظر و به چه میزان فاصله دارد؟ - راه کارهای کاهش مشکلات و نزدیک شدن به وضع مطلوب کدام است؟ ۴. وظیفه و نوع عملکرد رسانه در این زمینه و راه کارهای بهبود آنها کدام است؟

پرسش‌های فرعی

- نقش و وظیفه رسانه در زمینه موضوع مورد بررسی چیست؟ - نقاط قوت و ضعف در عملکرد رسانه در این زمینه کدامند؟ - چه راه کارهای اصلاحی و پیشنهادی کاربردی در این زمینه قابل طرح است؟

۴. روش پژوهش

در این پژوهش، بیشتر از روش کتاب‌خانه‌ای استفاده شده است، ولی چون از راه تحلیل داده‌ها، در تبیین دیدگاه‌ها و ارائه راه کارهای اصلاحی کوشیده‌ایم، می‌توان پژوهش را تحلیلی - تبیینی دانست. همچنین از آن‌جا که به توصیف وضع حال و گذشته روابط بین زن و مرد و گردآوری داده‌های موجود در این زمینه پرداخته‌ایم، می‌توان آن را تألیفی - توصیفی دانست.

۵. پیشینه پژوهش

درباره روابط میان دو جنس به ویژه روابط میان دختران و پسران جوان و الگوی مناسب در این زمینه، روان‌شناسان، زیست‌شناسان، معلمان اخلاق و عالمان دین، هر کدام بر اساس دیدگاهی خاص، بحث‌هایی را مطرح کرده‌اند که بسیار متفاوت و گاه متضاد است. در زمینه راه کارهای اصلاح این گونه روابط در جامعه ایران و حتی راه کارهای اسلامی اصلاح روابط نیز اختلاف نظرهای مهمی در میان صاحب نظران به چشم می‌خورد. در زمینه اخلاق جنسی از نگاه اسلام و تبیین دیدگاه‌های اصلی اسلام در مورد روابط زن و مرد، شاید بتوان گفت مهم‌ترین و اثرگذارترین کتاب‌هایی که در آنها به نوعی نظام رفتار جنسی اسلامی ترسیم شده است، کتاب‌های استاد شهید مرتضی مطهری رحمه‌الله، مانند مسئله حجاب، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب و نظام حقوق زن در اسلام است که دیگران در آثار خود از این کتاب‌ها بسیار اثر پذیرفته‌اند. ریشه بسیاری از اندیشه‌های شهید مطهری رحمه‌الله را نیز در اندیشه‌های علامه طباطبایی رحمه‌الله و تفسیر ارزشمند المیزان می‌توان جست‌وجو کرد. بیشتر کتاب‌های روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی جنسی نیز با رویکرد غربی و نه اسلامی، به روابط دختران و پسران پرداخته‌اند. برای آگاهی از داده‌های آماری و تحلیل علمی این داده‌ها، مراجعه به مجموعه کتاب‌های گزارش ملی جوانان که سازمان ملی جوانان منتشر کرده است، مفید خواهد بود. در اینجا مناسب است برای آگاهی علاقه‌مندان، به شماری از کتاب‌هایی که جداگانه به بحث روابط دختر و پسر در جامعه اسلامی

ایران پرداخته‌اند، اشاره‌ای داشته باشیم: الف) تحلیلی بر روابط دختر و پسر در ایران، نوشته دکتر علی‌اصغر احمدی که آن را انتشارات انجمن اولیا و مربیان منتشر کرده است. این کتاب پنج فصل دارد. مهم‌ترین عنوان‌های این کتاب چنین است: ضرورت‌های بحث از روابط دختر و پسر؛ انواع برخوردهای اجتماعی میان دختر و پسر در جامعه امروز؛ عوامل پدیدآورنده برخوردهای نامطلوب میان دختران و پسران؛ وضعیت مطلوب در روابط دختر و پسر؛ دوستی‌های دختران و پسران. والدین و مربیان و دست‌اندرکاران امور فرهنگی و تربیتی، مخاطب اصلی این کتاب هستند. ب) رابطه دختر و پسر به قلم وهاب دانش‌پژوه؛ ج) رابطه دختر و پسر در جامعه امروز، نوشته نیاز جاودانی؛ د) رابطه دختر و پسر در جامعه کنونی، نوشته نسرين علم مهرجردی. در این کتاب نیز انواع روابط، انگیزه‌ها، عوامل و زمینه‌های پیدایش روابط نامطلوب میان دختران و پسران و پی‌آمدهای ناشایست ناشی از بی‌بندوباری‌ها و روابط نامشروع، بررسی و حدود شرعی و عرفی در زمینه ارتباط زن و مرد تبیین شده است. همچنین در برخی موارد، برخی توصیه‌های تربیتی برای جلوگیری از ایجاد روابط ناسالم و آسان شدن ازدواج جوانان و... آمده است. ه) مرزها در روابط دختران و پسران، نوشته دکتر علی قائمی که به بیان پی‌آمدهای منفی روابط ناسالم و توصیه‌های تربیتی و بیان حدود و ضوابط شرعی و عرفی این روابط پرداخته است. مخاطب این کتاب، خود جوانان هستند. و) روابط اجتماعی دختران و پسران، چرا و چگونه؟ به قلم علی آذرتاج. نویسنده در این کتاب و کوشیده است نظریه خاصی را مبنی بر اینکه روابط و دوستی‌های عاطفی و انسانی میان دختر و پسر ملازمه‌ای با روابط جنسی و غریزی ندارد، ارائه دهد و جوانان را به روی آوردن به نوع اول و دوری از نوع دوم روابط توصیه کند. ز) جوانان و روابط، نوشته ابوالقاسم مقیمی حاجی. این کتاب را که مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه منتشر کرده است، چهار فصل با عنوان‌های زیر دارد: زیربنای روابط؛ ارتباط چرا و چگونه؛ احکام روابط؛ آثار و پی‌آمدهای روابط. در این کتاب، افزون بر موضوع‌های بحث شده در کتاب‌های پیشین، به برخی شبهه‌ها و پرسش‌های جوانان در مورد روابط دختر و پسر در جامعه پاسخ‌های اجمالی داده شده است. ح) مقاله «تحلیلی بر روابط دختران و پسران دانشجو» که مقاله‌ای علمی و قابل توجه است و در مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان چاپ شده است. در این مقاله، نخست، نتایج یک نظرسنجی از تعدادی دانشجویان در مورد مشکلاتشان بررسی شده است. در قسمت دوم، دو نظریه در مورد میزان و چگونگی روابط دختر و پسر در محیط‌های اجتماعی با عنوان «نظریه اضطرار» و «نظریه اختلاط» بررسی و نقد شده‌اند. سپس نظریه نگارنده با عنوان «نظریه معروف» ارائه شده است. این موارد نوشتارهایی هستند که به طور مستقل و در حد آگاهی نگارنده به این موضوع پرداخته بودند و معرفی آنها به معنای احصاء همه کتاب‌ها و تحقیقات موجود و مرتبط با موضوع نیست. در این پژوهش، تلاش می‌شود به جنبه‌هایی از موضوع پرداخته شود که جنبه زیربنایی دارند و در بسیاری از کتاب‌ها از آنها غفلت شده است؛ مسائلی مانند: رویکردهای کلی تنظیم روابط در اسلام، شرایط و جهت‌گیری‌های کلی موجود در جامعه فعلی و تفاوت‌های آن با دوران‌های گذشته تاریخ ایران و دوران معصومین علیهم‌السلام، بررسی متعادل بودن یا نبودن نظام رفتاری موجود در جامعه در ارتباط با جنس مخالف و راه کارهای اصلاحی زیربنایی.

۶. کاربرد رسانه‌ای پژوهش

در این پژوهش، گاه پیشنهادهای کاربردی و برنامه‌ای نیز وجود دارد، ولی در کل پژوهش برای سیاست‌گذاران صدا و سیما و در جهت دادن دیدگاه اصولی به مدیران و برنامه‌سازان رسانه درباره این گونه روابط از نظر اسلام و راه کارهای اصلاح آن در جامعه ایرانی سودمند است.

فصل دوم: مقدمات محتوایی

اشاره

۱. گونه‌های رابطه با جنس مخالف

اشاره

مهم‌ترین مسئله برای مفهوم‌شناسی در موضوع پژوهش، شناخت انواع رابطه میان دو جنس است؛ زیرا واژه رابطه، معنایی روشن دارد و از تعریف بی‌نیاز است، ولی آنچه موجب می‌شود روابط میان زن و مرد، آثار و احکام گوناگونی داشته باشد، ویژگی‌های انواع روابط است. از این رو، پس از مقدمه‌ای کوتاه، به اختصار به بیان انواع روابط میان زن و مرد خواهیم پرداخت. زن و مرد هر دو در جامعه زندگی می‌کنند و اشتراکات زیادی دارند؛ هر دو در انسانیت مشترکند و دارای ابزار تفاهم و زمینه‌های تعامل با یکدیگر هستند. همچنین تمایزهایی میان این دو وجود دارد. این تمایزها زمینه را برای احساس نیاز زن و مرد به یکدیگر به منظور ایجاد ارتباط و تعامل با یکدیگر فراهم می‌آورد. به طور کلی، آنچه زمینه‌ساز تداوم رابطه میان انسان‌ها می‌شود، وجود همین دو عامل، یعنی اشتراکات و تمایزهای رفتاری و وجودی است. اشتراکات موجود میان دو طرف رابطه نیز سبب می‌شود نسبت به هم احساس نزدیکی و یگانگی کنند و بتوانند با درک عواطف و احساسات یکدیگر، به تفاهم هرچه بیشتر برسند و نیازها و هدف‌های مشترکی را برای خود تعریف کنند. تمایزهای موجود میان دو طرف رابطه سبب می‌شود هر کدام برای فراهم آوردن خواست و نیاز خود و جبران کمبودهایشان، از داشته‌های طرف دیگر بهره‌گیرند و ارتباط با او را در جهت برآوردن نیازهای خود ارزیابی کنند. این امر در زن و مرد به خوبی مشخص است؛ زیرا زن و مرد افزون بر تمایزهای موجود در تمام افراد انسانی، تفاوت‌های فیزیولوژیک و روحی و روانی ویژه‌ای نیز دارند که خداوند در نهاد آنها قرار داده است. پس وجود رابطه میان زن و مرد چه از نظر انسانی بودن و چه به دلیل داشتن جنسیت متفاوت، امری طبیعی و به یک معنا اجتناب‌ناپذیر است. این رابطه انواع گوناگونی دارد. گاهی از نظر انگیزه، رابطه به گونه‌هایی مانند رابطه درسی، کاری، دوستانه و نظیر آن تقسیم می‌شود و گاهی از نظر نوع ابزار ایجاد رابطه، آن را به رابطه مکاتبه‌ای، کلامی، نمادی و مانند آن دسته‌بندی می‌کنند. البته تقسیم‌های دیگری نیز برای رابطه وجود دارد که در این پژوهش به تناسب موضوع، رابطه زن و مرد به ویژه دختر و پسر را به دو گروه اصلی تقسیم کرده‌ایم: الف) روابط اجتماعی معمول میان دو جنس؛ ب) روابط مبتنی بر پیوندخواهی جنسی. سپس در هر گروه از این روابط، از نظر شرع مقدس اسلام، دو نوع رابطه مشروع و نامشروع را مشخص کرده‌ایم که معنا و مبنای تقسیم به مشروع و نامشروع روشن است. در اینجا تنها درباره اهمیت تقسیم، توضیح بیشتری می‌دهیم.

الف) روابط معمول اجتماعی میان دو جنس

در این نوع از روابط، انگیزه‌های غیرجنسی زیر بنای روابط است و به تناسب آن، نوع رفتارها و برخوردها، از محرک‌ها و جنبه‌های خاص جنسی فاصله می‌گیرد. در این روابط، معمولاً زن و مرد در ارتباط با هم، هدف‌هایی غیر از با هم بودن و ارضای نیازها را پی می‌گیرند. روابطی مانند رابطه اقتصادی، علمی و هر رابطه‌ای که در آن انگیزه جنسی غالب نیست، از این نوع روابط است. نگاه کردن، صحبت کردن، نامه‌نگاری و دیگر برخوردهای میان زن و مرد در محیط‌های مختلف، تا وقتی که انگیزه جنسی در آن بی‌تأثیر باشد و به جهت‌دهی رفتارها نینجامد، جزو این گروه از روابط خواهند بود. البته شاید انگیزه دو طرف یا یکی از آنها در روابطی که به ظاهر جزو روابط دسته اول است، با انگیزه‌های جنسی آمیخته شود یا حتی انگیزه جنسی غلبه یابد و روابط کاری و مانند آن، چونان پوششی برای روابط مبتنی بر گرایش‌های جنسی درآید. با این حال، چون همواره چنین نیست و نمودهای رفتار

جنسی در این دسته از روابط مشهود نیست، می‌توان جنسی نبودن را در این گونه روابط اصل دانست و کشیده شدن این روابط به روابط مبتنی بر خواسته‌های جنسی را نوعی انحراف از بستر اصلی در این گونه روابط به شمار آورد.

(ب) روابط مبتنی بر پیوندخواهی جنسی

در این نوع از روابط، انگیزه اصلی پیوندخواهی، بهره‌مندی جنسی است. دوطرف، رابطه با یکدیگر را وسیله‌ای برای بهره‌مندی اقتصادی یا علمی و مانند آن از توانایی‌های یکدیگر نمی‌بینند، بلکه این ارتباط را در وهله اول برای ارضای گرایش‌های جنسی و بهره‌برداری عاطفی یا جنسی از طرف مقابل می‌خواهند. به تبع چنین انگیزه‌ای در این رابطه، رفتارها نیز با انگیزش‌های جنسی همراه خواهد بود. نگاه‌های معنادار، تغزل، لمس و دیگر رفتارهایی که در آنها غلبه انگیزه جنسی مشهود است، از نمودهای رفتاری این نوع از رابطه به شمار می‌آید. خواستگاه گرایش زن و مرد به یکدیگر و حس پیوندجویی میان آن دو، یکی از غریزه‌های نیرومندی است که در وجود انسان‌ها قرار دارد. غریزه جنسی در شکل‌گیری و جهت‌دهی روابط میان زن و مرد نقش مهمی دارد. تأثیر این غریزه در رابطه‌های مبتنی بر پیوندخواهی جنسی، تأثیری مشخص است. حتی قدرت همین غریزه است که سبب می‌شود رابطه‌هایی نیز که زیربنای غیرجنسی دارند، در معرض انحراف به سمت روابط جنسی قرار گیرند، به گونه‌ای که راه یافتن انگیزه‌ها و جنبه‌های جنسی، خطری بالقوه برای روابط اجتماعی میان زن و مرد است. به دلیل تأثیر مستقیم یا بالقوه‌ای که غریزه جنسی در روابط زن و مرد به ویژه دختران و پسران جوان دارد، بجاست پیش‌تر، به برخی از ویژگی‌های این غریزه اشاره شود تا با شناخت بیشتری از انگیزه‌ها و لغزش‌گاه‌های روابط، جنبه‌های گوناگون رابطه میان دو جنس مرد و زن را در فصل‌های بعدی بررسی کنیم.

۲. ویژگی‌های غریزه جنسی

اشاره

معمولاً واژه «غریزه» درباره گرایش‌های خاص بدن که هدف آنها تأمین نیازهای مادی و جسمانی انسان است، به کار برده می‌شود. بنابراین، غریزه‌ها بخشی از گرایش‌های انسانی است و در مقابل دیگر گرایش‌های انسان؛ یعنی عواطف و فطریات (گرایش‌های عالی) قرار می‌گیرد. گاهی نیز غریزه در مفهومی گسترده به کار می‌رود که به معنای مطلق گرایش است. در اصطلاح روان‌شناسان، منظور از غریزه، نیروهای زیستی - فطری است که جاندار را از پیش آماده می‌سازد تا در شرایط ویژه‌ای به شیوه‌ای خاص عمل کند. بنا بر آنچه گذشت، غریزه جنسی را می‌توان یکی از غریزه‌های اصلی در انسان دانست که نقش مهمی در سلامت و بقای نوع انسان دارد. در ادامه، به برخی ویژگی‌های غریزه جنسی اشاره می‌کنیم:

الف) قدرت غریزه

غریزه جنسی در انسان به ویژه در شرایط مساعد، دارای تأثیر و قدرت زیادی است و می‌تواند بر شئون مختلف زندگی انسان و جسم و روح او تأثیر گذارد و اندیشه‌ها و کردارهای او را جهت‌دهی کند. بسیاری از کوشش‌ها و گاه محرومیت‌هایی که فرد بر خود تحمل می‌کند، به نوعی از این گرایش سرچشمه می‌گیرد، چنان‌که الکسیس کارل می‌گوید: «میل جنسی، فرمان‌روای گم‌نام افراد و ملل است.»^۱ اگرچه بنا بر نظر برخی از روان‌شناسان، انسان در هیچ دوره‌ای از زندگی بدون غریزه جنسی نیست، ولی بدون شک، اثرگذاری این غریزه در انسان، با بلوغ جنسی کاملاً نمایان و میزان آن در دوران پیری کاهش می‌یابد. سن بلوغ در میان دختران و

پسران مناطق مختلف با توجه به شرایط اقلیمی، محیطی، نوع تغذیه و میزان تحریک‌های موجود، متفاوت است. در مناطق گرم‌سیری، معمولاً دختران در ۸ و ۹ سالگی و پسران در ۱۲ و ۱۳ سالگی بالغ می‌شوند. حتی گاهی پسران در ۱۱ و حتی ۹ سالگی نیز به سن بلوغ می‌رسند، چنان‌که در عربستان، پسران در ۱۱ سالگی بالغ می‌شوند، در حالی‌که در مناطق سردسیری، دختران در ۱۵ و ۱۶ سالگی و پسران در ۱۷ و ۱۸ سالگی و حتی بالاتر بالغ می‌شوند. برای مثال، پسران در نروژ در ۲۰ سالگی به بلوغ جنسی می‌رسند. ۲. ضعیف شدن میل جنسی نیز معمولاً در سن پیری رخ می‌دهد، چنان‌که به گزارش کینزی (۱۹۵۳ م.)، توان جنسی در مردان پس از ۷۰ سالگی، ۲۷ درصد و برای مردان بالای ۷۵ سال، ۵۵ درصد و از ۸۰ سال به بالا، ۷۷ درصد کاهش می‌یابد و زنان پس از یائسگی (در حدود ۵۰ سالگی)، قدرت تولید مثل را از دست می‌دهند. در مردان نیز این توان از دهه ششم زندگی به بعد به تدریج کاهش می‌یابد. البته مردان همواره توان تولید مثل دارند. ۳. به هر حال، دست‌کم در دوران نوجوانی، جوانی و میان‌سالی، گزینه جنسی قدرت و تأثیر بسیاری در وجود انسان‌ها دارد. شدت این تأثیر چنان است که برخی از روان‌شناسان مانند فروید، در این زمینه به اشتباه افتاده و با نگرشی افراطی، گرایش جنسی را خاستگاه تمامی فعالیت‌های روانی انسان دانسته‌اند. ۲. عبدالسلام الترمیننی، الزواج عند العرب فی الجاهلیة و الاسلام، حلب، دارالقلم العربی، ۱۴۰۹ هـ. ق / ۱۹۸۹ م. ص ۱۲۶. ۳. علی اسلامی‌نسب، بهداشت و درمان‌های جنسی، تهران، انتشارات خورشید، ۱۳۷۷، چ ۱، صص ۱۹۴ و ۲۷۶.

ب) رابطه غریزه جنسی با تشکیل خانواده و تولیدمثل و تأثیر آن در تنظیم اجتماع

برآورده کردن درست غریزه جنسی، مستلزم رابطه با فردی دیگر از جنس مخالف است، برخلاف نیازهایی مانند نیاز به تغذیه یا مسکن که به طور ذاتی نیازمند ایجاد رابطه با غیر نیستند و اگر امکان خاصی فراهم باشد، انسان بدون نیاز به دیگران هم می‌تواند این نیازها را برآورده سازد. به تبع همین ویژگی، رابطه خاصی میان غریزه جنسی و تشکیل خانواده برقرار می‌شود؛ زیرا پس از آنکه این غریزه، محرک ایجاد رابطه میان زن و مرد شد، ایجاد وابستگی میان آن دو و علاقه به تداوم رابطه، زمینه ایجاد پیوندی مداوم را میان دو طرف پدید می‌آورد که با تولد فرزندان، بر پایداری آن افزوده می‌شود. تولیدمثل نیز به ایجاد رابطه جنسی وابسته است. از این نظر، غریزه جنسی با نسل آینده و با جامعه در ارتباط است و بقای نسل جامعه، وابستگی خاصی به این غریزه دارد. جز تولید نسل، خود خانواده و حفظ آن نیز در جامعه تأثیر مهمی دارد؛ زیرا خانواده افزون بر تولید نسل، مسئولیت‌های مهمی چون پرورش نسل و برآوردن بسیاری از نیازهای جسمانی و عاطفی اعضای خانواده را بر عهده دارد که اگر نتواند این مسئولیت‌ها را به خوبی انجام دهد، جامعه به ناچار نهادهای جای‌گزینی را برای برطرف کردن نیازهای افراد تعریف می‌کند. البته در مورد بسیاری از نیازها، نهاد مؤثری وجود ندارد که بتواند نقش خانواده را به خوبی بر عهده بگیرد. در نتیجه، افراد با کمبودها و محرومیت‌های مختلفی روبه‌رو می‌شوند و جامعه با گرفتاری‌های فراوانی دست و پنجه نرم می‌کند. پس ارتباط خاص غریزه جنسی با غیر و نقش آن در مورد خانواده، تولید و پرورش نسل و پذیرفتن مسئولیت‌های ناشی از آن و تأثیر آن در تنظیم اجتماع، یکی از ویژگی‌های مهم این غریزه است.

ج) تحریک‌پذیری زیاد

غریزه جنسی به شدت تحریک‌پذیر است و افزایش و کاهش حس جنسی در انسان نیز وابستگی زیادی به تحریک‌های ذهنی و خارجی دارد. تحریک‌هایی مانند نگاه کردن، لمس کردن، شنیدن صدای جنس مخالف، گفت‌وگوهای محرک، تخیل‌های جنسی و نظیر آن، موجب بیداری قوه جنسی در انسان می‌شوند. برخی گفته‌اند مردان بیشتر با دیدن و زنان بیشتر با لمس کردن تحریک

می‌شوند. ۱. پژوهش‌ها نشان داده است میزان تحریک مردان در برابر محرک‌های روانی - جنسی مانند عریانی، عشوه‌گری، کتاب‌ها و فیلم‌ها و عکس‌های شهوت‌انگیز بیشتر است. ۲. به هر حال، تحریک‌پذیری زیاد از ویژگی‌هایی است که در غریزه جنسی در مقایسه با دیگر غریزه‌ها، شدت و نمود بیشتری دارد. ۲. نک: طلعت رافعی، تحلیلی بر روان‌شناسی زن در ازدواج موقت، تهران، نشر دائره، ۱۳۸۱، ص ۷۸، به نقل از: مهشید پارسایی، رشد و شخصیت کودک.

د) پیوند غریزه با عاطفه

عاطفه در انسان، نیرویی است که در رابطه با دیگری رخ می‌نماید؛ یعنی جنبه دیگرخواهانه دارد. در انسان برخلاف حیوانات، غریزه‌ها تحت تأثیر حالت‌های عاطفی فعال می‌شوند و نقش عواطف در رفتار انسان بسیار بیشتر از غرایز است، ۱ ولی غریزه جنسی به دلیل ماهیت ویژه‌اش و ارتباط آن با دیگران، پیوند نزدیکی تری با عواطف دارد. این پیوند و شدت ارتباط سبب شد که فریود متناسب با نظر افراطی‌اش در زمینه غریزه جنسی، عشق را اساساً پدیده‌ای جنسی بداند و آن را والایش غریزه جنسی شمارد. در مقابل، هورنای اعتقاد دارد که لزوماً ارتباطی میان محبت و غریزه جنسی نیست. مزلو نیز گفته است عشق و روابط جنسی، از نظر مفهومی دو چیزند، ولی در زندگی افراد سالم به هم می‌پیوندند و کمتر جدایی‌پذیرند. ۲ به باور موریس دبس، غریزه جنسی به تدریج در نوجوانان به ویژه پسران، با تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر تمام اعضا و قوای بدن شدت می‌یابد تا جایی که در هفده و هجده سالگی، مالک اصلی احساسات انسان می‌شود و تمام تظاهرات محبت‌آمیز انسان، از غریزه جنسی سرچشمه می‌گیرد. ۳ به هر حال، نمی‌توان غریزه جنسی را مانند گرسنگی تنها نیازی فیزیولوژیک دانست و رفتار جنسی را تنها در حد یک پاسخ بیولوژیک بدن به این نیاز ارزیابی کرد. همچنین نمی‌توان جنبه‌های عاطفی و انسانی را به کلی از گرایش‌های جنسی جدا دانست و پیوند غریزه و عاطفه را در این مورد نادیده گرفت.

 ۱. نک: همان، صص ۷۶ و ۷۷. ۲. محمدباقر کج‌باف، روان‌شناسی رفتار جنسی، تهران، نشر روان، ۱۳۷۸، صص ۴۹، ۶۲ و ۶۶. ۳. محمدتقی فلسفی، گفتار فلسفی جوان، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۵۲، ص ۳۰۷.

ه) امکان تبدیل شدن به بیماری و برهم زدن تعادل زندگی

یکی دیگر از ویژگی‌های غریزه جنسی این است که در صورت نبود تعادل در تحریک یا ارضاء، می‌تواند به نوعی بیماری تبدیل شود. اگرچه این امر در دیگر غریزه‌ها نیز کم و بیش وجود دارد، ولی غریزه جنسی از این نظر تفاوت‌های زیادی با گرسنگی و مانند آن دارد و این تفاوت، بیشتر از اموری مانند تحریک‌پذیری زیاد و پیوند این غریزه با عاطفه و جنبه‌های روحی و روانی انسان برمی‌خیزد. گرایش به غذا معمولاً در افراد سرکوب نمی‌شود و به صورت عقده‌ای روانی در نمی‌آید؛ زیرا در شرایط عادی، این حالت در فرد چندان طول نمی‌کشد و او به ناچار با خوردن غذا، خود را از حالت گرسنگی بیرون می‌آورد. به طور معمول، هم غذا در مدت کوتاهی به دست می‌آید و هم گوناگونی غذاها اهمیت اساسی ندارد و شخص گرسنه بیشتر در پی سیر کردن خود است. همچنین نمی‌توان نیاز به غذا را به مدت طولانی به فراموشی سپرد یا از راه دیگری غیر از غذا خوردن، فرو نشانند؛ زیرا بیش از اینکه نیازی روانی باشد، نیازی زیستی است. با خوردن غذا، میل به غذا نیز در شخص فروکش می‌کند و نسبت به هر نوع خوراکی، احساس سیری خواهد کرد. همان‌گونه که تفریط در ارضای این گرایش، نمی‌تواند چندان دامنه‌دار باشد، افراط در ارضای آن نیز دامنه زیادی ندارد؛ زیرا با پرخوری، فرد به سرعت بیمار و ناتوان می‌شود. افزون بر این، چون این گونه امیال از جنبه‌های عالی روحی دورترند، کمتر کسی خوردن غذای خاصی را بالاترین آمال و هدف غایی برای خود در نظر می‌گیرد. در مقابل، غریزه

جنسی می‌تواند در مدت زیادی در فرد سرکوب شود؛ یعنی فردی با وجود اینکه نیاز جنسی را در خود احساس می‌کند و در معرض تحریک‌های فراوانی است، سال‌ها امکان ارضای این غریزه را نداشته باشد یا خود به دلایلی در پی ارضای آن نباشد. حتی شاید فردی تلاش کند با روش‌های بدلی یا سرگرم کردن خود به امور دیگر، به طور موقتی از شدت انگیزش جنسی در خود بکاهد؛ زیرا این نیاز، وابستگی زیادی به جنبه‌های روانی و فکری دارد. همچنین ممکن است این غریزه در فرد به صورت یک عقده روانی درآید. نیز امکان دارد این غریزه، بر اثر افراط و تفریط در تحریک یا ارضا یا مهار نشدن به عطشی سیری‌ناپذیر در انسان تبدیل شود چنان‌که میل به سرمایه و مقام و قدرت ممکن است به صورت گرایش پایان‌ناپذیر در انسان درآید. در این حال، توانایی جنسی فرد از نظر جسمانی، محدود می‌شود، ولی از نظر روحی، گرایش به جنس مخالف در او اشباع نمی‌شود، به ویژه آنکه حس تنوع‌طلبی و ارتباط غریزه با تخیل در این مورد می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. همچنین به دلیل آمیختگی غریزه با عواطف عالی انسانی، چه بسا دستیابی به معشوق واقعی یا خیالی برای فرد به صورت آرزوی غایی درآید و همین عشق‌ها که معمولاً با خیال‌هایی نیز همراه است، با شکست در راه رسیدن به محبوب، سبب ایجاد اختلال‌های روانی یا حتی مشکلات جسمی در افراد شود. از نمونه‌های مشخص مبتلایان به زیاده‌خواهی بیمارگونه جنسی، صاحبان حرم‌سراها بودند که با وجود گردآوری زنان زیبا و بی‌شمار، گرایش به داشتن زیبارویان دیگر در آنها فروکش نمی‌کرد. از سوی دیگر، مشکلاتی که برای مرتاضان و راهبان پیش می‌آید، از نمونه‌های بیماری‌های روحی ناشی از سرکوب غریزه جنسی در انسان است. ویل دورانت به نقل از یک تاریخ‌نگار کاتولیک می‌نویسد: سوء اخلاق کشیشان چنان ناهنجار بود که پیشنهادهایی در لزوم ازدواج کشیشان از هر سو شنیده می‌شد... بسیاری از صومعه‌ها وضعی بسیار اسفناک داشتند... یادداشت‌های این مرتاضان (راهبان) مشحون است از رؤیاهای و تخیلات جنسی... به گمانشان چنین می‌رسید که شیاطین گردشان را گرفته و همواره در حال حمله هستند... دیوانه شدن برای راهبان امری غیرعادی نبود. ۱. بیشتر روان‌شناسان به این ویژگی غریزه جنسی توجه ویژه‌ای داشته و گاه مانند فروید برای پرهیز از پی آمدهای نامطلوب سرکوبی غریزه جنسی، نظریه‌های افراطی ارائه کرده‌اند. هورنای، بسیاری از مشکلات جنسی را ناشی از احتیاج عصبی به محبت می‌داند که به صورت گرایش‌های جنسی نمود می‌یابد. بنابراین نظریه، در اجتماع‌هایی که روابط جنسی به صورت افراطی تبلیغ می‌شود یا جوانان را به گونه‌ای تفریطی متوجه امور جنسی می‌سازند، بسیاری از نیازهای روانی انسان‌ها به شکل گرایش‌های جنسی درمی‌آید و عطش‌های جنسی کاذبی را پدید می‌آورد. از نظر هورنای، همه انحراف‌های جنسی و گرایش‌های جنسی افراطی، ناشی از کمبودها و عقده‌های روحی - روانی در فرد است. اریک فروم نیز گرایش شدید به امور جنسی را ناشی از درد بشر از تنهایی، انزوا و شکست او در غلبه بر جدایی و رهایی از زندان تنهایی می‌داند و اشتیاق به عیاشی‌های جنسی را چونان اعتیاد به می‌گساری و مواد مخدر به شمار می‌آورد. ۲. ممکن است غریزه جنسی بر اثر عواملی مانند نبود تعادل در تحریک و ارضا و دیگر عوامل، به بیماری‌های مختلف روانی یا روان - تنی همچون افسردگی، اضطراب و سادیسزم یا انواع انحراف‌ها مانند اعتیاد، الکلیسم و کام‌جویی‌های بدلی بینجامد و تعادل و سلامت فرد و حتی جامعه را به خطر بیندازد. این امر یکی از پیچیدگی‌هایی است که در زمینه غریزه جنسی وجود دارد و در دیگر غریزه‌ها به این اندازه مطرح نیست.

۱. نک: اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، ص ۶۳؛ برگرفته از: تاریخ تمدن، ج ۱۷، ص ۷۲؛ ج ۱۰، ص ۹۹. ۲. نک: تحلیلی بر روان‌شناسی زن در ازدواج موقت، صص ۱۶۲ و ۱۶۳.

(و) تفاوت نیاز جنسی در مرد و زن

یکی از نکته‌هایی که درباره غریزه جنسی باید بدان توجه کرد و در تحلیل رفتارها و روابط زن و مرد نباید نادیده انگاشت، تفاوت‌های موجود در زن و مرد در نوع گرایش‌های غریزی و نمودهای این امر در احساسات و رفتار آن دوست. شاید بتوان قوت

عواطف در زنان را در مقایسه با مردان، یکی از عوامل این تفاوت دانست که موجب می‌شود غریزه جنسی در زنان، پیوند عمیق‌تری با عاطفه داشته باشد، چنان‌که می‌توان گفت مردان، بیشتر خواهان به دست آوردن جسم زن و زنان، بیشتر در پی تسخیر قلب مردند. به تعبیری، مردان بیشتر رابطه‌خواه و عمل‌گرا و زنان تخیل‌گرا و عاطفی هستند. بنا بر پژوهش‌های روان‌شناسان، عده‌ای از دختران، گرایش‌های جنسی خود را تقریباً مانند پسران می‌دانند، ولی برای بیشتر آنان، این گونه احساسات با ارضای نیازهای دیگری مانند عزت نفس، اطمینان خاطر، محبت و علاقه همراه است. گرایش‌های جنسی در زنان با دیگر جنبه‌های شخصیتی آنان ارتباط نزدیکی دارد. از این رو، دختران جوان اگر میل جنسی را مخالف ارزش‌هایشان بدانند، بیشتر دچار بی‌تمایلی جنسی می‌شوند. مردان از تحریک‌های جنسی - به ویژه نگاه - بیشتر تحریک می‌شوند؛ یعنی آنچه برای آنان جنسی نمود می‌کند، معنای شهوانی دارد، بدون آنکه لزوماً جنبه عاطفی داشته باشد، ولی برای زن، زمینه عاطفی بدون توجه به نمادهای جنسی، معنای شهوانی القا می‌کند. همچنین روان‌شناسان گفته‌اند بیشتر مردان تنوع طلب هستند و در برخی موارد در تحریک شریک جنسی دایمی خود به علت یک‌نواخت شدن، ناتوان هستند، در حالی که برای شریک‌ها و نامزدهای دیگر جنسی از آمادگی کامل جنسی - روانی برخوردارند. این تنوع‌طلبی در بیشتر حیوانات نر و مردان بیش از زنان است، ولی قناعت جنسی در زنان به مراتب بیش از مردان است. همچنین سردمزاچی در زنان بیشتر از مردان است، به گونه‌ای که کینزی و هانت این امر را در زنان امری کاملاً عمومی دانسته‌اند. ۴ این امر شاید به معنای ضعف غریزه و گرایش‌های جنسی در زن نباشد، بلکه به تفاوت نوع گرایش‌های جنسی در زنان و غلبه جنبه‌های عاطفی بر جنبه‌های صرفاً غریزی در آنان برگردد. بر اساس پژوهش‌های دانشمندان غربی، پسران بیش از دختران خواستار اوج لذت جنسی (به معنای خاص آن) هستند و بیشتر از آنها به خیال‌بافی‌های جنسی پناه می‌برند و برای ماندن در حالت تحریک جنسی، کمتر به تحریک مداوم احتیاج دارند. میزان روابط جنسی آنها با بیش از یک نفر، بیشتر از دختران است و کمتر از دختران اصرار دارند که محبت باید بر روابط جنسی حاکم باشد. همچنین دوام روابط یک زوج خاص، بیشتر مورد نظر دختران است تا پسران. ۵ به هر حال، وجود این تفاوت‌ها نیز از مواردی است که در تحلیل درست مسائل مربوط به روابط دختران و پسران باید بدان‌ها توجه شود. ۱. همان،

ص ۳۶. ۲. همان، ص ۷۸. ۳. بهداشت و درمان‌های جنسی، ص ۲۶۳. ۴. روان‌شناسی رفتار جنسی، ص ۹۶. ۵. همان، ص ۷۶.

۳. ملاحظه‌هایی در تنظیم روابط

با توجه به ویژگی‌هایی که برای غریزه جنسی برشمردیم، روشن می‌شود که تنظیم روابط میان دو جنس، جنبه‌های مختلف و پیچیدگی‌های ویژه‌ای دارد. گفتیم که غریزه در انسان، تحریک‌پذیری بالایی دارد و نبود تعادل و افراط و تفریط در تحریک‌ها و ارضای آن، برای سلامت انسان خطرآفرین است. از طرفی، به دلیل ارتباط غریزه جنسی با خانواده، بقای نسل و اجتماع، جامعه نیز در این زمینه حساسیت‌هایی دارد و مصالح اجتماع، ضوابط خاصی را بر روابط جنسی تحمیل می‌کند. در نتیجه، در تنظیم درست روابط میان زن و مرد باید ساز و کارهایی در نظر گرفت. تا از یک سو، خواسته‌های طبیعی افراد تأمین گردد و از ایجاد عقده‌های روانی و سرکوب غریزه جلوگیری شود. از دیگر سو، از افراط در اعمال غریزه و پی‌آمدهای ویرانگر آن، پرهیز و با ایجاد نوعی تعادل میان تحریک و ارضای، سلامت روانی افراد برقرار شود. همچنین دیگر نیازها و گرایش‌های موجود در انسان قربانی غریزه جنسی نشود و امکان رشد متناسب و شکوفایی همه استعدادهای بالقوه در انسان فراهم آید. افزون بر این، روابط زن و مرد باید با توجه به اقتضاها و نوع نیازهای هر یک از دو جنس تنظیم شود و به ویژگی‌های هر کدام به درستی توجه کرد. همچنین باید مصالح اجتماع، فدای مصالح فردی نشود و حقوق و آزادی‌های فردی نیز محترم باشد. این پیچیدگی تنها به روابط جنسی به معنای خاص آن مربوط نمی‌شود، بلکه در روابط اجتماعی معمول میان زن و مرد هم وجود دارد؛ زیرا زن و مرد در ارتباط با هم تقریباً در تمام

حالت‌ها، عوامل تحریک جنسی را همراه دارند؛ یعنی این‌گونه نیست که برای مثال، در محیط کار یا درس، دیگر عوامل تحریک‌گر غریزه جنسی وجود نداشته باشد. چه بسا ارتباط‌هایی که با انگیزه‌های غیرجنسی صورت می‌گیرد، بر اثر عواملی هرچند طبیعی و ناخودآگاه، با انگیزه‌های جنسی در آمیزد و زمینه تغییر مسیر ارتباط به سمت ارتباط‌های جنسی و غریزی فراهم آید. این‌گونه پیچیدگی‌ها و وجود جنبه‌های مختلف دیگر در تنظیم روابط میان زن و مرد و نظام رفتار جنسی سبب شده است رویکردهای مختلفی درباره روابط زن و مرد در جوامع مختلف پدید آید. گروهی برای جلوگیری از غلبه غریزه و در نتیجه، تحت‌الشعاع قرار گرفتن دیگر جنبه‌های روحی در انسان و برای رسیدن به آرامش روحانی یا به دلایل دیگر، تضعیف و سرکوب غریزه را توصیه کرده‌اند. برخی دیگر، برای در امان ماندن از پی‌آمدهای ناشایست سرکوب غریزه و دستیابی به آرامش روانی، ارضای نامحدود غریزه جنسی را راه‌گشا دانسته‌اند. گروهی برای رعایت مصالح اجتماع، به تعیین محدودیت و ضوابط در این مورد اصرار دارند و گروهی نیز آزادی‌های فردی را مقدم می‌دانند. برخی، ارتباط زن و مرد را مفسده‌انگیز دانسته و زنان را از تماس با مردان بر حذر داشته‌اند و گروهی دیگر، این ارتباط را لازم و برای سلامت روانی زن و مرد مفید پنداشته‌اند. همچنین درباره پوشش یا حقوق متقابل زن و مرد و دیگر مسائل در این زمینه، نظریه‌ها و جهت‌گیری‌های متفاوت و گاه متضادی در میان اندیشمندان دنیا دیده می‌شود. همگی اینها نشان می‌دهد بشر با فهم و تجربه خود نتوانسته است در این زمینه به نظام رفتاری فراگیر و متعادلی برسد که مصالح کلی فرد و اجتماع را به شایستگی فراهم آورد.

بخش دوم: روابط از دیدگاه اسلام

اشاره

فصل اول: آسیب‌شناسی انواع رابطه

اشاره

پیش‌تر گفته شد که رابطه میان زن و مرد را با توجه به انگیزه و نوع رفتارهای غالب در تعامل‌های میان آن دو می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد. اکنون به آسیب‌شناسی این دو رابطه می‌پردازیم.

۱. رابطه مبتنی بر پیوندخواهی جنسی (روابط جنسی)

خطر جدی در رابطه‌های مبتنی بر پیوندخواهی جنسی و ارتباط‌هایی که با هدف لذت‌جویی جنسی صورت می‌گیرد، آن است که این روابط، خارج از ضابطه مشخص و مشروع تحقق یابد؛ یعنی میان زن و مرد، «رابطه‌های نامشروع» ایجاد شود. اسلام هرگونه رابطه جنسی را که فردی با شخصی غیر از همسر شرعی‌اش برقرار کند، نامشروع می‌داند، حتی اگر این‌گونه ارتباط‌ها در حد رد و بدل شدن نگاه‌ها یا صحبت‌های آمیخته با انگیزه‌های جنسی و شهوانی باشد. در فرهنگ امروز دنیا، با این‌گونه روابط هر چند با انگیزه‌های جنسی صورت گیرد، به تسامح برخورد می‌شود و اصطلاح رابطه نامشروع را تنها در آمیزش‌های غیرقانونی و نامشروع به کار می‌برند. در آموزه‌های اسلامی حتی در موضوع‌هایی مانند کنترل نگاه و پرهیز از صحبت‌های تحریک‌آمیز و دیگر عوامل

تحریک جنسی در رابطه با نامحرمان، حساسیت زیادی وجود دارد، به گونه‌ای که در برخی احادیث، این گونه ارتباطها (اموری مانند نگاه، لمس و بوسیدن)، شعبه‌هایی از زنا دانسته شده است. ۱. بی‌تردید، این روش اسلامی، زمینه تحقق آمیزش‌های غیرمشروع را محدود می‌کند، ولی روش‌های رایج دیگر جوامع، زمینه‌های تحریک جنسی را هموار می‌کند، به گونه‌ای که پس از آن، اجتناب از آمیزش‌های نامشروع، دیگر چندان آسان نخواهد بود. در ادامه، زیان‌های دنیوی و اخروی این گونه رابطه‌ها را در روایت‌های اسلامی بررسی می‌کنیم. برخی از پی‌آمدهای منفی زنا که بیشتر جنبه فردی دارند، عبارتند از: یک - دور شدن از خدا و گرفتار شدن به حساب‌رسی سخت و کیفر الهی؛ دو - جاودانگی در دوزخ؛ سه - نابود شدن دین فرد و جداسدن روح ایمان از فرد؛ چهار - محروم شدن از استجاب دعا؛ پنج - از میان رفتن برکت؛ شش - افزایش مرگ‌های ناگهانی؛ هفت - کوتاه شدن عمر؛ هشت - فقر؛ نه - آبروریزی؛ ده - از میان رفتن نور چهره؛ یازده - شریک شدن شیطان در نطفه زناکار و پی‌آمدهای نامطلوب حرام‌زادگی در فرزند نامشروع. برای نمونه به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: زمانی که پس از من زنا زیاد شود، مرگ ناگهانی نیز افزایش می‌یابد. ۲. همچنین حضرت رسول فرمود: در زنا پنج ویژگی وجود دارد: آبرو را می‌برد؛ موجب فقر می‌شود؛ عمر را کوتاه می‌کند؛ غضب خداوند را در پی دارد و شخص را در آتش دوزخ جاودانه می‌کند. ۳. امام سجاد علیه‌السلام به شخصی فرمود: از زنا پرهیز که بی‌گمان، برکت را از میان می‌برد و دین را نابود می‌سازد. ۴. امام صادق علیه‌السلام نیز فرموده است: وقتی شخصی زنا می‌کند، روح ایمان از او خارج می‌شود. ۵. همچنین امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: وقتی مردی زنا می‌کند، شیطان نیز در عمل جنسی شرکت می‌کند و نطفه (او و شیطان) یکی می‌شود و فرزند از این نطفه پدید می‌آید. ۶. می‌دانیم که حرام‌زادگی پی‌آمدهای بسیار بدی برای فرد دارد. برای مثال، در برخی روایت‌ها، کینه به اهل بیت علیهم‌السلام، گرایش به زنا و سبک شمردن دین، از نشانه‌های فرزند نامشروع شمرده شده است. ۷. امام رضا علیه‌السلام در بیان دلیل حرام شدن رابطه نامشروع می‌فرماید: خداوند، زنا را حرام کرد به دلیل مفاسدی که در آن است همچون: قتل، از میان رفتن نسب‌ها، ترک تربیت فرزندان، اختلاف در ارث پدر و فسادهای دیگر از این دست. ۸. امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به زندیقی که از حکمت تحریم زنا پرسیده بود، فرمود: زنا حرام است به دلیل مفاسدی که در آن است، مانند: از میان رفتن ارث‌ها و قطع شدن نسب‌ها. در زنا، زن نمی‌داند که چه کسی او را حامله کرده است و فرزند، پدرش را نمی‌شناسد. نه ارتباط رحم‌ها حفظ می‌شود و نه خویشاوندی شناخته‌شده‌ای باقی می‌ماند... ۹. بی‌گمان، هیچ مسلمان عاقلی با توجه به پی‌آمدهای ناشایست دنیوی و اخروی روابط نامشروع برای او و جامعه‌اش، به آسانی به این گناه بزرگ گرایش نمی‌یابد.

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَا: «مَا مِنْ أَحَدٍ وَهُوَ يَصِيبُ حَظًّا مِنَ الزَّانَا، فَرِنَا الْعَيْنَيْنِ النَّظْرُ وَ زَنَا الْقُبْلَةَ وَ زَنَا الْيَدَيْنِ اللَّمْسُ، صِدَقَ الْفَرْجُ ذَلِكَ أَوْ كَذَّبَ»، حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، آل‌البیت، ۱۴۰۹ هـ. ق، کتاب نکاح، باب ۱۰۴ از ابواب مقدمات النکاح، ج ۲۰، ص ۱۹۱، ح ۲۵۳۹۶. ۲. همان، ح ۲۵۶۸۵. ۳. همان، ح ۲۵۶۹۰. ۴. همان، ح ۲۵۶۸۷. ۵. همان، ح ۲۵۷۰۷. ۶. همان، باب ۱ از ابواب نکاح المحرم، ح ۲۵۷۰۲. ۷. همان، ج ۱۵، کتاب جهاد، باب ۴۹ از ابواب جهاد نفس، ص ۳۴۴، ح ۲۰۶۹۸. ۸. همان، کتاب النکاح، باب ۱ از ابواب نکاح المحرم، ح ۲۵۶۹۹. ۹. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ. ق، باب ۷۶ از ابواب کتاب العقود و الايقاعات، ج ۱۰۰، ص ۳۶۸.

۲. روابط معمول اجتماعی

رابطه‌هایی مانند روابط کاری، درسی، فامیلی و مانند آن‌که با هدف‌هایی غیر از پیوندجویی و لذت‌خواهی جنسی صورت می‌گیرند، جزو رابطه‌های معمول اجتماعی هستند. در این گونه روابط، معمولاً اموری همچون نگاه کردن و سخن گفتن ضرورت می‌یابد و گاه چه بسا تماس‌های بدنی و مانند آن نیز پیش می‌آید. خطری که در این گونه رابطه‌ها وجود دارد، احتمال انحراف از

بستر اصلی و آلوده شدن روابط زن و مرد نامحرم به انگیزه‌ها یا رفتارهای جنسی است و چون فرض بر این است که زن و مرد در محیط‌های اجتماعی با افرادی غیر از همسر خود نیز ارتباط خواهند داشت، ارتباط‌هایی که به سمت رفتارهای جنسی منحرف شود، مصداقی از روابط نامشروع خواهد بود. این امر به جز بر هم زدن رابطه‌های اجتماعی و ایجاد التهاب‌ها و هیجان‌های ذهنی برای افراد در محیط‌های اجتماعی، زیان‌ها و آثار نامطلوبی نیز در پی دارد. اسلام برای جلوگیری از انحراف رابطه‌ها، نخست، روابط جنسی مشروع را تعریف کرده و سپس راه کارهای مشروع برای ارضای غریزه‌ها و گرایش‌های جنسی را پیش روی افراد نهاده است. آن‌گاه هنجارها و ضوابطی را با هدف کم کردن محرک‌های جنسی و از میان بردن زمینه‌های ایجاد روابط ناسالم و نامشروع میان غیر همسران وضع کرده است. در فصل‌های بعدی، راه کارهای مشروع در ارتباط‌های جنسی و برخی از مهم‌ترین ضوابطی را که اسلام برای پرهیز از به انحراف کشیده شدن ارتباط‌ها و سالم‌سازی روابط اجتماعی تعیین کرده است، بررسی می‌کنیم. در این بخش، با دیدگاه اسلام درباره روابط میان زن و مرد و دختر و پسر آشنا می‌شویم. در این زمینه، نخست باید برخی دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌های کلی اسلام تبیین شود. سپس ضوابط، هنجارها و راه‌کارهایی را که اسلام برای تنظیم درست روابط معمول اجتماعی و جنسی سفارش کرده است، به طور ویژه بررسی می‌کنیم.

فصل دوم: دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌های کلی

اشاره

توجه به این موارد که بیانگر همه‌جانبه‌نگری و توجه اسلام به مصالح واقعی انسان در زندگی دنیا و آخرت و در جنبه‌های فردی و اجتماعی است، ما را برای تحلیل درست آموزه‌ها و احکام اسلام در این زمینه یاری می‌دهد.

۱. توجه به سعادت دنیا و آخرت

از ویژگی‌های اساسی ادیان الهی، توجه به آخرت است. ادیان به پیروان خود می‌آموزند که انسان پس از مرگ، حیات ابدی خواهد داشت و نعمت‌های آخرت هرگز با نعمت‌های دنیایی قابل مقایسه نیست. همچنین سعادت انسان در آخرت، در گرو اعمال و نیت‌های خیر یا شرّ او در این دنیا است. در نتیجه، انسان آخرت‌باور در مقام ناسازگاری منافع دنیوی با منافع اخروی، نعمت‌های آخرت را ترجیح می‌دهد و از منافع زودگذر دنیایی چشم می‌پوشد. آیات بسیاری از قرآن در بیان همین مطلب، انسان را به تلاش برای سعادت در آخرت و دوری از دنیا دوستی فرا می‌خواند و برتری نعمت‌های آخرت را یادآور می‌شود. البته اسلام برخلاف بسیاری از ادیان، راه سعادت‌مند شدن در آخرت را دوری کامل از لذت‌ها و نعمت‌های دنیا نمی‌داند و هرگز بهره‌مندی از نعمت‌های حلال دنیوی را ناپسند نمی‌شمارد، بلکه به بهره‌مندی درست از موهبت‌های الهی فرا می‌خواند و همین بهره‌مندی را نیز زمینه‌ساز ثواب اخروی می‌داند. ۲. این دیدگاه آخرت‌محور، در تنظیم درست و متعادل مناسبات مختلف انسان در امور دنیایی‌اش، از جمله روابط او با جنس مخالف نقش مهمی دارد. انسان آخرت‌باور، نعمت‌های محدود دنیایی را به اندازه واقعی آنها می‌بیند و هیچ‌گاه رسیدن به لذت‌ها و منافع دنیایی را کمال‌نهایی و غایت آمال خود نمی‌داند. از همین رو، از نعمت‌های دنیوی به طور شایسته بهره می‌برد و از دنیا، توقع لذت پایدار و نامحدود ندارد. این امر، زمینه‌ساز آرامش روحی است و از حرص و ولع نابجا و اضطراب درونی و احساس سرخوردگی و ناکامی دائمی که دامن‌گیر دنیاپرستان است، می‌کاهد. پیش‌تر گذشت که چه بسا رسیدن به

لذت‌های جنسی همانند دست‌یابی به مال و مقام و قدرت، در نظر انسان، به اشتباه، جانشین هدف‌های غایی و کمال نامحدود شود و عطش سیری‌ناپذیر را در او پدید آورد؛ زیرا این گرایش‌ها افزون بر جنبه‌های جسمانی و محدود، با جنبه‌های روانی و گرایش‌های عالی روحی در هم آمیخته است. بی‌تردید، خوشی‌های جنسی از پرچله‌ترین منافع دنیوی است، چنان‌که در روایت‌های اسلامی نیز تأکید شده است لذت جنسی، بالاترین لذت‌هاست (البته نه در مقایسه با لذت‌های معنوی).^۳ بی‌گمان، کسی که دنیا و منافع آن را بالاترین کمال ممکن برای خود بداند، تمام همت خود را صرف می‌کند تا بیشتر از این لذت‌ها بهره‌برداری کند. طبیعی است فرد و جامعه دنیامحور، هوادار نوع خاصی از هنجارهای جنسی خواهد بود که بهره‌مندی جنسی حداکثر را برایش فراهم آورد. برای مثال، زنان را تشویق می‌کند حتی در محیط‌های اجتماعی - البته تا جایی که نظم امور به هم نریزد - هر چه بیشتر خود را در معرض کام‌یابی‌های مردان قرار دهند؛ زیرا دلیلی ندارد که خود را ملزم به حدود اخلاقی خاصی بدانند. چنین نظام اخلاقی دنیامحوری حتی از مرزهای قانونی نیز برای رسیدن به لذت‌های بیشتر عبور خواهد کرد. البته چون از یک سو، روح انسانی همواره در پی کمال بی‌نهایت است و از سوی دیگر، لذت‌های دنیایی، محدود و آمیخته با کاستی‌های مختلف است، جویندگان لذت‌های جنسی نامحدود، همیشه احساس ناخرسندی می‌کنند و همین امر، آنها را به تجربه‌های جنسی جدید و عیاشی‌های افراطی و حتی اموری مانند هم‌جنس‌بازی و مانند آن می‌کشاند. در مقابل، آخرت‌باوران و خدامحوران که دنیا را گذرگاه آخرت می‌دانند و منافع دنیایی را در حد واقعی آن می‌بینند، گرفتار این گونه اشتباه‌ها نمی‌شوند و با دیدی همه‌جانبه‌نگر و ناظر به سعادت دنیا و آخرت، به تنظیم متعادل روابط بر اساس هدف‌های متعالی الهی می‌پردازند و از منافع دنیایی نیز به شایستگی بهره می‌برند. -----

۱. برای نمونه نک: نساء: ۷۷؛ انعام: ۳۳؛ اعراف: ۱۶۹؛ انفال: ۶۷؛ توبه: ۳۸؛ یوسف: ۱۰۹؛ رعد: ۲۶؛ نحل: ۳۰ و ۴۱؛ اسراء: ۲۱؛ غافر: ۳۹؛ شورا: ۲۰؛ زخرف: ۳۵؛ اعلی: ۱۷. ۲. برای نمونه نک: بقره: ۲۰۱؛ نساء: ۱۳۴؛ اعراف: ۱۵۶؛ قصص: ۷۷ و... و احادیث مربوط به نهی اسلام از رهبانیت و ترک دنیا. ۳. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، باب ۳ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۲۳، ح ۲۴۹۲۷ و ۲۴۹۲۹؛ از امام صادق علیه‌السلام پرسیدیم: چه چیزی بیشترین لذت را دارد؟ حضرت فرمود: «زناشویی بیشترین لذت را دارد.» همچنین امام صادق علیه‌السلام فرمود: «مردم در دنیا و آخرت از لذتی بالاتر از لذت زنان لذت جنسی بهره‌مند نمی‌شوند.»

۲. توجه به کرامت انسانی و نفی تلقی حیوانی از انسان

نگاه اسلام به انسان، در تنظیم روابط او با جنس مخالف اثرگذار است. در دیدگاه اسلام، انسان، موجودی با استعدادهای بالقوه فراوان است که می‌تواند در پرتو معرفت، ایمان و خودسازی و با پرورش جنبه‌های معنوی در وجود خود، به مراتب بالای کمال و قرب الهی دست یابد. این استعداد، در حیوانات قرار داده نشده است. از نظر اسلام، هر انسان مؤمنی دارای ارزش و احترام است و ارزش او نیز در درجه اول، به جنبه‌های معرفتی و روحانی او؛ یعنی به علم، ایمان و پرهیزکاری‌اش مربوط می‌شود. ۲. اسلام به انسان می‌آموزد که همواره بر اساس عقل (و نه شهوت) حرکت کند تا مقامی بالاتر از فرشتگان بیابد و گرنه از حیوانات نیز پست‌تر خواهد بود. عبدالله بن سنان می‌گوید از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم که فرشتگان برترند یا انسان‌ها؟ حضرت فرمود: به فرموده امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام: خداوند در فرشتگان، عقل بدون شهوت و در حیوانات، شهوت بدون عقل قرار داده است و در بنی آدم هر دو را ترکیب کرده است. پس کسی که عقلش بر شهوتش غلبه داشته باشد، از فرشتگان بهتر است و هر کس که شهوتش بر عقلش چیرگی یابد، از چارپایان بدتر است. ۳. روشن است این دیدگاه با دیدگاهی که انسان را در حد حیوانی هوشمند می‌بیند که منافع بالاتر از خور و خواب و شهوت و لذت‌های جسمانی ندارد، تفاوت فراوان دارد. برای مثال، انسانی که به خود و دیگران با رویکرد انسانی می‌نگرد و ارزش خود را می‌شناسد، اجازه نمی‌دهد غریزه‌ها و شهوت‌های نفسانی، چنان او را دل‌مشغول

سازد که از پرورش روح و دست‌رسی به کمال والای معنوی باز بماند. ۱۴ اگر هم بخواهد همسر مناسبی برگزیند، بی‌گمان به جنبه‌های اخلاقی، معرفتی و روحانی او نیز توجه خواهد داشت و تنها جنبه‌های ظاهری را ملاک ارزش‌گذاری قرار نمی‌دهد. در مقابل، فرد و جامعه‌ای که برداشت حیوانی از انسان دارند، به انواع دیگری از مناسبات توجه می‌کنند و جنبه‌های معنوی و کمالات روحانی انسان را فدای غریزه‌ها و گرایش‌های سطحی وی خواهند کرد.

۱. برای نمونه نک: مجادله: ۱۱؛ رعد: ۲۹؛ شمس: ۹. ۲. برای نمونه: نک: آل عمران: ۱۳۹؛ زمر: ۹؛ مجادله: ۱۱؛ حجرات: ۱۳. ۳. وسائل الشیعه، کتاب جهاد، باب ۹ از ابواب جهاد نفس، ص ۲۰۹، ح ۲۰۲۹۸. ۴. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «من کرمت علیه نفس هانت علیه شهواته؛ کسی که خودش را محترم بدارد، برای خودش شخصیت بالایی قائل است»؛ یعنی خواسته‌های سطحی و شهواتش نزد او بی‌ارزش خواهد شد. نک: نهج البلاغه دشتی، ص ۷۳۶، حکمت ۴۴۹.

۳. تأکید بر حرمت شخصیت زن و پرهیز از نگاه ابزاری به او

یکی دیگر از امور اثرگذار بر چگونگی تنظیم روابط میان زن و مرد، نوع نگاه به زن است. شیء انگاشتن زن و نگاه ابزاری به او برای ارضای هوس‌رانی‌های مردان و نادیده گرفتن ارزش‌های انسانی زن، دیدگاهی است که در میان فرهنگ‌های مختلف دنیا، پیشینه طولانی دارد. حتی در جوامع پیشرفته امروزی نیز همین دیدگاه به صورتی فریب‌کارانه و با شکلی دیگر رایج است. برای نمونه، در فرهنگ‌های زیر، نگاه‌های تحقیرآمیزی به زن وجود داشته و دارد: یک - استرالیا: در قبیله‌های استرالیا، زن در حکم حیوانی اهلی بود و تنها برای دفع شهوت و تولید نسل به کار می‌آمد. حتی در فرهنگ‌های قدیم، به هنگام قحطی، زنان را می‌کشتند و می‌خوردند. زن حق نداشت با شوهرش غذا بخورد و اگر پس از سیر شدن شوهر چیزی ته سفره می‌ماند، به زن می‌رسید. دو - افریقا: در افریقای مرکزی، غذا خوردن زن با شوهر ممنوع بود و فرزندان حرفش را گوش نمی‌دادند. زن کتک می‌خورد و این را عادلانه می‌دانست. حتی شوهران، زنان خود را می‌فروختند. سه - چین: چینی‌ها معتقد بودند زنان به کلی از فکر و عقل و شعور ادراکی بی‌نصیبند. زنان حق غذا خوردن با شوهران و پسرانشان را نداشتند. مرد، زن یا دخترش را به جای بدهی به طلب کار می‌داد. چهار - هند: از آن‌جا که در آیین بودایی هند، زندگی زناشویی آکنده از شهوت‌های دنیایی تلقی می‌شد، زنان مصدر ناپاکی و گناه معرفی می‌شدند و زنان را پس از مرگ شوهر، با او می‌سوزانند. پنج - عربستان: نزد عرب جاهلی، زن موجودی ضعیف و قابل تملک بود و دخترکشی، رسم عرب به شمار می‌رفت. شش - روم: با اینکه روم از نظر حقوقی بسیار پیشرفته بود - به گونه‌ای که یکی از نظام‌های حقوقی معاصر جهان (نظام حقوقی رومی - ژرمنی) به نام آن ثبت شده است - ولی رومیان، زنان را به علت نداشتن روح انسانی، سزاوار حشر در قیامت نمی‌دانستند و او را مظهر تام شیطان و ارواح خبیث و آمیخته با نیرنگ و پلیدی می‌شمردند. به همین دلیل، از سخن گفتن او در غیر موارد ضروری جلوگیری می‌کردند. در یکی از مثل‌های رومیان آمده است: «نه خر را می‌شود اسب نامید و نه زن را انسان». هفت - یونان: یونانی‌ها نیز زن را موجودی ناپاک و زاده شیطان می‌دانستند و او را از هر کاری جز خدمت‌کاری و ارضای غریزه جنسی مرد باز می‌داشتند. منظور از ازدواج را نیز تنها بقای نسل خانواده با تولد پسران می‌دانست و زنان دخترزرا را دور می‌انداختند. آتنی‌ها، زنان را مانند سفیهان، مهجور می‌دانستند و به آنان اجازه نمی‌دادند اشیایی را که ارزش آن از بیست جو بیشتر بود، معامله کنند. سقراط، سلوک با زن را نوعی زجر و ریاضت‌کشی و مایه خودسازی می‌داند. در یونان، زن شخصیت حقوقی نداشت و شوهر می‌توانست او را قرض دهد یا ببخشد. هشت - اسکانندیناوی (سوئد، دانمارک و نروژ): در اسکانندیناوی تا چندی پیش، به دختران ارث نمی‌دادند و مانند شیء با آنان برخورد می‌کردند. پدر می‌توانست آنها را بفروشد یا قرض و کرایه دهد یا بکشد. نه - ایران باستان: در حقوق ساسانی، زن شخصیت حقوقی نداشت و کالا شمرده می‌شد. زن حق

مالکیت نداشت و مرد می‌توانست او را همچون غلامان و چارپایان بفروشد یا کرایه دهد. زن حق نداشت با شوهر خود یک‌جا سکونت کند و غذا بخورد. بیشتر، زن را برای مجازات به درخت یا تیرکی می‌بستند و شلاق می‌زدند. ده - آیین یهود: قوم یهود، زن را هیچ و پوچ می‌شمردند و همیشه در دعاهای روزانه خود می‌گویند: «تبارک الله خالق و سلطان که مرا زن نیافریدی.» از مثل‌های رایج یهودیان است که: «اگر دیدی الاغ از نردبان بالا رفت، زن هم عقل پیدا می‌کند.» نزد آنان مادری که دختر زاییده، مایه ننگ بود و پانزده روز نجس بود و تا هفتاد روز باید تطهیر می‌کرد. یازده - آیین مسیح: آموزه‌های تحریف شده آیین مسیحیت، وضع زن را بهبود بخشید. مجمع دینی فرانسه در سال ۵۸۶ م. پس از بحث‌های طولانی درباره ماهیت زن، چنین نظر داد: «زن انسان است، ولی برای خدمت مردان آفریده شده است.» از لنگدون دوویس، مرجع بزرگ مسیحیت درباره زنان پرسیده شد و او چنین گفت: زنان را که بالفطره سبک‌مغز و شهوت‌ران و شیفته لباس و زینت و تظاهرند، جز اینکه مرد در خانه محفوظ و مقفل نگاه دارد، راهی دیگر ندارد. آنچه گذشت و شواهد فراوان دیگر، همگی بیانگر نگاه نادرست گذشتگان به زن بوده است. افزون بر جامعه‌هایی مانند روم، یونان، بابل، ایران باستان، هند و اعراب جاهلی، تا چندی پیش در انگلستان، فرانسه، سوئد، دانمارک، نروژ و ژاپن، زن نه تنها ارث نمی‌برد، بلکه گاه به ارث داده می‌شد. یهودیان تنها در صورت نبودن هیچ بازمانده دیگر، به زن ارث می‌دادند. مسیحیان هم قانون خاصی در این زمینه نداشتند و تابع قوانین موجود در کشورها بودند. ۲ با کمال تأسف، این نگاه ابزاری به زن، در دنیای متمدن امروزی نیز با اشکال مختلف وجود دارد. یکی از موارد بهره‌کشی از زنان، مسئله تجارت زنان و دختران است. گروه‌های بی‌شماری از بردگان جنسی از کشورهای جنوب شرقی آسیا یا کشورهای اروپای شرقی، به کشورهای اروپای غربی، امریکا و حتی برخی کشورهای عربی، صادر و در بدترین شرایط به کار گمارده می‌شوند. برای مثال، حتی این تجارت، یکی از منابع مهم درآمد دولت در کشور تایلند شمرده می‌شود. ۳ افزون بر این گونه بهره‌کشی‌های جنسی از زن، نگاه ابزاری و شیء‌انگارانه به زن را امروز می‌توان به راحتی در فیلم‌ها، آگهی‌های تبلیغاتی و بازرگانی دید. این نگاه به شکل نظام‌مند و با ظاهری فریب کارانه در دنیای امروز نهادینه شده و با عنوان‌های فریبنده‌ای، جنبه‌های انسانی وجود زن را لگدمال کرده است. گسترده‌گی تجاوز به زنان و خشونت علیه زنان در دنیای غرب نیز شاهدی بر دروغ بودن ادعای فرهنگ غرب در شخصیت دادن به زنان است. ۴ ولی در نگاه اسلام، زن در درجه اول، انسان و بنده خداست و ارزش او نیز به میزان بندگی و نزدیکی به خدا، معرفت، ایمان و تقوای اوست. خداوند، زن را نیز مانند مرد مورد خطاب و تکلیف قرار داده است. در قرآن تصریح شده است که زن نیز مانند مرد بر اساس ایمان و اعمال صالحش از پاداش، حیات طیبه و مقام‌های اخروی برخوردار می‌شود. ۵ در دنیای امروز، در عمل، ارزش زن بیشتر به جنبه‌های ظاهری او و میزان توانایی‌اش در ارضای غریزه‌های حیوانی مردان دانسته می‌شود، ولی اسلام، افزون بر توجه عقلانی به جنبه‌های جسمانی و غریزی زن و مرد، ارزش اصلی زن را به کمالات روحانی او می‌داند، چنان‌که در قرآن کریم از زنانی مانند حضرت مریم علیهاالسلام و آسیه علیهاالسلام به دلیل همین کمالات روحانی و میزان معرفت و ایمان و عملشان تجلیل شده است. مقام معنوی مریم علیهاالسلامتایی است که خداوند در قرآن از او به‌عنوان «صدیقه» یاد می‌کند ۶ و مخاطب الهام‌های الهی قرار می‌گیرد ۷ و هم صحبت فرشتگان مقرب الهی می‌شود ۸ و برای او غذاهای بهشتی می‌آورند. مقام او چنان والا است که پیامبر زمانش؛ یعنی زکریا علیه‌السلام، از این مقام شگفت‌زده می‌شود. ۹ همچنین خداوند، آسیه علیهاالسلام، همسر فرعون را - مانند مریم علیهاالسلام - الگویی برای تمام مؤمنان - اعم از زن و مرد - معرفی می‌فرماید و درجات ایمان و معرفت او را یادآوری می‌کند. ۱۰ زنان بزرگواری مانند خدیجه علیهاالسلام، زینب کبری علیهاالسلام، حضرت معصومه علیهاالسلام که شفاعت‌کننده تمام شیعیان هستند و از همه برتر، حضرت زهرا علیهاالسلام که برتر از همه پیامبران جز پیامبر اسلام است، همه دارای منزلت و ارزش الهی‌اند و تنها در سایه بندگی خداوند به آن مقام‌ها دست یافته‌اند. به طور کلی، اسلام، زناشویی را امری پلید و شیطانی نمی‌داند و زن را ناپاک و شیطان صفت نمی‌پندارد. او را به ارث نمی‌دهد و از ارث بردن نیز محروم نمی‌سازد. او را مهجور نمی‌داند و از حق

مالکیت بی‌نصیب نمی‌کند و حتی اجازه آزار دادن او را نمی‌دهد. بررسی جنبه‌های مختلف دیدگاه اسلام درباره زن در این مختصر امکان‌پذیر نیست، ولی به خوبی می‌توان دریافت که توجه به نگاه انسانی اسلام به زن، در چگونگی تنظیم روابط میان زن و مرد تأثیر بسیاری خواهد داشت. بی‌گمان، نگاه انسانی اسلام به زن و ارزشی که اسلام برای شخصیت زن قائل است، با نگاه ابزاری و تحقیرآمیز به زن در دنیا، تفاوت اساسی دارد. همین تفاوت، عامل اصلی جهت‌دهی متفاوت در مناسبات اجتماعی است و در چگونگی تنظیم روابط میان زن و مرد تأثیر زیادی خواهد داشت.

۱. علی کاظم‌زاده، تفاوت حقوق زن و مرد در نظام حقوقی ایران، تهران، میزان، ۱۳۸۲، صص ۳۴-۴۲. ۲. همان، صص ۵۹-۶۳. ۳. سالانه حدود دو میلیون انسان بیشتر زنان جوان به منظور فحشا - در جهان قاچاق می‌شوند. تنها در لس‌آنجلس نزدیک به ۴ تا ۵ هزار زن چینی در مراکز فحشا گرفتار شده‌اند. زنان در مولداوی به قیمت ۱۵ دلار خریده می‌شوند، ولی در ایتالیا به قیمت ۵ هزار دلار فروخته می‌شوند. آنان باید بتوانند ماهیانه تا ۲۵ هزار دلار برای صاحب خود درآمد ایجاد کنند. در اروپا درآمد ناشی از تجارت زن اروپای شرقی، سالانه نزدیک به ۱۳ میلیارد دلار برآورد می‌شود. نک: بهناز اشتری، قاچاق زنان بردگی جنسی، تهران، اندیشه برتر، چ ۱، ۱۳۸۰. ۴. برابر آمارهای سال ۱۹۹۲ م. در امریکا هر ۶ دقیقه یک تجاوز جنسی صورت می‌گیرد. ماهانه به طور میانگین، ۲۵٪ زنان امریکایی از شوهران یا مردانی که با آنها زندگی می‌کنند، کتک می‌خورند و تقریباً ۵۰٪ از مردان امریکایی همسر خود را دست‌کم سالی ۳ بار کتک می‌زنند. نک: سیمای زن در جهان امریکا، تهران، مرکز امور مشارکت زنان، نشر برگ زیتون، چ ۱، ۱۳۷۷، ص ۱۰۴. ۵. هر کسی کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به زندگی گوارا زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد. نحل: ۹۷ به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان باایمان و زنان باایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا (یند).... خداوند برای همه آنها آمرزش و پاداش عظیمی فراهم ساخته است. (احزاب: ۳۵؛ نیز نک: آل عمران: ۱۹۵؛ نساء: ۱۲۴؛ غافر: ۴۰...). ۶. نک: مائده: ۷۵. ۷. همین مطلب در مورد مادر موسی علیه‌السلام نیز آمده است. قصص: ۸۷. چنان که در مورد همسر ابراهیم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز این مطلب رخ داد. هود: ۷۲ و ۷۳. ۹. آل عمران: ۱۷۷ - ۱۸۲؛ تحریم: ۱۴ و ۲۱؛ مریم: ۱۶ - ۲۷. ۱۰. تحریم: ۱۱.

۴. توجه به واقعیت‌های وجودی زن و مرد (نیازها، گرایش‌ها و اقتضائات)

یکی از ویژگی‌های اساسی در آموزه‌های اسلام، توجه به همه جنبه‌های وجود انسان‌ها است. خداوند، خالق جهان و انسان، بر همه امور و زوایای وجودی انسان آگاه است و با حکمت مطلق خویش، احکام دینی را بر اساس مصالح و واقعیت‌های وجود بشر، به او ارائه کرده است. در زمینه آموزه‌های مربوط به روابط زن و مرد نیز چنین است. حتی برخی تفاوت‌های موجود میان زن و مرد در مسائلی مانند پوشش، آداب معاشرت، حقوق و وظایف در خانواده و...، همه متناسب با تفاوت‌های واقعی در گرایش‌ها، نیازها و شرایط وجودی زن و مرد است. البته بررسی تفصیلی این مطلب، مجال دیگری می‌طلبد. در اینجا تنها نظر اسلام را در مورد گرایش‌های جنسی بررسی می‌کنیم. آیا اسلام این گرایش‌های غریزی را امری نامطلوب می‌داند و توجه به این گرایش‌ها را ناپسند می‌شمارد و انسان را از لذت‌ها و امور جنسی بر حذر می‌دارد؟ گرایش‌های جنسی در انسان خوب است یا بد؟ این پرسش از آنجا که به ذهن می‌آید که زمینه ذهنی بسیاری از افراد - حتی تحصیل‌کردگان - در این مورد، بر اساس تصویری که از ادیانی مثل مسیحیت، بودیسم و هندو وجود دارد، شکل گرفته است. بسیار دیده می‌شود جوانان از احساسات و گرایش نسبت به جنس مخالف، احساس گناه می‌کنند و این امر را با روحیه دینی ناسازگار می‌پندارند. در ادیان یادشده، راهی که برای رسیدن به کمالات معرفی می‌شود، دوری از دنیا و لذت‌ها و شهوت‌های دنیایی است. این ادیان به ویژه درباره میل جنسی، نگاه گناه‌آلود و بدبینانه‌ای دارند و زناشویی

را تنها از سر ناچاری و اضطرار و برای تولیدمثل روا می‌شمارند. این امر زمینه‌ساز احساس گناه در پیروان این ادیان و ایجاد کشمکش دائمی میان نیاز طبیعی و عقیده مذهبی در آنها بوده است. ۱. در آموزه‌های اسلام، اثری از این عقیده و پلید شمردن گرایش جنسی وجود ندارد؛ زیرا اسلام به گرایش‌های طبیعی انسان‌ها توجه کامل دارد. اسلام، راه رسیدن به کمال را ترک دنیا و دوری از لذت‌ها و خواهش‌ها نمی‌داند، بلکه سفارش می‌کند به دنیا و لذت‌های آن دل نبندیم و در سایه ایمان و عمل صالح و با تقویت بینش و اراده، حالتی را در نفس خود به وجود آوریم که اسیر شهوت نباشیم تا عقل فرمان‌روایمان باشد. این امر، هرگز با استفاده از نعمت‌ها و لذت‌های مشروع و حلال، در حد متعادل و عقلانی و شرعی منافات ندارد. خداوند در قرآن، علاقه میان زن و مرد را موهبتی الهی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...» (روم: ۲۱) و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این امر، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند. نمونه‌های فراوانی از مبارزه معصومین علیهم‌السلام با اندیشه رهبانیت و ترک دنیا وجود دارد که جریان عثمان بن مظعون و برخورد پیامبر با او، معروف است. ۲. در روایتی آمده است پیامبر به برخی از اصحاب که به ترک دنیا وجود دارد که جریان عثمان بن مظعون و برخورد پیامبر با او، معروف است. ۲. در روایتی زنان روی می‌گردانید در حالی که من با زنان مباشرت می‌کنم و در روز غذا می‌خورم و شب می‌خوابم و هر کس از سنت من روی گرداند، از من نیست. در این هنگام این آیات نازل شد: امور پاکیزه‌ای را که خداوند برای شما حلال کرده است، تحریم نکنید و از تجاوز بپرهیزید که خداوند، تجاوزکاران را دوست ندارد و از آنچه خدا به صورت پاکیزه و حلال روزی‌تان کرده است، بخورید و از خدایی که به او ایمان دارید، بترسید. (مائده: ۸۷ و ۸۸) امام باقر علیه‌السلام به زنی که قصد داشت برای کسب فضیلت‌های انسانی تا آخر عمر ازدواج نکند، فرمود: برو (و ازدواج کن)! اگر در این کار (تجرد) فضیلتی بود، فاطمه علیها‌السلام از تو سزاوارتر به آن می‌بود (در حالی که ایشان ازدواج کرد). بی‌گمان، هیچ کس در فضیلت بر آن حضرت پیشی نمی‌گیرد. ۳. حتی در روایت‌های اسلامی، بی‌همسری به شدت نکوهیده شده است. پیامبر فرموده است: «شَرَّ أُمَّتِكُمُ الْعَزَابُ؛ بدترین مردگان شما کسانی هستند که در حال بی‌همسری از دنیا می‌روند.» ۴. همچنین حضرت از مردی پرسید: آیا زن داری؟ گفت: نه. رسول الله فرمود: آیا کنیز داری؟ عرض کرد: نه. حضرت فرمود: آیا توانایی مالی داری؟ گفت: بله. آن‌گاه به او فرمود: «تَزَوَّجْ وَإِلَّا فَانَّتْ مِنَ الْمَيْدَنِيِّينَ؛ ازدواج کن، و گرنه از گناه‌کاران خواهی بود.» ۵. حتی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام که دارای بالاترین درجات ایمان بودند، آشکارا علاقه خود را به زن اعلام می‌کردند و این، نشان می‌دهد که این گرایش‌ها هرگز شرم‌آور یا پلید نیستند. برای نمونه، امام صادق علیه‌السلامی فرماید: «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ حُبُّ النِّسَاءِ؛ علاقه به زنان، از اخلاق پیامبران است.» ۶. حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «من از دنیای شما چیزی را دوست نمی‌دارم؛ جز زنان و عطر.» ۷. امام باقر علیه‌السلام در این باره می‌فرمود: دو رکعت نماز که فرد دارای همسر می‌خواند، از عبادت فرد بی‌همسری که شب، بیدار و روز، روزه‌دار است، برتر است. ۸. گرایش به جنس مخالف و زناشویی حلال در نظر اسلام نه تنها پست و پلید نیست، بلکه در روایت‌هایی، آن را هم‌ردیف امور ارزشمند و مقدس قرار داده‌اند. امام باقر علیه‌السلام فرمود: تفریح مؤمن سه چیز است: بهره‌مندی‌های جنسی، هم‌کلامی و هم‌نشینی با برادران (دینی) و نماز شب. ۹. با توجه به این‌گونه روایت‌ها، این توهم که اسلام با گرایش‌های جنسی مخالف است، کاملاً بی‌اساس است. هدف اسلام از تعیین حدود و ضوابط در روابط زن و مرد این نبوده که می‌خواست هر چه بیشتر امور جنسی را محدود کند و به حداقل برساند یا اینکه در صورت امکان، انگیزه‌ها و رفتارهای جنسی را به کلی از زندگی انسان حذف کند، چنان‌که در بعضی از ادیان و مذاهب، این جهت‌گیری وجود دارد. هدف اسلام، رهنمون کردن درست این امور در جهت مصالح کلی و سلامت و کام‌یابی بهتر فرد و اجتماع است. ۱.

مرتضی مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، قم، صدرا، صص ۹-۱۷. در ادامه، در مورد این نگرش توضیح بیشتری

خواهیم داد. ۲. همان، ص ۱۶؛ ثقه الاسلام کلینی، کافی، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۵، ج ۴۹۴. ۳. وسائل الشیعه، کتاب نکاح، ابواب مقدمات نکاح، باب ۲، ص ۲۱، ح ۲۴۹۲۱۴. بحارالانوار، ج ۱۰۰، کتاب عقود و ایقاعات، باب کراهه العزوبه و الحث علی الترویج از ابواب النکاح، ص ۲۲۰، ح ۱۹۰۵. همان، ص ۲۲۱، ح ۲۷۰۶. وسائل الشیعه، کتاب نکاح، ج ۲۰، ابواب مقدمات نکاح، باب ۳، ص ۲۲، ح ۲۴۹۲۲۷. همان، ص ۲۲، ح ۲۴۹۲۵۸. همان، باب ۲، ص ۲۰، ح ۲۴۹۱۶۰۹. بحارالانوار، ج ۱۰۰، کتاب عقود و ایقاعات، باب کراهه العزوبه و الحث علی الترویج از ابواب النکاح، ص ۲۲۰، ح ۱۷.

۵. جهت‌دهی صحیح و سالم‌سازی روابط اجتماعی

دانستیم که اسلام به عواملی مانند تأمین سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها و رشد جنبه‌های انسانی و معنوی و احترام به شخصیت زن و نیز گرایش‌های طبیعی زن و مرد توجه دارد و غریزه‌های وجودی آنها را سرکوب نمی‌کند. اکنون باید رویکردهای اصلی و عملی اسلام برای جهت‌دهی درست روابط میان زن و مرد بررسی شود. به عبارت دیگر، جهت‌های اساسی که در تعیین ضوابط و احکام عملی مربوط به ارتباط‌های میان زن و مرد دیده می‌شود، چیست؟ شاید بتوان دو جهت‌گیری مهم را اساسی‌ترین رویکردهای اسلام در تنظیم روابط زن و مرد دانست: الف) جهت‌دهی رابطه‌های جنسی در مسیری تعریف شده (ازدواج)؛ ب) به حداقل رساندن محرک‌های جنسی در اجتماع و سالم‌سازی رابطه‌های اجتماعی. در جهت‌گیری اول، اسلام تلاش دارد رابطه جنسی میان زن و مرد را به شکلی ضابطه‌مند سازد که حقوق و وظایف دو طرف در برابر یکدیگر و نسل آینده مشخص باشد. در این رویکرد، اساسی‌ترین ضابطه‌ای که بدان توجه می‌شود و خط قرمز اصلی در ایجاد روابط جنسی میان زن و شوهر است - به جز حرام بودن ازدواج با محارم - آن است که زن نباید در یک زمان با بیش از یک مرد پیوند ازدواج برقرار کند. حتی زن باید در دوره احتیاط (عده) نیز از ارتباط با مرد دیگر پرهیزد. ممنوع بودن چند شوهر هم‌زمان برای زن و لزوم رعایت عده، یگانه ضابطه در ارتباط‌های جنسی زن و شوهر نیست، ولی اصلی‌ترین ضابطه الزامی و تغییرناپذیر است؛ چون دیگر احکام و وظایف در این زمینه، بیشتر با توافق دو طرف قابل تغییر و کاهش هستند. شاید مهم‌ترین حکمت این مسئله نیز جدا از روحیه زن و مرد، جلوگیری از تباه شدن نسل و در خطر افتادن حقوق فرزندان باشد. در غیر این صورت، حق طبیعی فرزندان برای شناخت والدین و برخورداری از حمایت‌های مادی و معنوی آنان، ضایع و اجتماع نیز با نابسامانی‌های مختلفی روبه‌رو می‌شود. بنابراین، چون غیر از حقوق زن و مرد، حقوق نسل آینده و اجتماع نیز مهم است، توافق دو طرف هرگز نمی‌تواند این منع را برطرف سازد. البته در اینجا تنها در مقام بیان جهت‌گیری‌های کلان و ضوابط اصلی در زمینه روابط جنسی هستیم، ولی هنجارهای مهم دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها می‌پردازیم. در جهت‌گیری دوم، اسلام، دامنه تحریک و ارضا را به حریم خصوصی افراد محدود می‌کند و می‌کوشد محیط اجتماعی را از عوامل تحریک جنسی پاک سازد. این مطلب از یک سو سبب می‌شود روابط اجتماعی در بستر عقلانی و همراه با آرامش و امنیت روانی برای زن و مرد جریان یابد و از شایبه‌ها و انگیزه‌های پنهان جنسی و هیجان‌ها و نگرانی‌های آزاردهنده خالی باشد تا فضای سالم برای فعالیت‌های اجتماعی به وجود آید. از سوی دیگر، تکمیل‌کننده جهت‌گیری اول در جهت عملی ساختن این رویکرد؛ یعنی اختصاص روابط جنسی به رابطه میان دو زوج در چارچوبی خاص به شمار می‌رود؛ زیرا هرچه تحریک‌های جنسی در محیط اجتماع بیشتر باشد، خطر ایجاد رابطه‌های نامشروع و خارج از ضابطه بیشتر خواهد شد. ۲ -

۱. نک: سید

محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۴، ذیل آیات ۲۲ - ۲۸ سوره نساء، صص ۴۷۰ - ۴۷۳.۲. اگر به تحریک‌پذیری زیاد و قدرت غریزه که در مقدمه به آن اشاره شد، در وجود انسان توجه کنیم، حساسیت این رویکرد بیشتر روشن خواهد شد.

فصل سوم: سالم‌سازی روابط اجتماعی و کاهش محرک‌های جنسی خارج از محدوده روابط زوجین

اشاره

۱. مراقبت‌های لازم در روابط خانوادگی

زن و شوهر در محیط خانواده مجازند با یکدیگر رابطه جنسی برقرار کنند، ولی این امر باید چنان باشد که برای فرزندان بدآموزی نداشته باشد. روابط فرزندان با یکدیگر یا با والدین باید به گونه‌ای باشد که زمینه‌های آلوده شدن به شایبه‌های جنسی - حتی به صورت ناخودآگاه - در آنان پدید نیاید. رفتارهای جنسی والدین در حضور فرزندان حتی برای خردسالان، پی‌آمدهای زیان‌بار و جبران‌ناپذیری دارد؛ زیرا در سال‌های بعد به صورت تخیلات و دل‌مشغولی‌های ذهنی، بلوغ زودرس و مانند آن در کودک نمایان می‌شود و همواره او را به انحراف‌های جنسی و حتی بیماری‌های روانی می‌کشاند. اهمیت این مسئله چنان است که خداوند در قرآن، برنامه خاصی را به والدین توصیه می‌کند و می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و نیز کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند. پیش از نماز صبح و نیم روز، هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید و پس از نماز عشا. این سه وقت خصوصی برای شماست، ولی پس از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست که (بدون اذن وارد شوند و با صمیمیت) بر گرد یکدیگر بگردید. خداوند این گونه آیات را بر شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است و هنگامی که کودکان شما به سن بلوغ رسیدند، باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند، اجازه می‌گرفتند... (نور: ۵۸ و ۵۹) پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: به خدایی که جانم در دست اوست، اگر مردی با همسر خودش در اتافی که کودکی در آن بیدار باشد، درآمیزد، به گونه‌ای که آن کودک آنها را ببیند و صدا و کلام و نفس آنها را بشنود، هرگز رستگار نمی‌شود و پسر یا دختر سرانجام زناکار خواهد شد. ۱. والدین باید بکوشند در روابط خود با فرزندان، برخی ملاحظه‌ها را رعایت کنند تا از تحریک جنسی کودک جلوگیری شود. امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «مادر، دختری را که شش سالش تمام شده است، برهنه در کنار خود ن خواباند که به منزله زناست.» ۲. همچنین امام صادق علیه‌السلام به نقل از پدران معصومش علیهم‌السلام می‌فرماید: «وقتی کودکان ده ساله شدند، خوابگاه آنان از زنان جدا شود.» ۳. اسلام درباره مناسبات میان فرزندان یا میان آنها و کودکان یا بزرگسالان دیگر از جمله خویشان و دوستان توصیه‌هایی دارد که رعایت آنها احتمال انحراف را به حداقل می‌رساند. برای مثال، در روایت‌های معصومان علیهم‌السلام دستور داده شده است که خوابگاه کودکان ده ساله حتی دو پسر یا دو دختر از هم جدا شود. ۴. پیامبر در روایتی فرموده است: وقتی فرزندان شما به هفت (یا شش) سالگی رسیدند، خوابگاه آنها را از یکدیگر جدا سازید. ۵. همچنین امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: هنگامی که دختر بچه شش ساله شد، پسر بچه نباید او را ببوسد و پسر بچه که سنش از هفت سال تجاوز کرد، نباید زن را ببوسد. ۶. حتی در روایتی، زنان نیز از بوسیدن پسر بچه هفت ساله نهی شده‌اند. ۷. همچنین توصیه شده است مردان از بوسیدن، در آغوش گرفتن و روی زانو نشاندن دختر بچه پنج یا شش ساله خودداری کنند. ۸. خطر انحراف در رابطه‌های فامیلی نباید نادیده گرفته شود و دوستی‌های خویشاوندی نباید عامل سهل‌انگاری در رعایت حدود شرعی باشد. نقل شده است امام کاظم علیه‌السلام نزد محمد بن ابراهیم - والی مکه - بود. وی دختر بچه‌ای داشت که پیش مردها (و مهمانان) می‌آمد و آنان (برای ابراز محبت) او را در آغوش می‌گرفتند. وقتی نزد امام آمد، حضرت او را با دستان کشیده نگاه داشت (و مانند دیگران او را در آغوش نگرفت). آن‌گاه فرمود: «وقتی دختر بچه به شش سالگی رسید، جایز نیست مرد نامحرم او را ببوسد و در آغوش بگیرد.» ۹. بنابراین، در رعایت احکامی که در روابط میان نامحرم وجود دارد، میان نامحرم فامیل و

غیرفامیل تفاوتی وجود ندارد. حتی خود والدین و بزرگ‌ترها هم باید حریم‌ها را در روابط با خویشان نامحرم رعایت کنند. اگر این‌گونه مراقبت‌ها و دستورهای اسلامی در محیط خانه و در روابط خانوادگی رعایت نشود، مشکلات جنسی اعضای خانواده به ویژه فرزندان در نوجوانی و جوانی، هرگز دور از انتظار نخواهد بود. برخی والدین گمان می‌کنند که خردسالان یا کودکان تا وقتی بالغ نشده‌اند، از امور جنسی سر در نمی‌آورند. در نتیجه، در روابط خودشان یا روابط فرزندان با یکدیگر یا هم‌سالان، خویشان و دوستانشان، مراقبت‌های لازم را ندارند. چه‌بسا در حضور آنان و بدون توجه به اثرپذیری کودکان، به تماشای فیلم‌ها یا عکس‌های محرک می‌پردازند یا برخی مادران، پسر بچه‌های نابالغ را با خود به مجالس جشن و عروسی زنانه می‌برند. این در حالی است که تمام این امور در ذهن کودک ماندگار می‌شود و پی‌آمدهای ناشایست آنها در اندیشه و رفتار کودک و نوجوان ظاهر خواهد شد. از همین رو، در برخی روایت‌ها، انجام دادن اعمال جنسی حتی در حضور نوزاد و کودک در گهواره منع شده است؛ زیرا آمیزش جنسی در جایی که کودکی حضور داشته باشد، زمینه‌ساز انحراف اخلاقی و موجب مبتلا شدن به زنا دانسته شده است. ۱۰ افزون بر این‌گونه مراقبت‌ها در محیط خانه، عامل مهم دیگری که در پیش‌گیری از انحراف‌های اخلاقی فرزندان نقش اساسی دارد، تربیت درست آنان و ایجاد فضای صمیمی و دوستانه در خانواده است، به گونه‌ای که نیازهای عاطفی و روحی فرزندان را به درستی برآورده کند و آنان را بر اساس اخلاق اسلامی پرورش دهد. گفتنی است یکی از عوامل انحراف اخلاقی، ناآشنایی افراد با آموزه‌ها و اخلاق تربیت اسلامی است. کمبود محبت و ارضا نشدن نیازهای عاطفی در محیط خانواده سبب می‌شود فرد به دلیل احساس تنهایی، به روابط انحرافی روی آورد و چه بسا عقده‌ها و کمبودهای عاطفی و نیازهای تأمین نشده در وجود فرد، به صورت گرایش‌های کاذب جنسی رخ نماید. همچنین نبود محیط امن و وجود اختلاف‌های خانوادگی، عامل فراری دادن فرزندان از محیط خانه و کشاندن آنان به دام‌های انحراف خواهد بود. اسلام با آموزش‌های خود، زمینه استحکام خانواده‌ها را فراهم می‌آورد و بستر مناسبی را برای تأمین نیازهای جسمی و روانی آنان و تربیت شایسته ایجاد می‌کند. برای مثال، در اسلام بر حذر داشتن از هرج و مرج جنسی، معیارهای خاصی برای ایجاد روابط جنسی وضع شده است که به تقویت بنیان خانواده می‌انجامد. همچنین اموری مانند نکوهیده بودن طلاق در اسلام، امر به خوش‌رفتاری در روابط میان زن و شوهر، اصل مدیریت مرد در خانواده، لزوم اطاعت از والدین و حفظ احترام آنان که به ایجاد نظامی ارزشی در خانواده می‌انجامد و نیز وظایف و احکام تربیتی در اسلام، همگی در همین راستا قابل ارزیابی است. نقش این آموزه‌ها در استحکام بنیان خانواده و تنظیم درست روابط خانوادگی، هنگامی آشکارتر می‌شود که وضع خانواده را در جامعه‌هایی که در آنها این ضوابط و ارزش‌ها رعایت نمی‌شود، بررسی کنیم و ضعف و ناکارآمدی نهاد خانواده را در برآوردن نیازهای عاطفی اعضا و تربیت فرزندان بکاویم. افزون بر تقویت بنیان روابط خانوادگی که بستر مناسبی را برای فراهم شدن شایسته نیازها و تربیت درست پدید می‌آورد، اسلام بر محبت والدین به فرزندان تأکید فراوانی دارد. والدین باید در سال‌های اول زندگی به فرزندان آزادی عمل دهند تا بازی کنند و در سال‌های بعد آنها را تربیت کنند و با مشورت کردن با آنها در نوجوانی و جوانی، به او شخصیت ببخشند و از زمان کودکی، احکام، اخلاق و معارف اسلامی را به آنها بیاموزند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است: هر کس فرزندش را ببوسد، خداوند برای او یک حسنه می‌نویسد و هر کس فرزندش را خوش‌حال کند، خداوند در روز قیامت او را خوش‌حال می‌کند و هر پدر و مادری که به کودکانشان قرآن بیاموزند، در قیامت فرا خوانده می‌شوند و دو جامه بهشتی به آنان پوشانده می‌شود که صورت‌های بهشتیان از نور آنها روشن می‌گردد. ۱۱ امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: پسر بچه، هفت سال بازی کند و هفت سال کتاب (قرآن یا نوشتن) یاد بگیرد و هفت سال حلال و حرام را بیاموزد. ۱۲ همچنین امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید: به کودکانتان از علوم ما (اهل بیت) به مقداری که خداوند به وسیله آن، آنها را نفع رساند، بیاموزید تا آرای مُرجئه (گروهی با عقاید انحرافی و متمایل به لابی‌گری) بر اندیشه آنها چیره نشود. ۱۳ پیامبر در حدیث دیگری می‌فرماید: اگر کسی از شما فرزندش را تربیت کند، برای او از اینکه هر روز نصف صاع صدقه دهد، بهتر است.

نیز فرمود: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرَ لَكُمْ؛ فرزندانتان را اکرام کنید (به آنها محبت کرده و شخصیت بدهید) و تربیت نیکو بیاموزید تا آمرزیده شوید». ۱۴. بی گمان، وقتی کودک و نوجوان از نظر عاطفی در خانواده تأمین شوند و کرامت نفس یابند و شخصیتشان بر اساس تربیت اسلامی شکل پذیرد، بعدها در اجتماع و در رابطه با جنس مخالف تا حدود زیادی از انحراف در امان خواهند ماند و کمتر در دام گناهان و مفسد اخلاقی گرفتار می‌شوند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب ۶۶، از ابواب مقدمات نکاح، ح ۲۵۲۲۳. ۲. محمدباقر مجلسی، حلیه المتقین، قم، هجرت، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۱۶۲. ۳. وسائل الشیعه، ج ۲۱، کتاب النکاح، باب ۷۴، از ابواب احکام اولاد، ص ۴۶۱، ح ۲۷۵۸۳. ۴. نک: همان، ص ۴۶۰، ح ۲۷۵۸۱. ۵. حسام الدین هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ هـ. ق، ج ۱۶، ص ۴۴۱؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۲۳؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، کتاب النکاح، باب ۷۴ از احکام اولاد، ص ۴۶۱، ح ۲۷۵۸۲. ۶. همان، ج ۲۰، باب ۱۲۷ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۲۳۰، ح ۲۵۵۰۲. ۷. مکارم الاخلاق، ص ۲۲۳. ۸. وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۱۲۷ از ابواب مقدمات نکاح، صص ۳۱ - ۲۲۹، ح ۲۵۴۹۹ - ۲۵۵۰۵. ۹. وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۱۲۸ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۲۳۱، ح ۲۵۵۰۴. ۱۰. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِيَّاكُمْ وَ أَنْ يُجَامِعَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَ الصَّبِيَّ فِي الْمَهْدِ يُنْظَرُ إِلَيْهِمَا». بحار الانوار، ج ۱۰۰، باب ۶۵ از کتاب عقود، ص ۲۹۵، ح ۵۱؛ عَنْ أَبِي عَيْدٍ اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا يُجَامِعُ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَ لَا - جَارِيَتَهُ وَ فِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُورِثُ الزَّنا». (همان، ص ۲۹۰، ح ۳۰. ۱۱. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، باب ۸۳ از ابواب احکام اولاد، ح ۲۷۶۲۳. ۱۲. همان، ح ۲۷۶۲۱. ۱۳. همان، باب ۸۴ از ابواب احکام اولاد، ح ۲۷۶۳۴. ۱۴. همان، باب ۸۳، ح ۲۷۶۲۸ و ۲۷۶۲۹.

۲. روحیه حیا، عفت و بزرگواری و احترام متقابل

در تربیت اسلامی باید هر فرد برای خود و دیگران احترام و ارزش قائل باشد و خاستگاه این ارزش گذاری نیز ایمان افراد است، چنان که در روایتی آمده است: «الْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ؛ احترام مؤمن از کعبه بیشتر است». ۱. از این رو، در اسلام به هیچ کس اجازه داده نمی‌شود که به شخصیت خود یا دیگران توهین روا دارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند اختیار تمام کارهای مؤمن را به او واگذار کرده، ولی به او اجازه نداده است خوار شود (و خود را خوار سازد). ... مؤمن از کوه عزیزتر (و استوارتر) است. ۲. نقل است که جبرئیل بر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نازل شد و عرض کرد: ای محمد، پروردگارت می‌فرماید هر کس به بنده مؤمن من اهانت کند (و او را خوار گرداند)، به جنگ با من برخاسته است. ۳. اینکه افراد برای خود و دیگران، شخصیت و احترام قائل باشند، از جنبه‌های مختلفی در زندگی شخصی و روابط با دیگران از جمله جنس مخالف اثرگذار است. هنگامی که انسان برای خود شخصیت و الایبی قائل باشد، هوس‌های زودگذر به راحتی نمی‌تواند بر او غلبه یابد و در برخورد با محرک‌های جنسی تسلط بیشتری خواهد داشت. چنین شخصی از رفتارهای ناسنجیده‌ای که با کرامت انسانی و شخصیت ایمانی او ناسازگار باشد و به پشیمانی او بینجامد، می‌پرهیزد و عزت نفس خود را فدای شهوتش نمی‌کند، چنان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ؛ هر که برای خود ارزش و شخصیت قائل باشد، شهوت‌هایش نزد او خوار و بی‌مقدار می‌شود». ۴. از سوی دیگر، اینکه فرد برای دیگران نیز احترام قائل باشد، سبب می‌شود از نگاه‌های ابزاری، مزاحمت و برخوردهای ناهنجار با دیگران از جمله افراد جنس مخالف بپرهیزد. این امر در پدید آمدن تعامل‌های معقول و مبتنی بر احترام متقابل میان زن و مرد یا دختر و پسر در اجتماع و منحرف نشدن روابط سالم به رفتارهای مبتذل و غیرطبیعی، نقش اساسی دارد. در فرهنگ اسلامی بر دو مفهوم «حیا» و «عفاف» تأکید ویژه‌ای شده است. پیامبر فرمود: «... اسلام، برهنه است و لباس آن، حیا و زینتت، عفاف است». ۵. امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «حیا و عفاف و سکوت (کم‌گویی و پرهیز از صحبت‌های بی‌جا)، از

نشانه‌های ایمان است» ۶. عفاف در روایت‌ها معمولاً به عفت شکم و فرج و دور نگه داشتن آن دو از خواهش‌های حرام و حتی هوس‌ها و امور مکروه گفته می‌شود، ۷ چنان‌که از دو روایت نقل شده برمی‌آید که حیا و عفاف از لوازم ایمان و اسلام حقیقی‌اند. انسانی که دارای ایمان راسخی باشد، می‌تواند نفسش را در برابر محرک‌ها و کشش‌های گوناگون، از جمله خواهش‌های جنسی مهار کند و بر شهوت‌هایش چیره شود و به مرتبه عفت برسد. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «الْعِفَّةُ تُضَعِفُ الشَّهْوَةَ؛ عفت، شهوت را ناتوان می‌سازد» ۸. پس عفت یکی از نمودهای عملی ایمان است و چونان عامل بازدارنده درونی، در جلوگیری از انحراف در روابط و گناهان جنسی نقش اساسی دارد. از همین رو، خداوند کسانی را که توانایی ازدواج ندارند، به عفت توصیه می‌کند و می‌فرماید: «وَلَيْسَ تَعْفُفِ الدِّينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور: ۳۳) و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاک‌دامنی پیشه کنند تا خداوند، از فضل خود، آنان را بی‌نیاز گرداند. حیا نیز از لوازم ایمان واقعی است، چنان‌که در روایت‌هایی آمده است: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ؛ کسی که ایمان ندارد، حیا نیز ندارد» ۹ توضیح اینکه در واقع، انسان با ایمان، نظام ارزشی و هنجاری دین را پذیرفته است و می‌کوشد خود را با الگوی شخصیتی افراد مؤمن تطبیق دهد. او خود را دارای هویت و شخصیتی ایمانی می‌داند و برای آن ارزش قائل است. همین امر سبب می‌شود از انجام دادن کارهای زشت و خلاف ارزش‌ها و هنجارهای ایمانی شرم کند. این شرم در درجه اول، شرم از خدا و اولیای او و سپس شرم از خویشان و دیگر مؤمنان است؛ زیرا با انجام دادن کارهای ناپسند، شخصیت ایمانی انسان نزد خودش و دیگران خدشه‌دار می‌شود، در حالی که شخص مؤمن برای ایمان و شخصیت ایمانی خود ارزش والایی قائل است. او همواره خدا را ناظر بر اعمالش می‌بیند و به دلیل درک عظمت و جلال الهی، به خود اجازه نمی‌دهد در محضر او کارهای ناشایست انجام دهد. حال اگر شخص نظام ارزشی و هنجار دین را نپذیرد و حضور و جلال خدا و اولیایش را درک نکند و برای خود شخصیت ایمانی قائل نباشد، بی‌شرمانه و بدون حیا از خالق و مخلوق، به کارهای ناپسند دست می‌زند. در این زمینه، چند روایت را یادآور می‌شویم. پیامبر به شخصی که از ایشان درخواست نصیحت کرده بود، فرمود: «از خداوند حیا کن، همان‌گونه که از شخص صالحی از خویشانت حیا می‌کنی» ۱۰ همچنین امام باقر علیه‌السلام فرمود: ... زمانی که نفست تو را به گناه فراخواند، نگاهت را به آسمان بینداز. پس اگر از خداوند نمی‌ترسی، به کسانی که در زمین هستند (مردم)، نگاه کن. شاید از آنان شرم کنی. پس اگر نه از کسی که در آسمان است، می‌ترسی و نه از کسانی که در زمین هستند، حیا می‌کنی، خودت را در شمار چارپایان به شمار آور. ۱۱ حتی اگر کسی ایمان راسخی نداشته باشد، ولی در جامعه‌ای باشد که ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر بیشتر مردم، ارزش‌ها و هنجارهای دینی باشد، وی از جامعه و دیگران حیا می‌کند و می‌کوشد فرد بی‌شرمی نباشد. از این رو، این حیا و ترس از سرزنش اطرافیان و جامعه، زمینه‌ساز حفظ ارزش‌ها و عمل در چارچوب هنجارهای مشروع و پسندیده خواهد بود. بنابراین، می‌توان وجود روحیه حیا در افراد را یکی از عوامل اثرگذار در «جامعه‌پذیری» و «کنترل اجتماعی» دانست. جامعه نیز با تقویت ارزش‌ها و حفظ تابوهای اجتماعی، بر شکل‌گیری و تقویت روحیه حیا در افراد اثر می‌گذارد. با توضیحی که درباره رابطه حیا و ایمان گذشت، می‌توان دریافت حیای توصیه شده در اسلام، حیایی آگاهانه است که مقتضای ایمان و احترام شخصیت مؤمن است و با خجالتی بودن و شرم بی‌مبنا که حالتی منفعلانه و ناشی از ضعف شخصیت و خودکم‌بینی و ناآگاهی است، تفاوت اساسی دارد. در روایت‌ها نیز به این تفاوت اخلاقی توجه شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: حیا، دو نوع است؛ حیای عقل و حیای حماقت. حیای عقل (ناشی از) علم است و حیای حماقت (ناشی از) جهل ۱۲. نیز فرموده است: حیا، بر دو گونه است: یک نوع آن ضعف و نوع دیگر آن، قوت و اسلام و ایمان است. ۱۳ وجود حیا به مفهومی که گذشت، افراد جامعه اسلامی را به رعایت هنجارهای اسلامی از جمله روابط میان دختر و پسر و زن و مرد نامحرم ملزم می‌کند و زمینه رفتارهای نامشروع و نامناسب را به حداقل می‌رساند. افزون بر حیای عامی که از نشانه‌های هر زن و مرد مؤمن است، نوع خاصی از حیا نیز که بیشتر درباره امور جنسی و ارتباط با نامحرمان به کار می‌رود، در آیات و روایات به عنوان صفتی نیکو برای زنان معرفی شده است.

برای نمونه، قرآن کریم در بخشی از داستان برخورد موسی علیه‌السلام با دختران شعیب علیه‌السلام و در آن جا که یکی از آن دو آمد تا موسی علیه‌السلام را به پاس کمکی که به آنها کرده بود، پیش پدر خود ببرد، بر حیای دختر شعیب علیه‌السلام راه رفتن تأکید می‌کند: «فَجَاءَتْهُ إِخْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ؛ (موسی دید) که یکی از آن دو دختر نزد او باز آمد، در حالی که باکمال حیا، گام برمی‌داشت». (قصص: ۲۵) از برخی روایت‌ها نیز برمی‌آید که حیا در زن، موهبتی الهی است. امام صادق علیه‌السلام در بخشی از حدیث طولانی در بیان قصه آدم و حوا می‌فرماید: حوا، از خداوند خواست همان‌گونه که به آدم عطایایی بخشیدی، به من نیز عنایت فرما. پس خدای متعال فرمود: من به تو حیا و رحمت (مهربانی) و انس عنایت کردم و... ۱۴. پیامبر می‌فرماید: «بدترین زنان شما، زن بی‌حیای عبوس است». ۱۵ وجود حیا و حفظ آبرو در زن سبب می‌شود که مردان به راحتی در او طمع نکنند. آنها وادار می‌شوند که در ارتباط‌ها و تعامل‌هایشان، حریمی ویژه برای زن قائل شوند و نوعی مصونیت همراه با احترام و ارزش برای او ایجاد کنند، ولی اگر زن در تعامل با نامحرم، بی‌پروا باشد و در رفتارهایش، حریمی برای خود قائل نشود، به راحتی در معرض نگاه‌های بد و حتی سوءاستفاده برخی مردان قرار می‌گیرد. بنابراین، خواسته یا ناخواسته، زمینه‌های انحراف و فساد را در جامعه پدید می‌آورد و از ارزش خود در نظر دیگران نیز می‌کاهد؛ زیرا وقتی به نظر آید که چیزی به راحتی دست‌یافتنی است، ارزش آن نیز در نظر افراد کاهش می‌یابد. چه بسا برخی گمان کنند که حیا، تنها برای زنان، آن هم در گذشته بوده است که به دلیل محرومیت از تحصیل و رفتارهای اجتماعی، احساس خودکم‌بینی و بی‌اعتمادی به نفس داشته‌اند. امروزه زنان در بسیاری از موارد از مردان جلوترند و دیگر معنا ندارد که در برخورد با مردان، احساس شرم کنند، بلکه باید در برخوردها جسارت و اعتماد به نفس کامل داشته باشند. بنابراین، توصیه صفت حیا به زنان امروزی مناسبتی ندارد. با توجه به آنچه گذشت، نادرستی این گمان روشن می‌شود؛ زیرا حیا در زنان، صفتی است که در مورد امور جنسی، نوعی حریم برای ایشان فراهم می‌آورد و آنها را از دست‌درازی مردان نامحرم در امان می‌دارد. این امر اساساً ربطی به توانایی‌های اجتماعی زنان ندارد و خاستگاه آن، احساس عقب‌ماندگی علمی و فکری و حس خودکم‌بینی و مانند آن نیست، بلکه حیا، نوعی مهار مسائل جنسی است و رعایت آن برای همه زنان ضرورت دارد. بنابراین، نه تنها نشانه ضعف شخصیت زن نیست، بلکه نشانه آن است که زن باید برای خود احترام و شخصیت قائل باشد تا هنگام خطر، شخصیتش در امان بماند. از همین رو، امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، ترس (از تعرض نامحرم و بی‌آبرویی)، کبر و غرور را از صفات‌های پسندیده زنان معرفی می‌کند و می‌فرماید: بهترین صفت‌های زنان، بدترین صفت مردان است که عبارتند از: تکبر، ترس و بخل. پس آن‌گاه که زن مغرور باشد، کسی را به خودش راه نمی‌دهد (و مانع از طمع نامحرم می‌شود) و چون بخیل باشد، مال خود و شوهرش را حفظ می‌کند و هرگاه اهل ترس (و احتیاط کار) باشد، از مزاحمت‌ها و امور ناپسند دوری می‌گیرند. ۱۶ با دقت در این حدیث، روشن می‌شود که مراد از تکبر و بخل و ترس در زن، وجه منفی این صفت‌ها نیست، بلکه جهت ویژه‌ای در این صفات مورد نظر است که موجب پاس‌داشت شخصیت زن و نیز حفظ کیان خانواده است و این کاملاً معقول و مطلوب است، و گرنه زن مسلمان نیز باید در جای خود، متواضع، سخاوتمند و شجاع باشد. می‌دانیم که بزرگانی همچون حضرت زهرا علیها‌السلام و زینب کبری علیها‌السلام، جلوه‌های شکوهمندی از سخاوت و شجاعت همراه با وقار را در تاریخ اسلام به نمایش گذارده‌اند. -----

۱. بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۷۱، ح ۳۵، از باب ۱ از کتاب ایمان و کفر. ۲. همان، ص ۷۲، ح ۴۲. ۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ هـ. ق، ج ۲، باب ۱۳ از ابواب الاحتضار و ما یناسبه، ص ۹۴، ح ۱۵۱۴. ۴. نهج البلاغه فیض الاسلام، تهران، انتشارات اسلامی، بی‌تا، ص ۱۲۹۳، حکمت ۴۴۱؛ بحارالانوار، ج ۶۷، باب ۴۶ از کتاب ایمان و کفر، ص ۷۸، ح ۱۲. ۵. وسائل الشیعه، ج ۱۵، باب ۲۱ از ابواب جهاد نفس، ص ۲۴۶، ح ۲۰۴۰۵. ۶. بحارالانوار، ج ۶۸، باب ۸۱ از ابواب کفر و ایمان، ص ۳۲۹. ۷. همان، ص ۳۲۹؛ باب ۷۷، ص ۲۶۸. ۸. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، باب ۲۲ از ابواب جهاد نفس، ص ۴۷۴، ح ۱۲۹۸۷. ۹. بحارالانوار، ج ۶۸،

باب ۸۱ از کتاب ایمان و کفر، ص ۳۳۱. ۱۰. همان، ص ۳۳۶. ۱۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، باب ۹ از ابواب جهاد نفس، ص ۲۱۲، ح ۱۲۷۷۱. ۱۲. بحارالانوار، ج ۶۸، باب ۸۱ از کتاب ایمان و کفر، ص ۳۳۱. ۱۳. همان، ص ۳۳۴. ۱۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۱۴، ح ۱۸۰۳۷. ۱۵. همان، ج ۱۴، کتاب النکاح، باب ما يستحب اختياره من الصفات...، ص ۱۶۰، ح ۱۶۳۹۰. ۱۶. نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۱۹۰، حکمت ۲۲۶.

۳. حجاب و نهی از هرگونه خودآرایی و رفتار تحریک‌آمیز

افزون بر اموری مانند روحیه حیا و عفت و احترام متقابل که بیشتر گرایش‌های درونی مطلوب در زن و مرد مسلمان را بیان می‌دارد، اسلام در مورد نوع پوشش و دیگر جلوه‌های ظاهری نیز توصیه‌ها و احکام خاصی برای زن و مرد دارد. بنا به گفته شهید مطهری و با توجه به سندهای تاریخی، لزوم پوشش برای زن به ویژه زنان محترم و شوهردار، پیش از اسلام و در تمدن‌های بزرگ همچون ایران، روم، یونان، هند و در میان یهودیان و دیگر اقوام، امری پذیرفته شده و رایج بوده است. البته درباره حدود و چگونگی این پوشش در میان اقوام مختلف، اختلاف‌هایی وجود داشته است. ۱. اسلام نیز پوشش موی سر و بدن زنان از نامحرم را واجب کرده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: (ای پیامبر) به زنان باایمان بگو چشم (از نگاه به مردان نامحرم) بپوشند و دامنشان را حفظ کنند و زینتشان را جز مقداری که آشکار است (به طور طبیعی پوشانده نمی‌شود، برای نامحرمان) ظاهر نکنند و روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و... (هنگام راه رفتن) پاهایشان را به زمین نزنند تا (زینت پایشان به صدا درآید و) زینت پنهانی‌شان آشکار شود و... (نور: ۳۱) در برخی روایت‌ها، زینت آشکاری که پوشاندن آن لازم نیست، به صورت و کف و دو دست تا مچ و در برخی دیگر، به زینت‌هایی مثل انگشتر، دست‌بند و سرمه تفسیر شده است. ۲. آنچه به یقین از روایت‌ها برمی‌آید و برابر فتوای فقیهان نیز هست، آن است که جز صورت و دو دست تا مچ، بدن زن باید کاملاً پوشیده باشد و زینت‌ها و ظواهر تحریک‌کننده در لباس و آرایش او وجود نداشته باشد. بی‌گمان، با توجه به هدف و روح کلی آیه و دیگر ادله مربوط به پوشش زن، لباس‌های تنگ و بدن‌نما یا لباس‌هایی با مدل‌ها و رنگ‌های تحریک‌کننده نمی‌تواند حجاب اسلامی باشد. خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمن بگو: جلباب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و آزار نبینند، بهتر است و (اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سرزده است، توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده و مهربان است. (احزاب: ۵۹) مفسران درباره شأن نزول این آیه نوشته‌اند: «عده‌ای او باش در مسیر حرکت زنان به مسجد، برای آنان مزاحمت ایجاد می‌کردند. خداوند به پیامبرش دستور داد به زن‌ها بگو وقتی می‌خواهید از منزل خارج شوید، خود را با جلباب بپوشانید و مانند کنیزکان از منزل خارج نشوید تا مزاحمان، شما را بشناسند و بدانند که زانی با شخصیت و عفاف هستید تا آزار نشوید». ۳. حدود حجاب در این آیه مشخص نشده است، ولی از آیه برمی‌آید که زن مسلمان باید چنان در میان مردم رفت‌وآمد کند که نشانه‌های عفاف و وقار و پاکی‌اش آشکار باشد؛ یعنی به این صفت شناخته شود تا بیمار دلانِ هوس‌ران از آنها ناامید شوند و فکر بهره‌کشی از آنها در ذهنشان خطور نکند. ۴. بنابراین، یکی از حکمت‌های اصلی حکم حجاب در اسلام، پاسداری از زنان و تأمین امنیت روانی و اجتماعی برای زن در جامعه است. در روایت‌ها نیز بر لزوم پرهیز زنان از خودنمایی و آرایش و حرکت‌های تحریک‌کننده در تعامل با نامحرمان تأکید شده است و برای این‌گونه گناهان که امنیت روانی زن و مرد و خانواده و اجتماع را به خطر می‌اندازد، کیفرهای سختی بیان شده است. برای نمونه، به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم. امام باقر علیه‌السلام از پدرانشان نقل می‌کند که فرموده‌اند: پیامبر نهی فرمود از اینکه زن برای غیر از شوهرش آرایش کند. پس اگر این کار را انجام دهد، به یقین، خدا او را با آتش مجازات می‌کند. ۵. نیز پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: هر زنی خود را معطر کند و از خانه خارج شود تا وقتی که به خانه باز گردد، ملعون است. ۶. همچنین امام صادق علیه‌السلام فرمود: هر زنی که خود را برای غیر

شوهرش خوش‌بو سازد، خداوند هیچ نمازی را از او قبول نمی‌کند تا وقتی که غسل کند، همان‌گونه که از جنابت غسل می‌کند. ۷. پیامبر که در شب معراج، عذاب گروه‌هایی از زنان را دیده بود، در بخشی از حدیثی طولانی، حالت‌های آنها را چنین توصیف فرمود: زنی که از موهایش آویزان بود، کسی بود که موهایش را از مردان نامحرم نمی‌پوشاند... و زنی که گوشت بدن خود را می‌خورد، کسی بود که بدنش را برای مردم (نامحرم) تزیین می‌کرد... ۸. حکم پوشش و لزوم پرهیز از رفتارهای محرک، ویژه زنان نیست پوشش و رفتار و مردان هم نباید به گونه‌ای باشد که زمینه‌های تحریک نامحرم را فراهم آورد، چنان‌که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرماید: لباس ضخیم بپوشید. همانا لباس هر کس نازک باشد، دینش کم‌رنگ و سست است. ۹. در مجموع، با توجه به اینکه محرک‌های جنسی در ظاهر و رفتار زنان امکان جلوه بیشتری دارد و مردان نیز در برابر محرک‌ها به ویژه محرک‌های دیداری، اثرپذیری بیشتری دارند، می‌توان به آسانی حکمت توصیه‌های اسلام به زنان را دریافت. البته اسلام هرگز با تمیزی و آراستگی و زیبایی ظاهری مخالف نیست، چنان‌که در سوره اعراف می‌فرماید: ای فرزندان آدم، زینت‌های خود را هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید... بگو چه کسی زینت‌های الهی را که خداوند برای بندگان خود آفرید و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ (اعراف: ۳۱ و ۳۲) در برخی روایت‌ها نیز مؤمنان به آراستگی، پاکیزگی و زیبایی لباس و ظاهر و معطر بودن سفارش شده‌اند. حتی در روایت‌هایی به آرایش مناسب موی سر، روغن زدن، رنگ کردن مو و استفاده زن و شوهر از لباس‌هایی با رنگ‌های شاد و زنده در خانه توجه شده است. ۱۰. برای نمونه، امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «موی نیکو از پوشش‌های خدایی است. پس آن را گرمی دارید.» ۱۱. در روایتی آمده است که گروهی بر امام وارد شدند و دیدند ایشان موی خود را با خضاب سیاه رنگ کرده است. وقتی از ایشان درباره این امر پرسیدند، حضرت فرمود: «من همسرم را دوست دارم و خود را برای او زینت می‌کنم.» ۱۲. در منابع اسلامی، احادیث زیادی از این دست وجود دارد. چون آرایش زن در محافل عمومی، زمینه‌ساز تحریک‌های جنسی و مفاسد گوناگون و نیز به خطر افتادن آرامش و امنیت خانواده و اجتماع می‌شود، اسلام، حضور زن آرایش کرده را در محیط‌های اجتماعی ممنوع کرده است. البته نهی نکرده است که زنان و دختران در حضور محارم یا دیگر زنان، زینت‌های معمول خود را آشکار سازند ۱۳ و حتی زنان را به آرایش و زینت کردن برای شوهران خود توصیه کرده است. ۱۴. در این زمینه، حتی شخص پیامبر برخی امور جزئی را به زنان و مردان توصیه می‌فرمود. برای مثال، امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: پیامبر به مردان فرمود ناخن‌های خود را بگیرد و به زنان فرمود (مقداری از) ناخن‌هایتان را باقی بگذارید؛ زیرا این کار، زینت و زیبایی شما را افزایش می‌دهد. ۱۵. پس نباید گرایش به آراستگی و خودآرایی را که به ویژه در جوانان و زنان و دختران طبیعی است، امری ضد دینی دانست و جوانان را در تضاد میان خواسته طبیعی و نگاه دینی سرگردان ساخت، بلکه باید به این احساسات احترام گذاشت. همچنین با توجه به اینکه اسلام برای زیبایی‌های ظاهری نیز در حد خود ارزش قائل است، باید جوانان را با مصالح اجتماعی احکام اسلام آشنا کرد و به عمل به دستورهای دین فرا خواند. البته مدگرایی و به کار بردن نمادهای غیراسلامی و پوشش و آرایش که نوعی وابستگی به فرهنگ غربی است، جدا از زیبایی و آراستگی است و باید در جای خود مورد نقد قرار گیرد. در مباحث آینده به برخی نقدهای کلی که به سیستم تنظیم روابط در اسلام وارد شده و پاسخ آنها اشاره خواهیم داشت.

۱. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، قم، صدرا، چ ۴، صص ۵-۱۳؛ حسن صادقی، معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲، چ ۱، صص ۸۹-۹۳. ۲. وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب ۱۰۹ از ابواب مقدمات نکاح، صص ۲۰۱ و ۲۰۲، ح ۲۵۴۲۵-۲۵۴۲۹. ۳. نک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹، ج ۱۷؛ المیزان، ذیل آیه ۵۹ سوره احزاب. ۴. نک: مسئله حجاب، ص ۱۶۰. ۵. وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب ۸۰ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۱۶۲، ح ۲۵۳۱۰. ۶. همان، ح ۲۵۳۰۸. ۷. همان، ح ۲۵۳۰۵. ۸. همان، باب ۱۱۷، ص ۲۱۳، ح ۲۵۴۵۷. ۹. «عَلَيْكُمْ بِالصَّيْفِيْقِ مِنَ الثِّيَابِ فَإِنَّ مِنْ رَقِّ نَوْبُهُ رَقِّ دِينُهُ»، وسائل الشیعه، ج ۴،

کتاب الصلاة، باب ۲۲ از ابواب لباس المصلی، ص ۳۸۹، ح ۵۴۷۸. ۱۰. نک: همان، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب آداب الحمام و تنظیف و زینة و باب استحباب الطیب، باب استحباب التدهین، باب استحباب اکرام الشعر و...؛ ج ۵، کتاب الصلاة، ابواب احکام الملابس، باب استحباب التجميل، باب استحباب تزین المسلم للمسلم، باب استحباب لبس الثوب النقی النظیف و... ۱۱. همان، باب ۷۸ از ابواب استحباب اکرام الشعر از ابواب آداب الحمام، ص ۱۲۹، ح ۱۷۰۴. ۱۲. همان، ج ۲، کتاب الطهارة، باب ۴۱ از ابواب آداب الحمام، ص ۸۲، ح ۱۵۵۱. ۱۳. نک: نور: ۱۴. ۳۱. نک: وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۸۵ از ابواب مقدمات نکاح. ۱۵. همان، ج ۲، کتاب الطهارة، باب ۸۲ از ابواب آداب الحمام، ص ۱۳۴، ح ۱۷۲۰.

۴. نگاه به نامحرم، خلوت با نامحرم و اختلاط‌های غیر ضروری

در فقه اسلامی، اختلاط زن و مرد نامحرم - به جز افراد کهن سال - و مراوده‌های غیر لازم و نیز گفت‌وگوی زن و مرد نامحرم در موارد غیر ضروری، به ویژه در مورد جوانان مکروه است و اگر این گفت‌وگوها و نگاه‌ها میان زن و مرد نامحرم، با انگیزه لذت‌جویی جنسی بوده یا مفسده‌انگیز و زمینه‌ساز گناه باشد، حرام است. همچنین نگاه مرد به بدن و موی زن نامحرم، به جز صورت و دستان تا میچ و نگاه زن به قسمت‌هایی از بدن مرد که معمولاً پوشانده می‌شود و لمس کردن نیز مطلقاً جایز نیست. ۱. مناسب است برای آشنایی بیشتر خوانندگان محترم، به برخی از آیات و روایت‌های مربوط به این جهت‌گیری‌ها اشاره کنیم. خداوند در قرآن به مردان و زنان دستور می‌دهد که مراقب نگاه‌های خود باشند: (ای پیامبر!) به مردان مؤمن بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند و دامان خود را حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه‌تر است... و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و... (نور: ۳۰ و ۳۱) درباره شأن نزول آیه اول چنین آمده است که جوانی از انصار در راه با یک زن روبه‌رو شد (زنان در آن زمان مقنعه خود را پشت گوش‌ها قرار می‌دادند و گردن و بخشی از سینه آنها پیدا بود) و چهره زن، نظر جوان را به خود جلب کرد و دیدگان خود را به او دوخت. هنگامی که زن گذشت، جوان او را با چشمانش تعقیب کرد تا اینکه جوان وارد کوچه‌ای شد، در حالی که هنوز پشت سرش را نگاه می‌کرد. در این هنگام، ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه‌ای در سینه دیوار، صورتش را شکافت. چون آن زن رد شد، جوان دید خون بر روی لباس و سینه‌اش جاری است. پس با خود گفت: به خدا سوگند، خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و این ماجرا را بازگو می‌کنم. وقتی نزد پیامبر آمد، حضرت با دیدن آن جوان، حال او را پرسید و جوان ماجرا را نقل کرد. در این هنگام، جبرئیل فرود آمد و آیه اول را نازل فرمود که: «(ای پیامبر!) به مردان باایمان بگو چشمان خود را فرو گیرند». ۲. پیامبر اسلام می‌فرماید: هر کس چشم‌هایش را از زنی به حرام پر کند، خداوند در روز قیامت، به چشم‌هایش میخ‌های آتشین می‌زند و آنها را از آتش پر می‌کند تا میان مردم قضاوت کند. آن‌گاه او را به دوزخ می‌فرستد. ۳. نیز فرمود: غضب خداوند بر زن شوهرداری که چشمش را از غیر شوهر یا محارمش پر کند، شدت می‌گیرد. به درستی که اگر زنی این کار را بکند، خداوند تمامی اعمال خیرش را از میان می‌برد. ۴. بنا بر آیات و روایت‌ها، زن و مرد هر دو از نگاه به نامحرم منع شده‌اند، چنان‌که وقتی پیامبر از حضرت زهرا علیهاالسلام پرسید که بهترین چیز برای زن چیست، حضرت پاسخ داد: «بهترین چیز برای زنان این است که نه آنها مردان را ببینند و نه مردان آنها را». آن‌گاه پیامبر در تأیید این سخن فرمود: «فاطمه از من است». ۵. در برخی احادیث، به شماری از حکمت‌های حرام بودن نگاه به نامحرم اشاره شده است. چه بسا نگاه هوس‌آلود زمینه‌ساز روابط نامشروع شود. اگر هم چنین نشود، دست کم سبب آلوده شدن فکر، التهاب و احساس حسرت و ناکامی در فرد می‌شود. امام رضا علیه‌السلام در نامه‌ای چنین نوشت: نگاه به موی زنان شوهردار و دیگر زنان حرام شده است؛ زیرا نگاه موجب تهییج مردان می‌شود و این تهییج، به فساد و وارد شدن به امور حرام و ناپسند می‌انجامد. ۶. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «اللَّحْظُ رَأْسُ الْفِتَنِ؛ نگاه، راهنمای فتنه‌ها است». ۷. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «نگاه،

تیری از تیرهای مسموم شیطان است. چه بسا یک نگاه، حسرتی طولانی به بار آورد. ۸. همچنین آن حضرت می‌فرماید: نگاه پی‌درپی، بذر شهوت را در دل می‌نشاند و همین برای گرفتار شدن بیننده در فتنه کافی است. ۹. در فرهنگ دینی، خودداری از نگاه به نامحرم موجب برخورداری از نعمت آرامش روان و نعمت‌های اخروی و معنوی است. پیامبر می‌فرماید: نگاه به جذابیت‌ها و زیبایی‌های زنان (نامحرم)، تیری از تیرهای ابلیس است. پس هر کس آن را ترک کند، خداوند به گونه‌ای طعم عبادت را به او می‌چشاند که از آن شاد شود. ۱۰. همچنین امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: هیچ کس به اندازه چشم‌پوشی از نگاه (حرام)، سود نبرده است. همانا چشم از حرام پوشیده نمی‌شود، مگر آنکه قلب به مشاهده عظمت و جلال الهی توجه می‌یابد. ۱۱. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز فرموده است: «مَنْ أَطْلَقَ طَرْفَهُ كَثُرَ أَسَفُهُ؛ کسی که چشمش را آزاد بگذارد، حسرتش زیاد می‌شود.» ۱۲. یا از همان حضرت است که: «مَنْ عَصَّ طَرْفَهُ أَرَاخَ قَلْبِهِ؛ کسی که چشم خود را مهار کند، دلش را آسوده ساخته است.» ۱۳. پس از دانستن احکام نگاه کردن به نامحرم، حکم اموری چون لمس کردن، دست دادن و روبوسی معلوم می‌شود. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: هر کس با زن نامحرم دست بدهد، به غضب الهی دچار می‌شود و هر دو به آتش می‌افتند. ۱۴. یکی دیگر از لغزش‌های ارتباط، ارتباط‌های کلامی است. در آموزه‌های اسلامی، به زن و مرد نامحرم توصیه شده است که هم در میزان ارتباط‌های کلامی و هم در چگونگی آن، مسائل شرعی را رعایت کنند تا زمینه انحراف، کمتر شود. پیامبر اسلام نهی فرمود از اینکه زن نزد غیرشوهر و محارمش، در اموری که ضرورتی ندارد، بیشتر از پنج کلمه (شاید منظور جمله باشد) صحبت کند. ۱۵. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «وَمُحَادَثَةُ النِّسَاءِ تَدْعُو إِلَى الْبَلَاءِ وَ يَزِيغُ الْقُلُوبَ وَ الرَّمَقُ لَهُنَّ يَحْطَفُ نُورَ أَبْصَارِ الْقُلُوبِ وَ لَمُحِ الْعَيْونِ مَصَائِدُ الشَّيْطَانِ.» ۱۶. گفت‌وگو با زنان (نامحرم)، عامل گرفتاری است و دل را منحرف می‌سازد و چشم دوختن به ایشان، چشم دل را بی‌نور می‌کند و نگاه‌های گذرا و کوتاه، دام‌های شیطان است. همچنین خداوند در قرآن به زنان پیامبر چنین یادآور می‌شود: ای همسران پیامبر، شما مانند یکی از زنان معمولی نیستید، اگر تقوا پیشه کنید. پس به گونه‌ای هوس‌انگیز و با ناز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند و در خانه‌های خود بمانند و همچون دوران جاهلیت نخستین، (در میان مردم) ظاهر نشوید... (احزاب: ۳۲ و ۳۳) حکم ضرورت ماندن در خانه، ویژه همسران پیامبر بوده و مصالح اجتماعی و سیاسی خاصی نیز داشته است که مجال بیان آنها نیست. ۱۷. البته لحن و شیوه بیان آیه به گونه‌ای است که تمام زنان برای جلوگیری از انحراف در روابط باید به آن توجه داشته باشند. از همین رو، از شوخی و بگو و بخند با نامحرم نهی شده‌اند. ابوبصیر می‌گوید: «قرائت قرآن را به زنی می‌آموختم. روزی، با او مقداری شوخی و مزاح کردم. بعدها که به خدمت امام باقر علیه‌السلام رسیدم، فرمود: به آن زن چه گفتی؟ سپس فرمود: دیگر پیش او نرو.» ۱۸. همچنین از علی علیه‌السلام روایت شده است که فرمود: همانا پنج چیز به واسطه پنج چیز دیگر رخ می‌دهد که برای آن پنج چیز چاره‌ای جز آتش نیست... هر کس با دخترها و پسرها شوخی کند، به ناچار به زنا (و روابط نامشروع) گرفتار می‌شود و برای زناکار چاره‌ای از آتش نیست. ۱۹. پیامبر نیز می‌فرماید: کسی که با زن نامحرمی بگو و بخند و خوش‌وبش داشته باشد، خداوند، او را به هر کلمه‌ای که در دنیا به زبان آورده است، (در آخرت) هزار سال زندانی می‌کند. ۲۰. البته میزان ارتباط‌های کلامی و غیرکلامی تا اندازه‌ای به شرایط و مقتضیاتی مانند سن و سال افراد مربوط می‌شود. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: پیامبر به زنان سلام می‌داد و آنها هم جواب سلام می‌دادند. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز به زنان سلام می‌کرد، ولی دوست نداشت که به زن جوان سلام دهد و می‌فرمود: «می‌ترسم که از صدای زن جوان خوشم آید و گناه آن از ثوابش بیشتر باشد.» ۲۱. از دیگر حدودی که زمینه انحراف در روابط را کاهش می‌دهد، نهی از خلوت کردن با نامحرم و توصیه به ترک اختلاط میان نامحرمان است. از جمله اموری که پیامبر درباره آن از بانوان پیمان گرفت، این بود که با مردان (نامحرم) در خلوت نشینند. ۲۲. در روایت‌ها به ترک اختلاط‌های غیرضروری و دست‌کم کاهش زمینه‌های برخورد میان زن و مرد نامحرم - البته در حدی که موجب مختل شدن امور ضروری زندگی نشود - سفارش شده است. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام

می‌فرماید: ای اهل عراق، به من خبر رسیده است که زنانان در راه، با مردان برخورد پیدا می‌کنند. آیا حیا نمی‌کنید؟ ۲۳ از پیامبر نیز وارد است که فرمود: «بانوان از وسط راه‌ها نروند، بلکه از کنار دیوار و راه گذر کنند.» ۲۴ همچنین به مردان سفارش می‌فرمود که از وسط کوچه و خیابان عبور نکنند. ۲۵ پیامبر در زمان حیاتش دستور داد در ورودی زنان به مسجد از در ورودی مردان جدا باشد. حتی روزی به یکی از درها اشاره کرد و فرمود: «خوب است این در را به بانوان اختصاص دهیم.» ۲۶ همچنین دستور داد شب‌هنگام که نماز تمام می‌شود، اول زن‌ها و سپس مردها بیرون بروند. پیامبر خوش نداشت که زن و مرد در حال اختلاط از مسجد بیرون روند. ۲۷ در روایت دیگری آمده است امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام حضرت زهرا علیها‌السلام پس از ازدواج خدمت پیامبر رسیدند و از ایشان خواستند که کارها را میانشان تقسیم کند. پیامبر نیز کارهای بیرون خانه را به عهده علی علیه‌السلام گذاشت و کارهای داخل خانه را به فاطمه علیها‌السلام واگذار فرمود. در این هنگام، فاطمه علیها‌السلام فرمود: «کسی جز خدا نمی‌داند که چه قدر شادمان شدم؛ زیرا پیامبر مرا از هم‌دوشی و اختلاط با مردان (و یا انجام وظایف مردان) باز داشت.» ۲۸ به هر حال، حدی از جداسازی و اختلاط نداشتن زنان با مردان در فرهنگ اسلامی اهمیت دارد. از همین رو، اموری همچون شرکت در نماز جمعه و جماعت، عیادت بیمار و تشییع جنازه مؤمن برای زنان لازم نیست و شرکت زنان جوان در نماز جمعه و عید، مکروه دانسته شده است. ۲۹ در بحث‌های بعدی در مورد حضور زنان در اجتماع و میزان و چگونگی آن بیشتر بحث می‌کنیم. -----

۱. نک: توضیح المسائل مراجع؛ سید روح الله موسوی خمینی رحمه‌الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی‌تا، مسئله ۱۸ و ۱۹ و ۲۹ از کتاب نکاح و...؛ عروه الوثقی، مسئله ۳۱ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۹ از کتاب نکاح و... البته برخی از فقیهان، حتی نگاه به صورت و دست‌های زن و مرد نامحرم را نیز جایز نمی‌دانند. ۲. نک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۳۵؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۱۰۴ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۱۹۲، ح ۲۵۳۹۸. ۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب ۱۰۴ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۱۹۵، ح ۲۵۴۱۰. ۴. همان، باب ۱۲۹، ص ۲۳۲، ح ۲۵۵۰۹. ۵. همان، ح ۲۵۵۱۰ و ۲۵۰۵۴. ۶. همان، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب ۱۰۴، ص ۱۹۴، ح ۲۵۴۰۶. ۷. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، باب ۸۱ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۲۶۸، ح ۱۶۶۸۷. ۸. وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب ۱۰۴ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۱۹۱، ح ۲۵۳۹۵. ۹. همان، ص ۱۹۲، ح ۲۵۴۰۰. ۱۰. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، باب ۸۱ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۱۶۸۸۶. ۱۱. همان، ص ۲۶۸، ح ۱۶۶۸۳. ۱۲. عبدالواحد آمدی تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ص ۱۳۶۶، ح ۲۶۰. ۱۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، باب ۸۱ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۲۶۸، ح ۱۶۶۸۳. ۱۴. همان، باب ۱۰۵، ص ۱۹۶، ح ۲۵۴۱۲. ۱۵. همان، باب ۱۰۶، ص ۱۹۷، ح ۲۵۴۱۶. ۱۶. بحارالانوار، ج ۷۴، کتاب الروضه، باب ۱۴ از ابواب المواعظ، ص ۲۹۱. ۱۷. نک: مسئله حجاب، ص ۶۵. ۱۸. وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب ۱۰۸ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۱۹۸، ح ۲۵۴۱۹. ۱۹. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، باب ۸۳ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۱۶۶۹۳. ۲۰. وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب ۱۰۸ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۱۹۸، ح ۲۵۴۱۸. ۲۱. همان، باب ۱۳۱ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۲۳۴، ح ۲۵۵۱۸. ۲۲. همان، کتاب النکاح، باب ۹۹ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۱۸۵، ح ۲۵۳۸۱. ۲۳. همان، باب ۱۳۲، ص ۲۳۵، ح ۲۵۵۲۱. ۲۴. همان، باب ۹۷، ص ۱۸۳، ح ۲۵۳۷۶. ۲۵. نک: مسئله حجاب، ص ۲۱۸، به نقل از: کافی، ج ۵، ص ۵۱۸. ۲۶. همان، به نقل از: سنن ابوداود، ج ۱، ص ۱۰۹. ۲۷. مسئله حجاب، ص ۲۱۸. ۲۸. نک: بحارالانوار، ج ۴۳، باب ۴؛ از تاریخ فاطمه علیها‌السلام، ص ۸۱، ح ۱. متن حدیث چنین است: «فَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ الشُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَا كَفَائِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَحْمَلُ رِقَابَ الرَّجَالِ.» «تَحْمَلُ رِقَابَ الرَّجَالِ» به هر دو معنا که در ترجمه آوردیم قابل تفسیر است. ۲۹. نک: وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب ۱۱۷ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۲۱۲، ح ۲۵۴۵۶ و باب ۱۳۶، ص ۲۳۹، ح ۲۵۵۲۹.

یکی دیگر از عوامل اثرگذار در حفظ روابط سالم میان زن و مرد و جلوگیری از ناهنجاری‌ها و انحراف‌ها، وجود روحیه غیرت در مردان است. غیرت؛ یعنی نگه‌داری آنچه حفظش ضروری است و در معنای آن «محافظة از دیگری» بیشتر مورد توجه است. غیرت مرد درباره همسر و خانواده‌اش، آنها را از اینکه مورد طمع یا تجاوز مردان بیگانه قرار گیرند، نگاه می‌دارد و زمینه تجاوز، مزاحمت و روابط ناسالم و انحرافی میان زن و مرد نامحرم را به حداقل می‌رساند. در روایت‌های اسلامی، غیرت از اخلاق پیامبران شمرده شده است و بی‌غیرتی و حساس نبودن مرد درباره مزاحمت نوامیسش، زمینه‌ساز نابودی روح ایمان در اوست و بسیار ناپسند دانسته شده است. ۱. در روایتی، امام صادق علیه‌السلام از پیامبر نقل می‌کند که فرمود: «إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ؛ غیرت از نشانه‌های ایمان است.» ۲. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز در روایتی فرموده است: ای اهل عراق، به من خبر داده‌اند که زنانتان در راه، با مردان برخورد پیدا می‌کنند. آیا حیا نمی‌کنید؟ خدا کسی را که غیرت ندارد، لعنت کند. ۳. همچنین پیامبر می‌فرماید: هر زنی که زینت کرده و خوش‌بو از خانه خارج شود و شوهرش به این امر راضی باشد، خدا در مقابل هر قدمی که برمی‌دارد، برای شوهرش، خانه‌ای در دوزخ بنا خواهد کرد. ۴. باید توجه داشت که غیرت توصیه شده در اسلام، امری کاملاً معقول و برآمده از روحیه دین‌باوری، احساس مسئولیت و خیرخواهی است. از این‌رو، غیرت باید بجا و دور از تعصب، افراط، بدبینی و سوءظن باشد. ملاک غیرت‌ورزی، تنها حفظ احکام شرعی و سلامت فرد و جامعه و جلوگیری از انحراف در روابط ناسالم است و گرنه ارزش دینی و اخلاقی نخواهد داشت و چه بسا اثر معکوس داشته باشد، چنان‌که غیرت ورزیدن در مورد امور حلال و بی‌اشکال نیز تعصب جاهلانه است. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به فرزندانش سفارش فرمود که: «از غیرت نابجا بپرهیز؛ به درستی که غیرت نابجا زنان سالم و پاک را به بیماری و انحراف می‌کشاند.» ۵. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «لَا غَيْرَةَ فِي الْحَلَالِ؛ در امور حلال، غیرت بی‌معناست.» ۶. گفتنی است غیرت اساساً با حسادت متفاوت است. ملا احمد نراقی در این باره می‌گوید: حسد عبارت است از تمنای زوال نعمت از برادر مسلمان خود که آن نعمت صلاح او باشد و اگر زوال چیزی را از کسی بخواهد که صلاح او نباشد، آن را غیرت گویند. ۷. استاد مرتضی مطهری رحمه‌الله نیز در این باره می‌نویسد: ریشه حسادت، خودخواهی بوده و حسادت، از غرایز و احساسات شخصی می‌باشد، ولی غیرت یک حس اجتماعی و نوعی است و فایده و هدفش متوجه دیگران است. غیرت نوعی پاسبانی است که (دست) آفرینش برای مشخص بودن و مختلط نشدن نسل‌ها، در وجود بشر نهاده است... از آن‌جا که انتساب فرزند به مادر همیشه محفوظ است و اشتباه‌پذیر نیست، می‌توان فهمید که حساسیت زن در منع آمیزش شوهر با دیگران، ریشه‌ای غیر از حساسیت مرد در این مسئله دارد. احساس زن را می‌توان ناشی از خودخواهی و انحصارطلبی دانست و احساس مرد جنبه نوعی و اجتماعی دارد... در برخی از روایات نیز بدین موضوع اشاره شده که آنچه در مردان است، غیرت است و آنچه در زنان است، حسادت... ۸. باید توجه داشت که در مردان نیز چه بسا حسادت وجود داشته باشد؛ مثل جایی که دو خواستگار که هنوز به طور شرعی، نسبتی با عروس ندارند، بر سر تصاحب او با یکدیگر درگیر شوند. بنا به برخی اقتضائات طبیعی و حکمت‌ها و مصالح خانوادگی و اجتماعی، مرد می‌تواند بیش از یک همسر داشته باشد، ولی زن در یک زمان نمی‌تواند چند شوهر داشته باشد. از این‌رو، حساسیت زن درباره رابطه مشروع مرد با زن دیگر مبنای دینی ندارد، برخلاف حساسیت مرد درباره رابطه همسرش با مرد بیگانه که بی‌گمان رابطه‌ای نامشروع است. از همین‌رو، در روایت‌های اسلامی، غیرت، ویژه مردان دانسته شده است. ۹. اگر وجود این روحیه در جهت حفظ موازین شرعی و صیانت از سلامت افراد و مصالح خانواده و اجتماع و همراه با احساس مسئولیت باشد، می‌توان آن را غیرت نامید. اگر روحیه خودخواهی و تعصب‌های شخصی و غیردینی در فرد غلبه داشته باشند، در واقع، صفاتی چون حسادت و عصبیت و مانند آن رخ می‌نماید که از امور نکوهیده به شمار می‌روند.

الْغَيْرَةُ عَلَى الرَّجَالِ. ۲. همان، ص ۱۵۴، ح ۲۵۲۸۹. ۳. همان، باب ۱۳۲، ص ۲۳۵، ح ۲۵۵۲۰. ۴. بحارالانوار، ج ۱۰۰، باب ۴ از ابواب النکاح، ص ۲۴۹، ح ۳۸. ۵. وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب ۱۳۴ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۲۳۷، ح ۲۵۵۲۴. ۶. همان، باب ۱۳۵ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۲۳۸، ح ۲۵۵۲۷. ۷. نک: ملا احمد نراقی، معراج السعاده، تهران، انتشارات جاویدان، بی تا، ص ۳۲۴. ۸. نک: مسئله حجاب، صص ۴۴ و ۴۵. ۹. نک: وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب ۷۸ از ابواب مقدمات نکاح، صص ۱۵۵-۱۵۷.

۶. امر به معروف و نهی از منکر و مجازات فحشا

امر به معروف و نهی از منکر یکی از احکام مهم اسلامی است که با ایجاد نظارت همگانی و مهار اجتماعی، در حفظ و گسترش ارزش‌های اسلامی و مقابله با هنجارشکنی در جامعه نقش مهمی دارد. تأثیر اجرای درست این وظیفه از سوی تک تک افراد جامعه، رعایت شدن حدود شرعی در روابط میان زنان و مردان و جلوگیری از انحراف در روابط، انکارناپذیر است. همچنین مجازات تجاوزکنندگان از حدود قانونی اسلام در این زمینه که به اعمال منافی عفت و روابط نامشروع در جامعه روی می‌آورند، عامل دیگری برای جلوگیری از هنجارشکنی در جامعه و تضمینی برای رعایت هر چه بیشتر ضوابط شرعی است. صد ضربه تازیانه برای افراد مجرد و اعدام (رجم: سنگ‌سار کردن) افراد متأهل، حدی است که برای عمل زشت زنا در نظر گرفته شده است. قرآن تأکید می‌فرماید که باید مجازات تازیانه در مورد زناکار، آشکارا و با حضور شماری از مؤمنان انجام شود و نباید عواطف و احساس ترحم بیجا مانع از اجرای حدود الهی شود. ۱. این تأکید نشانه توجه ویژه اسلام به مصالح اجتماع و بازدارندگی اجرای حدود از رواج فساد در جامعه است. اسلام، رضایت دو طرف زناکار را موجب برداشته شدن پی‌آمدهای گناه نمی‌داند؛ زیرا عمل آن دو، مصالح جامعه، خانواده‌ها و نسل آینده را به خطر می‌اندازد. البته اسلام تأکید دارد که تا ممکن است از آشکار شدن این گونه جرم‌ها و گناهان جلوگیری کند تا هم آبروی افراد حفظ شود و هم زشتی این اعمال شکسته نشود. در آموزه‌های اسلام تأکید شده است که مؤمنان در جامعه اسلامی باید اعمال یکدیگر را حمل بر صحت کنند و از عیب‌جویی، سوءظن، تجسس در امور شخصی و افشای اسرار یکدیگر به شدت پرهیزند. ۲. حتی به اشخاص گناه کار سفارش شده است که به جای اعتراف به این گونه گناهان که موجب حد می‌شود، توبه کنند تا خدا نیز آنان را بیامرزد و آبرویشان حفظ شود. افزون بر این، شرایط سختی برای اثبات این گونه جرم‌ها تعیین شده است. این شرایط وقتی تحقق می‌یابد که جرم کاملاً آشکارا و بدون پروا انجام گرفته باشد. این شرایط سخت چنین است که فرد باید چهار بار در چهار مجلس گوناگون به اختیار خودش، به جرم اعتراف کرده باشد یا اینکه چهار مرد عادل، انجام عمل منافی عفت را آشکارا به چشم دیده باشند و به آن شهادت دهند که تحقق چنین شرایطی بسیار دشوار است. حتی اگر سه نفر عادل شهادت دهند و یک نفر شهادت ندهد یا شهادتش با دیگران متفاوت باشد، آن سه نفر عادل را به جرم زدن اتهام ناروا، هشتاد ضربه تازیانه می‌زنند. همین حدّ اخیر که آن را «حدّ قذف» می‌گویند، خود، مانع از آبروریزی افراد، آشکار شدن و رواج فساد در جامعه است. در اینجا درصدد بیان کامل حدود و مجازات گناهان جنسی و شرایط و احکام آنها نیستیم و در این زمینه باید به کتاب‌های فقهی مراجعه شود.

----- ۱. نک: نور: ۲. ۲. برای نمونه نک: نور: ۴-۱۹؛ حجرات: ۱۲ و...؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، کتاب الحج، ابواب احکام العشرة، باب‌های ۱۵۰-۱۵۲، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۱ و ج ۱۶، کتاب الامر بالمعروف، باب ۲۱ و ۳۳ از ابواب فعل معروف و...

اشاره

درباره میزان و چگونگی حضور زنان و دختران در اجتماع و مجلس‌هایی که خواه ناخواه به اختلاط با مردان می‌انجامد، دو نظریه مطرح است: ۱-

۱. قسمت مهمی از مطالب این بخش برگرفته است از: مقاله «تحلیلی بر روابط دختران و پسران دانشجو»، مجموعه مقاله‌های نخستین هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، دفتر تحقیقات و مطالعات زنان، قم، ۱۳۸۰، صص ۶۷۵ - ۶۹۸.

۱. نظریه اضطراب

بنا بر این نظریه، ارتباط زن با مرد نامحرم، باید به موارد ضرورت محدود گردد. در نتیجه، در محیط‌های اجتماعی نیز تا حد توان، باید این برخوردها و ارتباط‌ها کاهش یابد تا زمینه انحراف‌ها و تحریک‌ها به حداقل برسد.

۲. نظریه اختلاط**اشاره**

بنابراین نظریه، جداسازی یا محدود کردن حضور زنان در اجتماع نه تنها مفید نیست، بلکه به احساس محرومیت و حریم‌تر شدن افراد به جنس مخالف می‌انجامد و میزان حساسیت و تحریک‌پذیری افراد را در این زمینه بالا می‌برد. همچنین سبب محروم شدن دختران و زنان از پیشرفت علمی و اجتماعی و اقتصادی می‌شود و از شکوفایی استعدادهای آنها جلوگیری می‌کند. پس باید با گسترش اختلاط و حضور بیشتر زنان و دختران در محیط‌های اجتماعی، این حساسیت‌ها کم شود و در این زمینه‌ها، عادی‌سازی صورت گیرد تا بدین وسیله، نگاه جنسیتی به زن و مرد، جای خود را به نگاه انسانی دهد. البته باید حدود شرعی مانند حجاب در این زمینه رعایت شود، ولی گفت‌وگو و حتی ارتباط صمیمی میان دختر و پسر اگر به نگاه شهوانی و تماس بدنی نینجامد، اشکالی ندارد. همچنین بر این گونه رفتار، زمینه ازدواج‌های آگاهانه و شناخت بهتر از شریک آینده زندگی را به وجود می‌آورد و به استحکام نهاد خانواده کمک می‌کند. پس باید تنها بر رعایت حدود شرعی تکیه کنیم، نه جداسازی.

نقد و بررسی

در ارزیابی این دو نظریه باید گفت در آموزه‌های اسلام افزون بر حدودی مثل حجاب و حفظ حریم در روابط میان زن و مرد نامحرم، حدی از جداسازی در محیط‌های اجتماعی نیز توصیه شده است؛ یعنی در اسلام، اختلاط و ارتباط‌های غیرلازم میان نامحرمان، مناسب دانسته نشده است و تلاش می‌شود این امور کاهش یابد. بنابراین، نمی‌توان نظریه اختلاط را برابر با آموزه‌های اسلامی دانست، ولی این فرضیه که جداسازی، سبب ایجاد حساسیت بیشتر و حریم‌تر شدن افراد می‌شود، تا حدی پذیرفتنی و برابر با واقع است. اگر در کنار این جداسازی و اختلاط نداشتن، دیگر آموزه‌های اسلام، مانند آسان شدن ایجاد روابط مشروع (با ازدواج دائم و موقت) جدی گرفته شود و افزون بر رعایت تقوا و پاک‌دامنی، امکان برآوردن شایسته نیازهای غریزی برای افراد وجود داشته باشد، این حساسیت، به احساس محرومیت و حرص تبدیل نمی‌شود؛ یعنی در حد احساسی عادی خواهد بود و کمتر

زمینه‌های آزار روحی و تحریک جدی و سرانجام انحراف را به وجود می‌آورد. در عوض، با رواج دادن اختلاط زن و مرد، زمینه تحریک و انحراف و حتی تبدیل شدن گرایش‌های جنسی به بیماری‌های روانی مثل سادیسم بسیار بیشتر می‌شود، چنان‌که تجربه غرب در این زمینه و آمار بالای آزارهای جنسی همکاران و هم‌کلاسی‌ها در کشورهای غربی، گواهی بر این مطلب است. ۱. در صورت اختلاط، حساسیت افراد به جنس مخالف، اندکی کاهش می‌یابد، ولی هرگز از میان نمی‌رود. حتی اگر فرض شود مردی که مدت‌ها با چندین زن در یک مجموعه کاری ارتباط دارد، پس از مدتی نسبت به آنها حالتی عادی پیدا کند و حساسیت خود را از دست بدهد، پیوسته این امکان وجود دارد که با تحریک‌های خواسته یا ناخواسته، گرایش‌های جنسی در او بیدار شود و در برخوردهای پیاپی، او را به احساس محرومیت یا انواع انحراف‌ها مبتلا کند. غریزه جنسی در انسان، غریزه‌ای بسیار قوی است که شاید سرکوب شود، ولی نابود نمی‌شود و در تماس‌ها و ارتباط با جنس مخالف به ویژه میان دختران و پسران مجرد، همیشه احتمال تحریک شدن آن وجود دارد. این نظریه که اختلاط سبب می‌شود نگاه انسانی جای‌گزین نگاه جنسی شود و حساسیت‌ها و تحریک‌ها و در نتیجه، جرم‌ها و انحراف‌ها کاهش یابد، از واقع‌بینی به دور است. همچنین این نظر که اختلاط، به شناخت بهتر دختر و پسر از یکدیگر پیش از ازدواج و در نتیجه، استحکام بیشتر خانواده می‌انجامد، توجیه مناسبی برای تجویز اختلاط نیست؛ زیرا این ارتباط‌ها در عمل، موجب تقویت جاذبه‌های سطحی است؛ یعنی هوس را حاکم می‌سازند و عقلانیت را کم‌رنگ می‌کنند. در نتیجه، بسیاری از این‌گونه انتخاب‌ها چندان هم سنجیده و معقول نیستند و پس از گذشت مدتی، ناسازگاری در ویژگی‌های باطنی افراد رخ می‌دهد و زندگی را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. اگر در انتخاب‌ها، نخست، خاستگاه خانواده که ریشه فکری و اخلاقی افراد است، شناسایی شود، بسیاری از ویژگی‌های باطنی و حقیقی افراد را می‌توان شناخت و پس از آن، ویژگی‌های ظاهری را نیز ارزیابی کرد. در نتیجه، انتخاب‌ها، بسیار عاقلانه‌تر می‌شود و بنیان زندگی حاصل از آن نیز استوارتر خواهد بود. البته برای اینکه دختر و پسر هر چه بیشتر از ویژگی‌های فردی یکدیگر شناخت پیدا کنند، افزون بر تحقیق از دوستان و آشنایان و برقراری گفت‌وگوهای میان دختر و پسر، مناسب است آن دو برای مدتی به صورت موقت و با محرمیت شرعی - با در نظر گرفتن محدودیت‌ها و حفظ شرایط و با نظارت خانواده‌ها - با هم ارتباط داشته باشند تا در صورت ناهم‌خوانی روحیه‌ها بتوانند به راحتی در قصد ازدواجشان تجدیدنظر کنند. البته این امر، در شرایط امروز جامعه ما کاملاً پذیرفته نیست و به فرهنگ‌سازی نیاز دارد. به هر حال، اینکه برای شناخت بیشتر دو طرف، اختلاط را توصیه و همه جامعه را تحریک‌پذیر کنیم، عاقلانه نیست و به افزایش انحراف‌ها و گسترش روابط ناسالم و نامشروع می‌انجامد که پی‌آمدهای منفی آن، گریبان‌گیر فرد و جامعه می‌شود. همچنین این باور که جداسازی، از پیشرفت زنان جلوگیری می‌کند، درست نیست؛ زیرا ایجاد فضاهای آموزشی یا کاری یا تشکل‌های اجتماعی که در آن زن و مرد کمترین تماس را داشته باشند، کاملاً امکان‌پذیر است و هرگز رشد و شکوفایی استعدادها، به محیط‌های مختلط نیاز ندارد. افزون بر اینکه شرکت زنان در هر نوع فعالیتی - حتی اگر با شرایط روحی و جسمی آنان، ناسازگار باشد - نوعی پیشرفت برای آنان نیست. اینکه مسئولیت بزرگ زنان در خانواده؛ یعنی پرورش فرزندان و حفظ نهاد خانواده را از فعالیت‌های سازنده اجتماعی جدا بینداریم و ایفای نقش اجتماعی را تنها در بیرون از محیط خانه جست‌وجو کنیم، اندیشه‌ای نادرست است. بنابراین، نظریه اختلاط و عادی‌سازی بر اساس آموزه‌های اسلامی پذیرفته نیست. در نظریه اضطراب نیز نوعی ابهام در تعریف و تعیین مصداق‌های اضطراب وجود دارد. به طور کلی، در روابط میان زن و مرد نامحرم، جدا از مواردی مانند لمس کردن و تماس بدنی که بدون تردید حرام است، بسیاری از برخوردها و رفتارها پیش می‌آید که از نظر شرع نمی‌توان آنها را حرام دانست، مانند صحبت کردن و روابط عادی روزانه که در تعامل‌های اجتماعی وجود دارد. چه بسا برخی از این روابط در شرایطی شبه‌ناک و فسادانگیز برقرار شوند که این امر، بیشتر به قصد افراد و شرایط آنها بستگی دارد. از همین رو، نمی‌توان حکم یکسانی برای همه این ارتباط‌ها بیان کرد. بنابراین این نظریه که ارتباط مرد و زن نامحرم باید به موارد ضروری محدود شود، ابهام دارد؛ زیرا منظور از اضطراب و

ضرورت، کاملاً مشخص نیست. آیا منظور تنها مواردی است که خطر مالی یا جانی وجود دارد یا اینکه رفتن دختران و زنان برای تحصیل به محیط‌هایی که در آنجا با مردان در ارتباط هستند، در بردارنده همین ضرورت خواهد بود؟ چه ملاکی برای تعیین موارد ضرورت و تشخیص اولویت‌ها وجود دارد؟ برای برطرف کردن این ابهام‌ها و جلوگیری از برداشت‌های نادرست از این نظریه، نظریه دیگری را نیز می‌توان طرح کرد.

۱. بر اساس نظرسنجی هفته‌نامه ساندی تایمز، چاپ لندن، بیش از نیمی از زنان رده‌های بالای مشاغل حرفه‌ای و ۳۰٪ کارکنان امور اداری و دفتری در انگلستان و ۷۷٪ آنان در امریکا با مزاحمت‌های مدیران و همکارانشان در محیط کار روبه‌رو هستند. روزنامه کیهان، ۲۸/۹/۱۳۷۰، به نقل از: هفته‌نامه ساندی تایمز. همچنین در گزارش جاناتان راس، روزنامه‌نگار انگلیسی، در پی پژوهش‌های روان‌شناسانه، بیشتر مردان غربی نسبت به زنانی که با آنان از صبح تا شام در ارتباط هستند (مثل همکار و هم‌کلاسی و...) در آرزوی آمیزش همراه با خشونت شدید، حتی در حد قتل هستند. (نک: ابوالقاسم مقیمی حاجی، جوانان و روابط، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰، به نقل از: ثریا مکنون و مریم صانع‌پور، بررسی تاریخ منزلت زن از دیدگاه اسلام، ص ۲۱۱). در بخش مربوط به بررسی اخلاق جنسی در غرب، آمارهایی از ناهنجاری‌های جنسی خواهد آمد.

۳. نظریه معروف

این نظریه بر آن است تا در میان گستره‌ای از رفتارهایی که لزوماً از نظر شرعی حرام نیستند، رفتارهای مطلوب از نامطلوب تشخیص داده شود. در بسیاری از رفتارها مانند نگاه، صحبت کردن، «نیت»، تعیین‌کننده است، ولی از آنجا که نیت، امری شخصی و درونی است، نمی‌توان تمام ناهنجاری‌های اجتماعی را بر مبنای آن تعریف کرد و تنظیم امور اجتماعی را به امری شخصی وا نهاد. از این رو، در این موارد، ملاک روشن‌تری باید ارائه شود که دیگر افراد و جامعه‌ها نیز آنها را تشخیص دهند. علامه طباطبایی رحمه‌الله در تفسیر آیاتی مانند «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) یا آیه «وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲)، «معروف» را به منزله یک اصل قرآنی برای زندگی اجتماعی زن به شمار آورده است. واژه «معروف» سی و هشت بار در قرآن آمده است که نوزده مورد آن، به نوعی به زنان مربوط است. پس در ارتباط با زنان، روش «معروف» یک اصل قرآنی است. راغب در مفردات در تعریف معروف می‌گوید: «الْمَعْرُوفُ إِشْمٌ لِكُلِّ فِعْلٍ يُعْرَفُ بِالْعَقْلِ أَوْ الشَّرْعِ حُسْنُهُ؛ معروف، اسم هر فعلی است که با عقل یا شرع خوبی آن شناخته شود.» علامه طباطبایی رحمه‌الله نیز می‌فرماید: معروف؛ یعنی امری که انسان با ذوق اجتماعی‌اش می‌شناسد و آن را شایسته می‌داند. کار معروف؛ یعنی کار نیک که پیوسته با دلیل عقل و قانون شرع و فضیلت اخلاقی و آیین ادب مقرون است. ۱. در زمینه روابط میان زن و مرد نیز برای تشخیص میزان و چگونگی حضور دختران و زنان در اجتماع و رفتارهای مطلوب یا نامطلوب میان زن و مرد و دختر و پسر در محیط‌های اجتماعی، باید به عرف پسندیده که بر اساس قوانین و جهت‌گیری‌های شرعی و آداب جمعی عقلانی است، مراجعه کرد؛ یعنی روش پسندیده‌ای که با حدود عقل و شرع و فطرت سازگار باشد و جامعه دینی نیز آن را بپسندد. چه بسا در محیطی علمی، میان زن و مرد یا دختر و پسر، با رعایت حدود شرعی، بحث‌های علمی رایج باشد. ضرورت به معنای خاص آن در این مورد مطرح نیست، ولی این امر خلاف عرف پسندیده جامعه نیست، هر چند شاید در محیطی دیگر، همین امر خلاف معروف باشد. البته صحبت کردن دو جوان مجرد، معمولاً خالی از گمانه‌زنی‌ها نیست. برای مثال، احوال‌پرسی و گفت‌وگوهایی که میان بستگان در مهمانی‌های فامیلی مرسوم است، اگر در محیط‌های دیگر و با اشخاص دیگری صورت پذیرد، برابر با معروف نیست یا صحبت استاد و دانشجو در کلاس، با خارج از کلاس، متفاوت است. در سیره معصومین علیهم‌السلام نیز توجه به شرایط و انگیزه‌ها و عرف پسندیده در مسائل مختلف وجود داشته است. برای مثال، پیامبر به زنان سلام می‌کرد، ولی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام از

سلام کردن به زنان جوان کراهت داشت. ۲. بی گمان، سیره عملی این دو بزرگوار، بیش از آنکه با نظریه اضطراب سازگار باشد، با نظریه معروف هم‌خوانی دارد. همچنین در تاریخ آمده است که برخی از صحابه، همراه پیامبر برای دیدار به خانه حضرت زهرا علیهاالسلام می‌رفتند یا اینکه صحابه به عیادت آن بزرگوار می‌آمدند. همچنین حضرت زهرا علیهاالسلام در موارد مختلفی با برخی اصحاب مانند سلمان، بلال و دیگران صحبت می‌فرمود. حتی ایشان از سلمان که مردی سال‌خورده بود، خواست تا به خانه ایشان بیاید و به او دعای نور را آموخت. همچنین سلمان گاهی در کارهای خانه به ایشان کمک می‌کرد. ۳. این گونه ارتباطها یا نگهداری زکریای سال‌خورده از مریم جوان و سرکشی به او و نیز مذاکره‌های سلیمان و بلقیس که بیشتر جنبه سیاسی و دینی دارد و نیز رفتار موسی با دختران شعیب علیه‌السلام، ۴. همه مطابق با عرف پسندیده‌ای است که در چارچوب قانون‌های شرع قرار دارد. شاید در عمل، پی‌آمدهای نظریه معروف و اضطراب در بیشتر موارد، تفاوتی نداشته باشد، ولی در نظریه معروف، ملاک مناسبی برای تشخیص موارد مطلوب از نامطلوب به چشم می‌خورد. افزون بر اینکه این نظریه، انعطاف‌پذیری بیشتری دارد و در چارچوب احکام شرعی، با اوضاع جامعه در دوران‌ها و شرایط مختلف انطباق‌پذیر است. همچنین این نظریه بیشتر اثباتی است؛ یعنی روابط اجتماعی را در حد معروف می‌پذیرد، ولی نظریه اضطراب بیشتر نفی‌کننده است و هر گونه رابطه را جز در موارد اضطراب نفی می‌کند. توجه داشته باشیم که عرف، همواره در آستانه دگرگونی است و باید به سمت بهترین عرف که بیشترین تناسب را با فطرت و شرع و عقل انسانی دارد، گام برداشت. در این راستا، باید عالمان دین و انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان عرف‌سازی کنند تا عرف جامعه را دیگران به انحراف نکشانند و به تدریج از الگوی مطلوب دور نزنند. ۵. در پایان این بخش، شایسته است به ماجرای برخورد موسی علیه‌السلام با دختران شعیب علیه‌السلام که در آیات ۲۳ تا ۲۶ سوره قصص آمده است، به عنوان الگویی از برخورد اجتماعی پسندیده میان دختر و پسر اشاره شود. موسی که جوانی رشید بود، پس از فرار از دست سربازان فرعون و چند روز پیاده‌روی و خستگی زیاد، به چاه آبی در کنار شهر مدین می‌رسد. در قرآن چنین می‌خوانیم: و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آن‌جا دید که چارپایان خود را سیراب می‌کنند و در کنار آنها دو زن را دید که گوسفندان خود را مراقبت می‌کنند، ولی به چاه نزدیک نمی‌شوند. موسی) به آنها گفت: کار شما چیست؟ (چرا گوسفندان خود را آب نمی‌دهید؟) گفتند: ما آنها را آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی خارج شوند و پدر ما پیرمرد کهن‌سالی است. (به همین خاطر ما مجبوریم این کار را انجام دهیم.) موسی (به گوسفندان آنها) آب داد. سپس رو به سوی سایه آورد و گفت: خدایا هر خیر و نیکی بر من فرستی، من به آن نیازمندم. ناگهان یکی از آن دو (دختر) به سراغ او آمد و در حالی که با حیای کامل گام برمی‌داشت، گفت: پدرم از تو دعوت می‌کند تا مزد سیراب کردن گوسفندان ما را به تو بپردازد. هنگامی که موسی نزد او (شعیب) آمد و سرگذشت خود را شرح داد، (شعیب) گفت: نترس، از قوم ظالم نجات یافتی. یکی از آن دو (دختر) گفت: ای پدر، او را استخدام کن؛ چون بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی، فردی است که نیرومند و امین باشد. (قصص: ۲۳ - ۲۶) پیام‌ها و نکته‌های این آیه را می‌توان به شرح زیر بیان کرد: ۱. در این داستان آمده است که دختران شعیب، جدای از جمعیت مردان ایستاده بودند و این، نشانه حیای آنان است. ۲. دختران در پاسخ موسی علیه‌السلام که پرسید چه می‌کنید، گفتند چون پدر ما پیر است، ما این مسئولیت را بر عهده گرفته‌ایم. از این مطلب برمی‌آید که در صورت امکان بهتر است این گونه کارها به مردان واگذار شود، ولی اصل حضور دختران در اجتماع و محیط‌های کاری با رعایت حدود شرعی مانعی ندارد. ۳. گفت‌وگوی میان موسی علیه‌السلام با دختران شعیب در حد لازم خلاصه می‌شود و با وقار و متانت همراه است، به گونه‌ای که حتی موسی علیه‌السلام پس از کمک به دختران، بی‌درنگ به سایه و محل استراحتش باز می‌گردد. ۴. خداوند در قرآن می‌فرماید دختر شعیب علیه‌السلام که برای دومین بار نزد موسی آمد و پیغام پدرش را به او رساند، با «استحیاء»، یعنی حیا و وقار و متانت کامل گام برمی‌داشت. در توضیح این ماجرا، در روایتی آمده است هنگامی که موسی علیه‌السلام با دختر شعیب علیه‌السلام همراه شد تا او را پیش پدرش ببرد، در میان راه، چون باد بر جامه‌های دختر می‌پیچید و حجم

بدنش ظاهر می‌شد، موسی علیه‌السلام به او گفت شما از پشت سر من بیا و در راه مرا راهنمایی کن؛ زیرا من از کسانی هستم که به پشت سر زنان نگاه نمی‌کنند. همچنین وقتی دختر شعیب علیه‌السلام به پدر پیشنهاد داد که موسی علیه‌السلام را استخدام کند، پدرش از او پرسید: چگونه به امانت‌داری موسی پی برده‌ای؟ دختر گفت: چون او راضی نشد که من پیش روی او راه روم که مبادا نظرش بر پشت سر من بیفتد. ۶ این رفتار موسی علیه‌السلام و دختران شعیب علیه‌السلام را می‌توان نمونه مناسبی از برخوردهای اجتماعی مطلوب میان دختر و پسر به شمار آورد.

 ۱. نک: تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۲۸، تفسیر آیه ۲۲۸ سوره بقره. ۲. نک: وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۱۳۲ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۲۵۵۱۸. ۳. بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۲۸، ۶۲، ۶۶، ۷۶، ح ۳۳، ۵۳، ۵۹ و ۶۳. ۴. نک: آل عمران: ۳۷؛ نمل: ۴۴؛ قصص: ۲۳ - ۲۵.۵. مقاله «تحلیلی بر روابط دختران و پسران دانشجو»، صص ۶۷۵ - ۶۹۵.۶. نک: تفسیر نمونه، ج ۱۶، صص ۵۵ - ۶۵؛ محمدباقر مجلسی، حیات القلوب، تاریخ پیامبران علیهم‌السلام، قم، انتشارات سرور، ج ۱، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۶۰۰ و ۶۰۱.

فصل پنجم: دیدگاه اسلام درباره رابطه‌های دوستانه میان دختر و پسر

پیش‌تر گفتیم که روابط میان زن و مرد و دختر و پسر به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: ۱. رابطه‌های معمول اجتماعی که در آن انگیزه‌های غیرجنسی مانند رسیدن به هدف‌های کاری، علمی و... زیربنای روابط است؛ ۲. رابطه‌های مبتنی بر پیوندخواهی جنسی. در این میان، نوع دیگری از روابط نیز هست که در آن، رابطه عاطفی میان دو طرف برقرار است و آنها در ارتباط با یکدیگر، همین با هم بودن را می‌خواهند و انگیزه اصلی آنها از ارتباط با یکدیگر، رسیدن به هدف‌های کاری یا علمی و مانند آن نیست. در عین حال، انگیزه‌های جنسی در این گونه ارتباط‌ها وجود ندارد؛ رابطه‌ای دوستانه و صمیمی، ولی غیرجنسی و سالم بسان رابطه دو دوست هم‌جنس یا رابطه خواهر و برادر که با وجود روابط دوستانه با هم، از هر گونه انگیزه و رفتار جنسی به دور هستند. پرسش این است که این گونه رابطه از نظر اسلام چه حکمی دارد؟ در این باره به چند نکته باید توجه شود: اینکه اشخاصی به یکدیگر محبت داشته باشند و یکدیگر را دوست بدارند، به خودی خود اشکالی ندارد، چنان‌که هر محبتی میان هر زن و مردی، از نوع گرایش‌های جنسی نیست و میان هر زن و مرد مؤمنی، محبت ایمانی وجود دارد؛ هم‌چنان‌که همه شیعیان، خود را از دوستان و ارادت‌مندان حضرت زهرا علیها‌السلامی دانند و ایشان نیز به اصحاب مؤمن و بااخلاص پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌مناشدند سلمان محبت داشته است. بی‌گمان، این گونه محبت‌ها هرگز غریزی نیستند، ولی توضیح خواهیم داد که دوستی‌های روزانه میان دختر و پسر چنین نیست. همچنین گاهی افراد به کسانی مانند آشنایان و همکاران که مدتی با آنها در تعامل بوده‌اند، دوست خطاب می‌کنند، بدون اینکه میان آنها رابطه عاطفی و عمیقی که ایشان را از نظر روحی به یکدیگر وابسته کند، وجود داشته باشد. منظور از دوستی در این گونه زمینه‌ها، رابطه‌های عاطفی نیست. در دوستی‌های عرفی میان دختر و پسر، با «دیدار» و ارتباط بصری یا لفظی، معمولاً نوعی احساس دل‌بستگی قلبی پدید می‌آید. در مواردی نیز ارتباط‌هایی مانند نامه‌نگاری سبب می‌شود دختر و پسر که تاکنون یکدیگر را ندیده و با هم هیچ گفت‌وگویی نکرده‌اند، گمان کنند که با هم دوست شده‌اند، ولی در واقع، در این نوع دوستی‌ها، معمولاً دو طرف، تصویری ذهنی از یکدیگر می‌سازند و در واقع، با شخصیتی ذهنی دوست می‌شوند و نه شخص حقیقی و واقعی. آنچه در رابطه دوستانه، خواسته اصلی دو طرف است، دیدار از نزدیک و با هم بودن است. افراد می‌کوشند با برقراری تماس‌های بصری، کلامی یا لمسی، حضور یکدیگر را در کنار هم بهتر حس کنند و از آن لذت ببرند. اموری مانند نگاه‌ها و صحبت‌های محبت‌آمیز، خنده‌ها و شوخی‌ها و ابراز علاقه به صورت‌های مختلف، از لوازم جدایی‌ناپذیر در روابط دوستانه و صمیمی است. با توجه به آنچه گذشت، روشن شد که هر چند تصور دوستی صمیمی میان دختر و پسر، بدون وجود انگیزه‌های جنسی، تصور محالی نیست، ولی عملی شدن چنین رابطه‌ای چندان عقلانی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا دیدار و تماس‌های بصری و

کلامی، نگاه‌های دوستانه همراه با خنده و شوخی و ابراز علاقه زیاد میان دو جنس، معمولاً موجب تحریک جنسی می‌شود. افزون بر اینکه اساساً جداسازی رابطه عاطفی از گرایش‌های غریزی و جنسی در رابطه میان دختران و پسران بسیار دشوار است و عاطفه و غریزه در این گونه رابطه‌ها در هم آمیخته‌اند. ۱. حتی اگر فرض شود که انگیزه اولیه دختر و پسر از این گونه رابطه، تنها بهره‌مندی از جنبه‌های معرفتی و روحی یکدیگر بوده باشد، به دلیل وجود تحریک‌های مداوم، تضمینی وجود ندارد که انگیزه‌های جنسی به صورت ناخودآگاه در رابطه آنها راه نیابد؛ زیرا غریزه جنسی در وجود انسان غریزه‌ای بسیار نیرومند است. از همین رو، با ایجاد انگیزه‌های جنسی در رابطه دختر و پسر، اجتناب از رفتارهای جنسی نیز بسیار دشوار خواهد بود. بنابراین، دوستی دختران و پسران بدون شایبه‌های جنسی، بیشتر یک ادعا است. اگر هم به واقع چنین رابطه‌ای صورت گیرد، رابطه‌ای طبیعی نخواهد بود؛ زیرا با گرایش‌های درونی دختران و پسران جوان در تضاد است. از این رو، همواره ممکن است آنها را به مشکلات عصبی و روحی دچار کند و جوانان در این گونه رابطه‌ها، همواره در معرض انحراف و رفتارهای جنسی قرار دارند. با بررسی رویکرد اسلام در مورد رابطه میان زن و مرد نامحرم، در می‌یابیم که در این آموزه‌ها تلاش می‌شود تا زمینه‌های انحراف و تحریک‌های خواسته یا ناخواسته، به حداقل برسد و افراد از پرتگاه انحراف و مرز خطر فاصله داشته باشند. حتی در احکام اسلام، نگاه به مو و بدن نامحرم، هرچند بدون قصد لذت، حرام شده است. همچنین قرار گرفتن در جای خلوت با نامحرم در صورت وجود احتمال فساد ممنوع شده و از خنده و شوخی و هم‌کلامی‌های بی‌مورد و اختلاط‌های غیرضروری میان نامحرمان نهی فرموده است؛ چون احتمال پیدایش انگیزه‌ها و رفتارهای جنسی در این گونه امور زیاد است و برای پیش‌گیری از انحراف، لازم است به کلی از این امور اجتناب شود. رابطه دوستی میان دختر و پسر نیز رابطه‌ای است که احتمال انحراف در آن بسیار بالا است. از این رو، باید از آن پرهیز کرد؛ زیرا از نظر شرعی، توجیه مناسبی ندارد. افزون بر این، چنین رابطه‌ای، نوعی اختلاط با نامحرم است و غالباً از نگاه‌های شبه‌ناک و شوخی و خنده و هم‌کلامی نهی شده در شرع مقدس به دور نیست. در فرهنگ اسلامی، حتی میان مردان و زنان متأهل نیز - که انگیزه جنسی کمتری از دختران و پسران جوان دارند - چنین رابطه‌ای تجویز نشده است. اساساً در اسلام، رابطه این گونه دوستی‌ها در رابطه‌های مجاز میان زن و مرد نامحرم تعریف نشده است. البته در فرهنگ غرب، چنین رابطه‌ای تعریف شده است و ادعای عملی بودن آن وجود دارد، ولی در عمل، با انحراف‌ها و مشکلات بسیاری همراه است که در غرب بدان با دیده اغماض نگریسته می‌شود. در پایان، گفتنی است اصل اینکه فردی نسبت به فردی نامحرم از جنس مخالف، احساس محبت و علاقه داشته باشد، حتی اگر این علاقه به دلیل جذابیت‌های جنسیتی بوده باشد، گناه دانسته نمی‌شود. اگر این محبت درونی به حدّ عشق شدید عاطفی رسیده باشد، نمی‌توان خود این عشق و دل‌بستگی قلبی را فعل حرامی به شمار آورد. آنچه حرام است، آن است که این حالت درونی و قلبی، در خارج نیز به برقراری روابط و رفتارهای نادرست و خارج از احکام شرعی بینجامد؛ یعنی عمل فرد را نیز به انحراف کشاند، هر چند این انحراف، نگاهی شهوانی باشد. اگر این محبت در دل بماند و به هیچ رفتار خارج از ضابطه‌ای نینجامد، حرام نیست. البته اینکه شخصی با وجود علاقه به فردی، این امر را در رفتارهای خارجی‌اش نشان ندهد، برای او بسیار آزردهنده خواهد بود. از این رو، اصل علاقه به فرد نامحرم در صورتی که امکان ازدواج با او را نداشته باشد، امر مطلوبی نیست. از همین رو، چون احتمال انحراف در این گونه علاقه‌ها زیاد است، فراهم آوردن زمینه‌های این علاقه، مانند نگاه کردن، صحبت کردن و فکر کردن و خیال‌بافی‌ها و ماندگار کردن احساسات زودگذر سطحی در ذهن، نسبت به زنان متأهل یا نامحرمانی که فرد امکان ازدواج با آنها را ندارد، جایز نیست و باید تا می‌تواند، از پدید آمدن چنین عشق‌هایی جلوگیری کند، ولی اگر به هر دلیل، چنین علاقه‌ای در دل شخص پدید آمد و از اختیار او خارج شد، باید مراقب رفتارهای خود باشد و از رابطه‌های انحرافی پرهیزد. این کار بسیار دشوار است، ولی موفق شدن در این کار، پاداش بسیاری خواهد داشت، چنان‌که از پیامبر روایت شده است که فرمود: «مَنْ عَشَقَ فَكَتَمَ فَمَاتَ، مَاتَ شَهِيداً؛ کسی که عاشق شود و این عشق را پنهان بدارد (و رفتارش را مهار کند)، پس اگر بمیرد، مرگ او شهادت خواهد بود.» ۲. -----

۱. در طول تاریخ ادبیات همه کشورها، عشق که رابطه‌ای عاطفی است، معمولاً میان زن و مرد جلوه می‌کند. بنابراین، این رابطه عاطفی از گرایش‌های جنسیتی جدا نیست. فروید، عشق را اساساً پدیده‌ای جنسی می‌داند و آن را والایش‌گریزه جنسی می‌شمارد، ولی هورنای معتقد است لزوماً ارتباطی میان محبت و گرایش جنسی نیست؛ یعنی این گونه نیست که پس از هر محبتی، انگیزه شهوانی باشد، ولی او نیز رابطه نزدیک میان این دو و تأثیر ناخودآگاه این دو بر هم را می‌پذیرد. مزلو نیز می‌گوید مفهوم عشق و روابط جنسی دو چیزند، ولی در زندگی افراد سالم به هم می‌پیوندند و کمتر جدایی‌پذیرند. نک: محمدباقر کجیاف، روان‌شناسی رفتار جنسی، صص ۴۹، ۶۲ و ۶۶؛ نیز کارن هورنای، عصبانی‌های عصر ما، ترجمه: ابراهیم خواجه نوری، ص ۱۹۱ موریس دبس نیز معتقد است: غریزه جنسی کم‌کم در نوجوانان به ویژه پسران، با تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر تمام اعضا و قوای بدن قوت می‌گیرد تا جایی که در ۱۷ و ۱۸ سالگی، مالک اصلی احساسات انسان می‌شود و تمام تظاهرات محبت‌آمیز انسان از غریزه جنسی سرچشمه می‌گیرد. (نک: گفتار فلسفی (جوان)، ص ۳۰۷). ۲. نک: کنز العمال، ج ۳، ص ۳۷۳، ح ۷۰۰.

فصل ششم: راه‌کارهای مشروع برقراری روابط جنسی در اسلام

اشاره

پیش‌تر گذشت که برنامه اسلام در تنظیم رابطه‌های میان دو جنس زن و مرد، دو محور اساسی دارد: الف) جهت‌دهی و آسان‌سازی روابط جنسی در چارچوبی معین؛ ب) کاهش زمینه‌های انحراف در روابط معمول اجتماعی و کم کردن محرک‌ها و انگیزه‌های جنسی در اجتماع و بیرون از محدوده‌های شخصی. در اینجا به بررسی راه‌کارهای مشروع برقراری روابط جنسی در اسلام می‌پردازیم. بنا بر آیات و روایت‌های اسلامی، روابطی که در آنها انگیزه‌ها و رفتارهای جنسی (رفتارهایی که با لذت‌جویی جنسی همراه است) وجود دارد، حتماً باید در یکی از این سه قالب صورت گیرد: ازدواج دائم؛ ازدواج موقت؛ ملک یمین (رابطه مالک با کنیز خود). پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله در خطبه‌ای فرمود: ای مردم، خداوند سه گونه زناشویی را برای شما حلال فرموده است: زناشویی که در آن ارث هست و آن ازدواج دائم است؛ زناشویی بدون ارث و آن متعه (ازدواج موقت) است و کنیزانتان. ۱. هر کدام از این رابطه‌ها، شرایط ویژه‌ای دارند، ولی تقریباً یک ضابطه اصلی در آنها مشترک است که هرگز حتی با توافق دو طرف، تغییرپذیر نیست و آن اینکه زن در یک زمان نباید با چند مرد رابطه داشته باشد. حکمت اصلی این ضابطه، حفظ شدن نسب‌ها و از میان بردن هر گونه شبهه در نسبت دادن فرزندان به والدین است. پیش‌تر نیز از قول روان‌شناسان گفتیم که زنان بیشتر به انحصار رابطه با یک مرد گرایش دارند و رابطه با چند مرد با عواطف و روحیه زنانگی‌شان سازگاری ندارد. ۲. همچنین با توجه به اینکه زن در رابطه با مرد بیشتر او را به عنوان پشتیبان عاطفی خود می‌خواهد و چون مدیریت خانواده‌ها نیز بر عهده مرد است، به خوبی مشخص می‌شود که چندشوهری سبب برهم خوردن امنیت روانی زن و نیز بی‌سامانی در نظام خانواده می‌شود. در آموزه‌های اسلام، درباره رابطه زناشویی از راه‌های مشروع به ویژه ازدواج دائم، توصیه‌های فراوانی شده است. پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، نکاح و زناشویی حلال و علاقه به زنان را از سنت‌های پیامبران شمرده و افراد را به این امر، تشویق و در مقابل، از بی‌همسر ماندن به شدت نهی کرده‌اند. حتی برای عمل زناشویی، اگر از طریق حلال صورت گیرد، ارزش و پاداش بسیاری قائل شده‌اند. روایت‌هایی را که در مورد ارزش ازدواج یا زشت بودن بی‌همسر ماندن وارد شده است، بیشتر می‌توان ناظر به ازدواج دائم دانست، ولی مطلق نکاح و زناشویی در این روایت‌ها مورد تأکید اصلی است. البته در جای خود، بر اهمیت فراوان خانواده - که از ثمره‌های ازدواج دائم است - تأکید شده است. در کتاب عروه‌الوثقی، پس از بیان مستحب بودن نکاح آمده است: «ظاهر این است که استحباب

اختصاصی به نکاح دایم و موقت ندارد، بلکه آنچه مستحب است اعم از ازدواج دایم و موقت و زناشویی با کنیزان است.»^۳ «نکاح» در لغت به معنای عمل جنسی است و در اصطلاح روایت‌ها و کتاب‌های فقهی نیز گاهی در همین معنا مانند اصطلاح «نَکاحُ الْبَهِيمَةِ» به کار می‌رود، ولی غالباً به معنای مطلق زناشویی مشروع، در مقابل «سِفَاح» به معنای زناشویی نامشروع به کار برده می‌شود. حتی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌خاطب به عده‌ای از اصحاب که به رهبانیت پرداخته و هم‌بستری با همسرانشان را ترک گفته بودند، در حدیث مشهور فرمود: «الْنَّكَاحُ سُنَّتِي، فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي.»^۴ در این حدیث، ظاهراً نکاح به همین معنی به کار رفته است. شواهدی نیز در برخی روایت‌ها هست که نشان می‌دهد اصل رابطه زناشویی مشروع مورد تأکید ویژه اسلام است. برای مثال، پیامبر از مردی پرسید: آیا زن داری؟ گفت: خیر. رسول‌الله فرمود: آیا کنیز داری؟ گفت: نه. سپس فرمود: آیا توانایی مالی داری؟ گفت: بله. حضرت به او فرمود: «ازدواج کن و گرنه از گناه کاران خواهی بود.» در روایتی دیگر از امام محمد باقر علیه‌السلام آمده است: «دو رکعت نماز که مرد متأهل به جای آورد، بهتر از آن است که مرد بی‌همسری تمام شب را عبادت کند و روز را روزه بدارد.» در این هنگام، یکی از حاضران عرض کرد: جانم به قربانت، من اهلی ندارم. حضرت فرمود: «آیا کنیزانی نداری (یا فرمود: آیا کنیز امّ ولد نداری)؟» پاسخ داد: دارم. حضرت به آن شخص فرمود: «پس تو عَزَبَ نیستی.»^۵ از این روایت‌ها استفاده می‌شود که اصل داشتن زناشویی مشروع هر چند از طریق کنیز باشد، مورد تأکید ویژه اسلام است. البته این به معنای نادیده گرفتن اهمیت ازدواج دایم و تشکیل خانواده نیست، بلکه به این معناست که نباید آنچه را در روایت‌ها آمده است، تنها ازدواج دایم معنا کرد؛ زیرا این نکته در فهم درست روایت‌های نکاح مهم است. به هر حال، چون در حال حاضر، رابطه با کنیز در عمل منتفی است، راه کارهای ایجاد رابطه مشروع جنسی، به دو نوع ازدواج، دایم و موقت منحصر می‌شود. -----

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۳۵ از ابواب مقدمات نکاح، باب ان النکاح الحلال ثلاثه اقسام، ص ۸۶، ح ۲۵۰۹۸. ۲. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، چاپ شرکت افست، ۱۳۵۹، بخش هفتم، صص ۱۷۵-۱۵۷، بخش یازدهم، صص ۳۰۰ - ۳۴۶. ۳. نک: سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروۃ الوثقی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲، ص ۶۲۸، مسئله سوم از کتاب النکاح. ۴. نک: همان، ص ۶۲۷. ۵. وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۲ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۲۰، ح ۲۴۹۱۸.

۱. ازدواج دایم و اهمیت آن

مرسوم‌ترین و به یک اعتبار، مهم‌ترین راه کار برای روابط جنسی در اسلام، ازدواج دایم است. ازدواج دایم دو ثمره مهم دارد: یک - ارضای غریزه و تعدیل گرایش‌های جنسی؛ دو - پی‌ریزی بنای خانواده. در این نوع ازدواج، دو شریک جنسی پیمان می‌بندند که تا آخر عمر در کنار هم زندگی مشترکی داشته باشند. این امر، به طور طبیعی با نوعی پیوند عاطفی قوی همراه است و رابطه‌ای فراتر از دوستی‌های معمولی یا روابط موقتی دارد. این رابطه، با آمدن فرزندان تقویت می‌شود و مجموعه خانواده به عنوان نهادی که تأمین بسیاری از نیازهای اساسی افراد را بر عهده دارد، با این پیوند شکل می‌گیرد. اساس روابط در خانواده، محبت و احساس دل‌بستگی میان اعضا است و هیچ نهاد اجتماعی نمی‌تواند جای‌گزین کاملی برای آن باشد. برخی از مهم‌ترین فایده‌های تشکیل خانواده عبارت است از: ۱. تولید مثل و پرورش نسل جدید؛ ۲. فراهم ساختن بخش مهمی از نیازهای عاطفی و جسمی اعضا و ایجاد امنیت روانی، عاطفی، مالی و... برای افراد خانواده؛ ۳. پشتیبانی از والدین در کهن سالی؛ ۴. ایفای نقش اساسی در جامعه‌پذیری و مهار اجتماعی اعضا از طریق تربیت و آموزش هنجارها و مراقبت بر اعضای خانواده. بی‌گمان، ازدواج دایم به دلیل اینکه بستر ایجاد خانواده است، مسئولیت‌های مختلفی برای زن و شوهر در پی دارد. البته برخی از این مسئولیت‌ها مانند مسئولیت زوج در دادن نفقه زوجه و فرزندان و مسئولیت زوجه در تمکین از زوج در مورد خواسته‌های جنسی، تکلیفی قانونی و شرعی است. بعضی از

مسئولیت‌ها نیز وظایفی است که از نظر عرفی یا اخلاقی بر عهده همسران است و پذیرفتن آنها برای زن و شوهر اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بحث از جنبه‌های گوناگون ازدواج داریم، مجال دیگری می‌خواهد، ولی بر این نکته تأکید می‌کنیم که چون در میان چارچوب‌های ارتباط جنسی مشروع تنها ازدواج داریم می‌تواند بستر مناسبی برای داشتن فرزند و خانواده باثبات باشد، نمی‌توان دیگر راه کارها را بدیلی برای آن دانست. بنابراین، اهمیت ازدواج داریم و ضرورت تشکیل خانواده برای سلامت فرد و جامعه هرگز قابل خدشه نیست. تأکید بر داشتن «اهل» (خانواده) و «فرزندان باایمان»، از مهم‌ترین فایده‌هایی است که در روایت‌های اسلامی بر آن تأکید فراوانی شده است. ۱. همه این تأکیدها، اهمیت خاص ازدواج داریم را در آموزه‌های اسلامی بیان می‌دارد. ۲. همچنین آرامشی که خداوند در قرآن کریم آن را از مهم‌ترین فایده‌های ازدواج می‌داند، ۳. بستری مناسب‌تر از ازدواج داریم ندارد؛ زیرا روابط کوتاه‌مدت و ناپایدار نمی‌تواند این آرامش روانی را به شایستگی برقرار سازد.

۱. برای نمونه، پیامبر فرموده است: «إِتَّخِذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزَقَ لَكُمْ؛ اهل همسر و خانواده برگزینید؛ زیرا این امر موجب افزایش روزی‌تان می‌شود.» نیز فرمود: «مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا؟ لَعَلَّ اللَّهَ يَرْزُقُهُ نَسِيمَةً تُثَقِّلُ الْأَرْضَ بِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ؛ چه چیزی مانع می‌شود که مؤمن اهلی برگزیند؟ شاید خداوند فرزندی روزی‌اش کند که زمین را با لا اله الا الله (ایمان و توحید) سنگین گرداند.» نک: وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۱ از ابواب مقدمات نکاح، صص ۱۴ و ۱۵، ح ۲۴۹۰۰ و ۲۴۹۰۲؛ نک: وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب استحباب تکثیر الاولاد و باب استحباب اکرام الولد الصالح و طلبه و حبه و... از ابواب احکام الاولاد. ۲. پیش‌تر در حدیثی آمد که امام علیه‌السلام به فردی که ازدواج نکرده بود، ولی کنیزانی داشت، فرمود: «تو عذب نیستی»، ولی این به معنای دارای «اهل» بودن صاحب کنیز نیست. بر همین اساس، آورده‌اند: زراره بر امام صادق علیه‌السلام وارد شد. حضرت پرسید: ای زراره، آیا تو متأهل هستی؟ عرض کرد: خیر. حضرت فرمود: پس چگونه بر تجرد مانده‌ای، در حالی که جوان هستی؟ زراره جواب داد: کنیزانی می‌خرم...». (وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۱۲ از ابواب ما یحرم بالکفر و نحوه از کتاب نکاح، ص ۵۶۰، ح ۲۶۳۴۷). از این روایت استفاده می‌شود که در عرف روایات و نزد اصحاب ائمه نیز داشتن کنیز به معنای متأهل بودن نبوده است. ۳. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...». روم: ۱۲

۲. سن مناسب برای ازدواج

یکی از نکته‌های مهم برای تبیین طرح اسلام در زمینه برقراری روابط جنسی، پاسخ به این پرسش است که اسلام چه سنی را برای برقراری روابط جنسی مشروع سفارش می‌کند و سن مناسب برای ازدواج کدام است؟ در پاسخ باید گفت به طور طبیعی، هر زمانی که گرایش‌های جنسی در فرد بیدار شود و او این ارتباط‌خواهی را به عنوان نیاز واقعی و محرک درونی در خود احساس کند، زمان مناسبی برای پاسخ‌گویی به این نیاز است و این، امری عقلانی و طبیعی است. البته تعیین سن خاصی برای ازدواج همه افراد درست نیست؛ زیرا این امر بنا بر شرایط جسمی و روحی و حتی شرایط محیطی، در افراد متفاوت است. همچنین اگر تشکیل خانواده در نظر باشد، شرایط دیگری مانند توانایی‌های اقتصادی و فکری و مقبولیت و مهارت‌های اجتماعی نیز در این امر اثرگذار خواهد بود. برخلاف فرهنگ رایج در دنیای امروز که نسبت به روابط جنسی نوجوانان و جوانان پیش از ازدواج، تسامح بیشتری دارند و این گونه روابط بی‌ضابطه را به عنوان اقتضای سال‌های جوانی به راحتی می‌پذیرند، دین مبین اسلام هر گونه رفتار جنسی را تنها با ضابطه ازدواج جایز می‌داند. بنابر قاعده و متناسب با اقتضای طبیعی، سن مناسب برای ازدواج، زمانی است که افراد در آن به مرحله بیداری یا «بلوغ جنسی» می‌رسند. در روایت‌های اسلامی نیز ازدواج در همین سال‌ها سفارش شده است. برای نمونه، پیامبر می‌فرماید: ای گروه جوانان، هر کس از شما توانایی جنسی پیدا کرد، ازدواج کند. بی‌گمان، این امر موجب حفظ بهتر چشم و دامان است. ۱. نیز فرمود: هر جوانی که در سن پایین (ابتدای جوانی) ازدواج کند، شیطانی که مأمور اوست، ناله می‌زند: «ای وای! دو

سوم دینش را از دست من حفظ کرد.» پس باید این بنده در ثلث باقی، تقوای الهی پیشه کند. ۲. همچنین روزی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بر فراز منبر فرمود: ای مردم، جبرئیل از سوی خداوند لطیف و خبیر نزد من آمد و گفت: دختران به منزله میوه‌ای بر درختند که اگر برسد و چیده نشود، آفتاب آن را خراب و فاسد می‌کند و بادهای آن را می‌پراکند. دوشیزگان زمانی که به حالت‌هایی که زنان دارند رسیدند (و بالغ شدند)، دوایی جز همسر (و ازدواج) ندارند، و گرنه از فساد مصون نیستند؛ چون آنان بشوند. ۳. همچنین فرمود: از سعادت مرد این است که دخترش در خانه او عادت زنانگی را تجربه نکند (و پیش از رسیدن به این سن، به خانه شوهر رفته باشد). ۴. نیز در روایتی وارد شده است که «از حقوق فرزند بر پدرش سه چیز است: اینکه اسم نیکو برایش بگذارد و به او نوشتن بیاموزد و زمانی که بالغ شد، ترتیب ازدواجش را بدهد.» ۵. در این روایت‌ها بر ازدواج در سن پایین و هم‌زمان با بلوغ جنسی و تأخیر نینداختن آن از این سن تأکید شده است و این امر، کاملاً با نیازهای طبیعی در دختران و پسران سازگار است.

۱. «یا مَعْشَرَ الشَّبَابِ، مَنِ اسْتَبَاعَ مِنْكُمْ الْبَاهُ فَلْيَتَزَوَّجْ، فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصْرِ وَأَحْفَظُ لِلْفَرْجِ» مستدرک الوسائل، ج ۱۴، باب ۱ از کتاب النکاح، ص ۱۵۳، ح ۱۶۳۵۰. ۲. «ما من شاب تزوج في حدائيه ستيه إلا - عرج شيطانه يا ويله! عصم مني ثلثي دينه فليتيق الله العبد في الثلث الباقي»، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، باب ۱ از ابواب النکاح، ص ۱۴۹، ح ۱۶۳۳۱. ۳. وسائل الشيعه، ج ۲۰، باب ۲۳ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۶۱، ح ۲۵۰۳۷. ۴. همان، ص ۶۴، ح ۲۵۰۴۷. ۵. «من حق الولد على والديه ثلاثة: يُحَسِّنُ اسْمَهُ، وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ، وَيَزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ». وسائل الشيعه، ج ۲۱، باب ۸۸ از ابواب احکام الاولاد، ص ۴۸۲، ح ۲۷۶۴۶.

بخش سوم: تنظیم روابط در غرب

اشاره

بی‌شک، امروزه فرهنگ غرب یکی از فرهنگ‌های اثرگذار و پرجاذبه است که با در اختیار داشتن مهم‌ترین ابزارهای تبلیغی، بیشترین امکان را در جهت‌دهی فرهنگی در اختیار دارد. این فرهنگ می‌کوشد دیگر فرهنگ‌ها و جوامع را به شکل‌های مختلف تحت تأثیر خود قرار دهد. جامعه ما نیز از این وضعیت برکنار نیست، بلکه به دلایلی، غرب به جامعه ایران بیشتر از دیگر جوامع، هجوم فرهنگی کرده است. از این رو، برای درک بهتر دگرگونی‌های فرهنگی در جامعه و برنامه‌ریزی برای بهبود شرایط فرهنگی، ضروری است که ریشه‌های فرهنگ غرب، نقاط قوت و ضعف آن و موارد انطباق داشتن یا نداشتن آن با فرهنگ اسلامی شناسایی شود. یکی از پرچم‌ترین نمودهای تفاوت فرهنگ امروز غرب با فرهنگ اسلامی، مسائل مربوط به روابط زن و مرد و دختر و پسر است. این امر، بسیاری از افراد را شیفته خود ساخته و بسیاری دیگر را نیز به موضع‌گیری و نقد فرهنگ خودی واداشته است. از این رو، در این بخش می‌کوشیم به مهم‌ترین ریشه‌ها و اصول نظام رفتاری رایج در غرب در زمینه روابط زن و مرد و نقاط ضعف اصلی آن، اشاره کوتاهی داشته باشیم.

۱. رویکردهای رایج در قرون وسطا و دوره رنسانس

دیدگاه‌های اندیشمندان و افراد اثرگذار غرب در جهت‌دهی‌های اجتماعی، مذهبی و فرهنگی در زمینه رفتار با جنس مخالف، معمولاً در یکی از دو جهت مخالف؛ یعنی افراط و تفریط قرار می‌گیرد. در مسیحیت تحریف شده که قرن‌ها بر اروپا حاکم بود و فرهنگ رسمی و غالب اروپای قرون وسطا و دوره رنسانس بر پایه آن شکل گرفته بود، گرایش‌های جنسی، پست و پلید و رابطه

جنسی، عملی ناپاک قلمداد می‌شد که باید به کلی ترک می‌شد؛ یعنی هر چند برای تولید مثل یا جلوگیری از گناه تجویز می‌گردید، ولی به هر حال عملی نامطلوب بود. در مقابل، ریاضت‌کشی و تجرد، امری مطلوب و مقدس دانسته می‌شد. البته پیش‌تر نیز در یونان و روم، فیلسوفان کلیبی و نوافلاطونیان و دیگران، ریاضت‌طلبی را ترویج می‌کردند. بوداییان، برهمنیان و هواداران مانی در ایران نیز چنین بودند. از آغاز شکل‌گیری کلیسا، علت مجرد زیستن مسیح علیه‌السلام، پلیدی ذاتی زناشویی دانسته شد. در نتیجه، مقدسین مسیحی، شرط رسیدن به مقام‌های روحانی را آلوده نشدن به زن در تمام عمر می‌دانند و همواره پاپ از میان چنین افرادی برگزیده می‌شود. ۱. پولس مقدس گفته است: به مجردان و بیوه‌زنان می‌گویم ایشان را نیکوست که مثل من (مجرد) بمانند، ولی اگر پرهیز ندارند، ازدواج کنند؛ زیرا ازدواج از آتش هوس بهتر است. ۲. راسل می‌گوید: کلیسای اولیه در مورد نظریات پولس راه افراط در پیش گرفت تا جایی که تجرد، مفهوم تقدس پیدا کرد. مردها سر به بیابان نهادند تا با شیطان در آویزند؛ حال آنکه همین شیطان، فکر و ذهنشان را با توهومات شهوانی از خود می‌انباشت... اشخاص شریف در قرون وسطا این غریزه را نتیجه گناه نخستین می‌دانستند. (به همین دلیل)، از جسم و امیال جسمانی نفرت داشتند و شادی محض و پاک را فقط در تفکرات خلسه‌آمیز و فارغ از هر گونه شایبه جنسی می‌شمردند... سن ژرم که آخرسلسله اولیای خدا بود، همیشه با لحنی مؤکد می‌گفت: «درخت ازدواج را با تبر تجرد از بن برکنیم». ۳. ویل دورانت می‌گوید: مبالغه کلیسا در مخالفت با میل جنسی، شاید به دلیل خنثی کردن اعمال غرایز شدید و بی‌لگام بوده است؛ مثل نمایش بی‌عفتی در تماشاخانه‌های رُم، مکاتب فحشا در بعضی معابد یونانی و شرقی، سقط جنین دامنه‌دار، شهوت‌رانی طبقات عالی و...، اما کلیسا سرانجام رویه ملایم‌تری نسبت به معاصی جسمانی اتخاذ کرد. ۴. دیدگاه سرکوب غریزه جنسی، به دلیل مخالفت با طبیعت و اقتضائات واقعی وجود انسان، خود به خود محکوم به شکست است و به مشکلات فراوانی می‌انجامد و چه بسا نتیجه عکس نیز داشته باشد، چنان‌که تجربه تمدن غرب این موضوع را ثابت کرده است. این رویکرد، حتی در میان راهبان و کشیشان مسیحی نیز مشکل‌آفرین بوده است. ویل دورانت در این باره می‌نویسد: یادداشت‌های این مرتاضان (راهبان) مشحون است از رؤیاهای و تخیلات جنسی... به گمانشان چنین می‌رسید که شیاطین گردش را گرفته و همواره در حال حمله هستند... دیوانه شدن برای راهبان، امری غیرعادی نبود. ۵. راسل نیز می‌نویسد: تعجبی ندارد وقتی ناگهان درمی‌یابیم که برخی راهبان عهدهای خویش (مبنی بر تجرد) را می‌شکنند و در زندگی‌ای پای می‌گذارند که به عنوان زندگی معصیت‌بار فرض شده است و در این زمینه، از مردم عادی نیز پای فراتر گذاشته و در سطح اسفل از مردم عادی فرو می‌روند. ۶. همچنین یک تاریخ‌نویس کاتولیک در این زمینه می‌نویسد: سوء اخلاق کشیشان چندان ناهنجار بود که پیشنهادهایی در لزوم ازدواج کشیشان از هر سو شنیده می‌شد... بسیاری از صومعه‌ها، وضعی بسیار اسفناک داشتند... ۷. پیش‌تر به نمونه‌هایی از ناهنجاری‌های اخلاقی و رابطه‌های نامشروع راهبان و راهبه‌ها اشاره شد. حتی امروزه نیز اعمال خلاف اخلاق کشیشان، انتقادهای فراوانی را برای کلیسای کاتولیک در پی دارد. وضعیت دیگر قشرهای جامعه نیز در اروپای قرون وسطا، وضع مناسبی نداشت و هرگز قانون‌های سخت‌گیرانه کلیسا در تنظیم رابطه‌های جنسی و جلوگیری از ناهنجاری‌ها توانایی نداشت. از سویی، بازداشتن از رابطه‌های موقت، چندمسرری و طلاق، زمینه را برای گسترش بیشتر فحشا فراهم آورده بود. ویل دورانت در این باره می‌نویسد: ظاهراً مناسبات جنسی قبل از ازدواج و بعد از آن (در جهان عیسوی)، به همان اندازه رایج بوده که از اعصار باستان تا قرن بیستم. سیل طبیعت بوالهوس مرد، از سیل بندهایی که قوانین کلیسایی برای عوام‌الناس ایجاد کرده بود، سرازیر می‌شد و برخی از زنان نیز احساس می‌کردند می‌توان با طاعات هفتگی، کفاره لذات شهوانی آنی را داد... جهان عیسوی پر بود از اطفال حرام‌زاده و حرام‌زادگی که موضوع اصلی هزاران قصه مختلف گردید. ۸. به هر حال، نبود تناسب میان باورها و هنجارهای رسمی یا مذهبی با نیازهای طبیعی، به ایجاد تضاد درونی در افراد می‌انجامد و سرانجامی جز رسیدن به بن‌بست و از میان رفتن تعادل در زندگی فردی و اجتماعی نخواهد داشت. در گذشته اروپا، با وجود تمام نابسامانی‌هایی که در عمل وجود داشت، هنجارها و ارزش‌های اخلاقی به نسبت مشخصی در زمینه روابط میان زن و

مرد تعریف شده بود و مرز میان روابط اخلاقی مشروع با رابطه‌های غیراخلاقی و نامشروع تا اندازه‌ای معین بود. هر چند سرپیچی از این حدود، بسیار رخ می‌داد، ولی غیراخلاقی بودن بعضی رفتارها تردیدناپذیر بود. برای مثال، پاک‌دامنی برای زنان و دختران ارزش بود؛ حتی در آغاز دوره رنسانس نیز دختران خانواده‌های اصیل برای حفظ عفت به ویژه پیش از ازدواج مراقبت می‌شدند و آنان از مردان غیر فامیل دوری می‌کردند و حتی در صورت از دست دادن عفت، خودکشی می‌کردند. ۹۰ در انگلستان قرن هفدهم و در زمان حکومت کرامول اگر مردی آشکارا همسرش را می‌بوسید، سخت تنبیه می‌شد و جزای آن بوسیدن، شصت ضربه شلاق در میدان شهر بود. ۱۰ در اروپا، حتی تا میانه قرن نوزدهم، بیشتر آموزش‌ها در مؤسسه‌های آموزشی و تربیتی به صورت جداگانه بود و در موارد اندکی، زنان و دختران جوان در کنار جنس مخالف و در مدرسه‌های مختلط آموزش می‌دیدند. ۱۱ وضع پوشش زنان و دختران و اموری از این دست نیز در گذشته غرب با آنچه امروز دیده می‌شود، تفاوت داشت. ۱۲

۱- اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، صص ۱۰-۱۴؛ اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، صص ۲۵-۵۵. ۲. نیره ستوده، مقاله «بنیان‌های فکری اسلام و غرب در دفاع از شخصیت و حقوق زنان»، ماهنامه حوراء، ش ۴، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۳، ص ۲۰. ۳. گفتار فلسفی، صص ۱۹۵ - ۱۹۸، به نقل از: راسل، زناشویی و اخلاق. ۴. اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، ص ۵۲، به نقل از: ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۰، ص ۱۲۶. ۵. همان، ص ۶۴، به نقل از: تاریخ تمدن، ج ۱۰، ص ۹۹. ۶. همان، ص ۶۳، به نقل از: زناشویی و اخلاق، ص ۷۷. ۷. همان، به نقل از: تاریخ تمدن، ج ۱۵، ص ۷۲. ۸. همان، ص ۶۲، به نقل از: تاریخ تمدن، ج ۱۳، ص ۴۷۴. ۹. فرحناز ابونیا عمران، بررسی تاریخ جرایم جنسی از دوران باستان تا کنون، ساری، نشر رنگارنگ، ۱۳۸۱، ص ۱۶۴. ۱۰. نک: علی‌رضا حسین پور، آن روی سکه بحثی درباره روابط دختر و پسر، تهران، نشر آهسته، چ ۱، ۱۳۷۹، ص ۲۱. ۱۱. نک: معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، ص ۲۸. ۱۲. برای مطالعه بیشتر نک: مارتین سگالن، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه: حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۵.

۲. رویکردهای رایج در عصر حاضر

در این قرن، ارزش‌ها و هنجارهایی که پیش‌تر در رابطه‌های میان زن و مرد مطرح بود، به طور محسوسی کم‌رنگ شد یا از اساس در آن تردید کردند. امروزه به تصویر کشیدن روابط بی‌ضابطه دختران و پسران و حتی روابط نامشروع میان زنان و مردان متأهل، به صورت یکی از کارهای اصلی سینما در جهان به ویژه سینمای غرب درآمده است و سکس در ادبیات و دیگر هنرها، دست‌مایه بسیاری از هنرمندان است. در بیشتر کشورهای جهان، بیشتر تبلیغات مجله‌ها، روزنامه‌ها و تلویزیون‌ها، بر پایه گزارش‌های جنسی طراحی شده‌اند. در برخی از کشورها، هر شهر بزرگی چندین سینما دارد که تنها فیلم‌های سکسی را نمایش می‌دهند. ۱ در عصر ویکتوریا، وقتی فروید گفت گرایش‌های جنسی در طبیعت بشر نقش محوری و اساسی دارند، امواج گسترده‌ای سراسر دنیای علمی را فرا گرفت. در آن زمان، آرای فروید، نه تنها انقلابی، بلکه غیراخلاقی و شیطانی قلمداد شد، ولی پس از گذشت چند دهه، دیدگاه‌های مبتنی بر لغو سرکوب جنسی، زمینه‌ساز انقلاب جنسی در غرب شد. این انقلاب جنسی که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رخ داد، تعریف رفتار جنسی بهنجار را گسترده کرده است. رابطه جنسی پیش از ازدواج و حتی رفتارهایی مانند هم‌جنس‌گرایی که تا چندین سال پیش به طور پنهانی مطرح بود، امروزه آشکارا طرح می‌شود. بر اساس پژوهشی که مرتن هانت، در آغاز دهه ۱۹۷۰ در امریکا انجام داد، تقریباً بیشتر افراد، رفتار جنسی بدون ازدواج را امری پذیرفته می‌دانستند و بیش از ۷۵ درصد افراد به آموزش جنسی در مدرسه‌ها اعتقاد داشتند. در این پژوهش، ۷۵ درصد زنان، رابطه جنسی بدون ازدواج را گزارش کردند، در حالی که این درصد در پژوهش آلفرد کینزی که در اواخر دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰ انجام گرفته است، ۴۸ درصد بود. در تمدن جدید غربی، اخلاق جنسی که در گذشته بر آموزه‌های مسیحی مبتنی بود، تا حدود زیادی ضعیف شده و محدودیت‌ها به کلی برداشته

شده است. دنیای غرب ادعا می‌کند که در این زمینه، ساختاری علمی بر اساس نیازهای انسان و تأمین‌کننده آزادی‌های فردی را جای‌گزین نظام اخلاقی و ارزشی گذشته کرده است؛ یعنی باید از هر گونه محدودیت در اعمال‌گریزه جنسی، جز در موارد ناسازگار با آزادی دیگران، پرهیز کرد تا از سرکوب‌گریزه و ایجاد عقده‌های جنسی دوری شود و آزادی افراد به خطر نیفتد. در نتیجه، ملاک اصلی در تجویز رابطه جنسی، تنها رضایت دو طرف خواهد بود. حتی امروزه بسیاری از روان‌شناسان غربی، اموری مانند هم‌جنس‌گرایی و خودارضایی را نیز اعمال طبیعی و غیر انحرافی می‌دانند. البته بسیاری نیز این موارد را غیرطبیعی و زیان‌بار می‌شمارند، ۲ هر چند همه اینها بر اساس یافته‌های به اصطلاح علمی و تجربی است و نه اصول اخلاقی یا مذهبی. نگاهی به آمار سقط جنین یا کودکان نامشروع در غرب می‌تواند تا حدودی جنبه‌های گسترده روابط بی‌ضابطه را در غرب نشان دهد. برای مثال، میزان نوزادان نامشروع در سوئد از ۱۷ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۵۱ درصد در ۱۹۸۸ رسیده است و در سال‌های دهه ۱۹۸۰م، تقریباً ۱۵ درصد نوزادان اروپایی به طور نامشروع زاده شده‌اند، هر چند در کشورهای کاتولیک، این میزان بسیار کمتر از دیگر کشورها است. بنا بر آمارهای منتشر شده در ۱۹۹۳، هر سال نزدیک به یک میلیون دختر نوجوان آمریکایی پس از آمیزش جنسی، ۴۰ درصد داوطلبانه و ۱۳ درصد به علت بیماری، اقدام به سقط جنین می‌کنند و ۴۷ درصد نیز فرزند نامشروع خود را به دنیا می‌آورند. ۳ برای شناخت بهتر مبانی نظری نظام رفتار جنسی امروز غرب، مناسب است به اجمال، با آرای برخی نظریه‌پردازان روابط آزاد آشنا شویم:

۱. زیگموند فروید (۱۸۵۶م. - ۱۹۳۹م.): وی روان‌شناس معروف اتریشی بود که تأثیر شگرفی در روان‌شناسی داشت. فروید تأکید داشت که گرایش‌های سرکوب شده کاملاً فراموش نمی‌شوند، بلکه در ضمیر ناخودآگاه به حالت بازداشت به سر می‌برند تا به هنگام، از ناخودآگاه نفوذ کنند. او نیروی محرک جنسی را «لیبیدو»^۴ می‌نامد و آن را شدیدترین‌گریزه در انسان می‌داند. فروید، جنسیت را بر بسیاری از عواطف و احساسات بشر حاکم می‌پندارد و بیشتر فعالیت‌هایی را که گذشتگان غیرجنسی می‌دانستند، برآمده از جنسیت می‌شمارد. به باور او، عشق مادری، محبت فرزندی، برادری، دوستی و... در جنسیت ریشه دارند. به طور کلی، تمام ارتباط‌های اجتماعی میان اشخاص، یا به طور طبیعی و ویژگی جنسی دارند یا دارای اصل و ریشه جنسی هستند. همچنین نمودهای مربوط به زیبایی و زیبایی‌شناسی، ابداع‌های هنری و ادبی، همه دارای عوامل جنسی بوده‌اند. به باور فروید، عامل بیماری عصبی این است که به یک گرایش شهوانی پاسخ داده نمی‌شود و همین امر، به تدریج بر قوه فاعله روحی فرد اثر می‌گذارد. به نظر او، به طور کلی، گریزه سرکوب شده، عامل همه ناهنجاری‌هاست. فروید از مذهب و تمدن به دلیل جلوگیری از اعمال آزادانه گریزه جنسی به شدت انتقاد می‌کند. ۲۵. برتراند راسل (۱۸۷۲م. - ۱۹۷۰م.): وی که فیلسوف معروف انگلیسی است، محدودیت‌ها و سنت‌های اعمال شده در گذشته به ویژه از سوی کلیسا را مخالف طبیعت بشر می‌دانست و خواهان برقراری نظام ارزشی و اخلاقی جدید عملی با آزادی بیشتر بود. او آزادی روابط و برچیده شدن محدودیت‌ها را حتی در حد جواز رابطه با زن‌های شوهردار توصیه می‌کرد، ولی معتقد بود باید از تولد فرزند در این گونه رابطه‌ها جلوگیری شود. ۳۶. کارل مارکس (۱۸۱۷م. - ۱۸۸۳م.) و فردریک انگلس (۱۸۲۰م. - ۱۸۹۵م.): این دو اندیشمند آلمانی، از بنیان‌گذاران مارکسیسم بودند. این دو و اندیشمندان دیگری در قرن نوزدهم معتقد بودند شکل‌های اشتراکی زندگی باید جای‌گزین نمونه‌های سنتی خانواده شود. حتی برخی از ایده‌های آنان عملی شد، ولی به علت ناسازگاری با هویت انسانی و به بازی گرفتن عواطف والدین و فرزندان به زودی از جوامع بشری رخت بست. این نوع زندگی را «خانواده اشتراکی»^۷ می‌گویند. قدر مشترک این نوع خانواده، «روابط آزاد و مشترک میان مردان و زنان و پذیرش مسئولیت جمعی برای پرورش کودکان است»؛ یعنی همه مردان با همه زنان می‌توانستند رابطه داشته باشند و فرزندان احتمالی نیز فرزند همه افراد به شمار می‌آمد و با روش‌های خاصی، مثلاً در پرورش گاه‌ها، نگه‌داری و تربیت می‌شدند. گسترده‌ترین نوع این زندگی، پس از انقلاب شوروی (۱۹۱۷م.) ایجاد شد. انگلس، همکار مارکس، خانواده سنتی را سنگ‌بنای سرمایه‌داری و خاستگاه تک‌همسری و تک‌شوهری را مالکیت خصوصی می‌دانست و با آن مخالف بود. به نظر آنها، تنها عشق میان زن و مرد، ملاکی برای

جواز برقراری رابطه است و برای رابطه جنسی، توافق کافی است. پس از انقلاب اکتبر شوروی، سیاست‌هایی مانند غیردینی کردن ازدواج، برابری کامل دو جنس، ممنوع نبودن طلاق و سقط جنین را که هدف آن، آزادی زن اعلام شد، به کار گرفتند و در ۱۹۲۶ قانونی تصویب شد که در عمل، هر نوع رابطه جنسی با جنس مخالف را ازدواج تعریف می‌کرد و داشتن چند همسر برای زنان را جایز می‌دانست. در پی پیش آمدن مشکلات اجتماعی فراوان در دهه ۱۹۳۰، استالین در سیاست رسمی کشور تجدید نظر کرد. لنین هم بعدها مخالفت صریح خود را با نظریه «خانواده اشتراکی» و «پیوند عشق آزاد» اعلام کرد و سرانجام در ۱۹۹۴، قانونی در روسیه به تصویب رسید که ازدواج «دفاکتو» یعنی پیوند غیررسمی زن و مرد را باطل اعلام کرد. گروه‌ها، جریان‌ها و مکتب‌های مختلف دیگری نیز در غرب بودند که بر روند شکل‌گیری اخلاق جنسی در غرب اثرگذار بودند؛ از جمله روان‌شناسان انسان‌گرا که مجال بحث از آنان نیست. البته باید توجه داشت که دیدگاه‌های مبتنی بر روابط آزاد، در بستر تاریخی، فرهنگی و اجتماعی مناسبی مطرح شدند و گرنه نمی‌توانستند فرهنگ غرب را به این گسترده‌گی دگرگون کنند. گرایش به علوم تجربی و یافته‌های بشری، تقویت انسان‌محوری، فردگرایی، لذت‌پرستی و برتری یافتن سود و منفعت شخصی و تضعیف دین و ارزش‌های آن و عواملی از این دست که در نتیجه رنسانس در غرب قوت یافته بود، زمینه مناسبی را برای پذیرش این دیدگاه‌ها فراهم آورد. -----

۱. نک: گزارش ملی جوانان ۱۷، بررسی جنسی جوانان، سازمان ملی جوانان، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۲.۲. نک: همان، ص ۷؛ فردین صالحی، مؤلفه‌های انحراف جنسی در کودکان، قم، رازبان، ۱۳۸۱، چ ۱، ص ۹.۳. سیمای زن در جهان امریکا، صص ۳۵-۳۹. ۴۱. libido. ۵. نک: اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، ص ۶۶؛ گفتار فلسفی بزرگسال و جوان از نظر افکار و تمایلات، صص ۲۰۱-۲۰۶. ۶. نک: اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، ص ۷۸؛ اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، صص ۳۱-۳۶. ۷۱. community. ۸. family. نک: عبدالرسول هاجری، مقاله «واژه‌نامه زنان»، ماهنامه حورا، ش ۴، اردی‌بهشت و خرداد ۱۳۸۳، ص ۳۵؛ اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، صص ۸۶-۹۷.

۳. زمینه‌های اثرگذار بر شکل‌گیری نظام رفتار جنسی در غرب

اشاره

الف) تضعیف باورهای دینی و نسبی شدن دین و اخلاق

در اروپای پیش از رنسانس، باورهای مذهبی، مهم‌ترین پشتوانه اخلاق بود و قوانین مذهبی، تعیین‌کننده اصلی هنجارهای رفتاری به شمار می‌آمد. در دوره رنسانس، با تردید در باورهای مسیحی، بسیاری از آنها را نامعقول یا قابل تأویل دانستند و دین و قوانین مذهبی، در عمل، از صحنه‌های اثرگذار بر زندگی به حاشیه رانده شد. پایگاه سیاسی و اجتماعی کلیسا از میان رفت و اندیشمندان کوشیدند زندگی علمی و تجربی و یافته‌های بشری را جای‌گزین زندگی دینی و ایمان و تعبد مذهبی سازند. البته آموزه‌های نامعقول و تحریف شده مسیحیت و عملکرد نادرست کلیسا نیز در این روی‌گردانی، نقش زیادی داشت. به هر حال، تضعیف باورها و هنجارهای دینی و نسبی شدن دین و بی‌مبنا فرض شدن اخلاق، در پدید آمدن وضع فعلی در اخلاق جنسی غرب اثر مهمی گذاشت. -----

ب) فردگرایی، دینامحوری و اصالت سود و لذت

همراه با تضعیف باورهای دینی در غرب، اندیشه‌های مبتنی بر فردگرایی و انسان‌محوری در برابر خدامحوری یا جامعه‌گرایی و نیز اصالت یافتن منافع دنیا و لذت‌های مادی در برابر منافع اخروی و اندیشه‌های ماده‌گرا به جای معناگرا رشد کرد. نتیجه طبیعی این امر، گسترش شهوت‌پرستی و لذت‌خواهی مادی بود؛ زیرا هنگامی که انسان، بالاترین ارزش و لذت قابل دست‌رسی خود را لذت‌های مادی بداند و به کلی از لذت‌های معنوی و منافع اخروی غافل باشد، تمام تلاش خود را جهت افزایش همین لذت‌ها و منافع مادی به کار خواهد بست و رسیدن به سود مادی و شخصی را فدای هیچ چیز نخواهد کرد. بی‌گمان، آرای مبتنی بر روابط آزاد، امکان افزایش بهره‌جویی‌های جنسی را فراهم می‌آورد. ویل دورانت تصریح می‌کند: میل به تنوع جنسی، اگر چه از همان آغاز در بشر بوده است، ولی امروزه به سبب اصالت فرد در زندگی نو و تعدد محرکات جنسی در شهرها و تجاری شدن لذت جنسی، ده برابر گشته است. ۱.

----- ۱. نک: «جوانان و روابط»، به نقل از: لذت فلسفه، ص ۷.

ج) فمینیسم و رواج اندیشه تساوی زن و مرد

آگوست کنت (۱۸۵۷ م.) و جان استوارت میل (۱۸۶۹ م.)، اندیشمندانی بودند که نظریه برابری زن و مرد را در چارچوب حقوق فردی و اومانیستی مطرح کردند. بر پایه این اندیشه‌ها، از قرن نوزدهم میلادی، نهضتی در غرب آغاز شد که تساوی زن و مرد را در تمام شئون زندگی و حقوق و وظایف خواستار بود و هواداران زیادی نیز پیدا کرد. فمینیسم با تأیید شباهت کامل زن و مرد، نظریه «دگرگونی الگوهای ارزشی و رفتاری زن و مرد و اهمیت انسان بودن به جای زن یا مرد بودن» را تبلیغ کرد. در نتیجه، تساوی زن و مرد را در کار، آموزش، لباس و رفتار اجتماعی گسترش داد. همچنین در افزایش اختلاط زن و مرد و از میان رفتن هنجارهای رفتاری در روابط جنسی زن و مرد اثر فراوانی گذاشت. ۱. از سوی دیگر، حضور گسترده زنان در محیط‌های کار، استقلال مالی زنان از شوهران و تلاش برای از میان بردن جایگاه‌های مرسوم زن و مرد در خانواده که مادری و پرورش فرزند و اداره امور خانه را وظیفه‌ای ارزشی برای زن و مدیریت خانواده و تأمین نیازهای اقتصادی را بر عهده مرد می‌دانست و همچنین برابری زن و مرد در تمام حقوق؛ مانند حق درخواست طلاق، حضانت اطفال و غیره، نظام خانواده را در غرب به شدت تحت تأثیر قرارداد. این وضعیت، وابستگی افراد خانواده به محیط خانه و روابط عاطفی را به چالش کشید و بنیان خانواده‌ها را متزلزل ساخت. سستی بنیان‌های خانوادگی نیز به طور طبیعی به روابط بدون ضابطه زن و مرد در محیط‌های مختلف و خارج از چارچوب خانوادگی دامن زد. ----- ۱. نک: معاشرت

زنان و مردان از دیدگاه اسلام، صص ۲۶ و ۲۷.

د) باورها و سنت‌های غلط در قرون وسطا

همان گونه که گذشت، بی‌اعتنایی به نیازهای جنسی و پلید دانستن این گرایش‌ها در قرون وسطا، زمینه را برای تغییر افراطی این رویکردها فراهم آورد. استفان تسویک می‌گوید: نباید فراموش کرد که فروید در عصری تعالیم خویش را آغاز (کرد) که به طور کلی، غریزه جنسی را غیر مهم می‌گرفتند و نسبت به آن، با نظر تردید نگاه می‌کردند. پس افراط‌کاری فروید، در حقیقت، عکس‌العملی است نسبت به معتقدات زمان خودش و اگر در این زمینه افراط کرده است، برای این بود که بدین وسیله سدّ عظیمی را بشکند. ۱. افزون بر اینها، باورها و رسم‌های نادرست دیگری نیز بر سر راه ازدواج قانونی، مانع ایجاد می‌کرد، به گونه‌ای که در اروپای قرون وسطا، سن ازدواج بسیار بالا- و شمار مجردان بسیار زیاد بود. یکی از قوانین ازدواج در اروپای قرون وسطا، شرط داشتن امکان تأمین زندگی بود. فرزندان کشاورزان در زمان حیات پدر و رئیس خانواده و پیش از آنکه مالک زمین‌های کشاورزی

مستقلی شوند، حق ازدواج نداشتند و افراد مجبور بودند سال‌ها با بی‌همسری سپری کنند و گاهی نیز به پدرکشی دست می‌زدند. ۲. در بسیاری از شهرهای اروپایی به ویژه در آلمان، حتی تا قرن هجده، از ازدواج افراد فقیر جلوگیری می‌شد و دادن مقداری پول، مانند دویست فلورین در روستا و سیصد فلورین در شهرها یا اموال غیرمنقول، شرط اساسی برای ازدواج بود. در نتیجه، سن ازدواج برای مردان ۲۷ - ۲۸ سالگی و برای دختران ۲۵ - ۲۶ سالگی بود. ۳. -----

۱. گفتار فلسفی، ص ۲۰۰. ۲. جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، صص ۱۲۷ - ۱۶۰. ۳. مجید شرقی شهری، پایان‌نامه «تأثیر ازدواج موقت در کاهش جرایم جنسی»، دانشگاه آزاد نراق، ۱۳۸۰، ص ۴۹.

هـ) نبود قوانین مذهبی و رسمی و هنجارهای اخلاقی ضابطه‌مند

در دنیای مسیحی، بسیاری از احکام و قوانین مذهبی، ملاک مشخصی ندارد؛ زیرا در مسیحیت برخلاف اسلام، متون وحیانی و روایت‌ها و سیره قطعی وجود ندارد که بتوان آن را مبنای احکام شرعی قرار داد. در طول تاریخ مسیحیت، بیشتر قوانین و هنجارهای مسیحی، بر اساس برداشت‌ها و سلیقه‌های شخصی اربابان کلیسا و نظر شورای کلیسا، تعیین و ابلاغ می‌شد و سپس حالت تقدس می‌یافت. برای مثال، در مسیحیت، هیچ نصی در ردّ چندهمسری نیست و بنا بر شواهد گوناگون، این امر از ابتدای تشکیل کلیسا، منعی نداشته است. اکنون نیز بعضی فرقه‌های مسیحی، این امر را جایز می‌دانند، ولی در قرن شانزده میلادی، کلیسا چندهمسری را حرام دانست. همچنین شکل‌هایی از ازدواج موقت وجود داشته است که بعدها کلیسا جلو آن را گرفت. ۱. در عوض، وقتی جامعه با بی‌تعادلی و مشکلات فراوان و گسترش تجاوز و روابط جنسی نامشروع روبه‌رو شد، برخی کشیشان و اسقف‌های مسیحی، قانونی کردن فحشا و تأسیس فاحشه‌خانه را برای جلوگیری از گسترش تجاوز جنسی جایز دانستند. درباره حکم طلاق در غرب نیز همین آشفتگی وجود دارد. در مسیحیت، نخست، کلیسای کاتولیک با طلاق جز در صورت رخ دادن زنا، محصنه، مخالف بود، ولی در قرن دوازدهم، با استناد به این قول مسیح که: «اتحادی را که خداوند به وجود آورده، بندگان قادر به جدایی آن نیستند»، حتی در زنا، محصنه، حق طلاق را برداشتند. در قرن شانزدهم، در کشورهای پروتستان، به طلاق در این زمینه اجازه دادند. ۲. پولاک که در زمان ناصرالدین شاه قاجار از ایران دیدن کرده بود، در سفرنامه‌اش می‌نویسد: در مشرق زمین، کار ازدواج برای هر کسی سهل است... از آن گذشته، سهولت طلاق، دیگر اقدام به ازدواج را در دیده مردم مانند اروپا، کاری چنان مشکل جلوه نمی‌دهد. پس می‌توان فهمید که چرا از پیردختران و پیرعزب‌ها که این روزها در کشورهای متمدن، گروه گروه از آنها دیده می‌شود، در ایران خبری نیست. ۳. همچنین در فرهنگ اروپای مسیحی درباره روابط جنسی، مرزها کاملاً مشخص نبود و احکامی مانند حجاب، حرام بودن نگاه و لمس کردن، به صورت دقیق و مستحکم وجود نداشت. در نتیجه، روابط، نامتعادل، مشکل‌آفرین و در معرض انحراف بود. راسل در این باره می‌نویسد: چیز غریبی است که نه کلیسا و نه افکار جدید اجتماعی، هیچ کدام معاشقه‌های جنسی را به شرطی که از حد کوتاه و معینی پیش‌تر نرود، سرزنش نمی‌کنند. اینکه گناه از چه حدی به بعد شروع می‌شود، امری است که صاحب‌نظران در آن اختلاف نظر دارند. ۴. بی‌گمان، وقتی یک نظام رفتاری بر قوانین و احکامی مبتنی باشد که نتیجه اندیشه‌های بشری و سلیقه‌های شخصی و یک‌جانبه‌نگرانه و گاه نامعقول اربابان کلیسا است و هنجارهای استوار و حکیمانه نداشته باشد، نمی‌تواند مصالح فرد و جامعه را به درستی پاس دارد و چندان دوام نمی‌یابد. -----

۱. ابوسریع محمد عبدالهادی، حکم الاسلام فی زواج المتعه، قاهره، دارالذهبیه، بی‌تا، ص ۲۶؛ الزواج عند العرب فی الجاهلیة و الاسلام، ص ۲۲۲؛ دورنمای حقوقی ازدواج موقت، ص ۳۷. ۲. نک: محمدرضا مجیدی، پایان‌نامه «روابط زن و مرد در دین اسلام، مسیح، یهود»، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران، ص ۸۵. ۳. نک: میترا مهرآبادی، زن ایرانی به روایت تاریخ‌نویسان فرنگی، تهران، نشر آفرینش - روزگار، ۱۳۷۹،

ص ۱۷۷. ۴. جوانان و روابط به نقل از: برگزیده افکار راسل، ص ۱۲۳.

(و) صنعتی شدن جوامع

انقلاب صنعتی در اروپا در نیمه قرن هجدهم میلادی، مسائل جدیدی مانند مهاجرت به شهرها برای کار در کارخانه‌ها، تشکیل خانواده‌های هسته‌ای و کوچک در شهرها، کار زنان در کارخانه‌ها و آزادی آنان در فعالیت‌های اجتماعی و نیز استقلال مالی و اجتماعی زنان را در پی داشت. این عوامل، به اختلاط بیشتر میان زن و مرد، ضعیف شدن نظارت اجتماعی و محلی در شهرها، ایجاد فرهنگ جدید در روابط زن و مرد و فروپاشی خانواده‌ها انجامید. همچنین تخصصی شدن کار در جوامع صنعتی و نیاز به تحصیل طولانی مدت و تخصصی برای کار، زمینه‌ساز بالا رفتن سن ازدواج و افزایش مشکلات غریزی جوانان شد. همه این عوامل، زمینه را برای تجویز روابط آزاد و روابط پیش از ازدواج و تغییر نظام رفتار جنسی در غرب فراهم کرد.

(ز) گسترش سرمایه‌داری و مصرف‌گرایی

اشاره

سرمایه‌داری از سویی، زنان را برای استفاده بیشتر از نیروی کار ارزان، به حضور در محیط‌های کار فرا می‌خواند و از سوی دیگر، با بهره‌برداری تجاری و تبلیغاتی از جاذبه‌های جنسیتی زنان، تحریک‌های جنسی را در تمام جامعه گسترش می‌داد. افزون بر این، با تشویق به مصرف‌گرایی و ارضای فوری همه نیازها و هوس‌ها، به گسترش بی‌بندوباری در تمام امور حتی در امور جنسی کمک بسیاری می‌کرد. اریک فروم، روان‌شناس معروف در این باره می‌نویسد: بدون فروید هم جامعه سرمایه‌داری به این وضع می‌افتاد؛ زیرا در این جامعه، دایما نسبت به ارضای همه هوس‌ها و مصرف بیشتر تشویق می‌شود. ۱.

۱. اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، ص ۱۲۱.

نقد و بررسی

آرای مبتنی بر سرکوب‌گرایی یا کمونیزم جنسی به دلیل هم‌خوانی نداشتن با فطرت انسانی، بسیار ناکارآمد و غیرواقعی هستند، چنان‌که تجربه تاریخی نیز این مطلب را ثابت کرده است. رابطه‌های آزاد آن‌گونه که در آرای راسل و دیگران مطرح شده است و کشیده شدن دامنه تحریک و ارضای جنسی به سطح اجتماع، از چند جنبه قابل نقد و بررسی است. شاید مهم‌ترین اصول اخلاق جنسی در غرب را بتوان چنین بیان کرد: ۱. آزادی هر کس تا آن‌جا که بر هم زننده آزادی دیگران نباشد، باید حفظ شود؛ ۲. سرکوب‌گرایی‌ها به ویژه‌گرایی جنسی سبب حرص و افزایش رغبت و بی‌تعادلی در انسان می‌شود. از سوی دیگر، برآورده شدن اشباع‌گرایی‌ها، به آرامش و تعادل فردی و اجتماعی می‌انجامد. از هر دو اصل که یکی، فلسفی و دیگری، اصلی روانی است، این نتیجه برمی‌آید که باید هر گونه ممنوعیتی در مسیر ارضای‌گرایی لغو و برای برقراری روابط جنسی، تنها به رضایت دو طرف بسنده شود. بر همین اساس، جلوگیری از رفتارهای جنسی در محیط‌های اجتماعی نیز نوعی محدودیت و سلب آزادی افراد شمرده می‌شود. درباره نقد اصل آزادی باید گفت آنچه آزادی و گرایش‌های انسان‌ها را محدود می‌کند، مصالح واقعی افراد است، نه میل افراد دیگر. چه بسا فردی بخواهد مصالح واقعی خودش یا دیگران را به خطر اندازد، ولی این کار با خواسته‌های دیگران تعارض پیدا نکند. وجود خود ما و دیگران از خداست و خداوند حتی اجازه آسیب رساندن به خودمان را نداده است. پس باید میزانی از

آزادی را که تأمین‌کننده مصالح واقعی فرد و اجتماع باشد، شناخت و آن را محترم شمرد. به باور ما، تنها خداوند می‌تواند با علم جامع خود، میزان این آزادی را معین سازد. اصل دوم که می‌گوید سرکوبی غرایز و گرایش‌ها به ویژه غریزه جنسی، زیان‌ها و مشکلات فراوانی در پی دارد و موجب برهم خوردن تعادل روانی می‌شود، مطلبی درست و مهم است، ولی بی‌گمان، این سخن که برای جلوگیری از سرکوب غریزه‌ها سفارش می‌شود هرگونه محدودیتی درباره روابط جنسی باید از میان برداشته شود، اشتباه است. داشتن رابطه‌های بی‌ضابطه و کشیده شدن دامنه تحریک و ارضای جنسی به محیط‌های اجتماعی، افزون بر ایجاد مشکلات فراوان، مانند زایش فرزندان نامشروع و بی‌پدر و سست شدن بنیان‌های خانواده، موجب ایجاد عطش جنسی کاذب و التهاب و هیجان‌های تمام‌نشدنی و احساس محرومیت همیشگی در افراد می‌شود و امنیت روانی فرد و اجتماع را به خطر می‌اندازد. ۱ پیش‌تر نیز اشاره شد که میل جنسی همانند میل به جاه‌طلبی و ثروت‌اندوزی، می‌تواند به عطش کاذب و سیری‌ناپذیر در وجود انسان تبدیل شود. وقتی محرک‌های جنسی در اجتماع زیاد باشد، افراد پیوسته در معرض تحریک‌های عصبی خواهند بود و امکان ایجاد این عطش سیری‌ناپذیر و احساس محرومیت دائمی و مشکلات روانی مختلف در این شرایط بیشتر می‌شود، به ویژه اگر فرد، ماده‌گرا و دنیاپرست باشد و از لذت‌های معنوی و اخروی به کلی غافل باشد و بالاترین کمال ممکن را دست‌یابی به همین لذت‌های مادی بداند. انسان، بی‌نهایت‌خواه و خواهان کمال مطلق است و نمی‌تواند روح تشنه خود را سیراب سازد. بنابراین، همواره با تنوع‌جویی در تجربه‌های جنسی و افراط در این زمینه، در ارضای روانی خود خواهد کوشید، ولی این امر ناشدنی است؛ زیرا انتظار لذت مطلق و کمال بی‌نقص از دنیا و امور دنیوی، انتظاری بجاست و این شهوت‌رانی‌ها نتیجه‌ای جز افزایش عطش و احساس ناکامی و تبدیل شدن انسان به موجودی بی‌اراده و بوالهوس نخواهد داشت. از همین رو، با وجود آزادی‌ها و امکان فراوان ارضای جنسی در دنیای امروز، آمار ناهنجاری‌هایی مانند تجاوز به عنف، سوءاستفاده جنسی از کودکان، زنا با محارم و هم‌جنس‌بازی در غرب در حال افزایش است. آزادی جنسی در غرب هرگز نتوانسته است حتی بیماری‌هایی مانند سادیسم (ارضای جنسی با تحمیل درد و خشونت نسبت به دیگران) و مازوخیسم (ارضای جنسی با تحمیل درد نسبت به خود) را که روان‌شناسان، خاستگاه اصلی آن را محرومیت‌های جنسی می‌دانند، مهار کند. افزون بر اینها، آزادی روابط، خانواده و نسل را در خطر فروپاشی قرار می‌دهد. راسل برای حل این مشکل پیشنهاد می‌کند که زن باید ملزم شود در رابطه جنسی با مردانی غیر از شوهر قانونی‌اش، از بچه‌دار شدن جلوگیری کند تا فرزندان، ناشناس و بلا تکلیف زاده نشوند، ولی او برای این الزام، هیچ‌گونه تضمینی را مشخص نمی‌کند که زن از مردان مورد علاقه‌اش بچه‌دار نشود و او را به شوهر خود تحمیل نکند. امروزه با وجود ابزارهای جلوگیری از بارداری، آمار سقط جنین و زایمان‌ها و فرزندان نامشروع و مادرانی که پدر فرزند خود را نمی‌شناسند، هر روز رو به افزایش است. افزون بر این، اساساً روحیه زن با داشتن چندین رابطه، سازگار نیست و زنان در جوامع مختلف از این مسئله کمتر استقبال کرده‌اند، به خلاف مردان که برای داشتن رابطه‌های زیاد، گرایش نسبی دارند. مشکل دیگر این است که اگر زن با چندین مرد رابطه داشته باشد، دیگر عاملی برای حفظ خانواده باقی نمی‌ماند؛ یعنی همیشه این امکان هست که زن، خانواده را ترک کند و با مرد دیگری زندگی کند و در عمل، زن و شوهر جدا از هم زندگی کنند، به ویژه آن که مردان در رابطه با زن، تمامیت‌خواه هستند. بدیهی است در چنین محیط خانوادگی سست و متزلزلی، نه نیازهای عاطفی زن و شوهر تأمین می‌شود و نه امکان پرورش فرزندان و تأمین نیازهای جسمی و روحی آنان فراهم می‌آید. در واقع، چنین خانواده‌ای با خانواده کمون که زائیده کمونیسم جنسی بود، فرق چندانی ندارد؛ یعنی دیگر خانواده‌ای وجود نخواهد داشت و مهم‌ترین نهاد اجتماعی که فراهم‌کننده اساسی‌ترین نیازهای جسمی و روحی افراد است، فرو خواهد پاشید. بنابراین، تجویز داشتن چندین رابطه حتی برای زنان شوهردار، امری کاملاً نامعقول و برخلاف مصالح فرد و اجتماع است. ۱

نک: اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، صص ۳۸ - ۸۳. برای مطالعه بیشتر درباره آزادی و حدود آن نک: الف) دین و

آزادی؛ ب) معارف قرآن (بخش مربوط به انسان‌شناسی)؛ ج) حقوق و سیاست در قرآن، ج ۱، از آثار محمدتقی مصباح یزدی.

۴. تفاوت‌های اصلی نظام رفتار جنسی در اسلام و غرب

مهم‌ترین تفاوت‌ها و مزیت‌های نظام رفتار جنسی اسلام با نظام رفتار جنسی در غرب را می‌توان چنین برشمرد: الف) نهادینگی درونی باورها و گرایش‌های مبتنی بر خداباوری، آخرت‌گرایی و گرایش به لذت‌های معنوی و شناخت و بهره‌مندی به اندازه از لذت‌های مادی، در کنار بهره‌مندی درست از آنها؛ ب) کاستن از تحریک‌ها و زمینه‌های رفتار جنسی در محیط‌های اجتماعی و منحصر کردن دامنه تحریک و ارضای روابط فردی زن و مرد در محیط‌های خصوصی؛ ج) جلوگیری از رابطه هم‌زمان زن با بیش از یک مرد؛ د) تقویت بنیان‌های خانوادگی. اسلام با وضع قوانینی مانند حجاب و پرهیز از رفتارهای محرک و تماس‌ها و نگاه‌های لذت‌جویانه و اختلاط‌های بی‌مورد میان زن و مرد، از محرک‌های جنسی در سطح اجتماع می‌کاهد و زمینه آرامش روحی افراد و جلوگیری از هیجان‌ها و التهاب‌های روانی و سالم‌سازی محیط‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد و زمینه‌های انحراف جنسی را تا حدود زیادی از میان می‌برد. اسلام، ایجاد رابطه‌های مشروع میان زن و مرد را با جایز شمردن ازدواج برای همگان، متناسب با شرایط مختلف و در حد نیازهای طبیعی افراد، آسان می‌کند و زمینه ارضای مطلوب گرایش‌های جنسی و جلوگیری از سرکوب‌گریزه‌ها را فراهم می‌آورد، ولی از رابطه هم‌زمان زن با بیش از یک مرد جلوگیری می‌کند. این امر از اختلاف‌های میان مردان برای تصاحب زنان و تعرض به زنان شوهردار و نیز زاده‌شدن فرزندان ناشناس و بلا تکلیف جلوگیری می‌کند و زمینه‌ساز استحکام بنیان خانواده می‌شود. همچنین به این وسیله، داشتن چندین رابطه برای مردان نیز بسیار کمتر می‌شود؛ زیرا به طور طبیعی، هر زنی به یک مرد اختصاص می‌یابد مگر اینکه شمار زنان بیش از مردها باشد که آن نیز چندان قابل ملاحظه نخواهد بود. در عین حال، مردانی که از نظر غریزی تأمین نمی‌شوند، امکان داشتن چندین رابطه و ارضا شدن نیازهای غریزی را - با رعایت شرایط لازم - خواهند داشت. اسلام برای حفظ کانون خانواده، تدبیرهای مهمی دارد که مجال بررسی آنها نیست. در اینجا تنها اشاره می‌شود که یکی از مهم‌ترین عوامل فروپاشی ساختار خانواده در غرب، ترویج اندیشه‌های فمینیستی و تساوی حقوق زن و مرد است. اینکه مرد و زن، هر دو، خود را مدیر خانواده بدانند و هر دو حق تقاضای طلاق داشته باشند و از استقلال مالی برخوردار باشند، نقش مهمی در فروپاشی خانواده در غرب دارد. روحیه خودخواهی و فردمحوری نیز در غرب به این عوامل کمک کرده است. در مقابل، احکام، آموزه‌ها و ایمان دینی اسلامی و تعهد اخلاقی در تربیت فرزندان، بسیاری از مشکلات جامعه اسلامی را از بین می‌برد، به گونه‌ای که در نتیجه این تدبیرهای دقیق، از بسیاری هوس‌رانی‌ها و سوءاستفاده‌های احتمالی از آزادی‌های مشروع، جلوگیری می‌شود. ---

بخش چهارم: روابط در جامعه ایران و راهکارهای اصلاحی آن

اشاره

فصل اول: روابط در جامعه ایران

اشاره

در این فصل کوشیده‌ایم رویکردهای اصلی تنظیم رابطه در جامعه ایرانی و مشکلات ساختاری و آسیب‌های موجود در این زمینه را

به اختصار بررسی کنیم. برای این منظور، نخست، به وضعیت روابط در دوره‌های گذشته اشاره‌ای خواهیم داشت، سپس رابطه‌های جنسی در عصر حاضر و میزان سازگاری آن با آموزه‌های اسلامی را بررسی می‌کنیم.

۱. روابط در دوره‌های گذشته

اشاره

الف) ایران پیش از اسلام

روابط زن و مرد و دختر و پسر در تمام دوران‌های تاریخی، حتی پیش از اسلام، ضابطه و محدودیت‌های ویژه‌ای داشت. ایرانیان باستان، جز برخی گروه‌های محدود، مانند پیروان مزدک که در دوره‌ای به زندگی اشتراکی جنسی معتقد بودند، همه بر ازدواج و حفظ اصالت خانوادگی و پرهیز از زیان دیدن شرافت خونی تأکید داشتند. در زمینه رابطه‌های اجتماعی نیز در بیشتر دوره‌ها، بر جلوگیری از اختلاط میان دو جنس به ویژه در خانواده‌های اصیل و طبقات بالای اجتماعی تأکید می‌شد. ۱. به پوشش و حجاب زنان محترم نیز توجه ویژه‌ای می‌شد. در ایران پیش از اسلام، زنان از چادر استفاده می‌کردند و برای زنان و دختران، نگهداری حریم خویش از بیگانگان، ارزش بود و عملی شرافت‌مندانه به شمار می‌آمد. سروده‌های شاهنامه نیز نشان می‌دهد پوشیده بودن زن مایه افتخار بوده است: ز پرده برون کس ندیده مرا نه هرگز کس آوا شنیده مرا در جایی دیگر، منیژه خود را چنین توصیف می‌کند: منیژه منم، دخت افراسیاب برهنه ندیده سرم آفتاب ۲ به هر حال، حفظ حریم و رعایت هنجارهای ویژه در روابط میان زن و مرد و دختر و پسر در ایران پیش از اسلام، امری رایج بود که شاید انگیزه اصلی آن، حفظ نسب‌ها و اصالت خونی و شرافت خانوادگی باشد که در ایران باستان، اهمیت بسیاری داشت.

۱. نک: علی‌اکبر مظاهری، خانواده ایرانی، ترجمه: عبدالله توکلی، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۷. ۲. معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، ص ۹۱.

ب) از صدر اسلام تا اواسط دوره قاجار

پس از گسترش اسلام در ایران، فرهنگ غالب، بر اساس برداشت‌هایی از آموزه‌های اسلامی شکل گرفت. البته این فرهنگ، از برخی افراط و تفریط‌ها و اثرپذیری‌های قومی و بومی و امور خلاف اسلام نیز خالی نبود. در این فرهنگ، تلاش می‌شد دختر و پسر و زن و مرد نامحرم، از هم جدا باشند و اختلاط میان نامحرمان کاهش یابد. زنان به کارهای خانه می‌پرداختند و محیط بیرون از خانه، تقریباً محیطی مردانه بود. بیشتر زنان محترم و آزاد، با حجاب کامل و با چادر و روبند از خانه بیرون می‌آمدند و از برخوردهای غیرضروری و ارتباط با نامحرمان پرهیز می‌کردند. حتی این مراقبت‌ها و جداسازی‌ها گاهی حالت افراطی به خود می‌گرفت، به گونه‌ای که دختر و پسری که با هم ازدواج می‌کردند، در بسیاری موارد تا هنگام زناشویی، حق دیدن یکدیگر یا صحبت کردن با هم را نداشتند. این در حالی است که اسلام سفارش می‌کند دختر و پسر پیش از ازدواج، یکدیگر را ببینند. همچنین درباره عفت زنان و دختران حساسیت زیادی وجود داشت. در دوره‌هایی، برخی خانواده‌ها، پسر و دختر را در سنین پایین و

نزدیک بلوغ، به ازدواج یکدیگر درمی‌آوردند و در بسیاری دوره‌ها، در کودکی برایشان نامزد معین می‌کردند. از این رو، در ازدواج‌ها، بیشتر نظر خانواده‌ها ملاک بود تا نظر دختر و پسر. ازدواج در سنین پایین، جداسازی دو جنس و کم بودن اختلاط میان زن و مرد، در عمل سبب می‌شد زمینه‌های روابط میان دختران و پسران بسیار کمتر باشد. در این دوره، چندهمسری در میان مردان ثروتمند رواج نسبی داشت و ازدواج دوباره زنان بیوه و مطلقه، به راحتی صورت می‌گرفت. به طور کلی، در میان همه قشرها و زنان محترم و آبرومند، رعایت عفت و پوشش اسلامی و پرهیز از ارتباط با نامحرمان، ارزش بود. با وجود تمام فراز و نشیب‌ها، این فرهنگ تا اواسط دوره قاجاریه که جامعه ایرانی به تدریج با فرهنگ مغرب زمین آشنا شد، بر ایران حاکم بود و رقیبی برای آن وجود نداشت. ۱.

۱. نک: الف) بنفشه حجازی، به زیر مقنعه (بررسی جایگاه زن ایرانی از قرن اول هجری تا عصر صفوی)، تهران، نشر علم، ۱۳۷۶؛ ب) بنفشه حجازی، ضعیفه (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی)، تهران، نشر قصیده‌سرا، ۱۳۸۱؛ ج) بشری دلریش، زن دوره قاجار، دفتر مطالعات دینی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵؛ د) میترا مهرآبادی، زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی؛ ه) علی اکبر مظاهری، خانواده ایرانی؛ و) مرتضی راوندی و دیگران، تاریخ اجتماعی ایران.

ج) از اواخر دوره قاجار تا پیروزی انقلاب اسلامی

اولین نشانه‌های دگرگونی‌های فرهنگی و گرایش به فرهنگ غرب در روابط زن و مرد را می‌توان از میانه‌های دوره قاجار در ایران پی گرفت. ناصرالدین شاه پس از بازگشت از سفر فرنگ، به زنان دربارش دستور داد به تقلید از زنان اروپایی، دامن کوتاه بر تن کنند. استاد غلام‌حسین مصاحب درباره تاریخچه حجاب از قول آدام اولشگر می‌نویسد: زنان ایرانی هرگز در کوچه‌ها روگشاده نمی‌روند، بلکه در حجاب سفیدی مستورند که تا زانو پایین می‌آید و فقط شکافی در مقابل چشمان خود باز می‌گذارند تا بتوانند پیش پای خود را ببینند. در دوره فتح‌علی شاه قاجار و پس از آن، چادر خارج از خانه به رنگ سیاه یا بنفش بود که آن را روی چاقچور به سر می‌کردند و صورت را با روبنده می‌پوشانیدند. پس از مسافرت ناصرالدین شاه به فرنگ، دگرگونی‌هایی در لباس زنان ایرانی روی داد، ولی چادر و چاقچور باقی ماند. پس از کشف حجاب در سال ۱۳۱۴، به سر کردن چادر خارج از خانه نزد زنان روشن فکر به کلی و دیگر زنان با توجه به زمان و مکان و طبقه اجتماعی، کم و بیش از میان رفت. ۱. از نشانه‌های دیگر این تغییر فرهنگی، تغییر شیوه‌های زناشویی و شرایط و ویژگی‌های ازدواج بود. دالمانی که در عصر مظفرالدین شاه در ایران بوده است، می‌نویسد: سابق بر این، تعدد زوجات در میان بزرگان و ثروت‌مندان معمول بود، ولی مدتی است که این رسم تا اندازه‌ای متروک شده و قناعت کردن به یک زن تقریباً در تمام طبقات اجتماعی عمومیت پیدا کرده است. ۲. احمدشاه به تقلید از اروپاییان به یک زن - البته زن رسمی - قناعت کرد. بلوشر نوشته است: رضا شاه به دو زن بسنده کرد. در اوایل زمان رضا شاه، تعدد زوجات کاهش یافت. بر طبق آنچه از منابع موثق شنیدیم، در تهران با جمعیتی در حدود ۲۵۰ هزار نفر، فقط هزار مرد بودند که دو زن داشتند. ۳. محمد شاه قاجار در ژوئن ۱۸۴۸م. به پیمان منع خرید و فروش برده که در ۱۸۱۵م. در وین اتریش میان دولت‌های بزرگ منعقد شده بود، پیوست، ولی تا زمان مشروطه، در عمل، خرید و فروش کنیز در ایران رواج داشت. با فشارهای بین‌المللی، پس از مشروطه، اندک اندک تملک کنیز در ایران لغو شد. ۴. بر اساس پژوهشی در سال ۱۳۳۹ در تهران، سی سال پیش از آن (یعنی اوایل دوره رضا شاه)، میانگین سن ازدواج برای دختران ۱۳ سال و برای پسران ۱۷ سال بوده است، در حالی که در سال ۱۳۳۹، این سن در تهران برای دختران به ۱۸ و برای پسران به ۲۲ سال رسیده بود. ۵. پس از روی کار آمدن سلسله پهلوی، با نفوذ بیشتر فرهنگ غرب و تلاش روشن‌فکران غرب‌زده، راه کارهای آسان و مشروع برقراری روابط، مانند ازدواج موقت، بد معرفی شد. در عوض، تلاش گسترده‌ای برای رواج دادن روابط آزاد و نفی هنجارهای شرعی و عرفی در روابط زن و مرد صورت گرفت. دکتر

صاحب‌الزمانی در سال ۱۳۴۰؛ یعنی میانه دوره پهلوی دوم چنین می‌نویسد: طبق نظرسنجی‌ها از دختران دبیرستانی، دختران در سن ۵/۱۴ سالگی، رابطه با پسران قبل از زناشویی (ازدواج) را همگی بد می‌دانند، ولی در سن ۵/۱۵ سالگی، ۲۶ درصد خواستار این آشنایی بودند و در سن ۱۹ سالگی، کسی با اصل آشنایی مخالف نبوده و فقط با بی‌بندوباری مخالف بوده‌اند. ۶ هر چند جامعه در برابر این دگرگونی‌ها مقاومت می‌کرد، ولی تأثیر این دوره در تغییر فرهنگ جامعه و هنجارشکنی و ایجاد هنجارهای جدید غربی انکارناپذیر است. از این نظر، شاید رخداد کشف حجاب را بتوان نقطه عطفی در تاریخ دگرگونی‌های فرهنگی ایران به شمار آورد. حسین مکی درباره رویداد کشف حجاب می‌نویسد: در تاریخ ۱۳۱۴/۴/۱۲، مردم ایران در اعتراض به کشف حجاب، در مسجد گوهرشاد (مشهد) تحصن کردند و عده زیادی به خاک و خون کشیده شدند، ولی رضاخان در ۱۷ دی ماه به طور رسمی با حاضر کردن بدون حجاب ملکه و دخترانش در دانش‌سرای مقدماتی تهران، آن را به مرحله اجرا گذشت و چند روز بعد با زور سرنیزه، به عملی کردن کشف حجاب پرداخت. ۷ در دوره محمدرضا پهلوی نیز با استفاده از سینما، تلویزیون، آموزش و پرورش و دیگر امکانات فرهنگی و با ایجاد مراکزی مانند «کاخ جوانان»، تلاش حساب‌شده‌ای برای مبارزه با احکام اسلامی و ترویج فرهنگ غرب در زمینه روابط جنسی دختر و پسر و زن و مرد صورت گرفت. در این دوره، فرهنگ رایج در ایران در زمینه روابط دختر و پسر و زن و مرد، به دوگانگی فرهنگی دچار شد، به گونه‌ای که جوانان و حتی خانواده‌های بسیاری به ویژه در شهرهای بزرگ، گرفتار تجددمآبی و الگوبرداری از فرهنگ غربی شدند و از فرهنگ سنتی و هنجارهای اسلامی فاصله گرفتند. البته بسیاری از مردم با پافشاری بر حفظ سنت‌ها و هنجارهای اسلامی، در برابر دگرگونی‌های فرهنگی مقاومت کردند. در نتیجه، برای مثال، در یک خانواده، برخی افراد به ویژه بزرگ‌ترها کاملاً به اخلاق مذهبی و سنتی پای‌بند بودند، ولی برخی دیگر همچون فرزندان، فرهنگ رسمی تبلیغ شده از سوی نهادهای حکومتی را می‌پذیرفتند و به اخلاق برگرفته از فرهنگ غربی می‌گراییدند. این وضع تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت.

----- ۱. معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، ص ۹۰، به نقل از: غلام‌حسین مصاحب، دایرة‌المعارف فارسی، ص ۷۸۷.
 ۲. زن ایرانی به روایت تاریخ‌نویسان فرنگی، ص ۲۵۰. ۳. همان، ص ۲۵۵. ۴. ناصرالدین صاحب‌الزمانی، جوانی پرنج، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۴۴، ص ۲۷۶. ۵. همان، ص ۲۴۹. ۶. همان، ص ۲۴۴. ۷. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۳، چ ۱، ص ۲۵۲.

د) پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی، دگرگونی فرهنگی بنیادین را در جامعه ایران رقم زد. در این دوره، جامعه ایران آشکارا به ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی گرایش یافت و از ترویج رسمی فرهنگ و هنجارهای غربی نهی شد. خانواده‌هایی که پیش از انقلاب، بر حفظ ارزش‌های اسلامی پافشاری می‌کردند، از فضای ناسالم و فاسد گذشته‌رهایی یافتند و بسیاری از افراد به ویژه جوانان، در صدد شناخت و اجرای احکام اسلامی برآمدند. حکومت اسلامی نیز کوشید با استفاده از ابزارهای موجود به ویژه صدا و سیما و آموزش و پرورش، به تبیین و ترویج فرهنگ اسلامی بپردازد. نهادهای انقلابی با همکاری جوانان پرشور و با توجه به فضای انقلابی حاکم در جامعه، با مظاهر فساد و بی‌بندوباری و فرهنگ غیراسلامی در زمینه روابط زن و مرد برخورد کردند. در نتیجه، فضای حاکم در جامعه به ویژه در محیط‌های رسمی و عمومی، از بسیاری ناهنجاری‌ها فاصله گرفت و رعایت احکام شرعی در روابط میان زن و مرد و دختر و پسر در محیط‌های اجتماعی به صورت هنجارهای عمومی و پذیرفته شده درآمد؛ یعنی با وجود برخورد قانونی یا نظارت عمومی و تنبیه‌های اجتماعی، مجال زیادی برای سرپیچی آشکار از این موازین وجود نداشت. البته شرایط ویژه و حماسی جامعه در سال‌های اول انقلاب و دوران دفاع مقدس نیز در تقویت این فضا اثر گذاشت. در آن سال‌ها، اگر زنی با آرایش و یا پوشش

ناشایست در اجتماع حضور می‌یافت، بیشتر با نگاه‌های سرزنش‌آمیز مردم روبه‌رو می‌شد یا اگر مشخص می‌شد که دانش‌آموزی با فردی از جنس مخالف دوست شده است، معلمان با او برخورد می‌کردند. همچنین اگر دختر و پسری به صورت مشکوک دیده می‌شدند، گشت کمیته یا حتی مردم عادی از آنها مدرک ازدواج می‌خواستند. با وجود اقبال حقیقی و گسترده جامعه ایرانی به ارزش‌های اسلامی در دوران انقلاب اسلامی، هنوز بسیاری از خانواده‌هایی که تحت تأثیر حکومت پهلوی و فضای حاکم بر دوره طاغوت بودند، با فرهنگ اسلامی، بیگانه و شیفته آداب غربی بودند. از این رو، در این دگرگونی انقلابی، نتوانستند فرهنگ و عادت‌های پیشین خود را ترک گویند و ارزش‌های اسلامی را درونی کنند و با هنجارهای اسلامی سازگار شوند. این افراد به دلیل فشارها و نظارت‌های اجتماعی یا قانونی مجبور بودند برخی ظواهر را در محیط‌های اجتماعی رعایت کنند، ولی در محیط‌های خانوادگی و دوستانه یا هر محیطی که از محدوده نظارت‌های اجتماعی خارج بود، چندان به مسائل شرعی پای‌بند نبودند و فضای حاکم در جامعه برای آنان، تحمیلی و ناخوشایند بود. بنابراین، رسوب فرهنگ طاغوتی پیش از انقلاب در جامعه ایران، از عوامل ایجاد ناسازگاری و دوگانگی ارزشی و فرهنگی در روابط میان زن و مرد در جامعه بوده است. شخصی که در محیط خانواده و جمع دوستان و آشنایان بر اساس فرهنگ و هنجارهای غیرشرعی رابطه برقرار می‌کند، در مدرسه یا محیط کار و دیگر محیط‌های اجتماعی، با هنجارهایی کاملاً متفاوت روبه‌رو می‌شود و به ناچار به شیوه دیگری رفتار می‌کند. افزون بر این، پس از گذشت چند سال از پیروزی انقلاب، آهسته آهسته نشانه‌های نفوذ فرهنگی غرب نیز نمایان شد. دنیای غرب که با در اختیار داشتن ابزارهای تبلیغاتی برتر، همه دنیا را تحت تأثیر فرهنگ خود قرار داده است، برای استحاله فرهنگی مسلمانان به ویژه جامعه ایران اسلامی، برنامه گسترده‌ای را اجرا می‌کند تا بتواند در بلندمدت، جوامع اسلامی و انقلابی را از درون تهی کند. بی‌گمان، آشکارترین تفاوت فرهنگ غرب با فرهنگ اسلام، در روابط میان زن و مرد و دختر و پسر است. از همین رو، همواره این موضوع به عنوان یکی از حربه‌های اصلی تهاجم فرهنگی غرب علیه مسلمانان به کار رفته است. توزیع نوارها، عکس‌ها و مجله‌ها، ورود گسترده ویدئو و فیلم‌های مبتذل در سال‌های آخر دوره دفاع مقدس و پس از اتمام جنگ و بعدها رواج استفاده از ماهواره، زمینه را برای نفوذ هر چه بیشتر فرهنگ غرب در جامعه فراهم آورد. مصرف‌گرایی و توجه به ارزش‌های مادی نیز که حتی گاهی با نیت خیر و با هدف توسعه اقتصادی، در سال‌های پس از جنگ ترویج می‌شد، فضا را برای گرایش بیشتر به فرهنگ غرب در جامعه آماده کرد. تهاجم فرهنگی غرب، بر دو گروه بیشتر اثر گذاشت: الف) افراد و خانواده‌هایی که بر اثر فضای انقلاب، به افرادی به نسبت مقتید و حتی مذهبی و انقلابی تبدیل شده بودند؛ ولی چون این تغییر رفتار، سطحی و در اثر غلبه فضای مذهبی در جامعه بود، در پی تغییر تدریجی فضای غالب جامعه، رفتارهای این گونه خانواده‌ها و افراد نیز به سرعت دگرگون شد. ب) گروه انبوهی از جوانان و نوجوانان؛ یعنی نسل سوم انقلاب که با فضای اوایل انقلاب و ارزش‌های آن دوره، آشنایی چندانی نداشتند و خانواده‌ها نیز نتوانسته بودند در انتقال باورها و ارزش‌های اسلامی به آنان، موفق عمل کنند. این گروه، به شدت در معرض تبلیغ گسترده غرب بودند که از راه‌های غیررسمی و زیرزمینی یا نیمه‌رسمی و گاه رسمی، در جامعه ترویج می‌شد و زرق و برق و گیرایی آن، بر قدرت خودداری ایشان چیره می‌گشت و بر وجدان مذهبی آنان اثر می‌گذاشت. تهاجم فرهنگی و گرایش به فرهنگ غرب نیز از عواملی بود که دوگانگی ارزشی و فرهنگی را در روابط میان زن و مرد در جامعه ایران، تقویت کرد. در این زمینه، موضوعی مانند کار و حضور زنان در محیط‌های بیرون از خانه که پیش‌تر، از نظر دین‌داران چندان شایسته نبود و در فرهنگ گذشته ایران نیز پذیرفته نمی‌شد، پس از انقلاب اسلامی، از نظر مذهبی و فرهنگی پذیرفته شد. پیش از انقلاب، زنان و دختران مسلمان تا جایی که امکان داشت، از حضور در محیط‌هایی که ناچار بودند با نامحرمان برخورد داشته باشند، پرهیز می‌کردند و اختلاط با نامحرم را مکروه می‌شمردند، ولی پس از انقلاب، به تدریج این فرهنگ جا افتاد که حضور زن در محیط‌های اجتماعی، با رعایت حجاب و احکام شرعی اشکالی ندارد و حتی در مواردی، زنان به حضور بیشتر در این محیط‌ها تشویق شدند. تحصیل دانشجویان دختر و پسر به

صورت مختلط تجویز شد و کار زنان در اداره‌ها و سازمان‌های دولتی و خصوصی افزایش یافت. هر چند برخی از مراجع دینی مانند آیت‌الله العظمی گلپایگانی رحمه‌الله، اموری مانند تحصیل مختلط دانشجویان دختر و پسر را جایز نمی‌دانستند، ولی در عمل، قبح این امر در جامعه ایران از میان رفت. پس از انقلاب، جلو بسیاری از بی‌بندوباری‌ها و روابط آزاد گرفته شد، مراکز فحشا برچیده گشت و زمینه برای روابط نامشروع به طور محسوسی کاهش یافت. در ادامه، به توصیف و تبیین شرایط و وضع فعلی حاکم بر روابط میان زن و مرد در جامعه ایران می‌پردازیم و مهم‌ترین آسیب‌های موجود در این زمینه را بررسی می‌کنیم. ۱.-----

۱. موضوع رابطه زن و مرد و دختر و پسر، موضوعی کمی نیست، ولی در توصیف وضع جامعه در برخی موارد انتظار می‌رود از توصیف‌های کمی و آماری نیز استفاده شود. باید توجه داشت که درباره روابط زن و مرد و دختر و پسر، بیشتر آمارهایی که ارائه می‌شود، آمارهای غیررسمی‌اند که در روزنامه‌ها و مجله‌ها و بدون استناد به منابع قابل اعتماد ارائه می‌شود و نه تنها در اعتبار و واقع‌نمایی آنها تردید هست، بلکه در موارد زیادی، زمینه انحراف و تحلیل‌های غلط را فراهم می‌آورد. حتی استناد به برخی آمارهای رسمی نیز به دلیل ماهیت خاص این گونه موضوع‌ها و پیچیدگی زیاد و وجود زوایای پنهان در این مسائل، چندان راه‌گشا نیست و چه بسا سبب برداشت‌های نادرست شود. از این رو، از آوردن آمارهای بی‌مبنا پرهیز کرده‌ایم و توصیف‌ها بیشتر بر واقعیت‌های قطعی مبتنی است. البته گاهی نیز به برخی آمارها توجه کرده‌ایم.

۲. روابط در جامعه امروز ایران

اشاره

الف) هنجارهای اسلامی در برخوردهای اجتماعی

اشاره

برای آنکه تصویری کلی از میزان توجه به جهت‌گیری‌ها و رعایت هنجارهای اسلامی در برخوردهای اجتماعی در جامعه فعلی به دست آید، نخست، به وضع پوشش ظاهری افراد به عنوان یکی از نمونه‌های مشخص از دستورهای شرعی در روابط میان نامحرمان توجه می‌کنیم. از آنجا که وضعیت حجاب، امری به نسبت توصیف‌پذیر است، با بررسی میزان رعایت این ضابطه، تا اندازه‌ای می‌توان به میزان رعایت هنجارهای اسلامی در روابط میان زن و مرد پی برد. سپس میزان اختلاط میان نامحرمان و نیز فرهنگ حاکم بر رابطه‌های اجتماعی میان دو جنس را در جامعه فعلی به اجمال بررسی می‌کنیم. -----

یک - وضعیت پوشش و آرایش

اسلام درباره پوشش و نوع آرایش ظاهری مرد و زن در روابط میان نامحرمان، احکام ویژه‌ای دارد. احکام الهی، بانوان را به رعایت حجاب و پرهیز از هر گونه خودآرایی و جلوه‌گری نزد نامحرمان مکلف کرده است. از این رو، بی‌حجابی یا پوشیدن لباس‌های

بدن‌نما یا پوشش‌هایی که از نظر رنگ و طرح، تحریک‌کننده هستند و نیز آرایش و زینت کردن در محیط‌هایی که نامحرم حضور دارد، برای زن حرام است. به نظر می‌رسد بیشتر زنان و دختران ایرانی، به رعایت حجاب پای‌بند هستند و در بسیاری از شهرستان‌ها، استفاده از حجاب برتر؛ یعنی چادر، رایج است. در یک نظرسنجی از میان نوجوانان و جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استان‌های کشور در سال ۱۳۸۱ درباره این گزاره که «در تابستان که هوا خیلی گرم است، نباید درباره پوشش بانوان سخت‌گیری شود»، ۶۰ درصد نظر مخالف و ۴۰ درصد نظر موافق دادند. این، نشان می‌دهد لزوم رعایت حجاب از سوی بیشتر جوانان ایرانی، امری پذیرفته شده است. در این میان، باید پذیرفت که فرهنگ عمومی در این زمینه، در حال حاضر نسبت به ده سال پیش و ده سال پیش نسبت به دهه پیش از آن، با دگرگونی‌هایی روبه‌رو بوده و دور شدن از هنجارهای اسلامی در این زمینه، روند رو به رشدی داشته است. این ناهنجاری‌ها در شهرهای بزرگ، گسترده‌تر است، به گونه‌ای که چهره‌ظاهری شهری مانند تهران را که پایتخت ایران اسلامی و به تعبیری، ام‌القرای جهان اسلام است، نمی‌توان چهره‌ای اسلامی و قابل قبول دانست به ویژه در منطقه‌های بالای شهر تهران، بانوانی که چادر بر سر داشته باشند، کم‌ترند و بسیاری از زنان و دختران با مانتوهای کوتاه و تنگ و روسری‌های کوچک و آرایش و وضع ظاهری کاملاً نامناسب رفت‌وآمد می‌کنند که هیچ شباهتی به حجاب اسلامی ندارد و این امر، شاید به اندازه بی‌حجابی یا گاهی بیشتر از آن، تحریک‌کننده باشد. حتی می‌توان حدس زد بسیاری از کسانی که این وضع ظاهری را دارند، اگر اجبار حکومتی یا اجتماعی نباشد، به رعایت همین میزان از پوشش در محیط‌های اجتماعی نیز پای‌بند نباشند، چنان‌که بسیاری از این‌گونه افراد در محیط‌های فامیلی و دوستانه و مهمانی‌ها و هر جا که اجباری نباشد، آزادانه و کاملاً بی‌حجاب نزد نامحرم حاضر می‌شوند و حتی دست دادن با نامحرم و دیگر رابطه‌های حرام، در نظر آنها قبحی ندارد. این‌گونه ناهنجاری‌ها در شهرهای بزرگ، نشان‌دهنده نوعی دوگانگی ارزشی است. گروهی از مردم، ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی را پذیرفته‌اند و گروهی دیگر، به هنجارهای غربی گرایش دارند و این امر، خود، زمینه‌ساز تضادهای اجتماعی و آزارهای روانی در افراد است. به دیگر سخن، افرادی که به رعایت هنجارهای اسلامی پای‌بندند، از دیدن افرادی با ظاهر غیراسلامی و نقض صریح احکام اسلام در محیط‌های اجتماعی ناخرسندند و به راحتی نمی‌توانند با افرادی که ظواهر اسلامی را رعایت نمی‌کنند، رابطه خوبی داشته باشند. البته افراد غیرملتمز نیز در ارتباط‌های عمومی، احساس خوبی در این زمینه ندارند و همین نبود تفاهم و احساس دوگانگی ارزشی میان افراد، چه بسا تعامل میان آنها را با مشکلاتی روبه‌رو سازد. حتی شاید به دلیل وجود ارزش‌های دوگانه در جامعه، افراد در درون خود با تضاد ارزشی روبه‌رو شوند. از سویی، این نوع ناهنجاری‌ها، به بالا-رفتن آستانه تحریک در جامعه و تقویت زمینه‌های انحراف یا التهاب و ناراحتی‌های روحی به ویژه در میان جوانان خواهد انجامید. متأسفانه، فرهنگ حاکم در شهرهای بزرگ به تدریج به شهرهای کوچک نیز سرایت می‌کند و امواج این دگرگونی‌های فرهنگی، کم‌کم در سراسر کشور احساس می‌شود. در بررسی علل گسترش این ناهنجاری‌ها و این روند منفی در جامعه، باید دانست بسیاری از بدحجابی‌ها و رفتارهای غیراسلامی، از افراد و خانواده‌هایی سر می‌زند که پیش از انقلاب نیز به رعایت این موازین شرعی پای‌بندی چندانی نداشتند، ولی به دلیل جو انقلابی حاکم بر جامعه، خود را به رعایت برخی ظواهر در محیط‌های اجتماعی مجبور می‌دیدند. البته با تقویت رویکردهای دنیاگرایانه و فرهنگ مبتنی بر تساهل و تسامح در سال‌های اخیر، این افراد، آزادی عمل بیشتری یافتند. در نتیجه، قبح بی‌حجابی در جامعه شکسته شد و گروه‌های دیگر نیز به ویژه جوانان و نوجوانان نسل سوم، با وجود داشتن خانواده‌های ملتمز، تحت تأثیر این فضای ناسالم، به الگوهای نامناسب گرایش یافتند. بی‌تردید، نفوذ روزافزون فرهنگی غرب، با ماهواره، فیلم‌های جذاب، اینترنت و دیگر ابزارهای فنی و با تهاجم فرهنگی در قالب مدگرایی و تقلید از هنرپیشه‌ها و خوانندگان غربی یا غرب‌زده، مهم‌ترین نقش را در پیدایش وضع کنونی داشته است. همچنین در سال‌های اخیر، تبلیغات منفی فراوانی در داخل و خارج از کشور علیه حجاب اسلامی شد و در بیشتر مجله‌ها و رمان‌ها، مستقیم یا غیرمستقیم، حجاب، مظهر عقب‌ماندگی و واپس‌گرایی و سلب‌کننده آزادی زنان معرفی گشت و شبیه‌های فراوانی در این باره القا شد. ۲ از

همین رو، بدحجابی و آرایش، برای عده‌ای نشانه تجددطلبی و روشن‌فکری شد و حتی برخی از آن، به عنوان نمادی سیاسی برای اظهار مخالفت با حاکمیت بهره‌جستند. باید دانست همه زنان و دخترانی که با آرایش و به صورت بدحجاب در اجتماع ظاهر می‌شوند، قصد جلب توجه مردان نامحرم و تحریک جنس مخالف را ندارند، بلکه بسیاری از آنها برای هم‌رنگ شدن با محیط و عقب‌نماندن از دیگران، مانند هم‌کلاسی‌ها و همکاران و دوستان، پیرو محیط و مدهای روز شده‌اند. با این حال، نمی‌توان انکار کرد که این امر به تحریک‌های جنسی می‌انجامد و پی‌آمدهای ویرانگر اخلاقی و اجتماعی بسیاری دارد. افزون بر این، از ضعف روحیه دین‌باوری، خدامحوری و کم بودن بینش اسلامی در افراد جامعه خبر می‌دهد.

۱. نک: وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استان‌های کشور، سازمان ملی جوانان، تهران، نشر روناس، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۷۸. ۲. برای مطالعه بیشتر در این باره نک: مهدی مهریزی، آسیب‌شناسی حجاب، تهران، نشر جوانه رشد، ۱۳۷۹؛ حسین مهدی‌زاده، حجاب‌شناسی، قم، نشر مرکز تحقیقات و مطالعات فرهنگی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱.

دو - وضعیت اختلاط میان زن و مرد در جامعه

پیش‌تر گفتیم که شرع مقدس اسلام با اختلاط‌های غیرضروری میان زن و مرد نامحرم موافق نیست و سفارش می‌کند تا حد توان با، پرهیز از این برخوردها، در مواردی که امکان دارد، جداسازی بر اختلاط ترجیح داده شود. فقیهان شیعه نیز اختلاط میان زنان و مردان نامحرم را مکروه دانسته‌اند. حتی برخی فقیهان بزرگوار همچون آیت‌الله العظمی گلپایگانی رحمه‌الله، اموری مانند تحصیل زنان و دختران در کنار نامحرم‌ان و در مراکز آموزشی مختلط را جایز ندانسته‌اند. البته چون بیشتر فقیهان این‌گونه اختلاط‌ها را مکروه دانسته‌اند و نه حرام، باید درباره چگونگی این اختلاط‌ها بررسی‌های بیشتری صورت گیرد. در گذشته تاریخی ایران، فرهنگ حاکم در جامعه، اختلاط و برخورد میان نامحرم‌ان را به موارد ضرورت محدود می‌کرد و محیط‌های بیرون از خانه، بیشتر محیط‌های مردانه بود. در دوران قاجاریه و پهلوی، در راستای ترویج فرهنگ غرب، تلاش شد زنان به محیط‌های بیرون از خانه کشیده شوند. پس از انقلاب، با رویکردی اسلامی، این فکر مطرح شد که حضور زنان در محیط‌های اجتماعی برای انجام مسئولیت‌های انقلابی، دینی و اجتماعی، مفید و حتی گاهی لازم است. برای مثال، برای آموزش متخصصان زن در امور بهداشت و درمان و آموزش و پرورش بانوان، لازم است زنان بتوانند در این زمینه آموزش ببینند و در صورت لزوم، در کلاس‌های مختلط شرکت کنند، ولی باید احکام دینی مانند حجاب و پرهیز از نگاه‌های مسموم در این محیط‌ها رعایت شود. در سال‌های بعد به ویژه در دوره سازندگی، با توجه به نیاز کشور برای بهره‌گیری از نیروی کار زنان و نیز تحت تأثیر فضای حاکم بر جهان که زن و مرد را در کار و محیط‌های اجتماعی در کنار هم قرار می‌دهد و جداسازی را مخالف تساوی حقوق زن و مرد می‌داند و نیز برای ترسیم تصویری روزآمد از زن مسلمان ایرانی، این فکر در جامعه رواج یافت که مرد و زن هر دو باید در تحصیل و کار، سهم برابری داشته باشند و در محیط‌های اجتماعی حضور یابند. بنابراین، زنان به حضور هر چه بیشتر در این محیط‌ها تشویق شدند. این روند در دوره اصلاحات با شدت بیشتر و اثرپذیری آشکارتری از اندیشه‌های فمینیستی ادامه یافت و این امر، به افزایش اختلاط میان زن و مرد و دختر و پسر نامحرم انجامید. در حال حاضر، این گمان به طور نسبی در جامعه جا افتاده است که اصل اختلاط اشکالی ندارد و تنها باید ضوابط شرعی مانند حجاب در محیط‌های مختلط رعایت شود. امروزه بیش از ۶۰ درصد ورودی دانشگاه‌های کشور را دختران تشکیل می‌دهند و حتی دختران، ورود به دانشگاه را برای خود، امری لازم و عامل ارتقای شخصیت اجتماعی می‌دانند. از این رو، بسیاری از آنان می‌کوشند به هر ترتیب و در هر رشته‌ای که باشد، پذیرفته شوند. امروزه، با گذشت سال‌ها از پیروزی

انقلاب و گسترش آموزش عالی، هنوز بیشتر کلاس‌های دانشگاهی در کشور به صورت مختلط برگزار می‌شود. از سویی انبوه دختران تحصیل کرده، به طور طبیعی می‌خواهند از تخصصشان برای کسب درآمد و کار بهره‌گیرند و در محیط‌های کار حضور یابند و این، خود، به افزایش اختلاط میان نامحرمان در محیط‌های اجتماعی خواهد انجامید. این در حالی است که بسیاری از مردان که وظیفه شرعی اداره خانواده را بر عهده دارند، بی‌کار مانده‌اند. در حال حاضر، در اداره‌ها، بانک‌ها، شرکت‌ها، آژانس‌های خدماتی و تقریباً تمامی محیط‌های اجتماعی، زنان در کنار مردان حضور دارند و بیشتر افراد شاغل در محیط کار با افرادی از جنس مخالف همکاری می‌کنند. حتی در مشاغلی مانند منشی‌گری که بیشترین ارتباط را با مردان دارند، زنان بیشتر حضور دارند که این امر، نوعی تقلید ناآگاهانه یا آگاهانه از شیوه‌های مرسوم دنیا در استفاده تجاری از جذابیت‌های زنانه است. امروزه، کار و حضور گسترده زنان در محیط‌های بیرون از خانه، روندی رو به رشد دارد و در عرف جامعه تا اندازه‌ای پذیرفته شده است. مقایسه‌ای پژوهشی که پیش از انقلاب، میان دانشجویان ده دانشگاه معتبر کشور انجام شده بود و پژوهش یکسانی که در سال ۱۳۸۱ در همان دانشگاه‌ها تکرار شد، نشان داد پیش از انقلاب، ۸۷ درصد پسران دانشجو اساساً گرایش به ازدواج با زن شاغل نداشته‌اند، ولی در پژوهش دوم، ۹۷ درصد مایل بودند با زنان شاغل ازدواج کنند. ۱ درصد نظر سنجی از جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استان‌ها نیز درباره این گزاره که «زنان باید همانند مردان در بیرون از خانه کار کنند و در تولید و خدمات اجتماعی نقش داشته باشند»، ۸۱ درصد نظر موافق و ۱۹ درصد نظر مخالف داشته‌اند. ۲ همه اینها نشان‌دهنده تغییر رویکرد جامعه، از رویکردهای سنتی به رویکردهای جدید در این زمینه است. اکنون در مقام نقد و ارزش‌گذاری مثبت یا منفی درباره این رویکردها نیستیم، بلکه می‌کوشیم جهت‌گیری‌های فرهنگی حاکم در جامعه را توصیف کنیم. تنها اشاره می‌کنیم این اندیشه که فعالیت‌سازنده و رشد شخصیتی و اجتماعی زن را به کار در محیط‌های بیرون از خانه خلاصه کنیم و مسئولیت و نقش اساسی زن را در خانواده، امری جدا از فعالیت‌های سازنده اجتماعی بیندازیم، کاملاً نادرست است. همچنین نباید جهت‌گیری اسلام در ترجیح جداسازی و جلوگیری از اختلاط‌های غیرضروری به کلی فراموش شود. می‌توان محیط‌های اختصاصی برای فعالیت‌های اجتماعی زنان و مردان تدارک دید و افزون بر زمینه‌سازی برای شکوفایی استعدادهای بانوان، از میزان اختلاط آنان با نامحرمان کاست.

۱. نک: مصاحبه با دکتر شکوه نوابی نژاد، «خانواده در جهان معاصر»، ماهنامه حورا، ش ۴، اردی‌بهشت و خرداد ۱۳۸۳، ص ۲۳. ۲. نک: وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران، ص ۷۰.

سه - فرهنگ حاکم بر روابط اجتماعی میان دو جنس

پیش‌تر دانستیم که منظور از روابط اجتماعی میان دو جنس، روابطی است که در آنها به طور طبیعی، انگیزه‌ها و رفتارهای جنسی وجود ندارد و هدف‌های کاری، تحصیلی و اقتصادی، بسترساز رابطه‌هاست. آسیب اصلی در این روابط، انحراف آن به سوی روابط جنسی و غلبه انگیزه‌های جنسی یا رخ نمودن رفتارهای ناشایست است. رویکرد غالب بر فرهنگ جامعه ما در روابط اجتماعی میان دو جنس، بر اساس سنت‌ها و فرهنگ اسلامی، حفظ حریم میان نامحرمان و پرهیز از رفتارهای شبهه‌برانگیز است. با این حال، باید دانست با توجه به اینکه جامعه ایران، جامعه‌ای در حال گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن است، ساختار فرهنگ جامعه ما در این زمینه با مشکلات فراینده و پیچیده‌ای روبه‌رو است. وجود دوگانگی ارزشی و هنجاری و ابهام در این زمینه، در نتیجه تقابل سنت و مدرنیسم و گرفتار شدن فرهنگ جامعه در برزخ میان این دوگانگی هنجاری، کاملاً مشخص است. بسیاری از افراد به ویژه دختران و پسران مجرد نمی‌دانند که در رابطه با جنس مخالف چگونه برخوردی داشته باشند؟ همچنین بسیاری از افراد نمی‌توانند در روابط اجتماعی با دیگران، در معرض انحراف‌ها و شایبه‌های جنسی قرار نگیرند. برای نمونه، در یک نظر سنجی در دانشگاه اصفهان که از

صد دانشجوی دختر، از شهرستان‌ها و رشته‌های مختلف انجام گرفت، دانشجویان به پرسش‌های زیر چنین پاسخ دادند: پرسش اول - مشکل شما به عنوان دختر دانشجو با چه افرادی است و چرا؟ پسرها (۶۱ درصد)؛ والدین (۱۵ درصد)؛ استادان (۱۲ درصد)؛ دیگر افراد خانواده و نزدیکان (۱۰ درصد)؛ دختران دیگر؛ یعنی دوستان و هم‌شاگردی‌ها (۱۰ درصد) و مخالفان فکری (۸ درصد). پرسش دوم - مهم‌ترین مانع رشد دختران دانشجو را چه می‌دانید؟ موانع مربوط به برخورد با جنس مخالف در جامعه (۳۸ درصد)؛ موانع خانوادگی، مانند: ازدواج، فرزند و سنت‌های غلط (۲۵ درصد)؛ موانع تحصیلی و رفتاری (بی‌علاقگی، ناامیدی و...) (۲۳ درصد)؛ موانع اجتماعی (سنت‌ها، قوانین، حقوق و...) (۱۲ درصد)؛ موانع اقتصادی (اشتغال، نبود امکانات و...) (۱۸ درصد)؛ موانع زنان از ناحیه خود (زن بودن، احساسات و عواطف) (۱۰ درصد) و هیچ مانعی نیست (۲ درصد). پرسش سوم - مهم‌ترین دغدغه فکری شما درباره مسائل زنان چیست؟ ارتباط با جنس مخالف و محدودیت‌های آن (۱۲ درصد)؛ احکام و نظر دین در مورد زن (۱۱ درصد)؛ ایرادها و ناتوانی زنان (۱۱ درصد)؛ اشتغال زنان (۷ درصد)؛ ازدواج (۶ درصد) و دیگر موارد با درصدهای کمتر. بر اساس این پژوهش، مهم‌ترین مشکل ارتباطی و دغدغه فکری و مهم‌ترین مانع پیشرفت دختران از نظر آنان، در زمینه ارتباط با جنس مخالف در جامعه است. تفصیل برخی از ابهام‌ها، دغدغه‌ها و مشکلاتی که این گروه از دختران دانشجو بیان کرده‌اند، چنین است: «حتی در مورد مسائل درسی هم نمی‌توان حرف زد؛ کوچک‌ترین صحبت از طرف دیگران، شک برانگیز است...؛ پسرها حد تعادل را رعایت نمی‌کنند؛ برخوردهای نادرست، مشکل روحی ایجاد می‌کند...؛ نمی‌دانیم به پسرها سلام کنیم یا نه؟ بی‌ادبی است یا نیست؟ اگر ارتباط برقرار نکنیم، حریص‌تر می‌شوند یا کناره‌گیری می‌کنند؟ نمی‌دانیم قصد ازدواج دارند یا نه؟ حسن نیت دارند یا سوء نیت؟ پسرها بدون قصد، ارتباط برقرار نمی‌کنند؛ احساس راحتی ندارم...؛ حتی ارتباط مجاز هم جا نیفتاده است...؛ در کلاس، در حضور پسرها نمی‌توان از استاد پرسید؛ ارائه کنفرانس و تدریس در کلاس‌های مختلط مشکل است؛ به ویژه آن‌که پسرها ابراز علاقه نیز می‌کنند...؛ پسرها نامحرمند، ولی ما مجبوریم در کلاس با آنها ارتباط برقرار کنیم...؛ نامحرمان رفتارهای زشتی دارند...؛ خانواده، ارتباط با مردان و پسران را مانند گول وحشتناکی جلوه می‌دهد...؛ پدرم بسیار متعصب است و اجازه نمی‌دهد با پسرهای فامیل ارتباط داشته باشم...؛ در ارتباط با استادان مرد مشکل دارم؛ نمی‌دانیم با پسرهایی که در خیابان مزاحم می‌شوند، به شدت برخورد کنیم یا بی‌اعتنا باشیم یا منطقی صحبت کنیم؟ در برابر افرادی که قصد آزار دختران را دارند، سر و صدا کنیم که دیگران دخالت کنند یا سکوت کنیم؟ اگر برخورد کنیم، جلب توجه و آبروریزی می‌شود؛ سکوت هم باعث نگرانی است؛ نمی‌دانیم با پسرهایی که ابراز علاقه می‌کنند، برخورد پذیرا داشته باشیم یا سرد؟ آیا آنها واقعا خواستگارند؟ نکند پسرهایی که در دانشگاه ابراز علاقه می‌کنند، ما را زیر نظر گرفته باشند، به ویژه اگر احساس خوشایندی درباره آنها نداشته باشیم؛ حریم زنان شکسته شده است، به گونه‌ای که زنان و مردان آزادانه با هم گفت‌وگو می‌کنند؛ چرا عالمان دینی، مرز حضور زن در اجتماع را تبیین نکرده‌اند؟ چرا زنان در خانه اسیرند و پیوسته در قیمومیت پدر یا شوهر هستند و آزادی و حق انتخاب نوع پوشش را ندارند؟ چرا زنان نمی‌توانند از نامزد مورد علاقه خود خواستگاری کنند؟ در خیابان‌ها، امنیت نداریم و...» ۱. همچنین در نظرسنجی دیگری که با عنوان «مهم‌ترین موضوع مورد علاقه دانشجویان برای جلسه‌های پرسش و پاسخ» در چند دانشگاه انجام گرفت، در میان چهل موضوع، بیشترین بسامد با فاصله چشم‌گیری از موضوع دوم، درباره موضوع «ارتباط دختر و پسر» بود. ۲. همچنین بنا بر پژوهش دیگری، بزرگ‌ترین مشکل دختران دانشجو، مشکل روانی است و مهم‌ترین عامل آن، نداشتن احساس امنیت به دلیل ترس از مزاحمت در داخل دانشگاه یا خارج آن و اموری مانند افسردگی، بی‌نشاطی و بی‌انگیزگی است. ۳. ابهام، ناهم‌گونی و تضاد ارزشی و هنجاری موجود در روابط میان دختران و پسران را به خوبی می‌توان در محیط‌های دانشگاهی به چشم دید. در یکی از دانشگاه‌های دولتی استان تهران، شماری از دانشجویان غیرخوابگاهی، در فضای سبز دانشگاه دو یا چند نفره در حال غذا خوردن یا استراحت بودند. در این میان، برخی ترجیح می‌دادند با افراد هم‌جنس خود باشند. آنان از نشستن در کنار جنس

مخالف پرهیز داشتند و در فاصله‌ای دورتر از دوستان غیر هم‌جنس خود می‌نشستند، ولی برخی نیز غذا خوردن در کنار غیر هم‌جنس را ترجیح می‌دادند. دو یا چند پسر و دختر در کنار هم می‌نشستند و به گفت‌وگو و شوخی و خنده می‌پرداختند. البته انگار برخی نیز برخلاف میل باطنی‌شان و با تردید، دعوت افراد جنس مخالف را برای پیوستن به جمع آنها پذیرفته بودند. برخی چادری و باحجاب و برخی نیز بدحجاب و آرایش کرده بودند. به هر حال، وجود دوگانگی فرهنگی در میان این دانشجویان که همه دانشجوی یک دانشگاه بودند، کاملاً مشخص بود. توجه به نظرسنجی‌ها و واقعیت‌های موجود در جامعه نشان می‌دهد که در روابط اجتماعی میان دختران و پسران، ابهام‌ها و تضادهای مهمی وجود دارد. از یک سو، در روابط اجتماعی میان زن و مرد بین هنجارهای غربی و فرهنگ اسلامی ناسازگاری وجود دارد؛ یعنی گروهی به فرهنگ غرب و گروهی دیگر به فرهنگ اسلامی گرایش دارند. از سوی دیگر، کسانی که خود را به رعایت هنجارهای اسلامی ملزم می‌دانند، در این زمینه با ابهام روبه‌رو هستند؛ زیرا الگوهای رفتاری در احکام و اخلاق اسلامی، با رابطه‌های کنونی میان دختران و پسران نامحرم - آن گونه که در دانشگاه‌های کشور روبه‌رو هستیم - تناسب ندارد. از این رو، افراد نمی‌دانند با هم‌کلاسی‌های خود از جنس مخالف، خشک و جدی برخورد کنند یا صمیمی باشند یا بکوشند از برخورد با آنان پرهیزند و از نگاه کردن و گفت‌وگو با ایشان اجتناب کنند. بی‌گمان، در ارتباط‌های همیشگی، حفظ چنین حالتی دشوار خواهد بود. همچنین حفظ مرز میان ارتباط‌های اجتماعی و رفتارهایی که در آن شایه‌های جنسی وجود دارد، برای دختران و پسران جوان که به طور طبیعی تحت فشار گرایش‌های جنسی قرار دارند، دشوار است و زمینه انحراف در این گونه رابطه‌ها زیاد است. این امر، زمینه‌ساز لغزش‌ها یا احساس ناامنی و فشارهای روحی و رفتاری‌های مختلف برای افراد است. البته با گسترش اختلاط میان دختران و پسران در محیط‌های اجتماعی و نیز نبودن زمینه‌های ازدواج و ارضای مشروع نیازهای غریزی جوانان، افزایش زمینه‌های انحراف در روابط اجتماعی و روی آوردن به روابط ناسالم، تا اندازه‌ای قابل پیش‌بینی است. این نوع رفتاری‌ها، در روابط اجتماعی میان دختران و پسران مجرد و جوان، بسیار بیشتر است، ولی با افزایش اختلاط میان زن و مرد نامحرم در جامعه، زنان و مردان متأهل نیز با این تضادها و مشکلات روبه‌رو خواهند بود. در گذشته، ارتباط‌های اجتماعی میان زنان و مردان نامحرم، معمولاً به برخورد و گفت‌وگوهای کوتاه، مانند آنچه در رابطه میان زنان و فروشندگان است، خلاصه می‌شد. در این گونه ارتباط‌ها، به طور طبیعی با رعایت مسائل شرعی، می‌توان از صحبت یا رفتارهای دوستانه و شبهه‌برانگیز خودداری کرد، ولی امروزه بیشتر افراد در محیط کار با اشخاصی از جنس مخالف همکارند. این افراد هر روز به صورت ثابت، ساعت‌ها در یک اتاق یا یک محیط کاری، با یکدیگر در ارتباطند. به طور طبیعی، اگر انسان با شخصی در دراز مدت در ارتباط باشد، نوعی آشنایی دوستانه میان آنها ایجاد می‌شود و اینکه آنها بخواهند با هم رفتاری خشک داشته باشند و از هر گونه شوخی و خنده و گفت‌وگوهای غیرضروری پرهیز کنند و نگاه خود را از همکارشان برگیرند و به یکدیگر بی‌توجه باشند، حالتی غیرعادی خواهد بود که در واقع، چندان ممکن نیست. از سوی دیگر، در آموزه‌های اسلامی تأکید شده است از شوخی و خنده و گفت‌وگوهای غیرضروری و نگاه به نامحرم پرهیز کنیم. از همین جا، نبود هماهنگی در نظام فرهنگی روابط میان زن و مرد در جامعه ما معلوم می‌شود. از یک سو، حضور گسترده زنان در محیط‌های اجتماعی و اختلاط آنها با مردان تأیید می‌شود و از سوی دیگر، هنوز هنجارهای متناسب با این فرهنگ، در جامعه تعریف نشده است. در فرهنگ غرب، روابط صمیمی همراه با شوخی و خنده در میان همکاران زن و مرد قبحی ندارد و به این رفتارها چونان رفتارهای شبه‌ناک نگاه نمی‌کنند، ولی در فرهنگ دینی ما این گونه نیست. همچنین در غرب، در روابط جنسی میان دختران و پسران، با تسامح برخورد می‌شود و خانواده‌ها، دختران و پسران خود را در گزینش شریک جنسی آزاد می‌گذارند، ولی در جامعه ما نسبت به روابط جنسی، حساسیت شدیدی وجود دارد و ازدواج یا روابطی که می‌تواند به ازدواج بینجامد، باید با اجازه و زیر نظر خانواده باشد. در غیر این صورت، شبهه‌ناک خواهد بود. این ناهم‌گونی فرهنگی، به دلیل التقاط فرهنگ اسلام با فرهنگ غرب یا ناسازگاری سنت با مدرنیسم به وجود آمده است. در

نتیجه، جامعه برخی از ارزش‌ها و هنجارهای زندگی مدرن را پذیرفته است و از سوی دیگر، برای حفظ برخی از سنت‌های بومی و هنجارهای اسلامی می‌کوشد که نتیجه آن، نبود هماهنگی و ناکارآمدی نظام فرهنگی است. به نظر می‌رسد برای کاستن از مشکلات و ایجاد روند منطقی در رابطه‌ها، یکی از این دو راه را پیش رو داریم: ۱. بازگشت به سنت‌ها و اجرای کامل احکام اسلامی با محدود کردن اختلاط میان نامحرمان و کاهش زمینه‌های انحراف؛ ۲. بازخوانی احکام و اخلاق اسلامی و سازگار کردن آنها با شرایط امروز جامعه؛ مانند اینکه بگوئیم روابط دوستانه میان نامحرمان، تا آن‌جا که به رفتارهای جنسی نینجامد، اشکالی ندارد. این روش چون نوعی تصرف در دین و انحراف از آموزه‌های اصیل اسلامی است، هرگز توصیه نمی‌شود. در جامعه ما، در روابط اجتماعی میان زن و مرد، مشکلات دیگری نیز وجود دارد. برای مثال، ارتباط همیشگی افراد با جنس مخالف در محیط‌های اجتماعی سبب می‌شود آنان به صورت ناخودآگاه، همسر خود را با دیگران مقایسه کنند. در نتیجه، چه بسا زمینه ناخشنودی از همسر و مشکلات خانوادگی به شکلی ناخواسته در افراد ایجاد شود. به ویژه اگر فرد در ارضای نیازهای عاطفی یا غریزی خود در خانواده مشکل داشته باشد، با توجه به محدود بودن امکان ارضای جنسی در جامعه ما، احتمال انحراف‌ها دوچندان می‌شود. در حال حاضر، متأسفانه استفاده تجاری از جذابیت‌های جنسی زنان در محیط‌های اجتماعی رو به گسترش است. با نگاهی به آگهی‌های کاریابی و استخدام در نشریه‌ها، به آگهی‌های فراوانی برمی‌خوریم که در پی استخدام «منشی یا حسابدار خانم زیر ۲۵ سال، با روابط عمومی بالا و ترجیحاً مجرد» هستند. اگر چه ترجیح دادن دختران و زنان جوان برای شغل‌هایی که بیشترین ارتباط را با مردان نامحرم دارد، شاید با توجه به نظم‌پذیری و جنبه‌های کاری آنان توجیه شود، ولی بدون تردید، جذابیت‌های ظاهری نیز در گزینش آنان بی‌تأثیر نیست، چنان‌که روابطی که در برخی از شرکت‌های خصوصی وجود دارد، از روابط کاری در آغاز، به روابط ناسالم، منحرف می‌شود. همواره شواهدی از رعایت نشدن احکام اسلامی و حتی وجود روابط نامشروع و سوءاستفاده از زنان و دختران در برخی از این محیط‌ها گزارش می‌شود. ۴. مشکلاتی مانند مزاحمت‌های خیابانی برای زنان و دختران ۵ و رفتارهای پرخاش‌گرانه یا غیرطبیعی در محیط‌های اجتماعی و در برخورد با جنس مخالف، از دیگر مسائلی است که بیشتر در عقده‌های روانی و یا جنسی افراد ریشه دارد. مشکلات موجود در روابط اجتماعی میان دو جنس مخالف، در شهرهای بزرگ بسیار بیشتر است. در شهرهای کوچک و روستاها، از یک سو، سنت‌ها بیشتر حفظ شده و به طور نسبی رابطه‌ها از گزند اختلاط و ناهم‌گونی دور مانده است. از سوی دیگر، به دلیل اینکه بیشتر افراد و خانواده‌ها یکدیگر را می‌شناسند، نظارت اجتماعی در این گونه جوامع کارآمدتر است. در نتیجه، زمینه انحراف روابط اجتماعی و کاری به روابط جنسی، بسیار محدودتر است. در عوض، وقتی فردی از این گونه محیط‌ها به شهرهای بزرگ می‌آید، چه بسا دچار مشکل بیشتری شود. برای مثال، از نوع رفتارها و نمادهای اجتماعی رایج در شهرهای بزرگ، به غلط، برداشت جنسی پیدا کند یا به سرعت شیفته فرهنگ جدید شود و در این راه، افراط را در پیش گیرد یا اینکه با پافشاری بر فرهنگ سنتی، با فرهنگ غالب محیط‌های جدید تعارض پیدا کند. بنابراین، رابطه‌های اجتماعی میان دو جنس، با مشکلات مختلفی روبه‌رو است که مهم‌ترین عوامل آن عبارتند از: ۱. اختلاط و ناهم‌گونی فرهنگی و دوگانگی هنجاری برخاسته از التقاط فرهنگ اسلامی و غربی و فرهنگ سنتی و مدرن؛ ۲. وجود انبوهی از دختران و پسران جوان و مجرد و مشکلات محدودیت‌های فراوان در زمینه ارضای مشروع نیازها و گرایش‌های جنسی. بنابراین، اگر به تناسب ساختارهای فرهنگی و رفع اساسی مشکلات جوانان توجه نشود، مشکلات موجود در روابط اجتماعی، تنها با سفارش به امور اخلاقی، مانند حفظ نگاه، رعایت حجاب و حفظ حریم یا تأکید بر روحیه غیرت و عفت و حیا و امر به معروف و نهی از منکر، حل شدنی نیست؛ زیرا اجرایی شدن این نظام رفتاری و رعایت شایسته این هنجارها، در بستر فرهنگی خاصی امکان‌پذیر است. از این رو، با وجود رویکردهای التقاطی و نبود تعادل در ساختارهای فرهنگی، اختلال در نظام رفتاری و هنجاری، قابل پیش‌بینی است.

روابط دختران و پسران دانشجوی» از کتاب، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، صص ۶۴۵ - ۶۷۰ .
 ۲. نک: همان، ص ۶۷۴ . ۳. نک: ناهید طیبی، مقاله «مشکلات دختران دانشجوی، اولویت‌ها و رویکردها»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، ص ۶۳۸ . ۴. در سال ۱۳۸۲، یازده هزار و سی صد شکایت از این گونه شرکت‌ها به مقام‌های انتظامی رسید که بیشتر آنها حاکی از مسائل ناموسی و جنسی بود. نک: مجید ابهری، مقاله «شرکت‌های دروغ و فریب»، ویژه‌نامه تپش، ضمیمه ش ۱۲۹۳، روزنامه جام جم، ۲۰/۸/۱۳۸۳ (۵). فرمانده وقت نیروی انتظامی اعلام کرد در سه ماهه اول سال ۱۳۸۱، بیست هزار مورد تماس مردمی با پلیس، در مورد مزاحمت‌های اجتماعی گزارش شده است. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۸/۴/۱۳۸۱)

ب) بررسی وضعیت روابط جنسی

درباره میزان رفتارها و ارتباط‌های نامشروع در جامعه ایران، آمار مشخصی وجود ندارد. اساساً به دلیل مخفیانه بودن این گونه ارتباط‌ها، برآورد دقیقی از میزان شیوع این ناهنجاری امکان‌پذیر نیست. به نظر می‌رسد به دلایلی که در پی خواهد آمد، زمینه برای گسترش روابط نامشروع در کشور ما روزافزون است: افزایش اختلاط میان نامحرمان، با توجه به جوان بودن جامعه و بالا رفتن سن ازدواج؛ برهم خوردن تعادل جمعیتی میان دختران و پسران آماده ازدواج و نیز بالا رفتن آمار طلاق و افزایش شمار زنان مطلقه؛ ۱ گسترش فرهنگ غرب و افزایش تحریک‌های موجود در جامعه از طریق فیلم‌ها و سی‌دی‌های مبتذل، اینترنت و ماهواره و نیز رواج پدیده‌هایی مانند دختران فراری و خیابانی؛ ۲ شیوع اعتیاد به مواد مخدر و قرص‌های روان‌گردان و... امروزه در شهرهای بزرگ، افراد هوس‌ران می‌توانند از طریق دوستان یا راه‌های دیگر، با پارتی‌های مختلط یا راه‌اندازی خانه‌های فساد و باندهای سازمان‌یافته اغفال دختران آشنا شوند تا طعمه خود را بیابند. این وضعی است که متأسفانه ساکنان شهرهای بزرگ مانند تهران با آن آشنا هستند و بارها صحنه‌هایی از سوار کردن زنان و دختران خیابانی به خودروهای مدل بالا یا مزاحمت برای بانوان و دختران در پارک‌ها و خیابان‌ها را دیده‌اند. روابط ناسالم در محیط‌های کار به ویژه شرکت‌های خصوصی و اغفال دختران جوان از سوی کارکنان و مدیران به بهانه استخدام نیز از اموری است که توجه افکار عمومی و آسیب‌شناسان را به خود جلب می‌کند. همچنین رواج روزافزون دوستی‌ها میان دختران و پسران که حتی گاه با عنوان آشنایی پیش از ازدواج صورت می‌گیرد، در جامعه ما مشکل‌آفرین شده است. میزان رواج روابط نامشروع در ایران، در مقایسه با بسیاری از کشورها بسیار کمتر است، ولی با توجه به اینکه جامعه ما، جامعه‌ای دینی و اسلامی است، رواج این گناه بزرگ در هر شکلی پذیرفتنی نیست. بنابراین، روند رو به رشد روابط نامشروع در جامعه ایران اسلامی، بسیار نگران‌کننده است. در حال حاضر، ازدواج دایم به شکل تک‌همسری، رایج‌ترین شیوه زناشویی است. به همین دلیل، ازدواج در زندگی یک فرد اهمیت ویژه‌ای دارد و گزینش همسر از سرنوشت‌سازترین انتخاب‌ها در طول عمر هر فردی است. البته همین امر می‌تواند نوعی وسواس و هراس از ازدواج را در جوانان پدید آورد و ازدواج جوانان را به تأخیر اندازد. -----

۱. بررسی‌ها نشان می‌دهند از هر چهار ازدواج، یک مورد به طلاق می‌انجامد و آمار طلاق، رشد هشداردهنده‌ای دارد، به گونه‌ای که در سال ۱۳۸۳ نسبت به سال پیش از آن، رشدی هفت درصدی داشته است. از سوی دیگر، جامعه، رشد ازدواج هم نداشته است، بلکه فرار از ازدواج رو به فزونی است؛ به گونه‌ای که میانگین سن ازدواج در حال حاضر برای دختران و پسران ایرانی به ترتیب به ۲۵ و ۲۸ سال رسیده است. (ویژه‌نامه «بازارچه» همشهری، ۱۸/۴/۱۳۸۳، ضمیمه ش ۳۴۳۱ . ۲. بنا بر آمار نیروی انتظامی در سال ۱۳۷۸، خانه‌گریزی ۹۴۰ نفر نوجوان دختر، ۱۰۰۶ نفر دوشیزه جوان و ۷۳۷ نفر نوجوان پسر، در کشور ثبت شده است. البته بسیاری از اینها، یعنی ۶۳۶ نوجوان دختر، ۲۵۸ نفر دوشیزه جوان و ۳۱۰ نوجوان پسر، به شهر تهران اختصاص دارد.

ج) مشکلات فراروی ازدواج جوانان**اشاره**

امروزه شرایط ازدواج در جامعه ایران، در مقایسه با گذشته، تفاوت‌های چشم‌گیری یافته است. پیش از فراگیر شدن موج مدرنیسم در جامعه سنتی ایران، بیشتر ازدواج‌ها در سنین پایین انجام می‌گرفت و خود دختر و پسر در این امر چندان نقشی نداشتند، بلکه در واقع، خانواده‌ها، تصمیم‌گیرنده اصلی بودند. در زمان قاجاریه بیشتر دختران از هفت تا سیزده سالگی ازدواج می‌کردند. دختران و پسران تقریباً هیچ اختیاری در گزینش همسر آینده نداشتند. بسیاری از آنها با رسیدن به سن بلوغ یا اندکی پیش از آن، به عقد یکدیگر درمی‌آمدند. دختران یا بیوه‌هایی که به دلایلی از ازدواج باز مانده بودند، بی‌میل نبودند به همسری مردی در آیند که همسر یا همسران دیگری نیز داشت؛ زیرا ازدواج نکردن، ملامت آور بود. پسران از یازده سالگی، به محیط‌های خارج از اندرون خانه‌ها راه می‌یافتند یا در کنار پدر مشغول کار می‌شدند. آنها حداکثر در شانزده و هفده سالگی ازدواج می‌کردند و مسئولیت خانواده را بر عهده می‌گرفتند. ۱. پولا-ک، از سفرنامه‌نویسان دوره ناصرالدین شاه می‌نویسد: در مشرق زمین، کار ازدواج برای هر کسی سهل است... این دیگر از جمله بدیهیات است که دختری که به سن معینی برسد، باید شوهر کند... از آن گذشته، سهولت طلاق، دیگر اقدام به ازدواج را در دیده مردم مانند اروپا کاری مشکل جلوه نمی‌دهد... ۲. دالمانی نیز که از سفرنامه‌نویسان دوره مظفرالدین شاه است، می‌نویسد: موضوع ازدواج در ایران، یکی از امور مهم به شمار می‌رود و ایران از این جهت، بر تمام کشورها و مللی که ادعای ترقی و تمدن می‌کنند، برتری دارد... در دستورات اسلامی، با تأکید زیادی امر به ازدواج شده و شرایط آن هم سهل است. نظر به همین دستورات که نتایج عالی اخلاقی دارند، والدین در تأهل فرزندان خود شتاب دارند. معمولاً دختران را در سنین یازده و دوازده سالگی و پسران را در شانزده و هفده سالگی، وادار به ازدواج می‌کنند. ۳. با آغاز روند صنعتی شدن و دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایران، در سن ازدواج و شرایط آن تغییرهایی ایجاد شد. برابر پژوهشی در سال ۱۳۳۹ در تهران، میانگین سن ازدواج برای دختران و پسران به ۱۸ و ۲۲ سال رسیده بود، در حالی که سی سال پیش از آن، این سن برای دختران ۱۳ و برای پسران ۱۷ سال بود. بنا بر آمارهای رسمی، سن ازدواج در سال ۱۳۴۵ برای دختران و پسران به ترتیب ۴/۱۸ و ۲۵ سال بود. اگر چه در سال‌های نخست انقلاب، میانگین سن ازدواج پسران کاهش محسوسی داشت، ولی پس از سال ۱۳۶۵، سن ازدواج سیر صعودی یافت. در سال ۱۳۶۵، این سن برای دختران و پسران به ترتیب، ۸/۱۹ و ۶/۲۳ بود که در سال ۱۳۷۵ به ۴/۲۲ و ۶/۲۵ رسید. البته سن ازدواج پسران در شهرها بالاتر از روستاها بود (۲/۲۶ در شهر، در مقابل ۵/۲۴ در روستا). پس از سال ۱۳۷۵ نیز این سیر صعودی ادامه یافت و بیشترین میزان تأهل در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰، برای مردان در فاصله سنی ۲۵ تا ۳۴ سالگی و در دختران بین ۲۰ تا ۲۹ سالگی بوده است. ۵. در حال حاضر، به باور بسیاری از کارشناسان، میانگین سن ازدواج برای دختران و پسران به ترتیب به ۲۵ و ۲۸ سال رسیده است. در پژوهشی که در سال ۱۳۸۱ از جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استان‌های کشور انجام گرفت، معلوم شد که تنها هفده درصد آنها ازدواج کرده‌اند. «رقم بزرگ ۸۱ درصدی جوانان مجرد نشان می‌دهد که وضعیت جوانان (مجرد) دوره کنونی با جوانان نسل گذشته که درصد بسیار کمتری بوده‌اند، بسیار متفاوت است». ۶. در زمینه دیگر شرایط ازدواج نیز دگرگونی‌های اساسی رخ داده است. امروزه در بیشتر ازدواج‌ها، خود دختر و پسر تصمیم‌گیرنده اصلی هستند و نقش خانواده‌ها کمتر شده است. بسیاری از جوانان دوست دارند خودشان، فرد مورد علاقه‌شان را پیدا کنند. برخی نیز حتی پیش از اینکه با خانواده‌ها در میان بگذارند، خودشان به توافق می‌رسند؛ یعنی شیوه خواستگاری‌ها تغییر یافته است. بنا بر برخی پژوهش‌ها و نظرسنجی‌ها از جوانان ایرانی، مهم‌ترین عوامل تأخیر ازدواج از نظر پسران، مشکلات اقتصادی مانند نداشتن کار، مسکن و توان

مالی کافی و از نظر دختران، موانع روحی و ذهنیتی، مانند نبود عشق و علاقه به شخص خاص، نیافتن همسر دل‌خواه و نداشتن اعتماد به جنس مخالف است. ۷. برخی از مهم‌ترین موانع ازدواج در جامعه ما عبارتند از: -----
 ۱. زن در دوره قاجار، صص ۲۲ و ۳۵. ۲. زن ایرانی به
 روایت تاریخ‌نویسان فرنگی، ص ۱۷۷. ۳. همان، ص ۱۹۶. ۴. جوانی پررنج، ص ۲۴۹. ۵. نک: گزارش ملی جوانان ۳، بررسی ازدواج جوانان، سازمان ملی جوانان، صص ۲۲ - ۷۶. ۶. وضعیت و نگرش و مسائل جوانان مراکز استان‌های کشور، ص ۱۷. ۷. گزارش ملی جوانان ۳، بررسی وضعیت ازدواج جوانان، ص ۱۳۱.

یک - طولانی شدن دوره تحصیل، افزایش سن استقلال اقتصادی و مشکل گذران زندگی

در گذشته، دوره تحصیل برای نوجوانان و جوانان کوتاه‌تر بود و بیشتر آنان از همان دوره نوجوانی در کنار پدر مشغول کار می‌شدند، ولی امروزه با صنعتی شدن جوامع، برای حفظ توان رقابت و رشد علمی و اقتصادی در عرصه جهانی و در نتیجه، تخصصی شدن مهارت‌ها، لازم است بسیاری از افراد پس از تحصیلات عمومی، مدت‌ها به تحصیلات تکمیلی و آموختن مهارت‌های تخصصی بپردازند. به همین دلیل، دوره تحصیل بسیار طولانی‌تر از گذشته شده است. همچنین در نظام آموزشی ما، همین آموزش‌ها نیز چندان کاربردی و متناسب با نیازهای شغلی و تخصصی نیست. در نتیجه، افراد دانش‌آموخته برای یافتن کار، مشکل دارند. جدا از بحث نیاز واقعی جامعه به متخصصان، امروزه در جامعه ایرانی، مدرک‌گرایی به شکل افراطی درآمده است. بسیاری از دختران و پسران، تنها داشتن مدرک دانشگاهی را عامل بالا رفتن شخصیت اجتماعی خود می‌دانند و حتی حاضرند برای گرفتن مدرک، چند سال از بهترین سال‌های جوانی‌شان را پشت کنکور در انتظار ورود به دانشگاه بمانند و پس از آن، سال‌ها در رشته‌ای که حتی علاقه‌ای بدان ندارند و در آینده نیز هیچ بهره عملی از آن نمی‌برند، تحصیل کنند. در این میان، پسران پس از پایان تحصیل باید دو سال نیز به خدمت سربازی بروند. سپس اگر از سرمایه پدر یا آشنایی در شرکت‌ها و اداره‌ها بی‌بهره باشند، به گروه جوانان جویای کار بپیوندند. دختران نیز که در حال حاضر، بیش از شصت درصد ورودی دانشگاه‌ها را تشکیل می‌دهند، به طور طبیعی، پس از تحصیل، به جمع جویندگان کار افزوده می‌شوند. از همین رو، بسیاری از آنان دیگر با پسرانی که مدرک دانشگاهی ندارند، ازدواج نمی‌کنند. آمارها و بررسی‌های انجام گرفته در سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۸۱، نشان می‌دهد جدا از دانشجویان و سربازان، تنها ۵/۱۷ درصد از نوجوانان و جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استان‌های کشور کار دارند. در گروه سنی جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله‌ای که درس نمی‌خوانند، ۸۵ درصد دختران و ۵۲ درصد پسران بی‌کارند و ۶۶ درصد جوانان متأهل که درس نمی‌خوانند، کاری ندارند. ناگفته نماند وضعیت اقتصادی جوانان شاغل هم چندان مناسب نیست، به گونه‌ای که میانگین درآمد ماهیانه پسران و دختران جوان شاغل، ۵۵ هزار و ۵۰ هزار تومان و میانگین درآمد ماهیانه مردان و زنان جوان متأهل و شاغل، ۹۲ هزار و ۸۵ هزار تومان بوده است. بنا بر آمار، درآمد ماهیانه ۷۳ درصد از خانواده‌های جوانان، صد و پنجاه هزار تومان و کمتر بوده است. ۱. بی‌گمان، با وجود این مسائل و مشکل کار و مسکن و نبود درآمد، جوانان امکان پذیرفتن مسئولیت اداره خانواده را در سنین پایین نخواهند داشت. از همین رو، تأخیر در ازدواج و افزایش مشکلات خانواده‌ها طبیعی خواهد بود. -----
 ۱. وضعیت و نگرش و مسائل جوانان

مراکز استان‌های کشور، صص ۳۰ - ۳۵ و ۵۱۱.

دو - افزایش سطح توقع جامعه و رواج هزینه‌های اضافی

در زمان حکومت پهلوی، تجمل‌گرایی در ایران رواج یافت. به ویژه در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵، با افزایش بی‌سابقه درآمد نفتی و ورود و تبلیغ کالاهای مصرفی، بیش از پیش فرهنگ تجمل‌گرایی به ویژه از سوی غرب‌زده‌ها ترویج شد. پس از پیروزی انقلاب، در این فرهنگ، دگرگونی اساسی صورت پذیرفت و اموری مانند ساده‌زیستی و تکریم مستضعفان ارزش پیدا کرد. ولی پس از پایان جنگ و متناسب با سیاست‌های توسعه اقتصادی، بار دیگر سرمایه‌داری به عنوان ارزش در نظر گرفته شد و مصرف‌گرایی، تبلیغات تجاری و توجه به تجمل و کالاهای لوکس گسترش یافت. در نتیجه، ساده‌زیستی و قناعت بی‌ارزش شد و رقابت دنیوی برای به دست آوردن ثروت در جامعه رواج پیدا کرد. از سوی دیگر، با افزایش تورم و ثابت ماندن نسبی حقوق کارمندان و قشرهای متوسط و پایین جامعه، شکاف طبقاتی بیشتر شد و بالا رفتن سطح زندگی سرمایه‌داران، بسترهای ایجاد نیازهای کاذب، رقابت و چشم و هم‌چشمی و افزایش توقع‌ها را در میان قشرهای مختلف جامعه فراهم آورد. در نتیجه، امروزه تشکیل خانواده روز به روز مشکل‌تر شده است. در حال حاضر، بسیاری از خانواده‌ها، از پسر و دختر توقع دارند خانه مستقل، خودرو، جهیزیه کامل و لوکس و در واقع، امکانات یک زندگی کامل - حتی بالاتر از سطح زندگی خانواده‌هایشان - را داشته باشند. -----

سه - پی‌آمدهای گسترش شهرنشینی

شهرنشینی از پیش از انقلاب تاکنون، سیر صعودی داشته است و بر اثر صنعتی شدن جامعه و جمع شدن امکانات در شهرهای بزرگ، پیوسته مهاجرت از روستاها و شهرستان‌های کوچک به شهرهای بزرگ بیشتر شده است. گسترش شهرنشینی، از جنبه‌های مختلفی بر روند ازدواج اثر گذارده است. وجود فرهنگ‌های مختلف در شهرها سبب می‌شود افراد در یافتن فردی مناسب برای ازدواج که از نظر فرهنگی به آنها نزدیک‌تر باشد، مشکل داشته باشند. افزون بر این، در شهرهای بزرگ، وجود امکان‌گزینه‌های زیاد و مقایسه موارد و نبود آگاهی از پیشینه افراد، انتخاب همسر را دشوار می‌سازد و احتمال ناموفق بودن ازدواج و ایجاد مشکلات بعدی را بالا می‌برد. ازدواج‌های فامیلی نیز به دلیل پی‌آمدهای پزشکی که برای آن گفته می‌شود، بسیار محدود شده است، ولی در روستاها و شهرهای کوچک، این دشواری‌ها و پیچیدگی‌ها در ازدواج جوانان وجود نداشته است. -----

چهار - رواج فرهنگ غرب

رواج فرهنگ غرب از جنبه‌های مختلفی بر ازدواج جوانان اثر گذاشته است. بی‌بندوباری‌ها و آزادی‌های جنسی به شیوه غربی، برخی از جوانان را از پذیرفتن محدودیت‌های تشکیل خانواده باز می‌دارد. اساساً فرهنگ غرب، روحیه خودخواهی، راحت‌طلبی و پذیرفتن مسئولیت را در افراد تقویت می‌کند. ترویج روحیه‌های فمینیستی و تأکید بر تشابه حقوق زن و مرد نیز سبب شده است برخی از دختران، به جنس مخالف، با دید منفی نگاه کنند و حاضر به پذیرش مدیریت مرد در خانواده نباشند. اینان حقوق و وظایف تعریف شده برای افراد را که به منظور حفظ بنیان خانواده است، در تقابل با استقلال و حقوق خود می‌پندارند. این نگاه منفی، زمینه‌ساز احساس تقابل با جنس مخالف و فرار از ازدواج و مسئولیت‌های آن شده است. همین امر، عامل مهمی در فروپاشی بنیان خانواده‌ها به شمار می‌رود. پیش‌تر گفتیم که بنا بر نظرسنجی‌ها، مهم‌ترین عامل تأخیر ازدواج از نظر پسران، عوامل اقتصادی و

از نظر دختران، عوامل روحی و ذهنیتی مانند نبود عشق و علاقه به شخص خاص و نیافتن همسر دل‌خواه و نداشتن اعتماد به جنس مخالف است. ۱. افزایش اختلاط میان نامحرمان و در نتیجه، افزایش امکان مقایسه پیش و پس از ازدواج نیز تأثیرهای ویژه خود را دارد. نفوذ فرهنگ غرب از جنبه‌های دیگر نیز بر تأخیر ازدواج و افزایش طلاق اثر گذاشته است که بررسی همه این جنبه‌ها مجال دیگری می‌خواهد.

۱. نک: گزارش ملی جوانان ۳ بررسی وضعیت ازدواج جوانان، ص ۱۳۱.

پنج - بر هم خوردن توازن جمعیتی میان دختران و پسران آماده ازدواج

هرگاه نوسان نرخ رشد جمعیت، روندی فزاینده بیابد، با توجه به وجود اختلاف در سن ازدواج دختران نسبت به پسران، در سال‌های بعد، شمار دختران آماده ازدواج در مقایسه با پسران افزایش می‌یابد. نرخ رشد جمعیت در ایران از ۸/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۹/۳ درصد در سال ۱۳۶۵ افزایش یافت. این امر سبب شد در دهه هشتاد، دختران آماده ازدواج در مقایسه با پسران، افزایش یابد، چنان‌که با فرض وجود اختلاف سنی پنج سال میان دختران و پسران در ازدواج، در سال ۱۳۸۰، افزونی جمعیت دختران ۱۵ تا ۲۹ ساله نسبت به پسران ۲۰ تا ۳۴ ساله، به بیش از دو میلیون و صد و سی و هفت هزار نفر می‌رسد؛ یعنی در مقایسه با شمار پسران، بیش از دو میلیون دختر آماده ازدواج وجود دارد که هرگز شانس ازدواج نخواهند داشت. این مشکل در مقیاسی کوچک‌تر، در دهه چهل نیز وجود داشت، ولی در آن زمان، به دلیل لزوم ازدواج برای دختران و امکان چندهمسری برای مردان، بحرانی در کشور ایجاد نشد، ولی در حال حاضر، از این نظر، شرایط نگران‌کننده‌ای وجود دارد که آثار آن در سال‌های آینده مشخص‌تر خواهد شد. ۱.

۱. نک: همان، صص ۱۱۶ - ۱۱۸.

د) بررسی وضعیت دختران و پسران در فاصله بلوغ تا ازدواج

دختر و پسر در خردسالی یا نسبت به یکدیگر احساسی ندارند یا احساس منفی دارند. با آغاز دوره دبستان، کم‌کم نسبت به هم موضع منفی می‌گیرند، ولی بیداری تدریجی غریزه، آنها را با دنیایی ناشناخته روبه‌رو می‌کند. بسیاری از نوجوانان در دوازده و سیزده سالگی، گرایش‌های جنسی را کاملاً در خود احساس می‌کنند که شاید برایشان آزاردهنده باشد و به آشفتگی روحی و احساس تعارض و گناه در آنها بینجامد. البته چه بسا سمت و سوی این گرایش‌ها، به سمت جنس مخالف نباشد و نوجوان حتی نسبت به هم‌جنسان خود نیز احساس خاصی پیدا کند، ولی کم‌کم این احساس گرایش نسبت به جنس مخالف، در نوجوان و جوان، جهت‌دار و در وجودش نهادینه می‌شود. پیش از بلوغ نیز کودکان و نوجوانان به مسائل جنسی حساسند، ولی با فرا رسیدن بلوغ، کشش جنسی و گرایش به ارتباط با جنس مخالف را به صورتی اثرگذار در درونشان احساس می‌کنند و از نظر فیزیولوژیکی نیز آمادگی‌های لازم برای رفتارهای جنسی در آنها ایجاد می‌شود. سن بلوغ در نوجوانان از نظر شرایط آب و هوایی، تغذیه، وراثت و تحریک‌ها و شرایط محیطی، بین هشت تا شانزده سالگی برای دختران و ده تا هجده سالگی برای پسران در نوسان است. در ایران، بیشتر دخترها در سنین دوازده و سیزده سالگی و بیشتر پسرها در چهارده و پانزده سالگی بالغ می‌شوند. در شهرهای صنعتی و بزرگ به دلیل وجود رسانه‌ها، رابطه‌های بیشتر و دیگر عوامل، معمولاً سن بلوغ زودتر است. در دوران بلوغ، افزون بر ظهور گرایش‌های جنسی، روحیه‌هایی مانند آرمان‌پرستی، استقلال‌خواهی و تلاش برای کم کردن وابستگی‌ها، ماجراجویی و تجربه‌اندوزی، قبول مسئولیت و پرداختن به کارهای جدی، علاقه به گروه هم‌سالان، حس ستایش از دیگران و نیاز به ستایش دیگران، گرایش به تقلید

و هم‌رنگی با دیگران و میل دست‌یابی به ایدئولوژی و ترسیم دورنمای زندگی، در نوجوانان تقویت می‌شود. از نظر گرایش‌های جنسی نیز غالباً نوجوانان در چهارده و پانزده سالگی، نسبت به جنس مخالف گرایش پیدا می‌کنند و در پانزده تا هجده سالگی، با نهادینه شدن این حالت، به احساس تمایلی عمیق و جدی نسبت به جنس مخالف می‌رسند. امروزه با گسترش دامنه تحریک‌های جنسی و قرار گرفتن بیشتر کودکان و نوجوانان در معرض انیمیشن‌هایی با موضوع‌های جنسی یا اشاره‌های جنسی، بازی‌های رایانه‌ای با صحنه‌های تحریک‌کننده و فیلم‌ها و عکس‌هایی از این دست و حتی به دلیل رعایت نشدن برخی از موازین در محیط خانواده، رسیدن به سن بلوغ و گرایش‌های جنسی در کودکان و نوجوانان زودتر شده است؛ بلوغ زودرسی که می‌تواند به ایجاد تشویش درونی و اختلال‌های مختلف روانی بینجامد. از سوی دیگر، سن ازدواج نیز به دلایل مختلف بالا-رفته است، چنان‌که در سال ۱۳۷۵، میانگین سن ازدواج در شهرها برای پسران ۲/۲۶ و برای دختران ۵/۲۲ بوده است. بنا به نظر بسیاری از کارشناسان، در حال حاضر، میانگین سن ازدواج برای دختران به ۲۵ سال و برای پسران به ۲۸ سال رسیده است. بررسی‌های انجام شده در سال ۱۳۸۱ در مورد جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استان‌های کشور نشان داد ۸۱ درصد آنان (۸۷ درصد پسران و ۷۷ درصد دختران) مجرد و تنها ۱۷ درصد از این جوانان (۱۳ درصد پسران و ۲۲ درصد دختران) متأهل هستند. ۲ می‌دانیم که نزدیک به ۶۰ درصد جمعیت ایران زیر ۲۴ سال هستند و میانگین جمعیت جوان ایران در مقایسه با کل جمعیت بالاست، چنان‌که جمعیت پانزده تا بیست و نه ساله ایران در سال ۱۳۷۵، ۴/۲۸ درصد و در سال ۱۳۸۰، ۲/۳۲ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌داد. این درصد به طور میانگین در جهان، ۸/۲۵ درصد است و ایران پس از اردن، جوان‌ترین کشور جهان است. البته در دوره سنی ۱۵ تا ۱۹ ساله‌ها، ایران بالاترین درصد جمعیت را در جهان داراست. بر اساس برخی پیش‌بینی‌ها، جمعیت ۱۵ تا ۲۹ ساله، از ۲۱ میلیون و ۳۱۶ هزار نفر (۸/۳۲ درصد جمعیت) در سال ۱۳۸۰، به ۲۴ میلیون و ۴۸۴ هزار نفر (۳۵ درصد جمعیت) در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. ۳ این ترکیب سنی، شرایط خاصی را در جامعه ایجاد کرده است و فرصت‌ها و تهدیدهای بالقوه‌ای در پی دارد. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که این انبوه جوانان در فاصله میان بلوغ تا ازدواج، در رابطه با جنس مخالف چگونه عمل می‌کنند و در برخورد با کشش‌های شدید جنسی چه رویکردهایی را در پیش می‌گیرند؟ بی‌گمان، بیشتر جوانان به دلیل مجرد بودن و نبود امکان ارضای مشروع نیازهای جنسی، در این باره با مشکلات مختلفی دست به گریبانند. در پژوهشی که از جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استان‌های کشور در سال ۱۳۸۱ به عمل آمد، نزدیک به ۷۴ درصد ایشان درباره این گزینه که «از نظر ارضای غریزه جنسی مشکلی ندارم»، نظر مخالف داشتند. همچنین نزدیک به ۵۷ درصد آنان نیز درباره این گزینه که: «مسائل جنسی فکرم را آزار می‌دهد»، نظر موافق داشتند. با توجه به اینکه ۱۷ درصد این جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله، متأهل بوده‌اند، می‌توان گفت بیشتر جوانان مجرد در ارضای نیازهای جنسی‌شان مشکل دارند.

----- ۱. روان‌شناسی رفتار جنسی، ص ۷۶؛ نیاز جاودانی، روابط دختر و پسر در جامعه امروز، مشهد، انتشارات کتاب‌درمانی، ۱۳۸۲، ص ۱۲. ۲. وضعیت و نگرش و مسائل جوانان مراکز استان‌های کشور، ص ۱۷. ۳. نک: گزارش ملی جوانان ۱ بررسی وضعیت جمعیت جوانان، سازمان ملی جوانان، تهران، مؤسسه فرهنگ اهل قلم، چ ۱، ۱۳۸۱، صص ۱۷-۲۵.

ه) رفتارهای نوجوانان و جوانان در فاصله بلوغ تا ازدواج

اشاره

رفتارهای نوجوانان و جوانان را می‌توان در چند دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: -----

یک - خود نگه‌داری و پرهیز از رابطه با جنس مخالف

گروهی از نوجوانان و جوانان به ویژه در خانواده‌های مذهبی، به دلیل باورهای دینی و نیز شرایط فرهنگی حاکم در خانواده‌های ایرانی که رابطه دختر و پسر را پیش از ازدواج نمی‌پذیرد، از این گونه رابطه‌ها خودداری می‌کنند و با خود نگه‌داری، از انحراف‌ها می‌پرهیزند. در آموزه‌های دینی و قرآنی نیز پس از توصیه خانواده‌ها به فراهم ساختن شرایط ازدواج و روابط مشروع برای دختران و پسران، به خود جوانان سفارش می‌شود که اگر توان و شرایط ازدواج را نداشتند، تا زمان تأهل در حفظ عفت و دوری از گناه بکوشند. با توجه به حاکم بودن فرهنگ دینی و سنتی در بیشتر خانواده‌های ایرانی و نیز حساسیت مردم به مسائل ناموسی و مراقبت‌های اجتماعی به ویژه در روستاها و شهرهای کوچک، به نظر می‌رسد بیشتر دختران و پسران در جامعه ما، پیش از ازدواج از رابطه با جنس مخالف خودداری می‌کنند و چون رابطه پیش از ازدواج را رابطه‌ای نامشروع می‌دانند، آن را ناپسند و غیراخلاقی به شمار می‌آورند. در نظرسنجی از جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استان‌های کشور در سال ۱۳۸۱، درباره این گزینه که: «جوانانی که پیش از ازدواج با جنس مخالف خود دوست می‌شوند، از نظر من کار درستی نمی‌کنند»، نزدیک به ۶۷ درصد نظر موافق و ۳۳ درصد نظر مخالف داشتند. البته پسران به دلیل آزادی بیشتر و حساسیت کمتری که دارند، در این زمینه، کمتر از دخترها پرهیز دارند. در شهرهای بزرگ، این پرهیز کمتر است. در دو پژوهش جداگانه که در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۸ از میان دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های تهران انجام شد، به ترتیب ۴۵ درصد و ۴۲ درصد آنان اظهار داشته‌اند که «دوستی از جنس مخالف ندارم و مایل نیستم داشته باشم». در پژوهش دیگری که در سال ۱۳۷۶ از جوانان ۱۵ تا ۲۵ سال مجرد در تهران به عمل آمد، ۵۸ درصد دختران و ۳۷ درصد پسران (در مجموع، ۴۶ درصد) گفتند که «تا کنون با فردی از جنس مخالف رابطه نداشته‌اند». همچنین در یک نظرسنجی در سال ۱۳۷۸ از دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های تهران، ۵۱ درصد دختران و ۳۹ درصد پسران (در مجموع، ۴۶ درصد) گفتند که «تا کنون با جنس مخالف رابطه نداشته‌ام». ۲. با توجه به فرهنگ غالب در جامعه و قبح این گونه روابط در نظر افراد، نمی‌توان موضع‌گیری منفی بیشتر جوانان کشور درباره دوستی‌های پیش از ازدواج با جنس مخالف را به طور قطع نمایانگر نوع رفتار عملی آنان در این زمینه دانست. با این حال، در جامعه ما کم نیستند جوانان مؤمنی که با تربیت دینی، از سر آگاهی و اعتقاد، خود را از آلودگی و انحراف حفظ می‌کنند.

۱. نک: وضعیت و نگرش و مسائل جوانان مراکز استان‌های کشور، ص ۱۰۴. ۲. نک: محمدرضا طالبان، دین‌داری و بزه‌کاری در میان جوانان دانش‌آموز، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، چ ۱، صص ۸۵، ۱۳۲ و ۱۳۳.

دو - دوستی‌ها و روابط پنهانی

با توجه به اینکه در جامعه ما روابط دختر و پسر پیش از ازدواج پذیرفته نیست و بیشتر خانواده‌ها اجازه چنین رابطه‌هایی را به فرزندانشان نمی‌دهند، برخی از جوانان و نوجوانان به دوستی‌ها و رابطه‌های پنهان با فرد یا افرادی از جنس مخالف روی می‌آورند. این نوع رفتار، بیشتر در خانواده‌هایی دیده می‌شود که بزرگ‌ترها به دلیل سطحی بودن آگاهی‌های دینی‌شان و به کار نگرفتن روش‌های صحیح تربیتی، نتوانسته‌اند فرهنگ و ارزش‌های پذیرفته شده خود را به صورت شایسته به فرزندان منتقل سازند. به دلیل

پنهانی بودن این رابطه‌ها، نمی‌توان میزان شیوع این گونه دوستی‌ها و ارتباط‌ها را به درستی مشخص کرد، ولی به نظر می‌رسد با توجه به نفوذ فرهنگ غرب و امکان دست‌رسی آسان به عکس‌ها، رمان‌ها، فیلم‌ها، موسیقی‌ها و آوازهای مبتذل و انواع عوامل تحریک‌کننده دیگر و نیز نبود راه‌کارهایی برای آسان شدن دوستی‌ها و روابط مشروع، بسیاری از نوجوانان و جوانان در معرض این نوع رفتارها هستند. در نظرسنجی از جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استان‌ها در سال ۱۳۸۱، نزدیک به یک سوم جوانان درباره این گزینه که «جوانانی که قبل از ازدواج با جنس مخالف خود دوست می‌شوند، از نظر من کار درستی نمی‌کنند»، نظر مخالف داشتند. همچنین ۳۱ درصد نیز با این گزینه که «گاهی به خاطر رفتارهای جنسی به دردمس افتاده‌ام»، موافق بودند. ۱۰ چنان‌که پیش‌تر گفتیم، این نوع رفتار در شهرهای بزرگ و در میان پسرها بیشتر است. در دو پژوهش جداگانه‌ای که در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۸ در میان دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های تهران انجام گرفت، به ترتیب ۳۶ درصد و ۳۹ درصد دانش‌آموزان گفتند یک یا چند دوست از جنس مخالف دارند و ۱۹ درصد افراد نیز گفته‌اند که «دوستی از جنس مخالف ندارم، ولی مایلیم که داشته باشم». در پژوهش دیگری که در سال ۱۳۷۶ از جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله مجرد در تهران صورت گرفت، ۶۲ درصد پسران و ۴۲ درصد دختران (در مجموع، ۵۴ درصد افراد) بیان کردند با جنس مخالف رابطه داشته‌اند. همین‌طور در یک نظرسنجی در سال ۱۳۷۸ از دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در تهران، ۶۰ درصد پسران و ۴۹ درصد دختران (در کل، ۵۴ درصد دانش‌آموزان) گفته‌اند با یک یا چند نفر از جنس مخالف رابطه داشته‌اند؛ یعنی اگر شمار کسانی که هیچ دوستی از جنس مخالف نداشته‌اند، حذف شود، میانگین شمار دوستان جنس مخالف برای پسران، ۵/۳ دوست دختر و برای دختران، ۵/۲ دوست پسر می‌شود. ۲ به هر حال، تمامی یافته‌ها از فراگیر بودن نسبی دوستی‌ها و ارتباط‌های پیش از ازدواج میان دختران و پسران در شهرهای بزرگی مانند تهران خبر می‌دهد و به نظر می‌رسد بسیاری از این دوستی‌ها به صورت پنهانی شکل می‌گیرند. این آشنایی‌ها و دوستی‌ها، از راه‌های مختلفی صورت می‌گیرند، مانند: دوستی‌های خیابانی، آشنایی در محیط کار و تحصیل و آشنایی از طریق دوستان و واسطه‌ها. حتی برخی از دخترها زمینه آشنایی دوستان و هم‌کلاسی‌های خود را با برادر یا پسران فامیل فراهم می‌آورند. شرکت در جشن تولدها، عروسی‌ها و پارتی‌های مختلط و مراسم‌های حرام به دعوت دوستان یا آشنایان نیز زمینه‌ساز فسادهای گوناگونی از جمله دوستی‌ها و رابطه‌های نامشروع است. در پژوهشی در سال ۱۳۷۸، از میان دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های تهران، ۴۵ درصد پسران و ۲۱ درصد دختران (در مجموع، ۳۱ درصد) گفته بودند یک یا دو بار یا بارها در پارتی‌های مختلط دوستانه و غیرخانوادگی شرکت کرده‌اند. ۳ بی‌گمان، جوانان تهرانی از این نظر در مقایسه با دیگر جوانان وضعیت بدتری دارند و فراگیری این آمارها را نباید به همه جوانان کشور گسترش داد، ولی معمولاً چنین است که این گونه ناهنجاری‌های فرهنگی به تدریج از مرکز کشور به جوانان دیگر مناطق نیز سرایت می‌کند. رواج روزافزون پیوندهای اینترنتی و آشنایی‌های چتی و گسترش استفاده از ابزارهای ارتباط شخصی مانند تلفن همراه نیز به شکل قابل توجهی امکان شکل‌گیری و استمرار رابطه‌های پنهانی را برای نوجوانان و جوانان فراهم کرده است. چه بسا این دوستی‌ها با انگیزه آشنایی پیش از ازدواج صورت گیرد، ولی یک طرف با این بهانه، طرف دیگر را فریب دهد و از حسن ظن او سوءاستفاده کند. در این نوع دوستی‌ها، دو اشکال اساسی وجود دارد. اول آنکه بیشتر این رابطه‌ها، آلوده به گناه است و مشروع نیستند. بنا بر احکام اسلامی، تنها دختر و پسری که در واقع قصد ازدواج دارند، می‌توانند تا اندازه‌ای که برای شناسایی با یکدیگر لازم است، یکدیگر را ببینند و با هم صحبت کنند و بیش از این مقدار، رابطه‌ها باید در چارچوب‌هایی مشخص و همراه با حرمت شرعی باشد. با این حال، در بیشتر دوستی‌ها و رابطه‌های پنهانی میان دختران و پسران، این ضابطه رعایت نمی‌شود. اشکال دوم، پنهانی بودن این رابطه‌ها و خارج بودن آن از دایره مراقبت‌های اجتماعی و خانوادگی است. از همین رو، نوجوان یا جوان، بسیاری از نیروی فکری خود را در ایجاد و حفظ این گونه رابطه‌ها و پنهان کردن آن از خانواده صرف می‌کند که این امر، خستگی روحی و مشکلات عصبی خاص خود را دارد. افزون بر این، رابطه‌های پنهانی، با نگرانی و مشغولیت‌های ذهنی همراه است و آرامش و نشاط

جوانی را از فرد می‌گیرد. این گونه رابطه‌ها، به دوری از خانواده و اطرافیان می‌انجامد و جوان را در دام دوستان ناباب، شیادان و انواع خطرناک‌ها و انحرافات گریزناک می‌کند. از همین رو، به دلیل نبود مراقبت خانواده‌ها، احتمال اینکه پسر و به‌ویژه دختر فریب بخورند و از نظر جسمی و روحی آسیب‌های جبران‌ناپذیری ببینند، بسیار است. چه بسا قصد اولیه بسیاری از دختران و حتی پسران از دوستی و رابطه با جنس مخالف، ارتباط‌ها و رفتارهای جنسی نیست، بلکه بیشتر در پی آشنایی با فضای فکری و روانی جنس مخالف و تجربه احساسی جدید در رابطه عاطفی با او هستند، ولی واقعیت این است که این رابطه‌ها به ویژه اگر پنهانی و دور از نظارت خانواده‌ها باشد، به احتمال زیاد به رفتارهای جنسی می‌انجامد. دخترانی که در این گونه رابطه‌ها، عفت خود را از دست می‌دهند، چه بسا دچار عذاب وجدان شوند یا روی در میان گذاشتن مسائل را با خانواده نداشته باشند یا خانواده‌ها دیگر آنها را نپذیرند. در این صورت، شاید برای همیشه از داشتن زندگی سالم محروم شوند و ازدواج مناسبی نداشته باشند و چه بسا به ناهنجاری‌هایی مانند فرار از خانه، خودفروشی، اعتیاد و حتی خودکشی گرفتار شوند. باید دانست بیشتر این دوستی‌ها و رابطه‌ها دیر یا زود کشف می‌شود و افزون بر آبروریزی و زیان‌های روحی و اختلاف‌ها و درگیری‌های خانوادگی، در صورت ریشه‌دار بودن محبت میان دختر و پسر، قطع ارتباط موجب سرخوردگی و خسارت‌های روحی برای آنها گردد. حتی اگر آنها به ازدواج با هم موفق شوند، به دلیل نبود راهنمایی‌ها و نظارت خانواده در گزینش همسر و انتخاب‌های احساسی و غیرواقع‌بینانه نوجوانان و جوانان که بر اساس جذابیت‌های ظاهری صورت گرفته است و نیز نبود سازگاری‌های بعدی خانواده‌ها با همسر فرزندان، این ازدواج‌ها چندان دوام نخواهد یافت. در حال حاضر، بنا بر آمار، ۷۶ درصد طلاق‌های زیر سه سال و ۸۹ درصد کل طلاق‌ها، از آن کسانی است که خود، بانی آشنایی شده‌اند و با وجود مخالفت خانواده، بر ادامه آن پای فشرده‌اند. ۵ به هر حال، دوستی‌ها و روابط پنهان میان دختر و پسر از هر نظر برای جوانان و خانواده‌ها دردسرساز است و افزون بر پی‌آمدهای معنوی و اخروی، مشکلات فراوانی برای آنها دارد. البته شاید در این زمینه، تقصیر خانواده‌ها و جامعه در مقایسه با نوجوانان و جوانان بیشتر باشد، ولی به هر حال، بازنده و آسیب‌پذیر اصلی، کسی جز خود نوجوان و جوان نخواهد بود.

۱. نک: وضعیت و نگرش و مسائل جوانان مراکز استان‌های کشور، صص ۱۰۲ و ۱۰۴. ۲. نک: دین‌داری و بزه‌کاری در میان جوانان دانش‌آموز، صص ۸۵، ۱۳۲ و ۱۳۳. ۳. نک: همان، صص ۱۳۸، ۴. بنا بر پژوهشی در سال ۱۳۷۹ در تهران، ۴۳ درصد از دخترانی که از خانه فرار کرده بودند، انگیزه فرار را داشتن دوست پسر، ۳۴ درصد بدرفتاری والدین و دیگر موارد دانسته‌اند. نک: گزارش ملی جوانان ۱۹ بررسی وضعیت فرار از خانواده جوانان، صص ۱۷، ۵. نک: ویژه‌نامه «تپش»، ضمیمه ش ۱۱۸۴، روزنامه جام جم، ۱۰/۴/۱۳۸۳، صص ۲ و «تپش» ضمیمه ش ۱۲۱۷، روزنامه جام جم، ۲۱/۵/۱۳۸۳، صص ۲.

سه - دوستی‌ها و رابطه‌های آزاد

در جامعه ما برخی از دختران و پسران نیز پیش از ازدواج، آشکارا با فرد یا افرادی از جنس مخالف دوست می‌شوند. این افراد معمولاً در خانواده‌های به اصطلاح امروزی پرورش یافته‌اند که چندان به مسائل شرعی پای‌بند نیستند و فرهنگ غرب را به طور کامل در زندگی‌شان پذیرفته‌اند. در فرهنگ امروز غرب، داشتن دوست از جنس مخالف و رابطه‌های پیش از ازدواج برای جوانان و نوجوانان امری پذیرفته شده است و جزو حقوق و آزادی‌های طبیعی به شمار می‌رود و حتی نسبت به روابط جنسی به معنای خاص آن نیز با تسامح رفتار می‌شود. متأسفانه رویکردهای غرب‌گرایانه در میان طبقه تحصیل کرده و روشن‌فکر که یا در غرب تحصیل کرده‌اند یا تحت تأثیر نظریه‌ها و اندیشه‌های رایج در غرب قرار گرفته و نیز در میان قشر مرفه جامعه بیشتر است. بنا بر برخی

پژوهش‌های مربوط به جوانان دبیرستانی در تهران، تحصیلات والدین و نیز کار مادر، نسبت معکوسی با میزان التزام به دین و دین‌داری در جوانان داشته است. همچنین میزان بزه‌کاری به ویژه کج‌روی اخلاقی و فرهنگی در جوانانی که والدینشان تحصیلات دانشگاهی داشتند یا مادرانشان شاغل بوده‌اند، بسیار بیشتر از دیگر جوانان بوده است. حتی میزان کج‌روی‌های اخلاقی، جنسی و فرهنگی در جوانانی که در مدرسه‌های غیرانتفاعی درس می‌خواندند، بیش از دانش‌آموزان مدرسه‌های دولتی است. ۱. متأسفانه برخی خانواده‌ها، به جوان درباره رابطه و دوستی با جنس مخالف، آزادی نسبی می‌دهند؛ یعنی به او اجازه می‌دهند تا آن‌جا که به آمیزش جنسی نینجامد، با دوستی از جنس مخالف رابطه داشته باشند. حتی چه بسا در این خانواده‌ها، این‌گونه دوستی‌ها میان دختر و پسری باشد که با هم نسبت فامیلی دارند و از کودکی با یکدیگر هم‌بازی بوده‌اند و پس از بلوغ نیز همین حالت را حفظ کرده‌اند. اندکی از خانواده‌ها در رابطه با جنس مخالف، به جوانان آزادی کامل می‌دهند و هیچ محدودیتی در این زمینه ندارند. گروهی از جوانان نیز که آشکارا با جنس مخالف دوست می‌شوند، در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که به دلایل مختلف مانند درگذشت پدر یا پیر بودن والدین و نظیر آن، قدرت لازم را برای مراقبت از جوانان ندارند؛ یعنی والدین یا دیگر اعضای خانواده با وجود آنکه از این‌گونه رابطه‌های جوانانشان ناراحتند و آن را تأیید نمی‌کنند، در عمل توان جلوگیری ندارند و مجبور به پذیرش خواست جوانانشان هستند. البته این نوع از رابطه‌های آزاد، در بخش کوچکی از جامعه و اندکی از جوانان شیوع دارد و بیشتر خانواده‌ها این‌گونه روابط را به فرزندانشان اجازه نمی‌دهند. پذیرش آزادی به سبک غربی، بیشتر در شهرهایی مانند تهران و در خانواده‌های به اصطلاح غرب‌زده دیده می‌شود و در بیشتر خانواده‌ها، این فرهنگ وجود ندارد. با این حال، با توجه به گیرایی، تبلیغ و نفوذ فرهنگ غرب در جامعه، به نظر می‌رسد به تدریج، به ویژه در شهرهای بزرگ، خانواده‌های بیشتری این آزادی‌ها و روابط را بپذیرند و دوستی‌ها و روابط پنهانی، هر چه بیشتر جای خود را به دوستی‌های آشکار بدهد. هر چند ممکن است خانواده‌هایی، جوانان خود را در این امور آزاد بگذارند، ولی جامعه نسبت به این‌گونه روابط حساسیت دارد و چه بسا جوانان در مدرسه، دانشگاه یا محیط‌های دیگر، با تویخ دیگران و حتی برخوردهای قانونی و قضایی روبه‌رو شوند. از این رو، این‌گونه روابط نیز - گذشته از گناه بودنشان - با توجه به شرایط جامعه، پذیرفتنی نیست.

----- ۱. نک: دین‌داری و بزه‌کاری در میان جوانان دانش‌آموز، صص ۹۳ - ۹۶.

چهار - رفتارهای غیرطبیعی و ارضاهای بدلی

منظور از عنوان یادشده، مزاحمت‌های خیابانی، پناه بردن به فیلم‌ها و عکس‌های مبتذل، خودارضایی و مانند آن است. پیش‌تر گفتیم که با توجه به شرایط فرهنگی جامعه ما، نوجوانان و جوانان پیش از ازدواج راه مشروعی برای دوستی و رابطه عاطفی با جنس مخالف ندارند و بیشتر رابطه‌های موجود غیرشرعی است. از طرفی، با توجه به باورهای اعتقادی و دینی، جامعه و خانواده‌ها، پذیرای رابطه‌های نامشروع نیستند. در نتیجه، جوانان در برآوردن نیازها و گرایش‌های جنسی‌شان، با دوگانگی هنجاری روبه‌رو هستند، چنان‌که سه چهارم جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله در مراکز استان‌ها اظهار داشته‌اند که در ارضای نیاز جنسی مشکل دارند و ۵۷ درصد نیز بیان کرده‌اند که مسائل جنسی، فکرشان را آزار می‌دهد. در این میان، گروهی از نوجوانان و جوانان به رفتارهای غیرطبیعی روی می‌آورند و به ارضاهای عاطفی یا جنسی ناسالم و بدلی گرفتار می‌شوند. نامحسوس‌ترین و در عین حال، فراگیرترین نوع این ارضاهای بدلی، فرو رفتن در تخیل‌ها و اوهام جنسی است که اگر هم گناه نباشد، عامل خستگی ذهنی و ملال روحی و عصبی می‌شود. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: عیسی علیه‌السلام به حواریون فرمود: ... کسی که با خودش دربار عمل منافی عفت فکر کند، مانند کسی است که در خانه آراسته، آتش روشن کند. اگر این آتش روشن کردن، خانه را به آتش نکشد، حداقل دودش

آراستگی خانه را خراب می‌کند. ۱. پناه بردن به عکس‌ها و نوشته‌های پورنوگرافی؛ مانند فیلم‌ها و عکس‌های سکسی در ماهواره، اینترنت و سی‌دی‌های مبتذل و رمان‌های عاشقانه، ترانه‌ها و موسیقی‌های مبتذل و حتی دوستی‌های افراد با اشخاص ناشناس و شخصیت‌های مجازی در چت‌روم‌ها، همه جزو کام‌جویی‌های بدلی هستند که در افزایش تخیلات جنسی مؤثرند. این‌گونه امور، با تحریک و تشدید احساس محرومیت جنسی، وقت و توان فکری جوانان را هدر می‌دهد و بی‌تعادلی روحی و فشار عصبی را به ارمغان می‌آورد و زمینه‌ساز انحراف‌های دیگر می‌شود. این ناهنجاری‌ها، در میان برخی جوانان و نوجوانان رواج دارد و بیشتر آنان تجربه تماشای فیلم‌ها و عکس‌ها، خواندن رمان‌های مبتذل، گوش کردن به موسیقی‌ها و ترانه‌های تحریک‌کننده، چت کردن و مانند آن را دارند. گروهی نیز به شکل خطرناکی به این امور معتاد شده‌اند. بنا بر برخی پژوهش‌ها، بیشترین مقدار مطالعه غیردرسی در نوجوانان و جوانان کشور به ویژه در میان دختران، مربوط به مطالعه رمان است. تحلیل محتوایی ۶۵۹ رمان مربوط به سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ نشان می‌دهد ۷۰ درصد رمان‌ها محتوایی مبتذل و ۴۰ درصد دارای رویکرد پورنوگرافی داشته و به تشریح صحنه‌های خلاف اخلاق جنسی پرداخته‌اند. ۲. چشم‌چرانی و مزاحمت‌های خیابانی، مزاحمت‌های تلفنی و رفتارهایی از این دست نیز از رفتارهای غیرطبیعی و ارضاهای بدلی است که سلب آسایش و امنیت روانی و اجتماعی و نیز هدر رفتن وقت و توان جوانی و مشکلات روحی را برای جوانان و نوجوانان در پی دارند.

----- ۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۵ از ابواب النکاح المحرم، ح ۲۵۷۱۹. ۲. نک: حسن غفاری‌فر، مقاله «واکاوی آسیب‌های فرهنگی علیه زنان»، نشریه کتاب زنان، ش ۲۰، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۳۶.

(و) تحریک‌های موجود در جامعه

به دلیل رواج بی‌سابقه فرهنگ ولنگاری، نمایش و تبلیغ مسائل جنسی، گسترش روزافزون رسانه‌ها در دنیای امروز و تغییر شرایط فرهنگی در جامعه ما، میزان تحریک‌های جنسی بسیار زیاد است. در دنیای امروز، با اثرگذاری فلسفه‌های مادی‌گرا و ترویج آزادی‌های فردی و تکیه بر نظریه‌هایی مانند آرای فروید و نیز با انگیزه‌های تجاری و تبلیغی، مسائل جنسی به یکی از ارکان اصلی در تولیدات فرهنگی و از مهم‌ترین جذابیت‌های تبلیغی تبدیل شده است. امروزه، فیلم و سریال یا ترانه و آواز و برنامه‌های تبلیغی و حتی برنامه‌های خبری کمتری را می‌توان یافت که در آنها به گونه‌ای، از جذابیت‌های جنسی استفاده نشود. تکنیک‌های سینمایی و استفاده از نور، رنگ، حرکت، صدا و تصویر و در هم آمیختن خیال و واقعیت، چنان صحنه‌های محرک و جذابیت‌های شنیداری و دیداری را پدید می‌آورد که هیچ‌گاه در عالم واقع برای کسی تجربه‌شدنی نیست. با توجه به این مطلب گفته‌ها و فراگیر شدن رسانه‌ها در دنیای امروز به جرئت می‌توان گفت در طول تاریخ بشر، هیچ‌گاه تحریک‌های جنسی چونان امروز فراگیر و اغواگر نبوده است. به یقین، جامعه ما نیز نمی‌تواند خود را به کلی از این جریان فرهنگی غالب در دنیای امروز، برکنار بدارد. اگر خودمان نیز این را بخواهیم، گسترش ارتباطات و درنوردیده شدن مرزها با امواج، خواه ناخواه ما را با این جریان فرهنگی درگیر می‌سازد. از سویی، دشمنان اسلام نیز برای فریب دادن جوانان ما از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند. امروزه گروهی از جوانان و نوجوانان، برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی را تماشا می‌کنند. سی‌دی‌های مبتذل، بازی‌های رایانه‌ای با صحنه‌های محرک، آهنگ‌ها و ترانه‌های نامناسب، عکس‌ها و مجله‌ها و انواع محصولات فرهنگی مبتذل، به فراوانی و با قیمت ارزان قابل دسترسی است. یک نظرسنجی در سال ۱۳۷۸ از دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در تهران، نشان داد بیشتر آنها فیلم‌های کاملاً غیرمجاز تماشا کرده‌اند. البته نباید تصور شود که فیلم‌های به اصطلاح مجاز، از تحریک‌های جنسی و مسائل ضد اخلاق به کلی تهی هستند. حتی بیشتر انیمیشن‌ها و برنامه‌های کارتونی که برای کودکان در بازار وجود دارد، دارای موضوع‌های عشقی و صحنه‌های جنسی هستند. برای مثال، کارتون‌های معروف و پرطرفداری چون سیندرلا، تام و جری، میکی موس، زیبای خفته، دیو و دلبر، آناستازیا، شرک

و... که از کارتون‌های مجاز هستند، هیچ کدام از این صحنه‌ها تهی نیستند. در بیشتر بازی‌های رایانه‌ای مورد علاقه کودکان و نوجوانان نیز همین وضعیت دیده می‌شود، به گونه‌ای که کودکان در سنین پایین با تحریک‌ها و مسائل جنسی کاملاً آشنا می‌شوند و زمینه بلوغ زودرس و انحراف‌های مختلف در آنان فراهم می‌آید. موسیقی‌ها و ترانه‌های تحریک‌کننده به اصطلاح مجاز یا کاملاً غیرمجاز نیز که به راحتی از طریق اینترنت یا رادیو و تلویزیون‌های فارسی‌زبان بیگانه یا روش‌های دیگر در اختیار جوانان قرار می‌گیرند، فراوان است. بر اساس پژوهش سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۷۶، گوش دادن به ترانه‌های خوانندگان پیش از انقلاب در مقایسه با خوانندگان پس از انقلاب در میان نوجوانان و جوانان بسیار بیشتر است و بسیاری از آنها برای آگاهی از اخبار و گوش دادن به موسیقی، رادیوهای بیگانه را گوش می‌کنند. بنا بر همین پژوهش، بیشترین میزان مطالعه در نوجوانان و جوانان به ویژه نوجوانان، به کتاب‌های رمان و قصه مربوط است. ۳ با ورود نظریه روان‌شناسی فروید، رمان در اروپا به نهایت هرزگی افتاد. در ایران هم به ویژه پس از زمان مشروطه، با حضور روشن‌فکران، ابتذال در داستان‌ها رواج یافت که تا همچنان ادامه دارد. امروزه نیز اینترنت، امکان دسترسی به انواع عکس‌ها و مطالب مبتذل را به آسانی برای نوجوانان و جوانان فراهم کرده است. از آن گذشته، سایت‌های دوست‌یابی و امکاناتی مانند پست الکترونیک و چت‌روم‌ها، امکان ارتباط میان دختر و پسر و آشنایی نوجوانان با فضاهای فکری، اندیشه‌ها و موضوع‌های جنسی را بیش از پیش فراهم آورده است. امروزه بیشتر جوانان و نوجوانان دوست دارند رها از مراقبت خانواده‌ها، چت کردن با جنس مخالف را تجربه کنند و به تدریج پا را از چارچوب‌های بسته گذشته فراتر بگذارند. فضای جامعه، رعایت نشدن هنجارهای اسلامی در محیط‌های اجتماعی و افزایش میزان اختلاط میان دو جنس در محیط‌های تحصیل و کار، زمینه تحریک و انحراف جنسی را در جامعه ما افزایش داده است. به نظر می‌رسد میزان تحریک‌های موجود در جامعه کنونی ما، نسبت به زمان صدر اسلام یا دوره‌های بعدی تاریخ گذشته ایران تا عصر پهلوی و حتی با بیست سال گذشته، قابل مقایسه نیست. بی‌تردید، افزایش میزان تحریک‌ها از سویی و کاهش امکان ارضای مشروع گرایش‌های جنسی در جامعه نسبت به گذشته از سوی دیگر، بی‌تعادلی اجتماعی و فرهنگی، افزایش احساس محرومیت در نوجوانان و جوانان و گسترش انحراف‌ها را بیش از پیش دامن زده است.

----- ۱. نک: دین‌داری و بزه‌کاری در میان جوانان دانش‌آموز، ص ۸۲. ۲. نک: گزارش ملی جوانان ۶ بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، تهران، سازمان ملی جوانان، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، ۱۳۸۱، صص ۱۲۰ و ۱۲۴. ۳. نک: همان، ص ۱۳۰.

۳. آسیب‌شناسی نظام رفتار جنسی در جامعه ایران

اشاره

پیش‌تر بیان شد که در روابط زن و مرد و دختر و پسر در جامعه ما، چه از نظر روابط معمول اجتماعی مانند حجاب و رعایت ظواهر شرعی و اختلاط میان نامحرمان و چه از نظر روابط جنسی، مشکلات مختلفی وجود دارد. وضعیت حجاب و عمل به ظواهر شرعی، در شهرهای بزرگ چندان شایسته نیست. اختلاط میان نامحرمان در محیط‌های اجتماعی، افزایش یافته و به امری پذیرفته شده و عادی تبدیل شده است. در عین حال، فرهنگ مناسب با این شرایط وجود ندارد و افراد در این زمینه، با ابهام و ناسازگاری روبه‌رو هستند. بنا بر آموزه‌های اسلام، اختلاط و برخوردهای طولانی‌مدت میان نامحرمان باید کاهش یابد و ضابطه‌های بیان شده نیز در برخوردهای کوتاه، هیچ مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ ولی امروزه که اختلاط و ارتباط‌های طولانی‌مدت و پی‌گیر میان نامحرمان در مقایسه با صدر اسلام افزایش یافته است، رابطه‌های میان نامحرمان حتی با رعایت همه هنجارهای دینی، در نظر بسیاری چندان طبیعی به نظر نمی‌رسد. در نتیجه، دین‌مداران در این زمینه با تضاد و ابهام روبه‌رو می‌شوند. این، تنها نمونه‌ای از پیچیدگی،

ناسازگاری و دوگانگی در رفتارهای اجتماعی میان نامحرمان در جامعه امروز ماست. در روابط جنسی نیز موانع موجود در مسیر ازدواج، افزایش سن ازدواج و افزایش میزان تحریک‌های جنسی و زمینه‌های روابط نامشروع، از دیگر مشکلات جامعه به شمار می‌رود. اگر این مشکلات با دیدی کلان ریشه‌یابی شود، عامل بسیاری از این گرفتاری‌ها را در تضاد فرهنگی و بی‌تعادلی ساختاری در نظام رفتار جنسی - به معنای فراگیر آن - می‌توان جست. وجود ارزش‌های ناهمگون که هر کدام، هنجارهای متناسب با خود را بر جامعه تحمیل می‌کند، تضاد میان سنت و مدرنیته و ناسازگاری میان فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی، از عوامل این اختلاط و تضاد فرهنگی است. در یک نظام رفتاری هماهنگ، باید میان اجزای مختلف تناسب برقرار باشد. همچنین باید متناسب با هدف‌ها، هنجارها و قالب‌های رفتاری خاصی تعریف شود تا نظام رفتاری سازگار و کارآمدی در جامعه ایجاد شود. در نظام رفتار جنسی مطلوب، باید با توجه به جهت‌گیری‌های اسلامی، به نیازهای همه افراد و نیز مصالح جامعه به شایستگی توجه شود. به طور کلی، مهم‌ترین آسیب‌های جنسی در میان نوجوانان و جوانان را می‌توان چنین برشمرد: -----

الف) مشکلات روحی و روانی

در نتیجه‌گیری از گزارش سازمان ملی جوانان که از جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استان‌های کشور در سال ۱۳۸۱ انجام گرفته است، می‌خوانیم: «مشکلات مربوط به سلامت روانی، در شمار جدی‌ترین مسائل جوانان ایران است و نیازمند آن هستیم که پژوهش‌های کاربردی به منظور کشف راه‌حل‌های این معضل اساسی صورت گیرد.»^۱ در همین پژوهش آمده است ۵۲ درصد جوانان درباره این گزینه که «احساس نشاطی را که یک جوان باید داشته باشد، ندارم»، نظر موافق داشته‌اند. ۵۳ درصد نیز درباره این گزینه که «زندگی آن قدر طاقت‌فرسا است که گاهی آرزو می‌کنم ای کاش هرگز به دنیا نیامده بودم» و همچنین ۶۸ درصد آنان در مورد این گزینه که «در زندگی من چیزی وجود ندارد که از آن لذت ببرم»، نظر موافق داشته‌اند. ۲۶ درصد آنها نیز با این گزینه که «گاهی فکر خودکشی به سرم افتاده و درصدد انجام آن بوده‌ام»، موافق بوده‌اند. بر اساس این پژوهش، ۵۴ درصد جوانان مراکز استان‌های کشور، دچار انواعی از افسردگی هستند. ۵۱ درصد آنان دچار معضل روانی اضطراب، ۵۳ درصد دارای روحیه پرخاشگری و ۵۵ درصد دچار خشم نهفته هستند. ۲ به طور کلی، احساس محرومیت و بی‌بست، احساس گناه و نگرانی و پنهان‌کاری، شکست‌های عاطفی، سرخوردگی و آزارها و خستگی‌های روحی، از پی‌آمدهایی هستند که گریبان‌گیر جوانان و نوجوانان است. بیان این مطالب بدان معنا نیست که آزادی رابطه دختر و پسر، سلامت روانی را برای جوانان و نوجوانان به ارمغان می‌آورد. حتی رویکردهای افراطی و توجه صرف به لذت‌های جنسی، بدون در نظر گرفتن جنبه‌های والای معنوی در زندگی، یکی از عوامل مهم مشکلات روحی و روانی جوانان است. بنا بر پژوهش سازمان بهداشت جهانی، از صد و پنجاه هزار نوجوان و جوان در کشورهای مختلف، نوجوانان و جوانان انگلیسی بیش از دیگران مشروب و سیگار مصرف می‌کنند و روابط جنسی دارند. در عین حال، از همه افسرده‌تر و ناسالم‌تر هستند و بیش از نیمی از آنها، دوستان خود را اعتمادناپذیر و نامهربان می‌دانند. ۳ بدون تردید، برآوردن متعادل نیازهای مادی و گرایش‌های غریزی و عاطفی در کنار توجه به جنبه‌های والای معنوی و معرفتی، تا حد زیادی سلامت روانی جوانان و نوجوانان را تأمین می‌کند. -----

۱. نک: وضعیت و نگرش و مسائل جوانان مراکز استان‌های کشور، ص ۵۲۲. ۲. نک: همان، صص ۹۰ و ۵۲۲.

۳. اخبار واحد مرکز خبر، ۱۶/۳/۱۳۸۳.

ب) دین‌گریزی و اثرپذیری از دشمنان نظام اسلامی

بسیاری از جوانان، تصور نادرستی از اسلام دارند. آنها دین را بیشتر عامل محدودکننده به ویژه در امور جنسی می‌دانند که از هنگام بلوغ و هم‌زمان با آغاز احساسات جنسی و اوج‌گیری گرایش‌های غریزی، آنها را از رابطه با جنس مخالف باز می‌دارد. از همین رو، نظام اسلامی در نظر بسیاری از جوانان و نوجوانان، نظامی محدودکننده به نظر می‌آید. این نگرش سبب می‌شود زمینه‌های دین‌گریزی و اثرپذیری از دشمنان و احساس نارضایتی و حتی تضاد و رودررویی با نظام اسلامی در جوانان و نوجوانان افزایش یابد. واقعیت این است که آموزه‌های اسلام کاملاً با فطرت انسانی سازگار است و اگر به درستی شناخته و اجرا شود، نوجوانان و جوانان به آسانی آنها را می‌پذیرند. برای مثال، کمتر جوانی با تحریم دروغ یا دزدی در اسلام، مشکل دارد. در مورد نیازها و گزینه‌های مختلف نیز اگر چه اسلام محدودیت‌هایی دارد، مثل آنکه افراد را از برخی خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حرام نهی می‌کند، ولی در کنار آن، گستره‌ای از حلال‌ها را در اختیار انسان‌ها گذارده است، به گونه‌ای که کسی احساس تنگنا نمی‌کند و همگان به راحتی می‌توانند نیازهای طبیعی و غریزی خود را برطرف سازند.

ج) دور شدن از خانواده‌ها و ناسازگاری با والدین

حساسیت خانواده‌ها در مورد مسائل جنسی و نیز نیازهای برآورده نشده یا تحریک‌شده نوجوانان و جوانان که گاه آنها را به رفتارهای نامطلوب می‌کشاند، زمینه احساس نارضایتی متقابل، پنهان‌کاری، اختلاف و کشمکش و دور شدن از خانواده‌ها را فراهم می‌آورد.

د) افتادن در دام کام‌جویی‌های بدلی

فرو رفتن در اوهام و خیال‌ها، چشم‌چرانی، پناه بردن به عکس‌ها، فیلم‌ها، ترانه‌های مبتذل و دوستی‌های مجازی و چتی و مانند آن، از دیگر مشکلات روحی و روانی جوانان است.

ه) رواج بدحجابی، مزاحمت‌های خیابانی و دیگر ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی

بی‌تردید، اگر حس خودآرایی و دلبری که در نهاد زنان و دختران قرار دارد و نیز گزینه پیوندخواهی جنسی که در پسران و مردان وجود دارد، به طور طبیعی و مشروع برآورده شود، زمینه بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی - فرهنگی مانند خودآرایی و بدحجابی، مزاحمت‌های خیابانی و مانند آن، کاهش می‌یابد. البته برخی از ناهنجاری‌ها نیز به دلیل همان احساس محدودیت و محرومیت‌های جنسی است که در اثر آن افراد به صورتی نمادین، اعتراض خود را به فرهنگ و نظام حاکم نشان می‌دهند. بی‌گمان، بدحجابی و خودآرایی دختران و زنان از عوامل گوناگونی سرچشمه می‌گیرد، ولی مسائل و خواسته‌های جنسی نیز در این باره بی‌تأثیر نیست.

و) اعتیاد، مشروبات الکلی و بزه‌کاری‌های مختلف بر اثر ناکامی‌ها و مشکلات روحی

آشفته‌گی روحی و فکری و فشارهای روانی، از مهم‌ترین عوامل روی آوردن افراد به مواد مخدر و مشروبات الکلی است. افرادی که

از نظر روحی در فشارند، چه بسا به غلط، روی آوردن به این امور را راهی برای فرار از مشکلات خود بپندارند. یکی از اموری که به ویژه در دوران نوجوانی و جوانی سبب آشفتگی فکری و فشار روانی می‌شود، نیازهای جنسی است. شکست‌های عشقی، مخالفت‌ها و محدودیت‌ها یا طرد از ناحیه خانواده و اجتماع، کشمکش‌ها، احساس محرومیت‌ها و ناکامی‌ها و اموری مانند آن که مستقیم یا غیرمستقیم از نیازها یا انحراف‌های جنسی ناشی می‌شود، بستر مناسبی را برای اعتیاد و انواع ناهنجاری‌ها و بزه‌کاری‌ها فراهم می‌آورد.

ز) مهاجرت به خارج از کشور

رفتن به خارج از ایران به امید دست‌یابی به آزادی و رهایی از تنگناهای فرهنگی و اخلاقی و قانونی در رابطه با جنس مخالف، مشکل دیگر جوانان است.

ج) فرار دختران و پسران

بنا بر آمار نیروی انتظامی در سال ۱۳۷۸، خانه‌گریزی ۷۳۷ نوجوان پسر و ۹۴۰ نوجوان دختر و ۱۰۰۶ دوشیزه و زن جوان ثبت شده است که بیشتر این آمار، به تهران اختصاص دارد. ۱. رئیس مرکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی سازمان آموزش و پرورش می‌گوید: «ماهان ۸۰ تا ۱۱۰ کودک و نوجوان از خانه‌ها فرار می‌کنند که شصت درصد آنها دخترند. ۵۱ درصد دبیرستانی؛ ۴۱ درصد راهنمایی و ۷ درصد ابتدایی.» ۲. بنا بر پژوهش‌های گوناگون، یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های فرار جوانان و نوجوانان، دوستی با جنس مخالف است که چون خارج از نظارت خانواده شکل می‌گیرد، آنان را به تضاد با خانواده‌ها و سرانجام خانه‌گریزی می‌کشاند. در یک بررسی از ۴۳ دختر فراری ساکن در مراکز مداخله در بحران استان تهران، ۶۰ درصد آنان گفته‌اند پیش از فرار، دوست پسر داشته‌اند و بیشتر آنها را همین دوستان و داشته‌اند تا فرار کنند. ۳.

۱. نک: گزارش ملی جوانان ۱۹ بررسی وضعیت فرار از خانواده جوانان، ص ۸۲. ۲. نشریه یالثارات، ش ۳۲۴، ۲۸/۲/۱۳۸۴. ۳. نک: رضا مه کام، خانه‌گریزی دختران، ریشه‌ها و پی‌آمدها، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۸.

ط) آلوده شدن به رابطه‌های نامشروع و فسادهای اجتماعی گوناگون

روابط نامشروع، پی‌آمدهای ناگواری برای فرد و جامعه دارد. افزون بر زیان‌های اجتماعی این روابط، مانند ناامنی اجتماعی و فرزندان نامشروع و بی‌سرپرست، بیشترین پی‌آمدهای منفی روابط نامشروع برای خود فرد است که مهم‌ترین آنها، آثار منفی اخروی و معنوی است. جوانی که در اثر تحریک‌های جنسی و فشارهای غریزی مرتکب عمل نامشروع می‌شود، چه بسا دچار احساس گناه شدید و عذاب وجدان شود، ولی به غلط گمان کند که با این گناه بزرگ، آب از سرش گذشته است. در این حالت، وی به احساس دوری از خدا و ناامیدی از رحمت الهی گرفتار می‌شود و زندگی خود را تبه می‌سازد. بی‌آبرویی، ترس و نگرانی، جدا شدن از خانواده و اجتماع، افتادن در دام اعتیاد، الکلیسم، خودفروشی و انواع بزه‌کاری‌ها، از دست دادن امکان ازدواج مناسب و زندگی سالم و انواع گرفتاری‌ها، از پی‌آمدهای روابط نامشروع برای دختران و پسران نوجوان و جوان است. البته به دلیل حساسیت‌های موجود در جامعه، این آسیب‌ها برای دختران بیشتر است. چه بسا دختران و پسرانی که از روی غفلت و تحت تأثیر

گرایش‌های جنسی، به دوستی با افراد ناباب و شرکت در پارتی‌ها روی آوردند و با انواع بزه‌کاری‌ها و انحراف‌ها آشنا شدند و پس از آنکه راه بازگشت را بسته دیدند یا از سوی خانواده‌ها رانده شدند، به جمع مجرمان حرفه‌ای پیوستند. چنان‌که گفتیم، روابط نامشروع زمینه‌ساز انواع فسادها است. حتی عامل اصلی بسیاری از قتل‌ها و جنایت‌ها در کشور، مسائل ناموسی و روابط نامشروع به شمار می‌رود. بی‌گمان، مهم‌ترین راه جلوگیری از گسترش این نوع رابطه‌ها، زمینه‌سازی برای برآوردن و آسان‌سازی نیازهای جنسی دختران و پسران در کنار افزایش تقوا و تربیت دینی است.

فصل دوم: راهکارهای اصلاحی

اشاره

در فصل‌های گذشته به مهم‌ترین مشکلات موجود در روابط میان زن و مرد و دختر و پسر در جامعه امروز ایران اشاره کردیم. در حوزه روابط اجتماعی، مشکلاتی مانند رعایت نشدن کامل احکام و ظواهر شرعی، گسترش اختلاط و تماس‌های گسترده میان نامحرمان و ناسازگاری لوازم آن با فرهنگ سنتی و اسلامی جامعه، وجود ابهام و دوگانگی فرهنگی و بالا بودن میزان انحراف در روابط اجتماعی بررسی شد. در حوزه روابط جنسی نیز به افزایش آستانه تحریک‌پذیری جوانان و رابطه‌های غیرشرعی، مانند دوستی‌ها و روابط محدود تا روابط نامشروع، بالا رفتن سن ازدواج جوانان و نبودن بسترهای مناسب برای برآورده ساختن نیازهای عاطفی و جنسی آنان اشاره کردیم و گفتیم که این‌گونه مشکلات تا حد زیادی از اختلاط فرهنگی و بی‌تعادلی در نظام رفتار جنسی به معنای عام آن سرچشمه می‌گیرد. برای حل ریشه‌ای مشکلات موجود، راهی نداریم جز التزام همه‌جانبه به ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی و اجرای کامل و غیرگزینشی نظام رفتاری اسلام در جامعه. برای این منظور، باید به محورهای عملی توجه ویژه شود: ۱. تقویت و درونی‌سازی آموزه‌ها، ارزش‌ها و احکام اسلامی در افراد و گسترش فرهنگ اسلامی در جامعه؛ ۲. شناخت واقع‌بینانه از فرهنگ غرب و آگاهی از نقاط قوت و ضعف آن؛ ۳. ایجاد بسترهای مناسب برای روابط مشروع میان دختران و پسران و پاسخ‌گویی مناسب به نیازهای عاطفی و غریزی آنان. اکنون درباره این سه محور اصلاحی و نیز نهادها و گروه‌هایی که می‌توانند در جهت‌دهی درست به روابط دختر و پسر اثرگذار باشند، بحث خواهیم کرد.

۱. اساسی‌ترین راهکارهای اصلاحی

اشاره

الف) نهادینه کردن باورها و هنجارهای اسلامی در افراد و گسترش فرهنگ اسلامی در جامعه

برای جلوگیری از التقاط فرهنگی و ناهنجاری‌ها و انحراف‌ها در جامعه، باید باورها و ارزش‌های اسلامی در همگان تقویت شود تا زمینه رعایت هر چه بهتر هنجارها و احکام اسلامی پدید آید. باید ایمان و بینش‌های آگاهانه را در همه مردم به ویژه نوجوانان و جوانان تقویت کرد تا تقوا و خداترسی و آخرت‌باوری، در درونشان نهادینه شود. باید تصور نادرست جوانان از دین را اصلاح کرد

تا بدون شناخت از جاذبه‌ها و زیبایی‌های دین و آزادی‌های اسلامی، دین را عامل محدودیت و محرومیت نپندارند. همچنین باید جهت‌گیری‌ها و احکام اسلامی را در زمینه رابطه با جنس مخالف، به خوبی تبیین کرد. شناخت درست هدف‌ها، جهت‌گیری‌ها و نظام رفتار جنسی در اسلام و اجرای کامل و غیرگزینشی آن همچون حدود و ضوابط و آزادی‌های مشروع می‌تواند جامعه را از بسیاری از انحراف‌ها باز دارد و سلامت و نشاط و خوش‌بختی دنیا و آخرت را برای افراد جامعه به ارمغان آورد. تمام جهت‌گیری‌هایی که در بخش‌های گذشته به صورت مبسوط از آنها یاد شد و نیز دستورها و سفارش‌هایی مانند اهتمام به مراقبت‌های لازم در خانواده، حجاب و پرهیز از خودآرایی، حفظ حریم، روحیه حیا و عفت، کاستن از اختلاط‌های غیرضروری میان نامحرم، حفظ نگاه، کاستن از محرک‌های جنسی در محیط‌های اجتماعی، تقویت روحیه غیرت، پرهیز از روابط ناسالم و شبه‌ناک، امر به معروف و مجازات مجرم و آسان‌سازی روابط مشروع در چارچوب‌های شرعی باید در جامعه تبیین شود تا همگان از پی‌آمدهای منفی گناه و غفلت از این امور آگاه شوند. در این زمینه، بیشترین زمینه‌سازی، با کار فرهنگی و تربیتی است؛ زیرا اگر ارزش‌ها و هنجارها در درون افراد نهادینه شود، خود به خود فضای جامعه نیز اصلاح می‌شود. البته نظارت عمومی و مراقبت‌های اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر و نظارت‌ها و برخوردهای قانونی با مجرم نیز حفظ و دوام این سلامت اجتماعی را تضمین می‌کند. بی‌تردید، اگر هر کدام از جهت‌گیری‌های اسلامی، در جامعه عملی نشود و نظام رفتاری اسلام، به طور کامل اجرا نشود، پی‌آمدهای آن به صورت بی‌تعدلی و اختلال در نظام رفتاری جامعه و انحراف‌ها و ناهنجاری‌های مختلف رخ می‌نماید. در جامعه‌ای که آستانه تحریک‌های جنسی در محیط‌های اجتماعی‌اش زیاد است، حجاب و دیگر احکام شرعی به درستی رعایت نمی‌شود و اختلاط گسترده میان نامحرم در محیط‌های اجتماعی نهادینه شده است، از سوی دیگر، ارضای مشروع گرایش‌های جنسی جوانان با محدودیت‌های فراوان روبه‌روست؛ رخ دادن مشکلات گوناگون، دور از انتظار نیست. -----

(ب) آگاهی از فرهنگ غرب و شناخت نقاط قوت و ضعف آن

گفتیم که از عوامل مهم اختلاط فرهنگی و دوگانگی ارزشی در جامعه ما، نفوذ و گسترش فرهنگ غرب است که در پرتو سیطره علمی و اقتصادی و قدرت رسانه‌ای، همه دنیا را تحت تأثیر خود قرار داده است. درباره جهان اسلام به ویژه ایران، انگیزه‌های سیاسی نیز زمینه‌های شدت گرفتن این تهاجم فرهنگی را فراهم آورده است. به هر حال، گسترش فرهنگ و ارزش‌های غربی در دنیای امروز، واقعیتی انکارناپذیر است و نمی‌توان خود را از تماس با این واقعیت برکنار دانست. البته برخورد ما با فرهنگ غرب باید برخوردی عقلانی، علمی و فعال باشد، نه منفعلانه و غیرمنطقی. از یک سو، نباید فرهنگ غرب را به کلی بی‌ارزش دانست و از سوی دیگر، نباید به کلی در برابر آن تسلیم شد. اگر یک‌سره جوانان را از غرب بترسانیم و آزادی‌های غربی را نفی کنیم، ولی میان نقاط قوت و منفی تمدن غربی تمایز قائل نشویم یا در نقد فرهنگ غرب، با مبنای علمی برخورد نکنیم، نمی‌توانیم نوجوانان و جوانان را در برابر این هجوم فرهنگی حفظ کنیم و دفاع مناسبی از فرهنگ اسلامی داشته باشیم. -----

(ج) بسترسازی مناسب برای ازدواج دختر و پسر

امروزه در جامعه، بسیاری از جوانان شرایط مناسب ازدواج را ندارند، در حالی که در دوره‌های گذشته، این مشکل برای بسیاری از جوانان وجود نداشت و بیشتر دخترها و پسرها در فاصله کمی از بلوغ، ازدواج می‌کردند. در واقع، شرایط نوجوانان ایران در مقایسه

با گذشته تاریخی و نیز وضعیت دنیا، متفاوت است و همین امر، ریشه بسیاری از ناهنجاری‌ها و انحراف‌هاست. حتی افزایش زمینه‌های انحراف در روابط اجتماعی معمول میان دو جنس و ناهماهنگی در روابط اجتماعی نیز تا حدود زیادی به همین مسئله برمی‌گردد. بی‌تردید، وضعیت کنونی جامعه ما از این جهت، شایسته نیست و اساسی‌ترین راه کار اصلاحی در رابطه میان دختر و پسرها، فراهم کردن شرایط مناسب ازدواج برای ارضای مشروع کشش‌های عاطفی و غریزی آنهاست. در آموزه‌های اسلامی نیز راه کار اصلی و توصیه اولیه در برخورد با مسائل جنسی جوانان، ارضای نیازهای جنسی به صورت طبیعی است و خودنگهداری (عفت)، در مرحله بعد و به عنوان تکمیل‌کننده این راه کار اصلی سفارش می‌شود، چنان که خداوند در قرآن، نخست، بزرگ‌ترها را به فراهم آوردن زمینه ازدواج جوانان امر می‌فرماید سپس کسانی را که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، به حفظ پاک‌دامنی و عفت فرا می‌خواند. ۱. بر اساس بسیاری از روایت‌ها، ارضای نیازهای جنسی، راه کار اصلی دین‌داری و دوری از گناهان و انحراف‌ها به ویژه برای جوانان است، چنان که پیامبر می‌فرماید: هر جوانی که در آغاز جوانی‌اش ازدواج کند، شیطانی که مأمور اوست، ناله می‌زند: «ای وای! دو سوم دینش را از دست من حفظ کرد.» پس Z باید این بنده، در ثلث باقی مانده، تقوای الهی پیشه کند. ۲. همچنین فرمود: ای گروه جوانان، هر کس از شما توانایی جنسی پیدا کرد، ازدواج کند. به درستی که این امر، موجب حفظ بیشتر و بهتر چشم و دامان است. ۳. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام پس از تعزیر شخصی که خودارضایی می‌کرد، با خرج بیت‌المال، ترتیب ازدواج او را فراهم آورد. ۴. همین رویکرد برای حل مشکلات جنسی جوانان در سفارش‌های عالمان و مراجع دینی نیز به خوبی مشهود است. برای نمونه، در پاسخ آیت‌الله العظمی گلپایگانی رحمه‌الله به پرسشی در این زمینه آمده است: «بهترین راه برای اینکه غریزه جنسی سبب آلودگی به حرام نشود، ازدواج دائم یا موقت است که ثواب بسیار هم دارد». ۵. بی‌تردید، ارضای شایسته نیازهای عاطفی و غریزی افراد در جامعه، در کنار گسترش تربیت دینی، زمینه مناسبی را برای رشد اخلاقی و گسترش فضای معنوی در میان افراد به ویژه جوانان فراهم می‌آورد و موجب سلامت روحی و جسمی آنان می‌شود. همچنین آسیب‌پذیری آنان را از تهاجم فرهنگ غرب کاهش می‌دهد و زمینه‌های دین‌گریزی و گناه و انحراف را تا اندازه زیادی از میان می‌برد. -----

۱. نک: نور: ۳۳. ۲. همان، باب ۱ از ابواب النکاح، ص ۱۴۹، ح ۱۶۳۳۱. ۳. همان، ص ۱۵۳، ح ۱۶۳۵۰. ۴. وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۲۸ از ابواب النکاح المحرم، ح ۲۵۸۰۶. ۵. نک: آیت‌الله العظمی گلپایگانی، مجمع المسائل، مسائل متفرقه، سؤال ۸۹.

د) بستر سازی برای روابط مشروع میان دختر و پسر

اشاره

بنابر آموزه‌های اسلام، رابطه دختر و پسر و زن و مرد، باید در چارچوب و با ضابطه خاصی باشد؛ یعنی باید دختر و پسر و زن و مرد، نخست با خواندن عقد شرعی محرم یکدیگر شوند. عقد شرعی نیز به دو شکل عقد دائم و موقت است. البته روابط جنسی، از لوازم ازدواج دائم است، ولی در ازدواج موقت دو طرف می‌توانند با شرط ضمن عقد، روابط خود را تنها به محرم بودن شرعی - بدون آمیزش - محدود سازند. -----

با تغییر در شرایط جامعه و شرایط عمومی زندگی امروزی و نیز وجود مشکلات و موانع گوناگون برای ازدواج جوانان، میانگین سن ازدواج افزایش یافته است. البته برخی از این موانع، لازمه اجتناب‌ناپذیر زندگی‌های امروزی است، ولی برخی از این موانع با فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش‌ها و حمایت‌های دولت و خانواده‌ها از زوج‌های جوان، رفع‌شدنی هستند. با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و واقعیت‌های دنیای امروز و جامعه ما نمی‌توان مسئولیت تشکیل خانواده و اداره کامل یک زندگی مستقل را بر دوش نوجوانان و جوانان گذاشت. چنین خواسته‌ای از دختر و پسر پانزده یا شانزده ساله‌ای که هنوز در دوره دبیرستان و آغاز نوجوانی است، غیر عقلانی است؛ زیرا او اگر چه به بلوغ جنسی رسیده و از این نظر رشد یافته است، ولی تا رسیدن به بلوغ اجتماعی و اقتصادی و حتی رشد شخصیتی لازم برای اداره زندگی، راه زیادی در پیش دارد. از این رو، قرار دادن او در مسیر دشوار زندگی و تحمیل بار اداره زندگی بر او غیر منطقی است و خود او نیز چنین چیزی را نمی‌پذیرد. به دلیل همین مسئولیت‌های دشوار، امروزه بسیاری از جوانان (چه رسد به نوجوانان) از تشکیل خانواده سر باز می‌زنند. از سویی نیز اگر بخواهد در انتظار فراهم شدن شرایط لازم برای تشکیل خانواده و پذیرفتن مسئولیت زندگی باشد، باید دست کم چندین سال (نزدیک به ده سال)، نیازهای غریزی خود را بی‌پاسخ بگذارد و خواسته‌هایش را سرکوب کند. برای حل این مشکل، گروهی از عالمان دینی و کارشناسان تربیتی، ازدواج بدون مسئولیت‌های معمول آن را در سنین پایین جوانان سفارش کرده‌اند. ۱. خانم دکتر شکوه نوابی‌نژاد، استاد دانشگاه و عضو شورای فرهنگی و اجتماعی زنان در این زمینه چنین می‌گوید: ما اکنون در تهران قطعاً با یک آسیب‌شناسی عمیق خانواده مواجه هستیم؛ یعنی ما برای این دوران انتقال از سنت به مدرنیته، خیلی بهای سنگینی می‌دهیم. دوره انتقال، همیشه یک دوره محدود است، ولی برای ما خیلی طولانی شده است. اگر از من به عنوان یک متخصص خانواده، تعریف یک خانواده ایرانی را بخواهید، برای آن تعریفی ندارم. خانواده ایرانی را من (یک قطب) پیوسته‌وار می‌بینم که یک سر این قطب، سنت و یک سرش مدرنیته است... من روابط آزاد دختر و پسر را تأیید نمی‌کنم. البته او نیاز هم دارد؛ چون تا زمان ازدواج، هفت، هشت یا ده سالی باید منتظر بماند. در سنت فرهنگی ما، خانواده یک اتاق می‌داد و پسرش را زن می‌داد و او گوشه‌خانه‌اش می‌نشست، خرجش را هم می‌داد. در این شرایط، پسر درسش را هم می‌خواند. دختر هم اگر بخواهد درسش را می‌خواند و پدر و مادرش خرجش را می‌دهد. اگر ما هیچ راه حلی ارائه ندهیم و صرفاً به اینها بگوییم رابطه آزاد نداشته باشید، فایده ندارد. اینها هر دو منبع آتشند. از همین رو، این همه روابط آزاد در ایران داریم و هیچ کس نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد... ۲. در این راه حل، دختر و پسر در نوجوانی که نیازهای جنسی را احساس می‌کنند (۱۴ - ۱۵ سالگی در دختر و ۱۶ - ۱۷ سالگی در پسر) ازدواج می‌کنند. برای مثال، هفته‌ای یک یا دو بار به دیدن هم می‌روند تا وقتی که توان تشکیل زندگی را به دست آورند. یا اینکه به روش گذشتگان، در اتاقی از خانه پدر پسر ساکن می‌شوند و هزینه‌شان نیز بر عهده خانواده‌هایشان خواهد بود. مزیت‌ها و مشکلات: راه کاری که اسلام برای ازدواج بدون مسئولیت‌های ناشی از تشکیل خانواده پیش‌بینی می‌کند، ازدواج موقت است، ولی به دلیل ذهنیت‌ها و شرایط فرهنگی جامعه ما، ازدواج موقت با مانع‌های اساسی روبه‌رو است که در ازدواج دائم در کم سن و سالی، بسیاری از این موانع وجود ندارد و این مهم‌ترین مزیت این راه کار است. البته در ازدواج‌های در سنین پایین نیز مشکلاتی مانند استقبال نشدن و پذیرفته نشدن از سوی خانواده‌ها و جوانان و مشکل انتخاب‌های احساسی یا تحمیلی وجود دارد که آینده زندگی را با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌سازد. یکی از علت‌های پذیرفته نشدن این راه کار، آن است که ازدواج مبادله‌ای اجتماعی است که در آن، مجموعه ارزش‌های دو طرف، با یکدیگر سنجیده می‌شود. موقعیت اجتماعی و شغلی، وضعیت اقتصادی، میزان سن، احترام فامیلی و میزان زیبایی در این مبادله اثرگذار است. درباره دختر و پسر که به بلوغ اقتصادی و اجتماعی نرسیده‌اند و وضعیت آینده آنها چندان مشخص نیست (برای مثال، هر دو دبیرستانی هستند)، خانواده‌ها و حتی خود آنان نمی‌توانند از دارا بودن ویژگی‌های لازم برای هم‌شان بودن در همسری مطمئن باشند. از این رو، به ازدواج دائم راضی نمی‌شوند. ۳. حتی اگر خانواده‌ها و جوانان نیز به این پیوند رضایت بدهند، مشکل

جدی‌تری وجود دارد؛ زیرا دختر و پسر در این سن، بیشتر گرفتار احساسات و التهاب‌های غریزی و عاطفی هستند و درک درستی از نیازها و گرایش‌های واقعی و جنبه‌های اخلاقی و روحی یکدیگر ندارند. حتی خودشان نیز به یک ثبات شخصیتی و شناخت واقع‌بینانه از خودشان و هدف‌های زندگی‌شان نرسیده‌اند. در نتیجه، نمی‌توانند به درستی تشخیص دهند فردی که می‌خواهند تا آخر عمر با او زندگی کنند، باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد. از همین رو، انتخاب‌ها، احساسی می‌شود و پس از گذشت چند سال از زندگی و رشد عقلانی و ثبات شخصیتی و کاسته شدن از التهاب‌های غریزی، اثر منفی آن به شکل ناسازگاری در زندگی آشکار می‌شود. همچنین ممکن است به دلیل همین کم سن و سالی دختر و پسر، در عمل انتخاب از سوی خانواده‌ها صورت گیرد و خود دختر و پسر نقش زیادی در این میان نداشته باشند، چنان‌که در گذشته، تصمیم اصلی در بسیاری از ازدواج‌ها بر عهده خانواده‌ها بود و حتی در گهواره دختر و پسر را با هم نامزد می‌کردند. این گونه ازدواج‌ها نیز همان مشکلات را در آینده داشت؛ یعنی دختر و پسر با رسیدن به کمال عقلی و ثبات شخصیتی، درمی‌یابند همسرشان ملاک‌های مورد نظر آنها را ندارد و مجبور می‌شوند زندگی را با بی‌علاقگی ادامه دهند یا به ناسازگاری جدی یا جدایی کشیده شوند به‌ویژه آنکه امروزه، شرایط با گذشته بسیار متفاوت است. امروزه خود جوانان می‌خواهند همسر دل‌خواه خود را برگزینند و به آسانی زیر بار ازدواج‌های تحمیلی و تصمیم خانواده‌ها نمی‌روند. در گذشته، به دلیل کم بودن میزان اختلاط، زن و مرد ارتباط زیادی با افرادی غیر از همسرشان نداشتند. همچنین برای زن ارزش بود که با لباس عروسی به خانه شوهر برود و با کفن از خانه او بیرون آید و طلاق امری ناپسند بود. چندهمسری و خریدن کنیز نیز برای مردان ممکن بود. به همین دلیل، همسران با مشکلات زندگی می‌ساختند و به ناسازگاری و جدایی تن نمی‌دادند، ولی امروزه با افزایش اختلاط زن و مرد و گسترش رسانه‌ها، شخص هر روز، شمار بیشتری از افراد جنس مخالف را می‌بیند. این امر، هم پیش از ازدواج، گزینه‌های انتخابی را برای افراد بیشتر می‌کند و هم سبب می‌شود پس از ازدواج، فرد به صورت ناخودآگاه، همسرش را با دیگران مقایسه کند و کم‌کم زمینه‌های نارضایتی برای او فراهم شود. جوانان امروز، کمتر حاضرند با مشکلات روزانه بسازند و زندگی را با نداشتن توافق ادامه دهند. بنابراین، راحت‌تر از گذشته، کار را به تعارض‌های جدی و سرانجام جدایی می‌کشاند. از این رو، بیشتر ازدواج‌هایی که با انتخاب‌های احساسی یا تحمیل و اجبار خانواده‌ها صورت می‌گیرند، با مشکل روبه‌رو می‌شوند. پژوهش‌های مختلف در جوامع دیگر نیز نشانه ناموفق بودن ازدواج در کم سن و سالی است. برای مثال، در سوریه که ازدواج دختران و پسران روستایی در کم‌سالی صورت می‌گیرد، ازدواج زود هنگام در روستاها عامل ۷۱ درصد طلاق‌ها شناخته شده است. ۴ به سبب این گونه مشکلات در ازدواج داریم در نوجوانی، بسیاری از کارشناسان این امر را سفارش نمی‌کنند و برآنند که بهتر است ازدواج داریم در سنی انجام پذیرد که قوای عقلانی بر قوای احساسی و شهوانی چیره شده باشد، ولی به هر حال، با به کار بردن تدبیرهای گوناگون، می‌توان پی‌آمدهای منفی ازدواج داریم در سن پایین را بسیار کاهش داد. ۱. برای نمونه،

آیت الله ابراهیم امینی در خطبه‌های نماز جمعه قم، این راه کار را مطرح کردند. نک: کتاب جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی جوانان، ص ۶۹. ۲. ماهنامه حوراء، ش چهارم، اردی‌بهشت و خرداد ۱۳۸۳، ص ۳۷. ۳. نک: غلام رضا صدیق اورعی، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی جوانان، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، چ ۱، ۱۳۷۴، ص ۶۹. ۴. نک: «سیمای زن در جهان سوریه»، مرکز امور مشارکت زنان، تهران، نشر برگ زیتون، چ ۱، ۱۳۷۷، ص ۲۸.

۲. نقش گروه‌ها و نهادهای اثرگذار

برای اصلاح روابط میان زن و مرد و دختر و پسر و عملی کردن برنامه‌های اصلاحی پیش گفته، بیش از همه به کار تربیتی و فرهنگی و استفاده از ابزارهای جامعه‌پذیری نیاز است. همچنین در کنار آن، ابزارهای مراقبت اجتماعی برای نظارت و رویارویی با انحراف‌ها لازم است. ۱. معمولاً خانواده، مدرسه و دانشگاه، رسانه‌ها، گروه دوستان و هم‌سالان و محیط جامعه را مهم‌ترین عوامل درونی کردن ارزش‌ها در افراد و جامعه‌پذیری می‌دانند و در مراقبت اجتماعی نیز افزون بر نظارت و مراقبت درون خانواده و نظارت‌های اجتماعی - از جمله امر به معروف و نهی از منکر - اعمال مراقبت و نظارت نهادهای حکومتی و انتظامی و تنبیه و مجازات مجرمان اهمیت می‌یابد. مهم‌ترین گروه‌ها یا نهادهای اثرگذار در روابط دختر و پسر عبارتند از: -----

----- ۱. «جامعه‌پذیری»، کیفیتی است که در نتیجه آن، انسان شیوه زندگی در جامعه را می‌آموزد و خود را با هنجارهای جامعه سازگار می‌کند؛ یعنی با آن هنجارها آشنا می‌شود و آنها را درونی می‌کند. «مراقبت کنترل اجتماعی» نیز ادامه جامعه‌پذیری است؛ یعنی اگر جامعه‌پذیری اختیاری نباشد یا ناقص انجام شود، مکانیزم‌های مراقبت اجتماعی برای انتقال، تحمیل و اجرای هنجارها و انتظارات به کار می‌روند. در واقع، مجموع عواملی که یک جامعه برای حفظ معیارهای خود به کار می‌برد و موانعی که به قصد جلوگیری از کج‌روی‌های اجتماعی در راه افراد قرار می‌دهد، مراقبت اجتماعی را ایجاد می‌کند. (نک: عبدالله جوان، نظم اجتماعی در اسلام، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۲).

الف) خانواده

بی‌تردید، خانواده، مهم‌ترین نقش را در تربیت و سلامت فرزندان بر عهده دارد. تربیت شایسته در خانواده می‌تواند ایمان دینی و التزام به ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی را در اعضا استوار سازد. البته این امر، به آگاهی و هشیاری والدین و اعضای خانواده و بهره‌گیری آنان از راهنمایی‌های عالمان دینی و کارشناسان تربیتی و ارتباط با جمعیت‌ها و محافل مذهبی و معنوی نیازمند است. خانواده باید الگوی اسلامی و مناسب رفتار جنسی و احکام محرم و نامحرم را به فرزندان خود بیاموزد و انحراف‌های جنسی را به خوبی به آنان گوشزد کند. همچنین والدین باید متناسب با مراحل رشد فرزندان و به شکلی حساب‌شده، آگاهی‌های لازم درباره مسائل جنسی و رابطه با جنس مخالف را به فرزندان بدهند تا کنجکاوی‌های فرزندان، آنها را به رفتارهای پرخطر نکشاند. همچنین خانواده باید کانون محبت و آرامش باشد تا از ایجاد خلأهای عاطفی و روانی که زمینه‌ساز انحراف در دوران نوجوانی و جوانی است، جلوگیری شود و فرزندان در جست‌وجوی محبت و آرامش، در دام شیادان گرفتار نیایند. محیط خانواده باید محیطی سالم باشد و والدین در روابط خود و نیز روابط خویشاوندی و دوستانه، مراقب باشند که زمینه‌های بدآموزی و انحراف‌های بعدی را در کودکان ایجاد نکنند. اگر در خانواده‌ای، خود والدین به تماشای فیلم‌های تحریک‌کننده ویدئویی یا ماهواره‌ای پردازند و گمان کنند که فرزندان کوچکشان از این مسائل سر در نمی‌آورند، انحراف فرزندان در آینده، دور از انتظار نخواهد بود. نقش خانواده‌ها در مراقبت از فرزندان، بسیار اثرگذار است. معمولاً خانواده‌ها درباره نوجوانان و جوانان به ویژه در زمینه رابطه با جنس مخالف، یکی از سه رویکرد زیر را در پیش می‌گیرند: یک - ایجاد محدودیت و منع شدید؛ دو - آزاد گذاشتن و نداشتن مراقبت؛ سه - آگاهی دادن، جهت‌دهی و مراقبت ضمنی. محدود کردن و منع شدید ممکن است اثر عکس داشته باشد و نوجوان و جوان را بیشتر حساس کند و او به خیال‌بافی‌های جنسی روی آورد یا در پی یافتن راهی برای گریز از محدودیت‌ها، در دام افراد ناباب یا تجربه‌های انحرافی گرفتار شود. آزاد گذاشتن و مراقبت نکردن زمینه انحراف را فراهم می‌آورد. اگر خانواده‌ها بتوانند رفتارهای نوجوان و جوان خود را با آگاهی دادن، جهت دهند و در کنار تقویت عزت و اعتماد به نفس و دادن آزادی نسبی و حق‌گرینش، او را در انتخاب‌های یاری رسانند و به طور نامحسوس از او مراقبت کنند، آسیب‌های کمتری، نوجوان و جوان‌شان را تهدید

خواهد کرد. همچنین آسان‌تر به مرحله خودکنترلی و درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارها می‌رسند. یکی دیگر از وظایف مهم خانواده‌ها این است که هنگام آشکار شدن گرایش‌ها و نیازهای جنسی نوجوان و جوان، زمینه ارضای این نیازها را به صورت مشروع فراهم آورند، چنان‌که بنا بر برخی روایت‌ها، یکی از حقوق اساسی فرزندان بر والدین آن است که با رسیدن به بلوغ، شرایط ازدواج وی را فراهم آورند. ۱.-----

----- ۱. امام معصوم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «از حقوق فرزند بر پدرش سه چیز است: اینکه اسم نیکو برایش بگذارد و به او نوشتن پیام‌آموزد و زمانی که بالغ شد، زمینه ازدواجش را فراهم کند». نک: وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۸۸ از ابواب احکام الاولاد، ص ۴۸۲، ح ۲۷۶۴۶.

(ب) گروه دوستان و همسالان

در دوره نوجوانی و جوانی، گروه دوستان و همسالان در شکل‌گیری شخصیت و اخلاق و رفتار افراد بسیار اثرگذارند، به گونه‌ای که نوجوان و جوان برای همسان‌سازی خود با دوستان و همسالان، شاید به بسیاری از رفتارهای خوب یا بد روی آورد. از این رو، والدین باید دوستان فرزندان را بشناسند و زمینه دوستی او با افراد دین‌دار و با ادب را فراهم آورند. -----

(ج) مدرسه و دانشگاه

آموزش و پرورش و دانشگاه، از نهادهای مهم تربیتی و آموزشی و فرهنگ‌سازی هستند که باید باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی را در افراد نهادینه کنند. حتی بسیاری از مسایل جنسی نوجوانان و جوانان به گونه‌ای هستند که خانواده‌ها نیز آگاهی کافی را در مورد چگونگی برخورد با این مسائل ندارند، ولی مریبان و اولیای مدرسه‌ها و مشاوران و استادان دانشگاهی می‌توانند برخورد سنجیده‌تری با این موضوع داشته باشند. بر اساس بررسی‌های انجام شده در سازمان ملی جوانان، میانگین مسائلی مانند رشد هویت (اعم از هویت دینی، ملی، سیاسی و...) و سطح باورها و میزان التزام عملی به دین یا داشتن روحیه غیردینی، مشکلات جنسی و مانند آن، در گروه جوانان ۱۴ تا ۱۸ ساله مراکز استان‌های کشور که هرگز به مدرسه نرفته‌اند، با آنهایی که دانش‌آموز مدرسه‌های راهنمایی و دبیرستان هستند، تقریباً یکسان است و در این امور، تفاوت‌های اندکی میان این دو گروه دیده می‌شود. همچنین میانگین این امور در جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله‌ای که دانشجوی یا دانش‌آموخته دانشگاه هستند، با جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله‌ای که به مراکز آموزش عالی نرفته‌اند، تفاوتی ندارد. ۱. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که مدرسه‌ها و دانشگاه‌های کشور، در شکل‌دهی هویت جوانان و تقویت گرایش و التزام به دین و کاستن از مشکلات آنها چه نقشی دارند؟ چرا این مراکز آموزشی، در این زمینه تاکنون اثر بوده‌اند؟ محیط مدرسه و دانشگاه می‌تواند عاملی برای اصلاح یا انحراف نوجوان و جوان باشد؛ به ویژه در دانشگاه که افراد با فرهنگ‌های متفاوت و از شهرهای مختلف در آن گرد می‌آیند. بسیاری از این جوانان، دور از خانواده و در خوابگاه‌های دانشجویی با مسائل مختلفی روبه‌رو می‌شوند و در معرض آسیب‌های گوناگون قرار می‌گیرند. همچنین اختلاط میان دختر و پسر در دانشگاه برای جوانانی که پیش‌تر در محیط مدرسه و جامعه، امکان ارتباط با نامحرم را نداشته‌اند، چه بسا آنها را با ابهام و تضاد فرهنگی روبه‌رو سازد یا به هیجان‌زدگی و وادادگی دچار کند. -----

----- ۱. نک: وضعیت و نگرش و مسائل جوانان مراکز استان‌های کشور، ص ۸۴.

(د) رسانه‌ها

نقش رسانه‌های شنیداری، دیداری و نوشتاری در فرهنگ‌سازی شایسته، آگاهی‌رسانی، هشدار به جهت‌گیری‌های نادرست و انحرافی و زمینه‌سازی برای روابط سالم در جامعه، کاملاً جدی است. در بخش همراه با برنامه‌سازان، در این باره بیشتر بحث خواهد شد.

هـ) نهادهای حکومتی

دولت در جامعه ما با در دست داشتن ابزارهای فرهنگی، نقش مهمی در سیاست‌گذاری و جهت‌دهی اجتماعی و فرهنگی دارد. حکومت باید با توجه به هدف‌ها و جهت‌گیری‌های اسلامی و با در نظر گرفتن واقعیت‌های جامعه، در برنامه‌ریزی و اجرای نظام اجتماعی و فرهنگی اسلامی بکوشد و برای جبران ناکارآمدی‌های نظام اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه و کاستن از ناهنجاری‌ها و انحراف‌ها، از ابزارهای سیاست‌گذاری، اجرایی و نظارتی بیشتر و دقیق‌تری بهره گیرد. در زمینه روابط دختر و پسر و زن و مرد و چگونگی برخورد با نیازها و گرایش‌های جنسی نوجوانان و جوانان نیز باید از بی‌برنامگی یا جهت‌گیری‌های سلیقه‌ای، ناقص و غیرشرعی پرهیز شود. حکومت جدا از جهت‌دهی‌های فرهنگی و فرهنگ‌سازی می‌تواند با به کارگیری ابزارهای اجرایی، از میزان اختلاط قهری میان زن و مرد در جامعه بکاهد و در آسان‌سازی روابط مشروع میان جوانان و برطرف ساختن موانع آن، نقش مهمی داشته باشد. همچنین نهادهای نظارتی و انتظامی باید در فراهم آوردن امنیت و سلامت در محیط‌های اجتماعی و زدودن نمودهای فساد در جامعه کوشا باشند. این سفارش، هرگز به معنای تجویز برخوردهای فیزیکی و خشک با جوانان نیست. البته اگر گناه و شکستن حرمت حدود الهی به صورت قطعی و آشکارا صورت گیرد و قابل چشم‌پوشی نباشد، باید با هنجارشکنان بی‌بندوبار و نمودهای فساد در جامعه برخورد شود. همچنین با کسانی که به صورت سازمان‌یافته و حرفه‌ای، برای انحراف جوانان و گسترش فساد در جامعه فعالیت می‌کنند، باید با قاطعیت برخورد شود. با این حال، در برخورد با جوانان باید جهت‌ارشادی و تربیتی بر جنبه‌های انتظامی و برخوردهای خشن، مقدم باشد، چنان‌که سیره معصومین علیهم‌السلام نیز چنین بود. نقل است جوانی خدمت پیامبر آمد و گفت: ای پیامبر خدا، آیا به من اجازه می‌دهید زنا کنم؟ با گفتن این سخن، فریاد مردم بلند شد و همه به او اعتراض کردند، ولی پیامبر با خون‌سردی و نرم‌خویی فرمود: «نزدیک بیا». چون جوان نزدیک آمد و در برابر پیامبر نشست، حضرت با محبت از او پرسید: «آیا دوست داری با مادر تو چنین کنند؟» گفت: نه، فدایت شوم. فرمود: «همین‌طور مردم راضی نیستند با مادرشان چنین شود. آیا دوست داری با دختر تو چنین کنند؟» گفت: نه، فدایت شوم. فرمود: «همین‌طور مردم درباره دخترانشان راضی نیستند. بگو بینم آیا برای خواهرت می‌پسندی؟» جوان باز انکار کرد و به کلی از گفته خود پشیمان شد. آن‌گاه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌هدست بر سینه او گذاشت و در حق او دعا کرد و فرمود: «خدا یا، قلب او را پاک گردان و گناه او را ببخش و دامان او را از آلودگی به بی‌عفتی نگاه دار.» از آن پس، زشت‌ترین کار نزد این جوان، زنا بود. ۱. به هر حال، وظیفه اصلی حکومت اسلامی، فرهنگ‌سازی شایسته و هدایت فرهنگی و اجتماعی و نیز بسترسازی برای آسان‌سازی روابط مشروع میان دختر و پسر است. بی‌گمان، بدون توجه به این امور، فعالیت‌های نظارتی و انتظامی فایده‌چندانی نخواهد داشت.

۱. نک: تفسیر نمونه، ج ۳، ذیل آیه ۱۰۴ سوره آل

عمران، ص ۵۵.

بخش پنجم: همراه با برنامه‌سازان

اشاره

در هر جامعه‌ای، مهم‌ترین عامل تنظیم روابط از جمله روابط زن و مرد و دختر و پسر عبارت است از هنجارهایی که بر اساس ارزش‌ها و باورهای رایج در جامعه شکل می‌گیرد. به بیان بهتر، فرهنگ هر جامعه، چگونگی روابط را در آن جامعه تعیین می‌کند. از این رو، عوامل اثرگذاری در فرهنگ‌سازی و جامعه‌پذیری، نقش اصلی را در این زمینه دارند. از آنجا که رسانه صدا و سیما از مهم‌ترین ابزارهای جامعه‌پذیری و عوامل فرهنگ‌سازی در جامعه است، نقش آن در جهت‌دهی درست رابطه میان زن و مرد و دختر و پسر، نقش کلیدی است. از همین رو، در ادامه، با بررسی جهت‌گیری‌ها و عملکرد رسانه ملی در این زمینه می‌کنیم، نکته‌های لازم و پیشنهادهایی را بیان می‌کنیم.

۱. بررسی جهت‌گیری‌های کلی رسانه در زمینه روابط دختر و پسر

اشاره

در آموزه‌های اسلام، درباره روابط زن و مرد و دختر و پسر، اعم از رابطه‌های اجتماعی و روابط جنسی، جهت‌گیری‌ها، ضابطه‌ها و احکام مشخصی وجود دارد که در بخش دوم بدان پرداختیم. شرع مقدس اسلام با تعیین ضابطه‌هایی مانند لزوم رعایت حجاب، پرهیز از اختلاط‌های غیرلازم میان نامحرمان، پرهیز دادن از رفتارهای تحریک‌کننده، آرایش زنان و نگاه‌های شهوانی و هم‌کلامی بی‌جا و تأکید بر حفظ حریم‌ها و تقویت روحیه حیا و عفت و غیرت، می‌کوشد محرک‌های جنسی را در محیط‌های اجتماعی کاهش دهد تا زمینه انحراف رابطه‌های معمول اجتماعی میان نامحرمان به رفتارهای آمیخته با انگیزه جنسی پیش نیاید. همین ضابطه‌ها در کنار مجازات مجرمان و روش‌های نظارتی دیگر، مانند امر به معروف و نهی از منکر، رابطه‌های نامشروع را محدود می‌کند. اسلام با تعیین چارچوب‌هایی مشروع، ارضای نیازهای غریزی افراد را به بهترین شکل ممکن می‌سازد و امکان داشتن روابط سالم را برای همه فراهم می‌آورد. وظیفه رسانه ملی نیز در این زمینه آن است که با توجه به شرایط و واقعیت‌های جامعه، برای اجرا شدن نظام رفتاری اسلام در این زمینه بکوشد و این جهت‌گیری‌ها، ضابطه‌ها و هنجارها را در جامعه نهادینه کند؛ زیرا اگر نظام رفتاری جنسی اسلامی به طور کامل و هماهنگ اجرا نشود، نمی‌توان انتظار داشت که فرد و جامعه از سلامت و تعادل لازم برخوردار شود. با توجه به برنامه‌های رسانه ملی، می‌توان گفت رویکرد کلی صدا و سیما درباره روابط دختر و پسر این بوده است که غیرمستقیم به برخی جنبه‌های این موضوع بپردازد. برای مثال، تلاش می‌شود در روابط اجتماعی میان زن و مرد و دختر و پسر، چه در فیلم‌ها و سریال‌ها و چه در برنامه‌های دیگر، تا حد امکان مسائل شرعی همچون نوع پوشش و آرایش یا چگونگی برخورد میان نامحرمان رعایت شود یا جایگاه حجاب برتر و چادر تقویت گردد. به این ترتیب، در این زمینه‌ها، می‌توان به فرهنگ‌سازی و آموزش غیرمستقیم پرداخت. از سوی دیگر، کوشش می‌شود از طرح مسائلی مانند دوستی و رابطه دختران و پسران نامحرم و مسائل جنسی نوجوانان و جوانان یا بزرگسالان و ناهنجاری‌ها و رابطه‌های نامشروع پرهیز شود تا بدآموزی‌های احتمالی در پی نداشته باشد. برنامه سازمان در زمینه نوجوانان و جوانان هم این است که از راه‌های غیرمستقیم، عزت نفس و ایمان آنان را تقویت کند و با برنامه‌ها و مسابقه‌های ورزشی، سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی، آنها را سرگرم سازد تا نیازهای غریزی خود را فراموش کنند و فشارهای غریزی، آنها را به گناه نکشاند. همچنین تلاش می‌شود با جذب نوجوانان و جوانان در پای این برنامه‌ها، از روی آوردن آنان به سی‌دی‌های مبتذل و برنامه‌های ماهواره‌ای جلوگیری شود.

به نظر می‌رسد این نوع جهت‌گیری، گذشته از نکته‌های مثبت، از جنبه‌های مختلفی ناقص و قابل نقد است و با توجه به واقعیت‌های جامعه ما چندان کارآمد نیست. فرهنگ‌سازی در زمینه برخی هنجارهای اسلامی، مانند پوشش بانوان، از راه‌های غیرمستقیم بسیار اثرگذار است، ولی هرگز کافی نیست. در کنار فرهنگ‌سازی‌های غیرمستقیم، باید برخی از احکام اسلامی نیز به صورت مستقیم تبیین شود. امروزه حتی برخی از دختران و زنان مؤمن اساساً نمی‌دانند که آرایش زن در بیرون از خانه و در میان نامحرمان، از نظر شرع، حرام است یا پوشاندن تمام پا از نامحرم، واجب است. آیا تاکنون احکام مربوط به رابطه میان زن و مرد، به طور روشن در رسانه ملی برای مردم بیان شده است؟ تاکنون چند روایت درباره حیا و عفت زنان و غیرت مردان یا نکوهش زینت کردن و عطر زدن زنان در بیرون از خانه یا کیف چرم‌پوشی و شوخی با نامحرم و رفتارهای سبک و دیگر رابطه‌های نامشروع، از رسانه ملی به گوش دختران و پسران رسیده است؟ آیا معضل گسترده بدحجابی در شهرهای بزرگ، در گفت‌وگوهای کارشناسانه و تحلیلی، بررسی و ریشه‌یابی شده است؟ متأسفانه در برخی برنامه‌ها، مانند مسابقه‌های گروهی یا برنامه‌هایی با اجرای مشترک مجریان زن و مرد یا بعضی از فیلم‌ها و سریال‌ها، خواسته یا ناخواسته در جهت عادی‌سازی اختلاط میان نامحرمان، فرهنگ‌سازی می‌شود. شاید برای این موضوع چنین استدلال شود که به هر حال باید الگویی پذیرفته شده از حضور اجتماعی زن و مرد در رسانه معرفی و در این باره فرهنگ‌سازی شود. با این حال، این پرسش مطرح است که این امر تا چه میزان با جهت‌گیری‌های دین مبین اسلام سازگار است؟ در حال حاضر، رسانه ملی در زمینه‌هایی که به طور مستقیم درباره امور جنسی است، به طور کلی کنار می‌کشد، در حالی که این بحث‌ها از امور بسیار مهم و اثرگذار در زندگی فردی و اجتماعی است و باید در برنامه‌های کارشناسی بدان پرداخت و در فیلم‌ها و سریال‌ها فرهنگ‌سازی کرد. تنها اندکی از مردم هستند که با مطالعه دینی، آگاهی‌های لازم را به دست می‌آورند و بسیاری از آگاهی‌های ضروری دینی، تربیتی، روانی و حتی بهداشتی در اختیار جامعه قرار نمی‌گیرد. بسیاری از خانواده‌ها نمی‌دانند که وقتی فرزندشان به سن بلوغ و بیداری گرایش‌های جنسی رسید، باید با او چگونه رفتار کنند؟ آیا باید به همه پرسش‌های او پاسخ دهند یا او را هنگام پرسش از امور جنسی، سرزنش کنند؟ آیا می‌توانند به او اجازه دهند که دوستی با دختر یا پسرهای فامیل را به بهانه هم‌پازی بودن دوران کودکی‌اش ادامه دهد یا نه؟ چه آگاهی‌هایی باید به او داد؟ اگر دیدند فرزندشان فیلم‌ها یا عکس‌های محرک تماشا می‌کند یا در اینترنت، در حال چت کردن یا گردش در سایت‌های غیرمجاز است یا رمان‌های تحریک‌کننده می‌خواند، چه باید کنند؟ آیا اینها سبب تخلیه روانی و جلوگیری از مسائل بدتر می‌شود یا گناهی نابخشودنی است که باید نوجوان را برای آن تنبیه کرد؟ اگر متوجه شدند پسرشان در بازگشت از مدرسه، مدتی در خیابان یا پارک و اطراف مدرسه دخترانه پرسه می‌زند و گاه شماره تلفن یا نشان پست الکترونیکی دختری را در اختیار دارد، باید با او چه برخوردی داشته باشند؟ اگر دختر دانشجو از والدین خود اجازه می‌گیرد تا با دوستان دانشگاهی‌اش به کوه‌پیمایی یا اردوی تفریحی برود، باید به او چه گفت؟ اینها اندکی از انبوه مشکلاتی هستند که بیشتر خانواده‌ها با آن روبه‌رویند و حتی دغدغه اصلی بسیاری از پدر و مادرها، همین موضوع‌هاست. خود دختران و پسران نیز در این زمینه، دغدغه‌های فکری، التهاب‌ها و فشارهای روحی مهمی دارند که کمتر جرئت می‌کنند آن را بی‌پرده بیان کنند. متأسفانه صدا و سیما درباره این‌گونه مسائل حتی در مورد روابط میان همسران، تقریباً هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی نمی‌کند. در حال حاضر، رسانه ملی به معضلات محدودتری مانند اعتیاد به مواد مخدر، قرص‌های روان‌گردان و حتی رواج عمل‌های زیبایی در میان بانوان و مانند آن، در سریال‌ها، فیلم‌ها، گفت‌وگوها و نیز در برنامه‌های ویژه می‌پردازد. با این حال، کمتر برنامه‌ای است که حتی به صورت غیرمستقیم به مشکلات جنسی جوانان بپردازد. به نظر می‌رسد بسیاری از ناهنجاری‌های موجود در جامعه، در همین مسائل ریشه دارد یا به گونه‌ای با آن در ارتباط است. اگر مسئولان فرهنگی، برای مشکلات نوجوانان و جوانان فکر اساسی نکنند، دور نیست که با فروکش کردن شور و امید انقلابی ناشی از تغییر در دولت‌ها و تکراری شدن شعارها، کسانی بتوانند با طرح کردن آزادی غربی در جامعه اسلامی و وعده دادن به جوانان، آنان را اغفال کنند و

به رویارویی با نظام وا دارند. پس سیاست‌گذاران فرهنگی و برنامه‌ریزان صدا و سیما در عمل به مسئولیت‌های خود، باید با دوراندیشی و واقع‌نگری، برای حل معضلات حال و آینده و حتی تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها، برنامه‌ریزی اصولی داشته باشند و از بی‌برنامگی و برخوردهای منفعلانه پرهیزند. خوش‌بختانه، در آموزه‌های اسلام، ظرفیت حل تمام مشکلات وجود دارد و راه کارهای لازم برای تنظیم شایسته امور فردی و اجتماعی در هر شرایطی پیش‌بینی شده است. از این رو، آشنایی با این آموزه‌ها و عمل به آنها ضرورت دارد. با توجه به آنچه گذشت، شایسته است به این محورها، در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان توجه شود. —

۲. محورهای اصلی در سیاست‌گذاری‌های کلان

الف) در پیش گرفتن جهت‌گیری فرهنگی و برنامه‌ای یگانه بر اساس آموزه‌های اسلام و واقعیت‌های جامعه در زمینه روابط دختر و پسر. ب) بالا بردن سطح ایمان، آگاهی و تقوا در جوانان: برای افزایش سطح ایمان جوانان لازم است از عقل و عاطفه باهم بهره برده شود و شناخت‌های بنیادین اسلامی، در طرحی نو در اختیار نوجوانان و جوانان قرار گیرد؛ زیرا تکیه صرف بر جنبه‌های عاطفی و روانی، بدون تقویت پشتوانه فکری و معرفتی، چندان ثمربخش نخواهد بود. همچنین برای تقویت روحیه تقوا در افراد، باید از هر دو ابزار انذار و تبشیر استفاده کرد. از نظر اسلام، بهترین روش تربیتی برای پرورش روحی مؤمنان، این است که افراد همواره در حالت خوف و رجا (بیم و امید) باشند. از این رو، بیم دادن در کنار بشارت دادن، یکی از روش‌های تبلیغی اصلی در ادیان الهی است و قرآن نیز پیامبر را بشیر و نذیر معرفی می‌فرماید. ۱ از آن‌جا که انذار (بیم دادن) در بیشتر مردم اثر دارد و محرک اولیه و اصلی برای خروج از غفلت و حرکت در مسیر درست است، ترساندن از عذاب دوزخ، جایگاه ویژه‌ای در قرآن دارد و خداوند در آیات بسیاری، پیامبر و مبلغان دینی را به انذار فرامی‌خواند. ۲ رسانه ملی نیز برای تقویت روحیه ایمان و تقوا نباید از این روش تربیتی غافل باشد. ج) فرهنگ‌سازی، آموزش و تبلیغ احکام و اخلاق اسلامی در زمینه معاشرت‌های اجتماعی میان نامحرمان: در این زمینه، افزون بر آموزش و تبلیغ مستقیم و غیرمستقیم جهت‌گیری‌ها و هنجارهای اسلامی، آشنا کردن افراد با فلسفه و پی‌آمدهای این آموزه‌ها نیز مفید خواهد بود. د) شناخت جنبه‌های مختلف تهاجم فرهنگی غرب و در پیش گرفتن راه کارهای اصولی برای رویارویی با آن. ه) فرهنگ‌سازی برای آسان‌سازی روابط مشروع و سالم میان دختران و پسران و آشنا کردن خانواده‌ها و جوانان با آزادی‌های اسلامی. چنان‌که گفتیم، روابط جنسی میان نامحرمان، تنها در چارچوب ازدواج امکان‌پذیر است. از این رو، زدودن موانع فراروی ازدواج دایم به عنوان یکی از مهم‌ترین راه کارهای اصلاحی در موضوع روابط میان دختران و پسران باید مورد توجه قرار گیرد. ۱. نک:

بقره: ۱۱۹؛ فرقان: ۵۶. ۲. نک: شعراء: ۲۱۴؛ مدثر: ۲ او؛ بقره: ۱۲۲؛ رعد: ۷.

۳. ارزیابی برنامه‌های رسانه

به موضوع رابطه دختر و پسر در برخی برنامه‌های رسانه ملی به طور مستقیم توجه شده است. از جمله، برنامه «چهار راه» و برنامه «پرسش» که هر دو از شبکه سوم سیما پخش شد و به شیوه پرسش و پاسخ، نظر جوانان را در حضور کارشناس مسائل فرهنگی و مذهبی مطرح می‌کرد. این گونه برنامه‌ها که با حضور خود جوانان تشکیل می‌شود، شیوه‌ای مناسب برای طرح مسائل جوانان و تبیین راه کارهای اصلاح روابط میان آنها است. البته به شرط آنکه کارشناسان باتجربه و آگاه در این برنامه‌ها حضور یابند و مدیریت برنامه چنان باشد که از پراکنده‌گویی و شبهه‌پراکنی‌های بی‌پاسخ پرهیز شود. گذشته از این گونه برنامه‌ها، در فیلم‌ها و سریال‌ها، تلاش می‌شود روابط دختر و پسر در چارچوب‌های شرعی و عرفی نمایش داده شود و معمولاً به رابطه‌هایی که در کوتاه‌مدت به

ازدواج می‌انجامد، به صورت حاشیه‌ای توجه می‌شود تا بدآموزی در پی نداشته باشد. البته گاهی آشنایی‌های خیابانی که به ازدواج می‌انجامد، مانند آشنایی نسرین و بهروز در سریال «نرگس» از شبکه سوم سیما؛ یا آشنایی‌هایی که مدت بیشتری به طول می‌انجامد و در پایان به ازدواج نمی‌انجامد، مانند آنچه در سریال «آهو» از شبکه اول سیما پخش شد، شاهد بودیم. درباره حجاب بانوان نیز در برنامه «عصر ایمان» از شبکه اول، کارشناسان به ویژه زنان فرهیخته، بحث‌های سودمندی مطرح می‌کردند که باید به این گونه بحث‌ها بیش از این توجه می‌شد. سریال «مریم مقدس» در به تصویر کشیدن دختر الگو و نمونه، بسیار موفق بود. همچنین در برخی از سریال‌های سیما، تلاش می‌شود الگویی مثبت از بانوی مسلمان باحجاب و در عین حال آگاه و فعال ارائه شود که رویکرد مثبتی است، مانند شخصیت «پروانه» در سریال «مسافری از هند» و شخصیت‌هایی که در سریال‌هایی مانند «ریحانه»، «لبه تاریکی» و «مهر و ماه»، «تب سرد»، «با من بمان» و «نرگس» بودند. این نکته نیز که مجریان برنامه‌ها با چادر و حجاب کامل به اجرای برنامه می‌پردازند، در هنجارسازی اجتماعی بسیار مؤثر است. البته در برخی سریال‌ها نوع پوشش زنان چندان مناسب نیست، ولی در مجموع، رویکرد بیشتر برنامه‌ها در زمینه حجاب و پوشش زنان، مثبت ارزیابی می‌شود. در زمینه برخوردهای همراه با حیا و عفت میان زن و مرد نامحرم، الگوهای معرفی شده در رسانه تا اندازه‌ای قابل دفاع است. البته در برخی برنامه‌ها مانند جشن‌هایی که به مناسبت‌های مذهبی و ملی تهیه می‌شود و برخی برنامه‌های رادیویی به ویژه برنامه‌های طنز و سرگرمی، مانند برنامه «جمعه ایرانی» که مجریان زن یا زن و مرد، اجرای برنامه را اداره می‌کنند، برخی نکته‌های منفی در برخوردها، لحن کلام و اختلاط میان نامحرمان دیده می‌شود که شایسته رسانه ملی نیست. کاهش اختلاط‌های غیرضروری میان زن و مرد نامحرم، موضوعی است که باید به آن بیشتر توجه شود. در برنامه‌ای مانند مسابقه «سیمرغ» که زنان و مردان با هم شرکت می‌کردند و تحرک و شوخی مجری، فضای بازی را به وجود می‌آورد یا در برنامه‌هایی که در آن، مجری و فرد مهمان، زن و مرد نامحرم هستند، به طور غیرمستقیم، برخلاف جهت‌گیری اسلامی، فرهنگ‌سازی می‌شود. در زمینه آموزش‌های تربیتی و اخلاقی نوجوانان و نیز آموزش خانواده‌ها برای پیش‌گیری از انحراف اخلاقی فرزندان، متأسفانه برنامه‌های اثرگذاری تهیه نشده است. همچنین احکام شرعی درباره رابطه میان نامحرمان و هنجارهای مربوط به روابط جنسی، گناه رابطه‌های نامشروع، کيفر آن و اموری از این دست، در رسانه ملی تبیین نشده است. در برخی برنامه‌ها نیز که به این گونه مسائل پرداخته می‌شود، متأسفانه غفلت‌هایی وجود دارد. در برنامه «آن سوی توهم» که با موضوع پی‌آمدهای اعتیاد به قرص‌های روان‌گردان از شبکه دوم سیما پخش می‌شد، دختران و پسران مصاحبه‌شونده به صراحت می‌گفتند که با شرکت در پارتی‌های مختلط و مصرف قرص‌های روان‌گردان و مشروبات الکلی، به انجام رفتارهای جنسی و برقراری روابط نامشروع پرداخته‌اند و چندان هم احساس گناه و شرم نمی‌کردند. پرداختن نسنجیده به این ناهنجاری‌ها، می‌تواند عاملی برای شکستن قبح این گناهان و اشاعه فحشا باشد و بدآموزی آن، از اصلاحش بیشتر است. به طور کلی، برنامه‌های پخش شده در رسانه ملی درباره آسان‌سازی روابط مشروع، بسیار اندک بوده است. در مورد ازدواج دایم، برخی بخش‌های کارشناسی پخش شده، ولی برنامه مناسبی به منظور فرهنگ‌سازی برای ازدواج‌های آسان پخش نشده است که در کنار واقع‌بینی و شناخت کافی دو طرف از یکدیگر، شیوه‌های مناسب برای همسریابی و خواستگاری و ویژگی‌های همسر، به شکل شایسته و سازگار با نیازهای جوانان معرفی شود. شاید برنامه‌ای را که هم‌زمان با افطار در ماه رمضان سال ۱۳۸۴ از شبکه سوم سیما با حضور زوج‌های موفق پخش می‌شد، بتوان بهترین برنامه‌های تولید شده در این زمینه دانست. درباره ازدواج در نوجوانی و نامزدی طولانی‌مدت و مانند آن، رویکرد مشخصی در برنامه‌ها، اعم از فیلم و سریال و برنامه‌های آموزشی و کارشناسی دیده نمی‌شود، بلکه برعکس، بیشتر عروس و دامادها در فیلم‌ها و سریال‌ها، در سن بالا ازدواج می‌کنند. در بخش‌هایی از سریال‌های «سفر سبز»، «با من بمان» و «او یک فرشته بود» نیز به گونه‌ای به ازدواج موقت اشاره‌ای کوتاه شده بود که البته در هر سه سریال به ویژه دو سریال اول، این اشاره با نگاهی منفی همراه بود. در زمینه شناخت مبانی فرهنگ غرب و پی‌آمدهای آزادی‌های غربی نیز برنامه‌های مفید برای جوانان و

نوجوانان کمتر است. از آنجا که یکی از عوامل ترویج فرهنگ غرب، رواج اندیشه‌های فمینیستی و اندیشه تساوی زن و مرد در تمام حقوق و وظایف است، باید در این باره دقت بیشتری شود؛ زیرا نفوذ این اندیشه در بسیاری از برنامه‌های صدا و سیما و در بیشتر سریال‌ها دیده می‌شود. زن‌سالاری، جابه‌جا شدن نقش زن و مرد در خانواده و محیط‌های دیگر، بی‌توجهی به ارزش وظیفه مادری و همسری و نقش زن در خانه و تشویق زنان به فعالیت‌های بیرون از خانه، مستقیم و غیرمستقیم در بسیاری از برنامه‌ها ترویج می‌شود که بی‌شک، پی‌آمدهای فرهنگی خاص خود را خواهد داشت. همچنین رسانه ملی باید از تحریک جنسی نوجوانان و جوانان پرهیز کند. البته بیشتر فیلم‌ها و سریال‌های خارجی با وجود حذف صحنه‌های غیراخلاقی، به دلیل نوع پوشش و آرایش و فرهنگ رایج در دیگر جوامع، تا اندازه‌ای تحریک‌کننده هستند. حتی سریال‌ها و فیلم‌های ایرانی نیز گاه تحریک‌کننده هستند. به ویژه حضور هنرپیشه‌های جوان در سیما به دلیل جذابیت‌های ظاهری و چهره، چه بسا عامل تحریک جوانان باشد و حتی کم‌رغبتی برخی از زوج‌ها به همسرانشان را به دلیل مقایسه ناخودآگاه همسرشان با هنرپیشه‌ها موجب شود. برخی از این مسائل، از لوازم اجتناب‌ناپذیر سینما و تلویزیون است، ولی با توجه بیشتر می‌توان مقداری از این تحریک‌ها را کاهش داد. -----

۴. پیشنهادهای برنامه‌ای

پرداختن مستقیم به موضوع روابط دختر و پسر در برنامه‌های صدا و سیما به دلیل محدودیت‌هایی که در این زمینه وجود دارد، مشکل است. حتی نمایش رابطه‌های غلط در فیلم‌ها و سریال‌ها هر چند به منظور نشان دادن زیان‌های آن باشد، می‌تواند بدآموز باشد. از این رو، بهترین راه برای اصلاح رابطه‌ها و تغییر رویکردها آن است که روابط دختر و پسر و باید‌ها و نبایدها در این زمینه، در نشست‌های علمی و گفت‌وگوهای کارشناسی مطرح شود و احکام اسلامی در این باره به آگاهی مردم برسد. همچنین می‌توان در فیلم‌ها و سریال‌ها و برنامه‌های نمایشی، به شکل غیرمستقیم به این بحث پرداخت و الگوسازی مناسبی کرد. برای تقویت هنجارها و حدود شرعی در روابط میان دختر و پسر و زن و مرد در برنامه‌های نمایشی یا نوع پوشش و رفتار مجریان زن و مانند آن نیز باید فرهنگ‌سازی شود. موارد زیر در این زمینه پیشنهاد می‌شود: الف) کارشناسان دینی، احکام مربوط به روابط نامحرم را به صورت ساده و شیوا بیان کنند. شایسته است به آیه‌ها و روایت‌ها و داستان‌های عبرت‌آموز هم اشاره شود که در تقویت پای‌بندی افراد به احکام شرعی و درک برخی حکمت‌های آن، مؤثر است. ب) باید رویکرد ذهنی جوانان را نسبت به دین تغییر داد، به گونه‌ای که نوجوانان و جوانان، دین را مانعی بزرگ نپندارند که آنها را از ارضای نیازهای طبیعی و غریزی‌شان باز می‌دارد، بلکه بدانند دین، آزادی‌های مشروع و معقولی نیز به آنها می‌دهد؛ یعنی نه تنها افراد را از نعمت‌های دنیوی محروم نمی‌کند، بلکه حتی به نیازهای غریزی و جنسی نیز با دیده احترام می‌نگرد و زمینه برآورده کردن شایسته همه نیازها را برای افراد فراهم می‌آورد. یکی از راه‌های این تغییر ذهنیت، تشکیل نشست‌های صمیمانه میان جوانان و عالمان دینی و پرسش و پاسخ بی‌پیرایه است. بهتر است در این نشست‌ها به جوانان، فرصت لازم برای بیان خواسته‌ها و اندیشه‌هایشان داده شود و راهنمایی‌های لازم و پاسخ‌های راه‌گشا در اختیارشان قرار گیرد. در مورد روابط دختر و پسر باید تبیین شود که اسلام با این مسئله مخالف نیست، بلکه تنها لازم می‌داند این امر در چارچوب‌های مشخص شرعی عملی شود. ج) با حضور مشاوران و کارشناسان، روش‌های ازدواج آگاهانه و موفق، در ازدواج‌های دایم در نوجوانی بررسی و برای ازدواج‌های ساده، کم‌خرج، سنجیده و عاقلانه، فرهنگ‌سازی شود. د) با بررسی پرونده‌های طلاق و مانند آن، پی‌آمدهای منفی عشق‌های خیابانی یا اینترنتی که معمولاً به شکست می‌انجامد، گوشزد شود. ه) در پوشش و آرایش و نوع رفتار و گفتار زن و مرد و دختر و پسر در تمام برنامه‌ها باید دقت کرد تا هنجارهای اسلامی با معرفی الگویی مناسب از بانوی مسلمان تقویت شود. در این راستا، پرداختن به زندگی زنان موفق و پارسا در گذشته و حال می‌تواند

اثر گذار باشد. و) به منظور نمایش الگویی شایسته از برخوردهای اجتماعی میان دختر و پسر نامحرم، داستان برخورد موسای جوان علیه‌السلام با دختران شعیب علیه‌السلام که در قرآن آمده است، می‌تواند موضوع مناسبی باشد. (ز) خداوند، علم تعبیر خواب و دیگر مقام‌های معنوی را زمانی به یوسف علیه‌السلام داد که ایشان با وجود آنکه در اوج زیبایی جوانی و سرکشی غریزه قرار داشت، از رابطه نامشروع با زلیخا و زنانی که خواهان او بودند، چشم پوشید. چنین جریانی برای افرادی مانند ابن‌سیرین و حتی برخی از عارفان صاحب کرامت معاصر مانند شیخ رجب‌علی خیاط و شیخ جعفر مجتهدی نیز در جوانی پیش آمده و آنان با وجود آنکه شرایط گناه برایشان کاملاً فراهم بوده است، با خودداری از گناه جنسی، به مقام‌های بلند عرفانی رسیده‌اند. ۱. توجه به زندگی این بزرگان از این دیدگاه، می‌تواند موضوع مناسب برای برنامه‌سازان باشد. (ح) با برنامه‌های مستند و تحلیلی و حتی گفت‌وگو با برخی افراد در غرب می‌توان آن روی سکه رابطه‌های آزاد و بی‌بندوباری‌ها و اخلاق جنسی موجود در غرب و زیان‌های آن را به صورتی واقع‌بینانه، همراه با تحلیل‌های کارشناسانه، برای جوانان نشان داد تا از تأثیر منفی جذابیت‌های فرهنگ غرب در این زمینه، تا اندازه‌ای در امان بمانند. (ط) در جامعه ما، متأسفانه قبح گناهانی مانند نگاه به نامحرم، کمتر شده است. در این زمینه، به دو ماجرای واقعی در صدر اسلام اشاره می‌کنیم که موضوع‌های مناسبی برای برنامه‌سازی هستند. در این دو ماجرا، افزون بر هنجارسازی و تأکید بر مصون ماندن گناه، به مراتب امر به معروف و نهی از منکر که باید متناسب با نوع گناه، شرایط ارتکاب و نیز موقعیت فرد خاطی باشد، باید توجه کرد. ماجرای اول این است که پیامبر در یکی از جنگ‌ها، مردان مدینه را دو دسته کرد. گروه نخست به جنگ اعزام شدند و گروه دوم در شهر ماندند تا نیاز روزانه خانواده‌های گروه نخست را برآورده کنند. ثعلبه یکی از کسانی بود که در شهر ماند و مسئولیت تهیه نیازهای خانواده یکی از دوستانش را بر عهده گرفت. او هر روز به در خانه دوست خود می‌آمد و از پشت پرده، از همسر او نیازهایشان را می‌پرسید. سپس آنها را تهیه می‌کرد و از پشت پرده، به همسر دوستش تحویل می‌داد. در یکی از روزها، وقتی از پشت پرده با همسر دوستش سخن می‌گفت، با خود اندیشید مگر چه می‌شود این پرده را کنار بزنم و قیافه این زن را که هر روز از پشت پرده با او صحبت می‌کنم، بینم. وی بی‌درنگ پرده را کنار زد و چهره زن را دید. زن بی‌درنگ فریاد کشید: «حیا نمی‌کنی؟ دوست تو در جبهه می‌جنگد و به تو اعتماد کرده و خانواده‌اش را به تو سپرده است، ولی تو بی‌شرمی را از حد گذرانده‌ای و به زن او نگاه حرام می‌کنی!» ثعلبه با ناراحتی، باشتاب از آن‌جا دور شد و در خانه، ماجرا را به دخترش گفت. دخترش گفت: «پدر از من دور شو! چنان گناه بزرگی کرده‌ای که من تحمل دیدنت را ندارم.» بعضی از همسایگان نیز با او چنین برخوردی کردند. وقتی پیامبر از جنگ برگشت و با ثعلبه روبه‌رو شد، فرمود: «از من دور شو، می‌ترسم آتش تو دامن مرا هم بگیرد.» ثعلبه دیگر تاب نیاورد و سر به بیابان گذاشت. او در خاک به خود می‌غلطید، صورت به خاک می‌سایید و شب و روز می‌گریست تا خداوند توبه او را بپذیرد. روزی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد بود که این آیه نازل شد: نیکان آنها هستند که هرگاه کار ناشایست از ایشان سرزند یا ستمی به نفس خویش کنند، خدا را به یاد آرند و از گناه خود به درگاه خدا توبه و استغفار می‌کنند و جز خدا چه کسی می‌تواند گناه خلق را بپارزد؟ آنها کسانی هستند که دانسته، در کار زشت اصرار نمی‌ورزند.» (آل عمران: ۱۳۵) آن‌گاه پیامبر به امیر مؤمنان علی علیه‌السلام فرمود: «برو ثعلبه را پیدا کن و بگو خداوند توبه تو را پذیرفته است.» امیر مؤمنان علی علیه‌السلام به همراه سلمان حرکت کردند و از مردی در بیابان شنیدند که شخصی هر روز به هنگام غروب زیر فلان درخت خرما گریه و ناله می‌کند. وقتی نزدیک درخت رسیدند، ثعلبه را دیدند که می‌گرید. به او بشارت دادند که خداوند توبه‌اش را پذیرفته و پیامبر از او خواسته است که به مسجد برود. ثعلبه گفت: باید مرا دست‌بسته همچون فردی مجرم به شهر ببرید. سرانجام علی علیه‌السلام او را راضی کرد و با هم به مسجد آمدند. وقتی به مسجد رسیدند که نماز جماعت مغرب آغاز شده بود. آنان نیز اقتدا کردند. پیامبر سوره تکاثر را تلاوت فرمود و چون به آیه ششم رسید، ثعلبه فریادی کشید و جان به جان آفرین تسلیم کرد. ۲. ماجرای دوم آن است که در ایام حج و هنگام رفتن به عرفات، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، اسامه بن زید را نیز بر مرکب

خود سوار کرده بود و هنگام خروج از عرفات، به سوی مشعر، ایشان فضل بن عباس را بر مرکبش سوار کرد. فضل در آن هنگام، جوانی بود با موهای زیبا و آراسته و ظاهری جذاب. شخص به همراه خواهرش که او نیز زنی بسیار زیبا بود، خدمت پیامبر آمد و از پیامبر پرسش‌هایی کرد. در این میان، فضل به خواهر آن مرد نگاه می‌کرد. پیامبر در همان حال که پرسش‌های مرد را پاسخ می‌فرمود، دست خود را برابر فضل گرفت و مانع نگاهش به آن زن شد، ولی از هر سو که حضرت مانع دید فضل می‌شد، او از سوی دیگری زن را دید می‌زد. وقتی پرسش‌های مرد تمام شد و رفت، حضرت رو به فضل کرد و دست بر شانه‌اش گذاشت و سپس فرمود: «آیا نمی‌دانی که این روزها، ایامی مشخص و دارای احترام ویژه است و هر کس در این ایام، چشمش را (از حرام) باز دارد و زبان و دستش را حفظ کند، خداوند برای او ثوابی معادل یک حج مقبول می‌نویسد»؟^۳ در این روایت، نکته‌های جالبی وجود دارد. در سیره نبوی آمده است که پیامبر با همه مقام معنوی و به عنوان حاکم جامعه اسلامی، معمولاً برای دوری از تکبر، شخص دیگری را نیز بر مرکب خود سوار می‌فرمود. در این روایت، توجه ویژه حضرت به جوانان کاملاً مشخص است؛ زیرا اسامه بن زید و فضل بن عباس هر دو جوان بودند. همچنین برخورد پیامبر با فضل، برخوردی اثباتی و آرام و دوستانه بود و به جای آنکه او را توبیخ کند، پاداش ترک گناه را به او گوشزد فرمود. در مقابل، برخورد ایشان با ثعلبه که فردی متأهل بود و به عنوان مأمور حکومت اسلامی، باید نهایت امانت‌داری را در انجام وظیفه‌اش رعایت می‌کرد، متفاوت بود. این امر نشان‌دهنده لزوم در نظر گرفتن مراتب و شرایط در امر به معروف و نهی از منکر است.

۱. نک: کیمیای محبت زندگی شیخ رجب‌علی خیاط؛ لاله‌ای از ملکوت (زندگی شیخ جعفر مجتهدی). ۲. نک: خانه‌گریزی دختران، ریشه‌ها و پی‌آمدها، ص ۱۱۴، به نقل از: علی دوانی، کتاب داستان‌های ما، تهران، انتشارات ارشاد، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۱، ج ۱، ص ۲۷۱. ۳. نک: مستدرک الوسائل، ج ۱۴، باب ۸۱ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۲۶۸، ح ۱۶۶۸۲.

۵. پرسش‌های مردمی

نکته: بسیاری از پرسش‌های زیر با کمی تغییر در میزگردها و گفت‌وگوهای کارشناسی نیز قابل طرح است. همچنین پرسش‌های مربوط به جوانان مشخص شده است. ۱. مهم‌ترین اصولی که در روابط دختر و پسر و زن و مرد نامحرم باید رعایت شود، کدام است؟ ۲. آیا همه این اصول در جامعه ما رعایت می‌شود؟ ۳. رعایت احکامی مانند حجاب و پرهیز از نگاه‌های هوس‌آمیز، در سلامت اجتماعی چه نقشی دارد؟ ۴. برخی برآنند که نوع پوشش و آرایش افراد، امری شخصی است و به باور برخی دیگر، دختران و زنانی که حجاب خود را رعایت نمی‌کنند و از آرایش و پوشش‌های تحریک‌کننده خودداری نمی‌ورزند، دیگران را هم به گناه می‌اندازند و آرامش فکری افراد را در محیط‌های اجتماعی برهم می‌زنند. نظر شما در این باره چیست؟ ۵. شوخی میان زن و مرد نامحرم، چه پی‌آمدهای منفی دارد؟ ۶. کاهش اختلاط میان نامحرمان در کاهش زمینه انحراف‌های اخلاقی چه تأثیری دارد؟ ۷. آیا با جداسازی دختر و پسر در مدرسه‌ها موافقید؟ ۸. آیا جداسازی زن و مرد را در اتوبوس و مترو مفید می‌دانید؟ ۹. آیا بهتر نیست در صورت وجود امکانات، کلاس‌های دختران و پسران در دانشگاه به طور جداگانه تشکیل شود؟ ۱۰. دلیل پیدایش مشکلات در دوستی‌های دختران و پسران دانشجو چیست؟ آیا این مشکلات برای دانشجویان متأهل و مجرد و نیز دانشجویانی که به رعایت احکام شرعی مقیدند و کسانی که این پای‌بندی را ندارند، به یک اندازه است؟ ۱۱. اگر ببینید پسر جوانی در خیابان، برای دختری مزاحمت ایجاد می‌کند، چه می‌کنید؟ آیا بی‌اعتنا می‌گذرید؟ آیا در این گونه موارد، همیشه پسران مقصرند یا دخترها نیز تقصیر دارند؟ چرا؟ ۱۲. تماشای برنامه‌های ماهواره‌های خارجی، در افزایش انحراف‌های اخلاقی میان نوجوانان و جوانان چه تأثیری دارد؟ ۱۳. برخی می‌پندارند تماشای فیلم‌ها و عکس‌های مبتذل، سبب تخلیه روانی و کاستن از فشارهای جنسی در نوجوانان و جوانان می‌شود. برخی نیز برآنند که این امر موجب تحریک و مشغولیت ذهنی آنان است. شما چه نظری دارید؟ ۱۴. آیا با اخلاق جنسی

در فرهنگ غرب موافقید؟ چرا؟ ۱۵. آیا با دوستی یا روابط پنهانی میان دختر و پسر موافقید؟ این گونه رابطه‌ها چه عواملی دارد و چه آثار نامطلوبی در پی دارد؟ ۱۶. اگر فرزند بالغ شما بخواهد با فردی از جنس مخالف دوست شود، آیا به او این اجازه را می‌دهید؟ ۱۷. اگر فرزندان از شما بپرسد چرا دوستی با جنس مخالف بد است، چه پاسخی برای او دارید؟ ۱۸. به نظر شما آیا اسلام با گرایش‌های جنسی مخالف است و آن را سرکوب می‌کند یا این گرایش‌ها را محترم می‌شمارد و راه کارهای مناسبی برای ارضای مطلوب نیازهای غریزی ارائه می‌دهد؟ ۱۹. آیا از نظر اسلام، دوستی میان دختر و پسر نامحرم جایز است؟ ۲۰. آیا با ازدواج در اول نوجوانی موافقید؟ ۲۱. آیا امکان ازدواج در این دوره برای جوانان ما وجود دارد؟ ۲۲. آیا دختر و پسر می‌توانند با برقراری محرمیت شرعی پیش از ازدواج دایم با یکدیگر، رابطه عاطفی سالمی داشته باشند؟ ۲۳. آیا در شرایط فعلی جامعه ما، محرمیت شرعی پیش از ازدواج دایم می‌تواند برای کاستن از مفاسد و گناهان و پاسخ‌گویی به نیازهای جوانان در فاصله بلوغ تا ازدواج اثرگذار باشد؟ ۲۴. آیا حضور در چت‌روم‌هایی که در آن، دوستی و رابطه دختر و پسر و روابط جنسی مطرح است، نتیجه‌ای جز گذران وقت و افزایش التهاب‌های غریزی دارد؟ (جوانان و نوجوانان) ۲۵. آیا در دانشگاه یا محیط‌های دیگر، در برخورد با جنس مخالف مشکلی دارید؟ چرا؟ دیگران چه طور؟ (جوانان) ۲۶. در کلاس‌های مختلط احساس راحتی بیشتری دارید یا در کلاس‌های جداگانه؟ چرا؟ (جوانان) ۲۷. آیا فشارهای غریزی و خیال‌های جنسی آزارتان می‌دهد؟ برای تسکین این فشارها چه می‌کنید؟ آیا تا به حال، مشکل خود را با والدین خویش در میان گذاشته‌اید؟ چه پاسخی داده‌اند؟ (نوجوانان و جوانان) ۲۸. آیا بهتر نیست دختر و پسر در سن پایین مانند آغاز دوره دبیرستان، ازدواج کنند؟ (نوجوانان و جوانان) ۲۹. نهادهای حکومتی، فرهنگی و خانواده‌ها برای بسترسازی رابطه‌های مشروع و جلوگیری از رابطه‌های حرام میان دختر و پسر چه وظایفی دارند؟ -----

۶. پرسش‌های کارشناسی

۱. مهم‌ترین جهت‌گیری‌ها و راه‌کارهایی که در اسلام برای تنظیم شایسته روابط میان زن و مرد و دختر و پسر وجود دارد، کدامند؟
 ۲. توجه به کرامت انسانی، عزت نفس و پرهیز از نگاه ابزاری به زن، در سلامت روابط اجتماعی چه نقشی دارد؟ ۳. مهم‌ترین آسیب‌هایی که سلامت روابط اجتماعی میان زن و مرد و دختر و پسر را تهدید می‌کنند، کدامند؟ ۴. بدحجابی و خودآرایی دختران و زنان در محیط‌های اجتماعی، چه عوامل فرهنگی، تربیتی و روانی دارد؟ برای رفع این پدیده ناهنجار چه باید کرد؟ ۵. آیا ضابطه‌های شرعی در مورد روابط نامحرم، مانند پرهیز از شوخی و خنده و هم‌کلامی بی‌مورد و اختلاط‌های غیرضروری، در شرایط امروز جامعه ما که زنان در اجتماع حضور دارند، عملی هست؟ در این زمینه چه باید کرد؟ ۶. اسلام برای پاسخ‌گویی مشروع به نیازهای عاطفی و جنسی افراد چه راه‌کارهایی دارد؟ ۷. گرایش به جنس مخالف و التهاب‌های غریزی، از چه سنی در دختران و پسران آغاز می‌شود؟ آیا آنان در این دوره، امکان پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی‌شان را می‌یابند؟ ۸. آیا در صدر اسلام یا در گذشته تاریخی ایران، جوانان در رفع نیازهای غریزی‌شان به اندازه دوره فعلی مشکل داشته‌اند؟ آیا تحریک‌های جنسی در جامعه ما در این دوره با دوره‌های گذشته قابل مقایسه است؟ ۹. نبود راه‌کارهای مناسب برای رابطه مشروع و بی‌دغدغه میان دختران و پسران در فاصله بلوغ تا ازدواج، چه مشکلاتی را برای آنان، خانواده‌ها و اجتماع پدید می‌آورد؟ ۱۰. این امر تا چه اندازه در آلوده شدن جوانان به گناهان و انواع انحراف‌ها و رواج فساد و جامعه و دین‌گریزی جوانان اثر دارد؟ ۱۱. رفع این نیازها در سلامت و نشاط جوانان، شکوفایی استعدادها و جلوگیری از هدر رفتن توان ذهنی آنان و نیز سالم‌سازی روابط اجتماعی چه اثری دارد؟ ۱۲. چه موانعی بر سر راه ازدواج جوانان وجود دارد و راه‌های کاستن از این موانع چیست؟ ۱۳. آیا جوانان هم‌زمان با بلوغ جنسی، آمادگی لازم و شرایط مناسب را برای ازدواج دایم دارند؟ ازدواج در آغاز جوانی چه مزیت‌ها و عیب‌هایی دارد؟ ۱۴. آیا در اسلام،

ازدواج موقت امری ناپسند است که باید از آن اجتناب شود؟ جوانانی که شرایط ازدواج داریم را ندارند، چه باید بکنند؟ ۱۵. مهم‌ترین تفاوت‌های اخلاق جنسی در غرب و اسلام را بیان کنید. ۱۶. برای رویارویی با تهاجم فرهنگی غرب و کاستن از آسیب‌پذیری جوانان، چه باید کرد؟ ۱۷. آیا اندیشه‌های فمینیستی بر روابط دختر و پسر و زن و مرد اثرگذار است؟ چگونه؟ ۱۸. بی‌توجهی به نیازهای جنسی جوانان، چه خطرهایی را برای نظم اجتماعی و امنیت ملی ایجاد می‌کند؟ ۱۹. بر هم خوردن تعادل جمعیتی میان دختران و پسران آماده ازدواج در جامعه ما چه مشکلاتی دارد؟ چه راه‌کارهایی برای این معضل اجتماعی وجود دارد؟ ۲۰. با توجه به روند دگرگونی‌های فرهنگی در جامعه ما، دورنمای روابط دختر و پسر و هنجارهای حاکم بر این روابط را در آینده چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟ ۲۱. نقش رسانه ملی در زمینه فرهنگ‌سازی درست و اصلاح روابط دختران و پسران و زنان و مردان چیست؟ ۲۲. عملکرد رسانه را در این باره چگونه ارزیابی می‌کنید؟ ۲۳. برای بهبود عملکرد صدا و سیما در این باره چه پیشنهادهایی دارید؟

کتاب‌نامه

اشاره

کتاب

* قرآن کریم. * نهج البلاغه. ۱. آمدی تمیمی، عبدالواحد، غرالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶. ۲. ابطحی، حسن، استعمار ضد اسلام، مشهد، کانون بحث و انتقاد دینی، چاپ دوم، ۱۳۶۱. ۳. ابونیا عمران، فرحناز، بررسی تاریخی جرایم جنسی از دوران باستان تا کنون، ساری، نشر رنگارنگ، چاپ اول، ۱۳۸۱. ۴. ابهری، مجید، مقاله «شرکت‌های دروغ و فریب»، ویژه‌نامه «تپش»، (ضمیمه شماره ۲۹۳)، روزنامه جام‌جم، ۲۰/۸/۱۳۸۳. ۵. اسلامی‌نسب، علی، بهداشت و درمان‌های جنسی، تهران، انتشارات خورشید، چاپ اول، ۱۳۷۷. ۶. اشتری، بهناز، قاجاق زنان (بردگی جنسی)، تهران، اندیشه برتر، چاپ اول، ۱۳۸۰. ۷. اعزازی، شهلا، جامعه‌شناسی خانواده، تهران، نشر ثامن، چاپ اول، ۱۳۷۵. ۸. اکبری، ابوالقاسم، مشکلات نوجوانی و جوانی، تهران، نشر ساوان، چاپ اول، ۱۳۸۱. ۹. الترمانی، عبدالسلام، الزواج عند العرب فی الجاهلیة و الإسلام، حلب، دارالقلم العربی، ۱۴۰۹ هـ. ق / ۱۹۸۹ م. ۱۰. انصاری، مرتضی، کتاب النکاح (جلد ۲۰ از مجموعه آثار شیخ مرتضی انصاری)، قم، کنگره، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ. ق. ۱۱. ایران زنان، شماره ۳۰۰۳، ۲۸/۹/۱۳۸۳. ۱۲. بانکی پور فرد، حسن، مقاله «تحلیلی بر روابط دختران و پسران دانشجو»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، جلد دوم، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰. ۱۳. باهنر، محمدجواد و سید رضا برقی، تربیت و تعلیم دینی، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۱. ۱۴. بهشتی، احد، خانواده در قرآن، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۲. ۱۵. بهشتی، محمد؛ محمدجواد باهنر و علی گلزاده، شناخت اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی‌تا. ۱۶. تویسرکانی، محمدنبی، لثالی الاخبار، جلد سوم، قم، المكتبة المحمدی، بی‌تا. ۱۷. جاودانی، نیاز، روابط دختر و پسر در جامعه امروز، مشهد، انتشارات کتاب درمانی، ۱۳۸۲. ۱۸. جوان، عبدالله، نظم اجتماعی در اسلام، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۳. ۱۹. جی‌ریموند، جنیس، مقاله «غرب و پی‌آمدهای قانونی کردن روسپی‌گری»، ترجمه: علی گل محمدی، نشریه کتاب زنان، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۸۲. ۲۰. حجازی، بنفشه، به زیر مقنعه (بررسی جایگاه

- زن ایرانی از قرن اول هجری تا عصر صفوی)، تهران، نشر علم، ۱۳۷۶. ۲۱. حجازی، بنفشه، ضعیفه (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی)، تهران، نشر قصیده سرا، ۱۳۸۱. ۲۲. حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ. ق. ۲۳. حسین پور، علیرضا، آن روی سکه (بحثی درباره روابط دختر و پسر)، تهران، نشر آهسته، چاپ اول، ۱۳۷۹. ۲۴. دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، «مجموعه گفت‌وگوهای نخستین هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان»، قم، ۱۳۸۰. ۲۵. دلریش، بشری، زن در دوره قاجار، تهران، دفتر مطالعات دینی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵. ۲۶. دوانی، علی، داستان‌های ما، جلد یک، تهران، انتشارات ارشاد، چاپ سوم، ۱۳۶۹. ۲۷. رافعی، طلعت، تحلیلی بر روان‌شناسی زن در ازدواج موقت، تهران، نشر دانژه، چاپ اول، ۱۳۸۱. ۲۸. راوندی، مرتضی و دیگران، تاریخ اجتماعی ایران، جلد ۱ و ۳ و ۶، تهران، انتشارات امیرکبیر. ۲۹. روزنامه اطلاعات مورخ ۲۴/۹/۱۳۶۹ و ۸/۱۰/۱۳۶۹، مجله اطلاعات هفتگی، شماره ۱۳۳۰. ۳۰. روزنامه جام‌جم، مورخ ۱۰ تیر و ۲۱ مرداد ۱۳۸۳، «تپش»، ویژه‌نامه ضمیمه‌های شماره ۱۱۸۴ و ۱۲۱۷. ۳۱. روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۰/۹/۱۳۶۹ و ۱۸/۴/۱۳۸۱. ۳۲. روزنامه کیهان، مورخ ۲۶/۹/۱۳۶۹ و ۲۱/۶/۱۳۷۰ و ۲۸/۹/۱۳۷۰. ۳۳. روزنامه همشهری، پنج شنبه ۱۸/۴/۱۳۸۳، «بازارچه»، ویژه‌نامه ضمیمه شماره ۳۴۳۱. ۳۴. سازمان ملی جوانان، «گزارش ملی جوانان (۳) بررسی وضعیت ازدواج جوانان»، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، ۱۳۸۱. ۳۵. _____، «گزارش ملی جوانان (۱۷) بررسی وضعیت انحرافات جنسی جوانان»، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، ۱۳۸۱. ۳۶. _____، «گزارش ملی جوانان (۶) بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان»، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، ۱۳۸۱. ۳۷. _____، «گزارش ملی جوانان (۱۴) بررسی وضعیت بزه کاری جوانان»، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، ۱۳۸۱. ۳۸. _____، «گزارش ملی جوانان (۱۵) بررسی وضعیت بهداشت جوانان»، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، ۱۳۸۱. ۳۹. سازمان ملی جوانان، «گزارش ملی جوانان (۱) بررسی وضعیت جمعیت جوانان»، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، ۱۳۸۱. ۴۰. _____، «گزارش ملی جوانان (۱۹) بررسی وضعیت فرار از خانواده جوانان»، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، ۱۳۸۱. ۴۱. _____، «وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران (جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استان‌های کشور)»، تهران، نشر روناس، چاپ اول، ۱۳۸۱. ۴۲. ستوده، نیره، ماهنامه حوراء، شماره چهارم، مقاله «بنیان‌های فکری اسلام و غرب در دفاع از شخصیت و حقوق زنان»، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۳. ۴۳. سگالن، مارتین، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه: حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۵. ۴۴. شرقی شهری، مجید، «تأثیر ازدواج موقت در کاهش جرایم جنسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد نراق، ۱۳۸۰. ۴۵. صاحب‌الزمانی، ناصرالدین، جوانی پررنج، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۴۴. ۴۶. _____، «روان‌کاوی و تحریم زناشویی با محارم»، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ چهارم، ۱۳۴۴. ۴۷. صادقی، حسن، معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۲. ۴۸. صالحی، فردین، مؤلفه‌های انحراف جنسی در کودکان، قم، انتشارات رازبان، چاپ اول، ۱۳۸۱. ۴۹. صدیق اورعی، غلامرضا، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی جوانان، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۴. ۵۰. طالبان، محمدرضا، دین‌داری و بزه کاری در میان جوانان دانش‌آموز، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰. ۵۱. طباطبایی، محمدحسین، اسلام و اجتماع، قم، چاپ جهان‌آرا، بی تا. ۵۲. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی رحمه‌الله، ۱۳۶۷. ۵۳. طباطبایی یزدی، محمدکاظم، عروه الوثقی، جلد دوم، قم، اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۷۴. ۵۴. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، انتشارات شریف رضی، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ هـ. ق. ۵۵. طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۰ هـ. ق. ۵۶. _____، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵. ۵۷. طیبی، ناهید، مقاله «مشکلات دختران دانشجو، اولویت‌ها و رویکردها»، مجموعه مقالات نخستین

هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، جلد دوم، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰. ۵۸. عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، (جلد دوم)، قم، اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۷۵. ۵۹. _____، مسالك الأفهام فی شرح شرایع الاسلام، جلد دوم، قم، انتشارات بصیرتی. ۶۰. عبدالهادی، ابوسریع محمد، حکم الاسلام فی زواج المتعه، قاهره، دارالذهبیة، بی‌تا. ۶۱. غفاری فر، حسن، مقاله «نظارت و کنترل اجتماعی»، نشریه کتاب زنان، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۸۲. ۶۲. _____، مقاله «واکاوی آسیب‌های فرهنگی علیه زنان»، نشریه کتاب زنان، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۲. ۶۳. فکیکی، توفیق، المتعة و اثرها فی الاصلاح الاجتماعی، بیروت، دارالاضواء، چاپ پنجم، ۱۹۹۸ م. ۶۴. فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی (بزرگ سال و جوان)، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۵۲. ۶۵. _____، گفتار فلسفی (جوان)، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۵۲. ۶۶. کاظم‌زاده، علی، تفاوت حقوق زن و مرد در نظام حقوقی ایران، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲. ۶۷. کجاف، محمدباقر، روان‌شناسی رفتار جنسی، تهران، نشر روان، ۱۳۷۸. ۶۸. کلینی رازی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۶۵. ۶۹. متمسک، الهام، مقاله «نگاه ویژه»، ماهنامه حوراء، شماره چهارم، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۳. ۷۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ. ق. ۷۱. _____، حیاة القلوب، قم، انتشارات سرور، چاپ اول، ۱۳۷۵. ۷۲. _____، حیلۃ المتقین، قم، انتشارات هجرت، چاپ یازدهم، ۱۳۷۸. ۷۳. مجله زن روز، شماره ۱۲۹۴، مورخ ۱۷/۹/۱۳۶۹. ۷۴. مجموعه من العلماء و المتفکرین، المتعه و مشروعیتها فی الاسلام، بیروت، دارالزهراء، چاپ پنجم، ۱۹۹۵ م. ۷۵. مجیدی، محمدرضا، پایان‌نامه «روابط زن و مرد در دین اسلام، مسیحیت و یهود»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران. ۷۶. محمدقاسمی، حمید، اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳. ۷۷. مرکز امور مشارکت زنان، سیمای زن در جهان (استرالیا)، تهران، نشر برگ زیتون، چاپ اول، ۱۳۷۷. ۷۸. _____، سیمای زن در جهان (امریکا)، تهران، نشر برگ زیتون، چاپ اول، ۱۳۷۷. ۷۹. _____، سیمای زن در جهان (چین)، تهران، نشر برگ زیتون، چاپ اول، ۱۳۷۷. ۸۰. _____، سیمای زن در جهان (سوریه)، تهران، نشر برگ زیتون، چاپ اول، ۱۳۷۷. ۸۱. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، جلد دوم، قم، مؤسسه امام خمینی رحمه‌الله، چاپ هفتم، ۱۳۸۳. ۸۲. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، قم، صدرا، بی‌تا. ۸۳. _____، مسئله حجاب، قم، صدرا، چاپ چهارم، بی‌تا. ۸۴. _____، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، چاپ شرکت افست، چاپ نهم، ۱۳۵۹. ۸۵. مظاهری، علی‌اکبر، خانواده ایرانی، ترجمه: عبدالله توکلی، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۷. ۸۶. مقیمی حاجی، ابوالقاسم، جوانان و روابط، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، ۱۳۸۰، برگرفته از: پایگاه اینترنتی: www.andisheqom.com ۸۷. مکارم شیرازی، ناصر و هم‌کاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۷۹. ۸۸. مکنون، ثریا و مریم صانع‌پور، بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴. ۸۹. مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۶۳. ۹۰. م.م. تحلیلی از گفتار ریاست جمهوری پیرامون ازدواج موقت، تهران، بنیادبعثت، چاپ اول، ۱۳۸۳. ۹۱. موسوی خمینی رحمه‌الله، روح الله تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی‌تا. ۹۲. مهدوی فر، محمد، پیوند کوتاه و مقدس، قم، نشر جمال، چاپ اول، ۱۳۸۱. ۹۳. مهرآبادی، میترا، زن ایرانی به روایت تاریخ‌نویسان فرنگی، تهران، نشر آفرینش - روزگار، چاپ اول، ۱۳۷۹. ۹۴. مهکام، رضا، خانه‌گریزی دختران، ریشه‌ها و پی‌آمدها، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۳. ۹۵. میشل، آندره، مقاله «خانواده در گذشته و حال اروپا»، نشریه پیام یونسکو، شماره ۲۳۰، مرداد ۱۳۷۰. ۹۶. نراقی، ملا-احمد، معراج السعادة، تهران، انتشارات جاویدان، بی‌تا. ۹۷. نوابی نژاد، شکوه، «خانواده در جهان معاصر (مصاحبه با خانم دکتر نوابی نژاد)»، ماهنامه حوراء، شماره چهارم، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۳. ۹۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، چاپ اول،

۱۴۰۸ هـ . ق. ۹۹. وردانی، صالح، زواج المتعنه حلال، قاهره، نشر کتوتنه، چاپ اول، ۱۹۹۷ م. ۱۰۰. هاجری، عبدالرسول، مقاله «واژه‌نامه زنان»، نشریه حوراء، شماره چهارم، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۳. ۱۰۱. هادی، اسماعیل، دورنمای حقوقی ازدواج موقت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴. ۱۰۲. هندی، حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ هـ . ق. ۱۰۳. «یالثارات»، شماره ۳۲۴، چهارشنبه ۲۸/۲/۱۳۸۴. ۱۰۴. یزدانی، عباس، آزادی (تحلیلی از آزادی و اخلاق جنسی)، قم، ۱۳۷۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشرف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی /مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۱-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

